



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# چگونه عاقبت بخیر شویم؟

به کوشش : محمّد طاهری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چگونه عاقبت به خیر شویم

نویسنده:

محمد طاهری

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۶	چگونه عاقبت به خیر شویم
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	فهرست مطالب
۴۱	پیشگفتار
۴۹	مقدمه
۵۷	جلسه اول ماه مبارک رمضان
۵۷	اشاره
۵۷	اهمیت ماه مبارک رمضان
۵۹	مبحث عاقبت به خیری
۵۹	درخواست سه نفر از آیات عظام از امام رضا (علیه السلام)
۶۲	عاقبت به خیری در آیات و روایات
۶۲	سفارش قرآن به اهل ایمان
۶۳	حق تقوا چیست؟
۶۴	عاقبت عبدالملک مروان
۶۵	جلسه دوم ماه مبارک رمضان
۶۵	اشاره
۶۵	خلاصه بحث
۶۶	وصیت ابراهیم و یعقوب به فرزندان
۶۸	راسخون و مسئله عاقبت به خیری
۶۹	چند نکته
۷۰	دعا و تضرع شبانه پیامبر صلی الله علیه وسلم
۷۱	لزوم تدبّر در قرآن

۷۲	معنای «حسنه» در دنیا و آخرت
۷۴	جلسه سوم ماه مبارک رمضان
۷۴	اشاره
۷۴	خلاصه بحث
۷۵	تمثیل نور در قرآن
۷۶	خروج از ظلمت و ورود به نور
۷۷	مراد از نور و ظلمت
۷۸	ویژگی های آخرالزمان
۸۵	آثار گناهان در آخرالزمان
۸۶	راه های نجات در آخرالزمان
۹۱	جلسه چهارم ماه مبارک رمضان
۹۱	اشاره
۹۱	خلاصه بحث
۹۲	اكتسابی و تحصیلی بودن عاقبت به خیری
۹۲	عاقبت به خیری در ادعیه و زیارات
۹۳	عاقبت به خیری در زیارت عاشورا
۹۳	اهمیت خواندن زیارت عاشورا
۹۷	عاقبت به خیری در دعاهای صحیفه سجادیه
۱۰۵	جلسه پنجم ماه مبارک رمضان
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	خلاصه بحث
۱۰۵	شیخ حسنعلی نخودکی و راهکار گشایش مشکلات
۱۰۶	آثار نماز اول وقت
۱۰۸	حکایت سفارش امام زمان (علیه السلام) به جوان درباره نماز اول وقت
۱۱۱	نماز سیدالشهدا (علیه السلام) در ظهر عاشورا در اول وقت
۱۱۲	مؤمن و خوف از عاقبت خود

۱۱۳	اول خوب و آخر بد
۱۱۳	حکایت ثعلبه و عاقبت او
۱۱۵	اهمیت دعا درباره عاقبت خود
۱۱۶	حکایت کودک زیرک و پادشاه
۱۱۷	درخواست مرحوم آیتالله ابطحی از امام زمان (علیه السلام)
۱۱۹	جلسه ششم ماه مبارک رمضان
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	خلاصه بحث
۱۲۱	عوامل عاقبت به خیری در سخن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر
۱۲۱	نصیحت بهلول به هارون
۱۲۴	حکایت گریه مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین یزدی
۱۲۵	جشن عروسی مؤمنانه در لس آنجلس
۱۲۸	حکایت شبلی
۱۳۰	جلسه هفتم ماه مبارک رمضان
۱۳۰	اشاره
۱۳۰	خلاصه بحث
۱۳۱	ادامه حدیث رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره عوامل عاقبت به خیری
۱۳۲	عوامل آرامش زندگی در سخن امام صادق (علیه السلام)
۱۳۴	امام سجاد (علیه السلام) و توشه آخرت
۱۳۵	حضرت خدیجه علیها السلام و بذل ثروت در راه خدا
۱۳۶	اهمیت دست گیری از مستمندان
۱۳۸	حکایت سلطان محمود و ایاز
۱۴۲	جلسه هشتم ماه مبارک رمضان
۱۴۲	اشاره
۱۴۲	خلاصه بحث
۱۴۴	آثار دنیوی اعمال

- ۱۴۵ ..... حکایت زن بدزبان و عاقبت او
- ۱۴۷ ..... عوامل عاقبت به خیری در نامه امام صادق (علیه السلام)
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۸ ..... ۱. مراعات حق خدا
- ۱۴۹ ..... شش کار از بنده و شش پاسخ از خدا
- ۱۵۱ ..... حکایت پادشاه و حکمت قطع انگشت او
- ۱۵۳ ..... حکایت طلبه فقیر و ناصرالدین شاه
- ۱۵۶ ..... جلسه نهم ماه مبارک رمضان
- ۱۵۶ ..... اشاره
- ۱۵۶ ..... خلاصه بحث
- ۱۵۷ ..... ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری
- ۱۵۸ ..... رابطه حق الله و حق الناس
- ۱۵۹ ..... چند مثال ساده از مصادیق حق الناس
- ۱۶۲ ..... حکایت نشستن بهلول بر تخت هارون
- ۱۶۳ ..... امتناع امام خمینی از پا گذاشتن روی کفش طلاب
- ۱۶۴ ..... سلب توفیق نماز شب به خاطر یک دانه خرماي نارس
- ۱۶۴ ..... چه کنیم دعایمان مستجاب شود؟
- ۱۶۵ ..... گرفتاری شیخ عباس قمی در برزخ به خاطر یک جلد کتاب
- ۱۶۶ ..... پاک شدن همه گناهان، شهید جز حق الناس
- ۱۶۷ ..... جلسه دهم ماه مبارک رمضان
- ۱۶۷ ..... اشاره
- ۱۶۷ ..... خلاصه بحث
- ۱۶۷ ..... ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری
- ۱۶۸ ..... مسامحه در پرداخت بدهی مصادیق حق الناس
- ۱۶۹ ..... خمس مصادیق حق الناس
- ۱۶۹ ..... سید ابوالحسن اصفهانی و تاجر یهودی



۱۷۲	حکایت پرداخت خمس تاجر و وسوسه شیطان
۱۷۳	جلسه یازدهم ماه مبارک رمضان
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	خلاصه بحث
۱۷۳	ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری
۱۷۴	شیخ مرتضی انصاری و رعایت حق الناس
۱۷۵	ضرورت ادای دین و حق الناس قبل از مرگ
۱۷۶	۲. خرج نکردن نعمت خدا در راه معصیت
۱۷۸	روحانی و نقل حکایت بشر حافی برای جوان گناهکار
۱۸۰	جلسه دوازدهم ماه مبارک رمضان
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	خلاصه بحث
۱۸۱	ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری
۱۸۱	حکایت شگفت جوان زیباروی بصره و ترک گناه
۱۸۳	۳. مغرور نبودن به حلم خدا
۱۸۵	حکایت حضرت موسی (علیه السلام) و جوان گناهکار
۱۸۶	۴. احسان به محبان اهل بیت علیهم السلام
۱۸۷	خروج امام حسن مجتبی (علیه السلام) از اعتکاف و کمک به شخص بدهکار
۱۸۸	چه کسی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شبیه تر است؟
۱۹۰	آثار نیکی و احسان
۱۹۰	حکایت پهلول و صدای شیهه اسب
۱۹۱	حکایت پهلول و زبیده، همسر هارون
۱۹۳	جلسه سیزدهم ماه مبارک رمضان
۱۹۳	اشاره
۱۹۳	شب قدر
۱۹۳	خلاصه بحث

- عاقبت یکی از خوارج نهروان ..... ۱۹۴
- عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن ..... ۱۹۶
- اشاره ..... ۱۹۶
۱. ایمان ..... ۱۹۶
- ایمان خالص نه ایمان آلوده به ظلم ..... ۱۹۷
- جلسه چهاردهم ماه مبارک رمضان ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- خلاصه بحث ..... ۲۰۰
- عاقبت کسی که به امام حسین (علیه السلام) زخم زبان زد ..... ۲۰۱
- معصومین علیهم السلام و دغدغه عاقبت به خیری ..... ۲۰۱
- ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن ..... ۲۰۳
- همراهی ایمان با ولایت ..... ۲۰۳
- حضرت علی (علیه السلام) و رفع شبهه جوان در جنگ صفین ..... ۲۰۷
- جلسه پانزدهم ماه مبارک رمضان ..... ۲۰۹
- اشاره ..... ۲۰۹
- خلاصه بحث ..... ۲۰۹
- ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن ..... ۲۱۰
۲. تقوا ..... ۲۱۰
- پنج توصیه شیخ عباس قمی درباره تقوا ..... ۲۱۱
- دو طرفه بودن تقوا ..... ۲۱۴
- برتری جویی و فساد در زمین منشأ بی تقوایی و گناه ..... ۲۱۵
- چرا جوامع بی ایمان در ناز و نعمتند؟ ..... ۲۱۶
- تقوا، تنها معیار امتیاز انسانها از یکدیگر ..... ۲۱۶
- جلسه شانزدهم ماه مبارک رمضان ..... ۲۱۸
- اشاره ..... ۲۱۸
- خلاصه بحث ..... ۲۱۸

- ۲۱۸ ..... نشانه های تقوا
- ۲۱۹ ..... آثار تقوا در روابط اجتماعی و خانوادگی
- ۲۲۱ ..... مدارا با مردم
- ۲۲۳ ..... داستان مارگیر و اژدها
- ۲۲۴ ..... مدارای زوجین
- ۲۲۵ ..... کنترل نفس
- ۲۲۸ ..... جلسه هفدهم ماه مبارک رمضان
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... خلاصه بحث
- ۲۲۹ ..... میدان ندادن به نفس اماره
- ۲۳۰ ..... جهاد اکبر
- ۲۳۱ ..... نفس پرستی خطرناک تر از بت پرستی
- ۲۳۲ ..... اعتراض پیرمرد به جنایات منصور دوانیقی
- ۲۳۳ ..... نقل عبرت های چین و هند برای منصور دوانیقی
- ۲۳۴ ..... ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن
- ۲۳۴ ..... ۳. توبه
- ۲۳۵ ..... داستان فضیل عیاض
- ۲۳۸ ..... شروط چهارگانه توبه
- ۲۳۸ ..... آثار توبه برای تائب
- ۲۴۰ ..... جلسه هیجدهم ماه مبارک رمضان
- ۲۴۰ ..... اشاره
- ۲۴۰ ..... خلاصه بحث
- ۲۴۱ ..... معنای توبه
- ۲۴۲ ..... باز بودن راه توبه
- ۲۴۳ ..... ملاطفت امام صادق (علیه السلام) با همسایه ابابصیر
- ۲۴۵ ..... ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

۴. اخلاص ..... ۲۴۵
- آثار اخلاص ..... ۲۴۷
- نتیجه اخلاص شیخ عباس قمی ..... ۲۴۷
- اخلاص، شرط قبولی عمل ..... ۲۴۸
- حکایت پهلول و مسجد تجار ..... ۲۴۹
۵. دعای خیر پدر و مادر ..... ۲۴۹
- اثر دعای پدر بر زندگی آیت الله مرعشی ..... ۲۵۰
- همنشینی حضرت موسی (علیه السلام) در بهشت با نیکی در حق مادر ..... ۲۵۱
- نیکی به پدر و مادر پس از مرگ آنان ..... ۲۵۲
- جلسه نوزدهم ماه مبارک رمضان ..... ۲۵۴
- اشاره ..... ۲۵۴
- خلاصه بحث ..... ۲۵۴
- دسته بندی انسان ها بر اساس عاقبت آنان ..... ۲۵۴
- عوامل سوء عاقبت ..... ۲۵۶
- اشاره ..... ۲۵۶
۱. شرک ..... ۲۵۶
- اشاره ..... ۲۵۶
- ریا نمادی از شرک ..... ۲۵۷
- مراتب اخلاص حضرت مریم علیها السلام ..... ۲۵۹
۲. فساد و سرکشی ..... ۲۶۰
- اشاره ..... ۲۶۰
- گناه عامل سیاهی قلب ..... ۲۶۱
۳. حب دنیا و دنیازدگی ..... ۲۶۳
- عاقبت شریح قاضی ..... ۲۶۴
- عاقبت بلعم باعورا ..... ۲۶۴
- جلسه بیستم ماه مبارک رمضان ..... ۲۶۸

۲۶۸	اشاره
۲۶۸	خلاصه بحث
۲۶۹	ادامه بحث عوامل سوء عاقبت
۲۷۰	۴. ناشکری
۲۷۲	۵. هتک حرمت مؤمن
۲۷۳	حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه
۲۷۳	بدگمانی به مؤمن، مصداق هتک حرمت
۲۷۴	عیبجویی از مؤمن مصداق هتک حرمت
۲۷۶	سخن چینی مصداق هتک حرمت
۲۷۷	۶. تکذیب انبیاء و اولیای الهی
۲۷۸	حسان ابن ثابت و عاقبت او
۲۷۹	۷. دوست بد
۲۸۰	ویژگی های دوست خوب از منظر روایات
۲۸۲	۸. غش در معامله
۲۸۳	آثار دغلكاری در معامله
۲۸۴	۹. غرور و اطمینان به نفس
۲۸۶	جلسه بیست و یکم شب نوزدهم ماه مبارک رمضان
۲۸۶	اشاره
۲۸۶	بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام) در شب قدر
۲۸۷	شدت علاقه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام)
۲۸۸	فضائل حضرت علی (علیه السلام) از زبان جبرئیل
۲۸۹	درهای ویژه بهشت برای ورود شیعیان علی (علیه السلام)
۲۹۰	عمار ذهنی نمونه ای از شیعیان علی (علیه السلام)
۲۹۲	امتیازات ویژه شیعیان علی علیه السلام
۲۹۳	معیارهای شیعیان علی (علیه السلام)
۲۹۹	جلسه بیست و دوم شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان

- ۲۹۹ ..... اشاره
- ۲۹۹ ..... بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام)
- ۳۰۰ ..... جایگاه حضرت علی (علیه السلام) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم
- ۳۰۱ ..... حکایت اباذر و خلیفه دوم
- ۳۰۲ ..... علی (علیه السلام)، تمامیت ایمان
- ۳۰۳ ..... حکایت حام ابن، حیم یکی از فرزندان ابلیس
- ۳۰۴ ..... علی (علیه السلام) از زبان خودش
- ۳۰۵ ..... شیعه بودن عملی نه زبانی
- ۳۰۵ ..... صفات شیعیان علی (علیه السلام) در بیان خود حضرت
- ۳۱۴ ..... جلسه بیست و سوم شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۳۱۴ ..... اشاره
- ۳۱۴ ..... لیل و لیالی در قرآن
- ۳۱۵ ..... تشبیه دنیا به شب
- ۳۱۶ ..... تاریکی دنیا و نیاز انسان به نور
- ۳۱۷ ..... تشبیه زیبای قرآن درباره نور الهی
- ۳۱۷ ..... نور امام معصوم (علیه السلام)
- ۳۱۹ ..... دامنه نور ایمان تا قیامت
- ۳۲۰ ..... شب قدر شب تفکر
- ۳۲۵ ..... جلسه بیست و چهارم شب قدر
- ۳۲۵ ..... اشاره
- ۳۲۵ ..... شب قدر شب برکت
- ۳۲۶ ..... نزول قرآن و رابطه آن با سرنوشت انسان
- ۳۲۷ ..... استقبال پیامبر صلی الله علیه وسلم از ماه مبارک رمضان
- ۳۲۷ ..... شب قدر کدام شب است؟
- ۳۲۸ ..... اختصاص برخی از زمانها به امر الهی
- ۳۲۸ ..... تفسیر آیه دوازدهم سوره فصلت

۳۳۰	.....	احیای شب قدر
۳۳۰	.....	دلایل مبارکی شب قدر
۳۳۳	.....	فضیلت سوره قدر
۳۳۳	.....	تفسیر سوره قدر
۳۳۶	.....	اعمال شب قدر
۳۴۱	.....	منابع
۳۴۷	.....	فهرست نمایه ها
۳۶۲	.....	نمایه روایات
۳۸۵	.....	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان دیگر: سلسله سخنرانیهای حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده

موضوع هاشم زاده سید مهدی، 1361- وعظ

موضوع رستگاری (اسلام)

موضوع Islam-- Salation

موضوع رستگاری (اسلام) احادیث

موضوع Islam-- Hadiths-- Salation

موضوع رستگاری (اسلام)-- جنبه های قرآنی

موضوع Quranic teaching-- Islam-- Salation

شناسه افزوده ، طاهری ، محمد 1327، گردآورنده

رده بندی کنگره BP10/5

رده بندی دیویی 297/08

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره



تقدیم :

روح پاک برادر شهیدم مرتضی

روح مطهر پدر و مادر عزیزم

همسر وفادارم

خواهر رنج دیده ام «نصرت»

ص: 2

چگونه عاقبت بخیر شویم؟

سلسله سخنرانی های حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده

به کوشش محمد طاهری

تهران

1398

ص: 3

چگونه عاقبت بخیر شویم؟

سلسله سخنرانی های حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده

به کوشش محمد طاهری

ناشر هستی، نما ویراستار فریبرز راهدان، مفرد: چاپ اول زمستان 1398 شمارگان 1500 قیمت 35000 تومان، 340 صفحه

شابک 978-964-95370-4-6

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر هستی نما

نشانی تهران ص - پ: 13145 753

تلفن: 09121521038

E-mail: [Hastinama@mail.com](mailto:Hastinama@mail.com)

سرشناسه هاشم زاده مهدی 1361

عنوان و نام پدیدآور چگونه عاقبت بخیر شویم؟ سلسله سخنرانیهای حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده به کوشش محمد طاهری

مشخصات نشر: تهران هستی نما 1398

مشخصات ظاهری 340 ص.

فروست مجموعه پژوهشهای تعلیم و تربیت؛ 10

شابک 350000 ریال

ISBN: 978-622-95370-4-6

فهرست نویسی فیپا

یادداشت کتابنامه

یادداشت نمایه

ص: 4

## فهرست مطالب

پیشگفتار... 17

مقدمه... 25

جلسه اول 33

اهمیت ماه مبارک رمضان... 33

مبحث عاقبت به خیری... 35

درخواست سه نفر از آیات عظام از امام رضا (علیه السلام)... 35

عاقبت به خیری در آیات و روایات... 38

سفارش قرآن به اهل ایمان... 38

حق تقوا چیست؟... 39

عاقبت عبدالملک مروان... 40

جلسه دوم 41

خلاصه بحث... 41

وصیت ابراهیم و یعقوب به فرزندان... 42

راسخون و مسئله عاقبت به خیری... 44

چند نکته... 45

دعا و تضرع شبانه پیامبر صلی الله علیه وسلم... 46

لزوم تدبیر در قرآن... 47

معنای «حسنه» در دنیا و آخرت... 48

ص: 5

جلسه سوم 50

خلاصه بحث 50...

تمثیل نور در قرآن 51...

خروج از ظلمت و ورود به نور 52...

مراد از نور و ظلمت 53...

ویژگی های آخرالزمان 54...

آثار گناهان در آخرالزمان 61...

راه های نجات در آخرالزمان 62...

جلسه چهارم 67

خلاصه بحث 67...

اکتسابی و تحصیلی بودن عاقبت به خیری 68...

عاقبت به خیری در ادعیه و زیارات 68...

عاقبت به خیری در زیارت عاشورا 69...

اهمیت خواندن زیارت عاشورا..... 69

عاقبت به خیری در دعاهای صحیفه سجادیه 73...

جلسه پنجم 81

خلاصه بحث 81...

شیخ حسنعلی نخودکی و راهکار گشایش مشکلات 81...

آثار نماز اول وقت 82...

حکایت سفارش امام زمان (علیه السلام) به جوان درباره نماز اول وقت 84...

نماز سیدالشهدا (علیه السلام) در ظهر عاشورا در اول وقت 87...

مؤمن و خوف از عاقبت خود...88

اول خوب و آخر بد...89

ص: 6

حکایت ثعلبه و عاقبت او... 89

اهمیت دعا درباره عاقبت خود... 91

حکایت کودک زیرک و پادشاه... 92

درخواست مرحوم آیت الله ابطحی از امام زمان (علیه السلام)... 93

جلسه ششم 95

خلاصه بحث... 95

عوامل عاقبت به خیری در سخن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر... 97

1. کم کردن خواسته ها... 97

نصیحت بهلول به هارون... 97

2. کم کردن گناهان... 99

حکایت گریه مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین یزدی... 100

جشن عروسی مؤمنانه در لس آنجلس... 101

3. فناعت... 103

حکایت شبلی... 104

جلسه هفتم 106

خلاصه بحث... 106

ادامه حدیث رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره عوامل عاقبت به خیری... 107

عوامل آرامش زندگی در سخن امام صادق (علیه السلام)... 108

4. پیش فرستادن مال برای آخرت... 109

امام سجاد (علیه السلام) و توشه آخرت... 110

حضرت خدیجه علیها السلام و بذل ثروت در راه خدا... 111

اهمیت دستگیری از مستمندان... 112

5 آمادگی برای مرگ... 113

ص: 7



6 غافل نشدن از انجام واجبات... 114

حکایت سلطان محمود و ایاز... 114

7. کوشش برای آخرت... 116

جلسه هشتم 118

خلاصه بحث... 119

آثار دنیوی اعمال... 120

حکایت زن بدزبان و عاقبت او... 121

عوامل عاقبت به خیری در نامه امام صادق (علیه السلام)... 123

1. مراعات حق خدا... 124

عظمت حقوق الهی... 125

شش کار از بنده و شش پاسخ از خدا... 125

حکایت پادشاه و حکمت قطع انگشت او... 127

حکایت طلبه فقیر و ناصرالدین شاه... 129

جلسه نهم 132

خلاصه بحث... 132

ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری... 133

رابطه حق الله و حق الناس... 134

چند مثال ساده از مصادیق حق الناس... 135

حکایت نشستن بهلول بر تخت هارون... 138

امتناع امام خمینی از پا گذاشتن روی کفش طلاب... 139

سلب توفیق نماز شب به خاطر یک دانه خرماي .نارس... 140

چه کنیم دعايمان مستجاب شود؟... 140

گرفتاری شیخ عباس قمی در برزخ به خاطر یک جلد کتاب... 141

پاک شدن همه گناهان، شهید جز حق الناس... 142

ص: 8

جلسه دهم 143

خلاصه بحث ... 143

ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری ... 143

مسامحه در پرداخت بدهی مصداق حق الناس ... 144

خمس مصداق حق الناس ... 145

سید ابوالحسن اصفهانی و تاجر یهودی ... 145

حکایت پرداخت خمس تاجر و وسوسه شیطان ... 148

جلسه یازدهم 149

خلاصه بحث ... 149

ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری ... 149

شیخ مرتضی انصاری و رعایت حق الناس ... 150

ضرورت ادای دین و حق الناس قبل از مرگ ... 151

2. خرج نکردن نعمت خدا در راه معصیت ... 152

روحانی و نقل حکایت بشر حافی برای جوان گناهکار ... 154

جلسه دوازدهم 156

خلاصه بحث ... 156

ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری ... 157

حکایت شگفت جوان زیباروی بصره و ترک گناه ... 157

3. مغرور نبودن به حلم خدا ... 159

حکایت حضرت موسی (علیه السلام) و جوان گناهکار ... 161

4. احسان به محبان اهل بیت علیهم السلام ... 162

خروج امام حسن مجتبی (علیه السلام) از اعتکاف و کمک به شخص بدهکار... 163

چه کسی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شبیه تر است؟... 164

ص: 9

آثار نیکی و احسان... 166

حکایت بهلول و صدای شیهه اسب... 166

حکایت بهلول و، زبیده همسر هارون... 167

جلسه سیزدهم 169

شب قدر... 169

خلاصه بحث... 169

عاقبت یکی از خوارج نهروان... 170

عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن... 172

1. ایمان... 172

ایمان خالص نه ایمان آلوده به ظلم... 173

جلسه چهاردهم 176

خلاصه بحث... 176

عاقبت کسی که به امام حسین (علیه السلام) زخم زبان زد... 177

معصومین السلام و دغدغه عاقبت به خیری... 177

ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن... 179

همراهی ایمان با ولایت... 179

حضرت علی (علیه السلام) و رفع شبهه جوان در جنگ صفین... 183

جلسه پانزدهم 185

خلاصه بحث... 185

ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن... 186

2. تقوا... 186

پنج توصیه شیخ عباس قمی درباره تقوا... 187

دو طرفه بودن تقوا... 190

ص: 10

برتری جویی و فساد در، زمین منشأ بی تقوایی و گناه... 191

چرا جوامع بی ایمان در ناز و نعمتند؟... 192

تقوا، تنها معیار امتیاز انسانها از یکدیگر... 192

جلسه شانزدهم 194

خلاصه بحث... 194

نشانه های تقوا... 194

آثار تقوا در روابط اجتماعی و خانوادگی... 195

مدارا با مردم... 197

داستان مارگیر و ازدها... 199

مدارای زوجین... 200

کنترل نفس... 201

جلسه هفدهم 204

خلاصه بحث... 204

میدان ندادن به نفس اماره ..... 205

جهاد اکبر... 206

نفس پرستی خطرناک تر از بت پرستی... 207

اعتراض پیرمرد به جنایات منصور دوانیقی... 208

نقل عبرتهای چین و هند برای منصور دوانیقی... 209

ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن... 210

3 توبه... 210

داستان فضیل عیاض... 211

شروط چهارگانه توبه ... 214

آثار توبه برای نائب ... 214

ص: 11



جلسه هیجدهم 216

خلاصه بحث... 216

معنای توبه... 217

بازبودن راه توبه... 218

ملاطفت امام صادق (علیه السلام) با همسایه ابابصیر... 219

ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن... 221

4. اخلاص... 221

آثار اخلاص... 223

نتیجه اخلاص شیخ عباس قمی... 223

، اخلاص، شرط قبولی عمل... 224

حکایت بهلول و مسجد تجار... 225

5. دعای خیر پدر و مادر... 225

اثر دعای پدر بر زندگی آیتالله مرعشی... 226

همنشینی حضرت موسی (علیه السلام) در بهشت با نیکی در حق مادر... 227

نیکی به پدر و مادر پس از مرگ آنان... 228

جلسه نوزدهم 230

خلاصه بحث... 230

دسته بندی انسانها بر اساس عاقبت آنان... 230

عوامل سوء عاقبت... 232

1 شرک... 232

ریا، نمادی از شرک... 233

مراتب اخلاص حضرت مریم علیہا السلام... 235

2. فساد و سرکشی... 236

ص: 12

گناه عامل سیاهی قلب... 237

حُب دنیا و دنیازدگی... 239

عاقبت شریح قاضی... 240

عاقبت بلعم باعورا... 240

جلسه بیستم 244

خلاصه بحث... 244

ادامه بحث عوامل سوء عاقبت... 245

4. ناشکری... 246

5 هتک حرمت مؤمن... 248

حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه... 249

بدگمانی به مؤمن مصداق هتک حرمت... 249

عیبجویی از مؤمن مصداق هتک حرمت... 250

سخن چینی مصداق هتک حرمت... 252

6. تکذیب انبیاء و اولیای الهی... 253

حسان ابن ثابت و عاقبت او... 254

7 دوست بد... 255

ویژگیهای دوست خوب از منظر روایات... 256

8. غش در معامله... 258

آثار دغلکاری در معامله... 259

9. غرور و اطمینان به نفس... 260

جلسه بیست و یکم (شب نوزدهم ماه مبارک رمضان) 262

بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام) در شب قدر ... 262

شدت علاقه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام) ... 263

ص: 13

- فضائل حضرت علی (علیه السلام) از زبان جبرئیل ... 264
- درهای ویژه بهشت برای ورود شیعیان علی (علیه السلام) ... 265
- عمار، دهنی نمونه ای از شیعیان علی (علیه السلام) ... 266
- امتیازات ویژه شیعیان علی (علیه السلام) ... 268
- معیارهای شیعیان علی (علیه السلام) ... 269
- جلسه بیست و دوم (شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان) 275
- بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام) ... 275
- جایگاه حضرت علی علا نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ... 276
- حکایت اباذر و خلیفه دوم ... 277
- علی (علیه السلام)، تمامیت ایمان ... 278
- حکایت حام ابن، حیم یکی از فرزندان ابلیس ... 279
- علی (علیه السلام) از زبان خودش ... 280
- شیعه بودن، عملی نه زبانی ... 281
- صفات شیعیان علی (علیه السلام) در بیان خود حضرت ... 281
- جلسه بیست و سوم (شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان) 290
- لیل و لیالی در قرآن ... 290
- تشبیه دنیا به شب ... 291
- تاریکی دنیا و نیاز انسان به نور ... 292
- تشبیه زیبای قرآن درباره نور الهی ... 293
- نور امام معصوم (علیه السلام) ... 293
- دامنه نور ایمان تا قیامت ... 295



جلسه بیست و چهارم شب قدر 301

شب، قدر شب، برکت... 301

نزول قرآن و رابطه آن با سرنوشت انسان... 302

صلی الله استقبال پیامبر صلی الله علیه وسلم از ماه مبارک رمضان... 303

شب قدر کدام شب است؟... 303

اختصاص برخی از زمانها به امر الهی... 304

تفسیر آیه دوازدهم سوره فصلت... 304

احیای شب قدر... 306

دلایل مبارکی شب قدر... 306

فضیلت سوره قدر... 309

تفسیر سوره قدر... 309

اعمال شب قدر... 312

منابع... 317

فهرست نمایه ها... 321

نمایه آیات... 321

نمایه روایات... 329

ص: 15





## خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (1)

خداوند باری تعالی پس از این که انسان را خلق کرد علم «بیان» را به او آموخت این علم وجه تمایز انسان با حیوان و سایر موجودات عالم است.

«بیان» از نظر مفهوم لغت معانی گسترده ای دارد و به هر چیزی گفته میشود که مبین و آشکار کننده چیزی باشد بنابراین، نه فقط نطق و سخن گفتن را شامل میشود بلکه حتی کتابت خط، شعر، موسیقی، علامتها، رمزها، نگاه، گریه خنده و انواع استدلالات عقلی و منطقی که مبین موضوعات گوناگون و پیچیده است، همه در مفهوم بیان است.

جمع البته شاخص برتر در میان این مجموعه همان سخن گفتن است. سخن گفتن پیچیده ترین و ظریفترین اعمال انسان است؛ نعمت بزرگی که سبب تکامل و پیشرفت زندگی انسانها، علم، تمدن دین و اخلاق گردیده است. دانشمندان انسان را به سبب نطق یا نفس ناطقه برتر از موجودات دیگر دانسته اند. بر همین اساس لازم است گفتار و بیان آدمی براساس تعقل و در مسیر هدف خاصی انجام گردد و با هر بیانی، قدمی به سوی کمال انسانیت بردارد و بالا رود تا به مقام عالی انسانیت برسد.

ص: 17

اهل، بیان هنرمندان و بدیع، نگاران جانشینان خدا در روی زمین هستند که **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً**؛ (1) «ما می‌خواهیم در زمین برای خود جانشینی قرار دهیم».

برخی می‌گویند «بیان» اسم اعظم خدا و کلید همه افکار و اندیشه‌ها و رمز تمام اموری است که بشر به آن نیاز دارد پس همه چیز در بیان خلاصه می‌شود و تعالیم قرآنی بدون بیان عملی نمی‌شود.

خطابه و، بیان نعمتی شریف از جانب خداوند است و چنان باید باشد که دیگران تحت تأثیر آن قرار گیرند؛ گویی که سخنور آنان را جادو کرده است از همین، روی پیغمبر اکرم - (صلی الله علیه وآله وسلم) «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا». (2) نمونه بارز این گونه خطیب و سخنور حضرت علی بن ابی طالب علی (علیه السلام) است که خود فرمود: «أَنَا لَا مَرَاءَ الْكَلَامِ»؛ (3) «همانا که ما امیران کلام هستیم»

نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا

در جهان، ملک سخنرانی مسلم شد مرا (4)

جاحظ نویسنده بزرگ عرب می‌گوید آرزو داشتم که هیچ یک از آثارم را نمی‌داشتم؛ ولی یکی از خطبه‌های علی (علیه السلام) به نام من می‌بود. خطیب و سخنران از آن جهت که طبقات مردم با فهم و درک متفاوت مورد خطاب او هستند باید سخنرانی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که با اهل علم و استدلال با حکمت و برهان سخن گوید و با مردم عادی

ص: 18

---

1- بقره، آیه 30

2- مفاتیح الجنان

3- نهج البلاغه، خطبه 224

4- افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی ملقب به خاقانی دیوان اشعار

موعظه حسنه و پند و اندرز نیکو را به کار بندد و با منکران با جدل هر چه نیکوتر روبه رو گردد؛ چنان که خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبر

خود می فرماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (1)

ای پیامبر مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن

خداوند باری تعالی در این آیه دستورالعمل بسیار خوبی را برای خطیب و سخنران بیان فرموده و روش تبلیغ و دعوت به سوی خدا و مناظره با مخاطبان را توضیح می دهد و ابتدا می فرماید با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن؛ زیرا نخستین گام در دعوت به حق استفاده از منطق صحیح و ارائه دلیل حساب شده برای بیدار کردن عقلهای خفته است.

دومین گام نیز استفاده از عواطف انسانهاست؛ چراکه موعظه و اندرز، بیشتر جنبه عاطفی دارد و با تحریک آن میتوان توده های عظیم مردم را به سوی حق متوجه کرد مقید کردن موعظه به حسنه شاید اشاره به این باشد که اندرز در صورتی مؤثر است که از هرگونه خشونت، برتری جویی، تحقیر طرف مقابل تحریک حس لجاجت و مانند آن خالی باشد.

سومین گام در مسیر تبلیغ دین مناظره با روش نیکوست مناظره نیز هنگامی مؤثر است که نیکو باشد یعنی حق و عدالت، دوستی و امانت و راستی بر آن حاکم باشد و از هرگونه توهین و تحقیر و برتری جویی خالی باشد و در یک کلام تمام جنبه های انسانی در آن حفظ شود.

ص: 19

در هر صورت سخنران باید گفتار خود را به نحوی تنظیم کند که هم برای جوانان و هم برای پیران مفید باشد؛ چون مخاطبان او هم از قشر جوان و هم سالمندان هستند و هر یک نیاز به مطالبی دارند که با نیاز دیگری متفاوت است

زبان درکش از عقل داری و هوش

چو سعدی سخن گوی، ورنه خموش (1)

حضرت علی (علیه السلام) را که ما صراط مستقیم صراط ملاطفت صراط علم و صراط اخلاق میدانیم و میشناسیم در خطبه سوم نهج البلاغه در انتقاد به خلیفه دوم میفرماید: «فَصَبْرَهَا فِي حَوْزَةِ خِشْنَاءِ» (2) یعنی: حکومت را به فضایی خشن کشاند از همین رو آنچه به عنوان دین وارد ایران، شد آن دینی نبود که ائمه اطهار علیهم السلام و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خواسته، بودند بلکه دینی بود که با زور شمشیر و از راه جدال به مردم ایران تحمیل شد.

در تمدن اسلامی انواع و اقسام خطابه وجود داشته که مهم ترین و متداول ترین، آن خطابه هایی است که به صورت وعظ در مساجد و بر روی منابر انجام می شده است.

در این گونه خطابه ها، خطیب نخست آیه ای از آیات قرآن کریم را که دارای مضمونی دینی و اخلاقی است، عنوان و آن را گزارش و تفسیر می کرده و سپس از احادیث حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و سخنان بزرگان شاهد و مثال می آورده و مردم را به رضایت و خشنودی خداوند در روز پاداش امیدوار می ساخته و از کیفر الهی آنان را

ص: 20

---

1- سعدی، بوستان باب هفتم.

2- نهج البلاغه، خطبه ششقیه، خطبه 2.

می ترسانده است در جوامع شیعی در پایان، سخن به شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) که برای نشر حق و حقیقت و اعتلای کلمه توحید و مبارزه با کفر و باطل از همه چیز خود گذشته و جان خود و کسان و فرزندان را در این راه داده است اشاره می شده است تا مردم او را اسوه و نمونه برای خود قرار دهند.

سنت خطابه منبری تا زمان ما تداوم یافته است و هر خطیب بر اطلاعات، معلومات ذوق و سلیقه، افراد طرفداران و هواخواهانی خاص دارد.

برگرداندن خطابه و سخنرانی به صورت مجلد در سخنرانی های وعاظ

معتبر کمتر اتفاق میافتد.

به یاد دارم که سخنرانی های مرحوم شیخ حسینعلی راشد (1) در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایام عاشورای سال 1361 قمری برابر با اوائل بهمن 1320 شمسی به مدت سه شب شب های نهم دهم و یازدهم (محرم از رادیو ایران پخش میشد ایشان در فاصله سالهای 1320 تا 1357 شمسی یعنی تا قبل از پیروزی انقلاب، هر شب جمعه به مدت نیم ساعت سخنرانی در رادیو داشت. این سخنرانی ها به صورت کتاب و در مجلدات زیاد (2) جمع آوری و تدوین شده است.

ص: 21

---

1- در تیرماه 1284 در روستایی در اطراف تربت حیدریه به دنیا آمد. پدرش ملاعباس تربتی مشهور به حاج آخوند بود. او در 7 آبان ماه 1359 ش بر اثر سگته مغزی درگذشت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد. فضیلت های فراموش شده شرح حال حاج آخوند ملاعباس تربتی راشد در این اثر ضمن بیان خاطراتی درباره پدرش مطالبی نیز درباره خود آورده است (با مقاله ای از جلال رفیع، تهران 1369 ش).

2- بیش از شانزده مجلد آن منتشر شده است.

سخنرانیهای ایشان بیشتر درباره دعوت به خدا و تشویق مردم به ایمان و عمل صالح و معرفی دین پیغمبر خدا بود. تا آنجا که ممکن بود بیشتر مطالب ایشان شامل آیات قرآن کریم بود و شنوندگان را بر پاره ای از تعلیمات و حکمت‌های قرآن مجید و جای آیات و طرز استشهاد به آنها آگاه می ساخت و باعث استحکام عقائد دینی آنان می گردید سخنان ایشان کمک مؤثری در تهذیب اخلاق و مؤدب ساختن مردم به آداب دینی بود ایشان در منبر به مسائل خلافی و مناقشات مذهبی و مطالبی که حجت آنها معلوم نیست یا به کار مردم نمی خورد، وارد نمیشد و فقط مطالبی میگفت که در بیدار کردن و نیرو دادن به عقل مردم و تهذیب اخلاق و اصلاح اعمال آنها مفید باشد و آنها را به مصالح علمی و اجتماعی متوجه سازد. ایشان در سخنرانی هایشان سعی داشت مطالب از نظر دین صحیح باشد؛ یعنی مسلّم و محل اتفاق نظر باشد و از نظر علم در نزد دانشمندان ب-دون ایراد باشد و با سنن خلقت و اصول اجتماع منافاتی نداشته باشد. هم چنین می کوشید بسیار ساده و آسان گفته شود و برای همه طبقات قابل فهم باشد و از هر گونه گوشه و کنایه و مدح و ذم و اغراض مطلقاً پاک باشد؛ زیرا سخن هنگامی که به منظور مصالح گفته شود به ندایی میماند که از آسمان بیاید و به مصداق این جمله که «سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند، در جان مخاطب اثر میگذارد»<sup>(1)</sup>

خلاصه کلام این که باید کاری کرد که مردم راه صحیح زندگی را بیاموزند و طوری فکر و عمل کنند که در زندگی آنها خیر و سعادت بر

ص: 22

---

1- ر. ک جعفر، پژوهم با راست قامتان پهنه، اندرز یادنامه، راشد انتشارات سخن، چاپ اول 1387.

شر و قساوت فزونی یابد؛ زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و سخنوران با هنر خود این زیبایی را در بهترین کلمات و عبارات می‌آیند و به مردم ارائه می‌دهند تا همگان به سوی حقیقت مطلق رهنمون گردند و چراغ روشنی شوند و با زدودن تاریکیها حق را آشکار و واقعیت ها را بنمایانند که به گفته سعدی

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست

عاشقم بر همه عالم عالم که همه که همه عالم ازوست

به غنیمت شمرای دوست دم عیسی صبح

تا دل مرده مگر زنده شود که این دم ازوست (1)

از آنجا که جناب حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده امام جماعت محترم مسجد و حسینیه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جوانی اهل مطالعه و تحقیق است و خطابه های خود را با استفاده از منابع قرآنی و روایات اهل بیت علیهم السلام بیان می کند، راقم بر آن شدم که سخنرانیهای ایشان در ماه مبارک رمضان را که درباره عاقبت به خیری است به صورت مکتوب درآورم و آن را در اختیار همگان بگذارم تا از آن منتفع شوند برای غنای بیشتر بحث و به حکم، ضرورت با استفاده از منابع دیگر آن را تکمیل و در قالب کتاب پیش رو آماده کردم.

امید است این عمل حقیر و این هدیه معنوی مورد عنایت حق باری تعالی و مقبول اهل علم و ادب واقع و در پیشگاه حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) پذیرفته شود.

در پایان از حاج آقای هاشم زاده که مشوق و راهنمای بنده در تدوین

ص: 23

1- سعدی، غزلیات.

این اثر بودند و هم چنین از جوانان کانون فرهنگی مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) که مباحث را با حوصله ضبط کردند و در اختیار بن-ده قرار دادند و خانم مریم طاهری و عطیه شیروانی که کار حروف نگاری و مقابله را انجام داده اند و استاد ارجمند جناب آقای یداله جنتی که علاوه بر راهنمایی های سودمند خویش برای مستندسازی متن این اثر را در مجموعه آثار هستینما منتشر کردند صمیمانه تشکر میکنم و از همه کسانی که در به ثمر رساندن این اثر و تولید و نشر آن در قالب مجلد حاضر متحمل زحمت شدند تقدیر مینمایم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب

العالمین

محمد طاهری

رمضان سال 1435 قمری

ص: 24



سپاس فراوان به درگاه پروردگار مهربان درود به ارواح مکرم پیامبران و پاکان و سلام به آستان والای روح مقدس زمان و جان تابناک جهان، بنیان گذار حاکمیت قرآن و فخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور، زمان حضرت ختمی مرتبت پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله و ائمه اطهار علیهم السلام و سلام و درود به ارواح پاک شهدا از صدر اسلام تاکنون باید بدانیم بدون حاکمیت ارزش ها سخن، مذهب عملی نمیگردد و ماهیت والای انسان به شمار نمی آید و واقعیت متحول زمان نیز پذیرفته نمی شود.

کوشش فکری و عملی لازمه پی ریزی و استحکام بخشی زندگی سالم است و هیچ آرمان والایی بدون حاکمیت ارزشها تحقق نمی پذیرد. در حقیقت اصل دعوت، دین پیریزی برای زندگی سالم است

دین اسلام همگان را فرامی خواند تا به منظور تحقق بخشی به ارزشهای، اسلامی پس از فهم مفاهیم، دینی برای برپایی حاکمیتی شایسته و انسانی و صالح و قرآنی در سراسر جهان، به سعی و تلاش برخیزند و ارزشهای والای حیات سرشار و زندگی درخشان را پدیدار سازند.

دین و معارف دینی تنها یک ذهنیت نیست، بلکه-ه-عل-م-ج-ازم و

شناخت ژرف و فراگیر است؛ شناختی مطابق با فطرت و واقع که شعاع تأثیر آن در جان آدمی با هیچ ذهنیت و هیچ محفوظات و اصطلاحاتی قابل مقایسه نیست بر، محققان، محدثان، فقیهان نویسندگان، مدرسان و واعظان و طالبان علم است که با نگرش به مسائل و توجه به آنچه خود بهتر میفهمند و می دانند و درمی یابند و درک می کنند با تلاش در خور خویش حقایق نجات بخش و حیات آفرین دین خدا را احیا کنند و به مدد زلال دین و استفاده از بطن ق-رآن و احادیث امامان معصوم: دست انسانهای مضطر را بگیرند و به راه حق و حقیقت رهنمون کنند تا با برگرفتن زاد و توشه هم در زندگی دنیوی و هم در زندگی اُخروی سعادت‌مند شوند.

بدانیم آنچه امروز پیش میفرستیم اسباب زندگی فردای ماست و آن نشود که مشمول آیه شریفه ( إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ) (1) شویم، بلکه آیه «إِلَّا- الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (2) شامل حال ما گردد و جزو کسانی باشیم که از حق پیروی میکنند و از زیان جاویدان نجات می. یابند این امر حصول نمی یابد مگر با پیروی از دین

آنچه از آیات قرآن مستفاد، است این که انسان دارای حیات جاویدان است و این زندگی جاویدان هیچگاه قطع نمیشود، بلکه از سرایی به سرای دیگر انتقال می یابد. قرآن بیان میکند که بخشی از این زندگی جاویدان زندگی دنیوی است که انسان در آن آزمایش میشود و در آن کیفیت زندگی دیگر را که حیات جاودان انسان، است مشخص میکند

ص: 26

1- عصر، آیه 2

2- عصر، آیه 3.

زندگی دنیوی مقدمه ای است که سعادت و شقاوت ابدی انسان با اختیار خودش در آن رقم می‌خورد این زندگی با همه کوتاهی آن نسبت به زندگی ابدی بسیار ارزشمند و گران قیمت است اصلی ترین سرمایه انسان برای به دست آوردن خوشبختی، حقیقی همین زندگی دنیوی است.

انسان چه بخواهد و چه نخواهد با گذشت، زمان این سرمایه را از دست میدهد چه بهتر که بهای از دست دادن این سرمایه عظیم فقط و فقط رضای خداوند و مقام قرب الی الله باشد. زیربنای کسب این مقام، ایمان است که، خود زیربنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل میدهد اعمال صالح به منزله میوه درخت ایمان. است خداوند عزوجل فرموده است که همه زندگی بعضیها در فردای، قیامت حسرت است و ندامت و شعارشان این که یا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (1)؛ یعنی این که ای کاش برای این زندگی ام چیزی از پیش فرستاده بودم؛ چراکه امروز در دنیایشان سر در پیش، افکنده بی آن که نگاهی به فردایشان داشته باشند به چریدن در مرغزار دلفریب دنیا مشغول شده اند: (قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا) (2)؛ یعنی چندروزی از کفرت بهره گیر و به این اندک خوشی گذرا دلخوش و مشغول باش.

بنابراین بهتر است قبل از آن که مهلت به سرآید و نوای الرحیل به گوشها، رسد به فکر فردایی باشیم که ناگزیر از پی امروز خواهد آمد. خداوند متعال از زبان سوختگان به آتش حسرت و ندامت در قیامت میفرماید: (وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الشَّعِيرِ) (3) یعنی می‌گویند اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل میکردیم

ص: 27

1- فجر، آیه 24

2- همان.

3- ملک، آیه 10

در میان دوزخیان نبودیم

سعدی رحمه الله در شعر خود در وصف این گونه آدمها می گوید:

هر دم از عمر می رود نفسی

چون نگه می کنی، نمانده بسی

ای که پنجاه رفت و در خوابی

مگر این پنج روزه دریایی

کوس رحلت زدند و بار نساخت

خجل آن کس که رفت و کار نساخت

نیک و بد چون همی بیاید مرد

خنک آن کس که گوی نیکی برد

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس ز پیش فرست (1)

مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، جوانمرد بی هماورد حق، مولود فرید بیت الله و زاده ایام رجب که سلام و درود بی پایان و بی شمار بر او باد به دلدادگان خویش مژده داد: «فَمَنْ يَمُتْ يَرِنِي» (2)؛ «هر آن کس که بمیرد، مرا خواهد دید به خاطر همین مژده شورآفرین است که زیباترین و خواستنی ترین امور نزد اهل، دل تجربه پرشکوه دیدار حضرت در لحظه مرگ است. بنابراین در آن لحظه جدایی از دنیا که بر مولا یمان مولى الموحدين امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد می شویم، با لبخند رضایت و

ص: 28

---

1- سعدی، گلستان.

2- شیخ، مرتضی رسائل، ج 3، ص 133.

محبت او با آرامشی رحمانی و سروری جاودانی روبه رو خواهیم بود («إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»).

مرگ عبارت است از نوشیدن عصاره حیات که برای مؤمنان بسیار گوارا

لذت بخش و نشاط آور است و برای کافران رنج آور و اسفبار و اندوهناک.

امام صادق علیه السلام فرموده اند انسان از دو شأن دنیا و آخرت خلق شده است. هنگامی که خداوند این دو شأن را با هم گرد آورد، حیات انسان در زمین مستقر می گردد؛ زیرا حیات از شأن آسمان به شأن دنیا نزول کرده است و هنگامی که خداوند بین آن دو شأن مفارقت ایجاد کند، آن مفارقت موت است و در آن حال شأن آخرت به آسمان باز خواهد گشت. (1) این آیه اشاره به مؤمنان است: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَذْخَلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ (2) و این آیه اشاره به گناهکاران الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ. (3)

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «هرگاه مرگ کسی فرارسد، ابلیس از میان شیاطین، دستیارانش افرادی بر می انگیزد تا او را به کفر فرمان دهند و در دیش به تردید اندازند؛ تا زمانی که روحش از بدن جدا گردد (4)

حال اگر کسی مؤمن، باشد آن شیاطین نمیتوانند بر او چیره شوند.

ص: 29

1- بحار الانوار، ج 6، ص 117، ح 4

2- نحل، آیه 32 ترجمه همانا که فرشتگان [مرگ] روحشان را میگیرند؛ در حالی که پاک و پاکیزه اند، به آنها می گویند: سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام داده اید.»

3- نحل، آیه 28 ترجمه: «همانا [فرشتگان مرگ روحشان را در حالی که به خود ظلم و ستم کرده اند، می گیرند و در این موقع تسلیم میشوند و میگویند ما اعمال بدی انجام نمی دادیم. [فرشتگان گویند: ]، آری، خدا به آنچه انجام میدادید، آگاه است.»

4- وسائل الشیعه، ج 2.

، بنابراین وقتی نزد محتضر حاضر میشوید شهادتین «لا إله إلا الله و مُحَمَّدٌ رَسولُ الله را به آنان تلقین کنید تا این که دار فانی را ترک گویند. امام میفرماید: «هرگاه مرگ دوستداران ما فرا رسد، شیطان از چپ و راست بر او حاضر میگردد تا این که او را از آنچه بر آن است بازدارد و خداوند مانع آن میشود.» (1)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ . (2) خداوند در این آیه به مؤمنانی که با اعتقاد راسخ بر ایمان خویش پایداری ورزند، وعده میدهد که به عنوان پاداش پایداری، اشان آنان را در زندگی دنیا و آخرت از لغزش و انحراف از راه راست حفظ میکند و در مسیر سعادت نگه میدارد. خدا را شاکریم که به ما، سلامت، امنیت عمر و فرصت داد که آغاز یک ماه رمضان دیگر زنده باشیم و پای مجالس معارف و احکام و مسائل دینی بنشینیم.

در این ماه مبارک که ماه، رحمت ماه مغفرت ماه فوز عظیم و فضیلت، ماه صبر و طاعت ماه خیر و برکت ماه مبارک و مواسات، ماه حریت و آزادی ماه تقویت اراده و ماه رشد و تعالی است و ماهی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) قبل از فرارسیدن آن به اصحاب فرمودند: سبحان الله! ماذا تُسْتَقْبَلُونَ؟» (3)؛ «مردم میدانید به استقبال چه می روید؟» میدانید چه اتفاقی در حال وقوع است؟ بعضی که متوجه نبودند گفتند یا رَسُولُ الله وَحَيٍّ نَزَلَ أَوْ عَدُوٌّ حَصَرَ؟» (4)؛ قرار است دشمنی حمله کند و

ص: 30

---

1- بحار الانوار، ج 6، ص 117، ح 4.

2- ابراهیم، آیه 27.

3- مستدرک الوسائل، ج 70، ص 435؛ بحار الانوار، ج 93، ص 347.

4- همان.

به جهاد برویم یا قرار است وحی نازل شود که ما آماده شنیدن شویم؟ فرمودند نه هیچ کدام از اینها نیست.

ماه رمضان ماه تقویت، باور تقویت، روح تقویت نظم تقویت تدبیر و تقویت تصمیم گیری است. ماه، رمضان ماه به خود رسیدن است، ماه فرجام خواهی و عاقبت به خیری است. ماه باز شدن درب دانشگاه خودسازی است. در این دانشگاه که همه دانشجویش هستند، یکی واحد بیشتری می گیرد، واحد، خودسازی اصلاح و آموزش و دیگری واحد کمتر یکی در این دانشگاه به مراتب عالی ارتقا پیدا می کند و دیگری در درجات پایین تر می ماند. روایت داریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) وقتی ماه رمضان میشد «تَغَيَّرَ لَوْنُ رَسُولِ اللَّهِ»؛ یعنی رنگشان عوض میشد. نمازشان زیاد میشد دعایشان زیاد میشد (1)

باید در این ماه در ما تحول پیدا شود رمضان دانشگاه انسان سازی و خودسازی است؛ به شرط این که در این دانشگاه ثبت نام کنیم واحد بگیریم و به قول دانشجویها خوب هم واحد بگذرانیم و گرنه دانشجویی که واحد نگذارند حذف می شود و اگر واحد بگیرد و نمره نیاورد باز هم حذف میشود در این دانشگاه انسان سازی باید خودمان را برای اصلاحات آماده کنیم در ماه مبارک رمضان که مردم روزه دار هستند و حالت عرفانی در آنان بیشتر حلول میکند نفوذ کلام در وجود انسان زیادتر است و به مصداق این شعر شیخ اجل سعدی شیرازی که می گوید

اندرون از طعام خالی دار \*\*\* تا در او نور معرفت بینی (2)

ص: 31

- 
- 1- اقبال الاعمال، ج 1، ص 69 انه كان اذا دخل شهر رمضان تغير لونه و كثرت صلاته و ...
  - 2- سعدی گلستان باب دوم در اخلاق درویشان.

مردم بیشتر راغب به شنیدن وعظ و خطابه هستند. بحث ای-ن-م-اه پرفیض و برکت درباره عاقبت انسانهاست و نیز درباره اهمیت موضوع عاقبت به خیری که در منابع اصلی مانند قرآن، نهج البلاغه و روایات اهل بیت علیه السلام آورده شده است در این مباحث عوامل نیک فرجامی مانند تقوا، ایمان، صبر توبه و پاکی دل و غیره بیان و عوامل بدفرجامی مانند گناه دشمنی با اهل بیت و توبه نکردن مطرح میشود و به دنبال آن مصادیقی از عاقبت به خیری و عاقبت به شری آورده می شود.

امیدواریم خداوند رحمان به برکت این ماه مبارک رمضان، عاقبت همه ما را ختم به خیر گرداند.

دنباله بحث را با سلسله سخنرانیهای حضرت حجت الاسلام سید مهدی هاشم زاده که در ماه مبارک رمضان ایراد سخن نموده اند ادامه می دهیم. ان شاء الله .

ص: 32



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

ان شاء الله خداوند توفیق بهره برداری هر چه بیشتر و بهتر از این ماه پرفیض را به ما ارزانی فرماید و این ماه رمضان را آخرین ماه رمضان عمر ما قرار ندهد.

### اهمیت ماه مبارک رمضان

در روایت درباره حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا أَهَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ؛ وَتَمَّتْ يَدَايِهِ؛ وَدَسْتَانِشَانِ رَأَى بِه سَمْتَ آسْمَانِ بَلَنْدِ مِی كَرْدَنْدِ وَ مِی كَفْتَنْدِ: اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ؛ خَدَايَا، اَيْنِ مَاهِی كِه بَرِ مَا حَلُولِ كَرْدِه اِسْتِ وَ تُو خَالِقِ مَهْرِبَانِ بِه مَن تَوْفِیْقِ دَادِی كِه اَيْنِ مَاهِ رَا دَرَكِ كَنَمِ رُوزِه دَارِی كَنَمِ وَ مَهْمَانِ تُو بَاشَمِ - كِه مَاهِ مَهْمَانِی پَرُورْدِگَارِ اِسْتِ - اَيْنِ مَاهِ بَرَایِ مَن اَيْنِ وِیژِگِیْهَآ رَا دَاشْتِه بَاشَدِ اَمِنِ وَ، اَمْنِیْتِ، اِیْمَانِ سَلَامَتِ وَ الْعَافِیَةِ الْمُجَلَّلَةِ؛ (1) عَافِیْتِ زِیْبَا بِه مَعْنَایِ اَيْنِ كِه دَرِ سَجْدِهِ آخِرِ نَمَازِ

ص: 33

می خوانیم: «یا وَلِيُّ الْعَافِيَةِ، اَسَدُ تِلْكَ الْعَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (1) عافیت این است که انسان هم در دنیا و هم در فردای، قیامت، عافیت و آسودگی داشته باشد وَدَفَعَ الْأَشْقَامَ؛ (2) خدایا ناراحتیها و هم و غم و گرفتاری ها را در این ماه از من دور کن وَالرِّزْقَ الْوَالِيَةَ» (3) و رزق من را وسیع گردان هم رزق مادی و هم رزق معنوی «وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ»؛ (4) امسال توفیق پیدا کنیم ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن کریم را ختم کنیم در این ماه خواندن یک آیه از قرآن ثواب یک ختم قرآن را دارد. توفیق خواندن نماز شب به من بده و این رزق معنوی است: «اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا»؛ (5)، خدایا این ماه را برای ما سالم کن تا بتوانیم حق این ماه را ادا کنیم وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا؛ این ماه را هم از دست ما سالم بدار ماه مبارک رمضان که (سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَةِ) (6) است و روزهایش بهترین روزها و شب های آن بهترین لیالی است این ماه را با انجام گناه و معصیت از بین ببریم و این ماه با بقیه ماه ها برایم تفاوت داشته باشد ما را در این ماه سلامت بدار تا بتوانیم روزه داری. کنیم خیلی از افراد میخواهند در این ماه روزه داری کنند؛ اما توان جسمی ندارند، خدایا توانایی روزه داری را در این ماه به ما عنایت کن

ص: 34

- 1- شیخ طوسی، مصباح المتعجب، ص 65
- 2- الحدائق الناصر، ج 13، ص 431.
- 3- همان.
- 4- همان.
- 5- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 100.
- 6- امالی صدوقی، ص 154.

بحثی که امسال در ماه مبارک رمضان در نظر گرفته ایم و به حول و قوه الهی به استناد آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره آن سخن خواهیم گفت و بحث بسیار مهمی است و با این ماه هم مناسبت دارد، عنوان آن

عاقبت به خیری است.

### درخواست سه نفر از آیات عظام از امام رضا (علیه السلام)

علت انتخاب این بحث این است که جزوه ای از آقای قرائتی را مطالعه می کردم که در آن خاطره ای را نقل کرده بودند بدین شرح: شبی خاص در حرم امام رضا (علیه السلام) بودم و سه نفر از آیات عظام را دیدم که هر کدام در گوشه ای از حرم مشغول دعا بودند: اول، آیت الله مروارید ربه الله؛ دوم، آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی رحمه الله و سوم آیت الله فلسفی رحمه الله. حال، چه شبی بوده که این سه نفر در حرم امام رضا (علیه السلام) الان بودند، نمی دانم. به ذهنم رسید که نزد هر یک از این آیات عظام بروم و از آنان سؤال کنم شما که هر کدام به درجه اجتهاد رسیده اید و آیت الله هستید و طلبه تربیت نموده و عمری در حوزه های علمیه بوده اید الان که به محضر امام هشتم مشرف شده اید امام رضا (علیه السلام) پادشاه هستی است، ولی نعمت است و کسی که محضر پادشاه می رود چیز کم طلب نمی کند؛ آن هم پادشاهی هم قدرت برای دنیا دارد و هم برای آخرت و به دربار هر پادشاه مقتدری هم که برویم سیطره حکومت او تنها مربوط به دنیاست؛ اما امام معصوم در هر دو دنیا قدرت دارد اگر یقین داشتید امام رضا (علیه السلام) در این لحظه یک دعای شما را مستجاب می، کند چه دعایی میگردید؟

ابتدا نزد آیت الله مروارید رفتیم و سؤال خود را از ایشان کردم مشاهده کردم که اشک از چشمان ایشان جاری شد و به طرف ضریح مطهر رو کردند و فرمودند اگر یقین داشتیم در این لحظه یک دعای من استجابت میشود از ایشان میخواستم از خداوند طلب کند که عاقبت من ختم به خیر شود بعد نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی رفتیم و سؤال خود را پرسیدم ایشان هم عین همین جمله را بیان فرمودند. سپس نزد آیت الله فلسفی رفتیم ایشان هم همین جمله را گفتند و فرمودند: دعا می کردم خداوند عاقبت من را ختم به خیر کند.

این مطلب نشان دهنده این است که عاقبت به خیری خیلی مهم است که آیات عظام از خداوند چنین خواسته ای دارند

سعی شود در حرم امام رضا (علیه السلام) و ائمه معصومین علیهم السلام که مشرف میشویم همه دعاهای ما صرفاً مادی و دنیایی نباشد دعاهای صرفاً مربوط به مادیات و، دنیوی دعاهای بچگانه است.

فردی نقل می کرد: «به زیارت امام رضا (علیه السلام) رفتیم. در حرم امام، بچه کوچک پنج شش ساله خود را روی دوشم گذاشتیم و به هر زحمتی بود خود را به ضریح مطهر رساندم و از او خواستم دست خود را به ضریح حضرت بگیرد و هر خواسته ای دارد از امام رضا (علیه السلام) بخواهد. او در عالم کودکی گفت یا امام، رضا من لواشک میخواهم

خواسته های ما دنیایی هم باشد؛ ولی در دعاهایمان خواسته های آخرتی هم

داشته باشیم؛ مانند عاقبت به خیری نورانی بودن خانه قبر آسان بودن مرگ

بحث عاقبت به خیری مسئله مهمی است هر شروع، پایانی دارد و، آغاز نهایی زندگی ما هم در دنیا همیشگی و دائمی و ابدی نیست.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: لِكُلِّ شَيْءٍ عَاقِبَةٌ (1)؛ «هر چیزی عاقبتی دارد. بعد از پنجاه سال شصت سال نود، سال صدویست سال آخر باید از این دنیا رفت

هر آن نفس کو آمد اندر حیات \*\*\* چشد شربت نیستی و ممات

دو روزی چو از زندگانی گذشت \*\*\* به سوی خدا باز خواهید گشت (2)

نهایت کار ما چه میشود؟ روایت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است که می فرمایند عده ای از امت من مات یهودیاً، مات نصرانیاً. (3) اینها امت من پیامبر هستند و کلمه لا إله إلا الله بر زبانشان جاری می شود؛ اما به شیوه یهودیت و نصرانیت از دنیا می روند. اهمیت بحث در این جاست که نکند مسلمان به دین یهودیت و نصرانیت از دنیا بروم. لذا هر انسانی که اعتقاد به شب اول قبر دارد و به این که فردای قیامت هست که اعمال ما مورد مؤاخذه و حساب قرار می گیرد، باید دقت کند در طول مدتی که خداوند نعمت حیات را در این دنیا در اختیار او قرار داده است نهایت تلاش خود را انجام دهد برای این که حسن عاقبت داشته باشد.

بنده مطالبی را از آیات و روایات دسته بندی کرده ام و ان شاء الله بتوانیم جزوه ای از این گفتار و مطالب برای استفاده عموم تهیه و در اختیار علاقه مندان قرار دهیم.

ص: 37

---

1- نهج البلاغه نامه 31، و لکل شیء عاقبه»

2- سعدی، گلستان

3- بحار الانوار، ج 27، ص 79.

## عاقبت به خیری در آیات و روایات

آیات زیادی در قرآن به این موضوع توجه داده است و در کلام اهل بیت علیهم السلام هم به این مسئله عنایت ویژه شده است. ادعیه ای که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده به مسئله عاقبت به خیری پرداخته است که نمونه هایی از آن را انتخاب و در بحث این ماه بیان خواهیم کرد.

در دعاهای وارده از ائمه معصومین علیهم السلام تأکید خاصی درباره عاقبت به خیری شده است. معنای دعا هم یعنی درخواست زیبا و قشنگ از خدا داشتن در این ادعیه اهل بیت علیهم السلام چگونه درخواست زیبا از خدا داشتن را به ما آموخته اند؟ حتی در دعاهای ماه رمضان هم به مبحث عاقبت به خیری توجه ویژه ای شده است. قرآن مجید هم آیات فراوانی درباره عاقبت به خیری دارد و بر آن تأکید کرده است.

## سفارش قرآن به اهل ایمان

برای شروع، بحث آیه ای از قرآن را در این رابطه بیان میکنیم و آن این است که ای مردم در دنیا تمام تلاش خود را مصروف دارید تا مسلمانان از دنیا بروید و عاقبت به خیر باشید.

خداوند به اهل ایمان وصیت کرده - و دایره آن هم محدود به اهل ایمان است - و فرموده است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (1)**

هر کجا سخن از ایمان است آن ایمانی است که زاد و توشه آن بهشت است؛ یعنی اگر ایمان نداشته باشیم عمل صالح هم از ما پذیرفته نمی شود

ص: 38

وَ الْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ..... (1)

شرط پذیرفتن عمل صالح ایمان است.

این سفارش ویژه مخصوص محبان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و خداوند به ما امر فرموده است که ای شیعیان و پیروان علی (علیه السلام)، تقوا داشته باشید و دنبال آن میفرماید «حَقُّ تَقَاتِهِ» (2). در این آیه بلافاصله بعد از کلمه تقوا، سفارش میکند که حق تقوا را هم به جای آورید. عالی ترین درجه پرهیزکاری را حق تقوا گویند

### حق تقوا چیست؟

فردی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و این آیه را تلاوت کرد (3) و عرض کرد: خداوند در این آیه بعد از کلمه تقوا سفارش به جای آوردن حق تقوا را آورده است و از امام خواست تا تفسیر آیه را برای او بیان فرمایند. امام در جواب فرمودند حق تقوا چهار چیز است 1 پیوسته از فرمان خدا اطاعت کنیم؛ 2 هیچ گاه معصیت خالق را انجام ندهیم؛ 3 همواره به یاد خدا باشیم و خدا را شاهد و ناظر اعمالمان بدانیم. 4 در برابر نعمتهای خداوند شکرگزار باشیم و کفران نعمت خدا را نکنیم (4)

در آخر آیه آمده است وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (5)؛ از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید؛ یعنی تمام تلاش خود را انجام دهید و تا لحظه

ص: 39

1- عصر، آیات 1 تا 3

2- آل عمران، آیه 102

3- همان.

4- قرآن حکیم به نقل از تفسیر المیزان ذیل تفسیر آیه 102 آل عمران.

5- آل عمران، آیه 102

آخر، عمر گوهر ایمان خود را حفظ کنید این هشدار است برای ما که عده زیادی از افراد شروع خوبی داشته اند ولی پایانشان نافرجام بوده است.

## عاقبت عبدالملک مروان

عبدالملک مروان به حمامه المسجد، یعنی کبوتر مسجد، مشهور بود و از صبح تا شام در مسجد مشغول خواندن نماز و قرآن بود. خبر رسید که پدرت مرده و خلافت به تو رسیده است قرآن را بوسید و کنار گذاشت و گفت هذا فراقُ بَیْنِي وَبَیْنِكَ (1)؛ امروز روز جدایی من و توست و همین طور هم شد (2)

موقعی که به قدرت رسید جنایات زیادی انجام داد. نقل می کنند دوستی به نام مصیب داشت به او میگفت نمیدانم چرا من این قدر قساوت قلب پیدا کرده ام. دستور می دهم آدم بیگناهی را جلوی چشمانم سر میزنند ولی هیچ ناراحت نمیشوم رفیق او گریه کرد و گفت: تو به مرگ دل گرفتار شده ای (3)

نتیجه این که ما باید تمام تلاش خود را مصروف داریم تا گوهر ایمان خود را حفظ کنیم و عاقبت به خیر شویم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 40

---

1- تاریخ بغداد، ج 10، ص 289

2- متأسفانه ما هم از درک فهم و عمل به قرآن بازمانده ایم.

3- سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 217.



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

مبحثی که از روز گذشته شروع کردیم و ان شاء الله تا آخر ماه مبارک رمضان هم درباره آن صحبت خواهیم کرد و بحث بسیار مهمی است، موضوع عاقبت به خیری از دیدگاه قرآن و روایات است.

گفتیم هر انسانی که اعتقاد به شب اول قبر دارد و به حساب و کتاب روز قیامت معتقد است یکی از دغدغه های ذهنی او این است که فرجام کار من چه خواهد شد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «عده ای جزو امت من هستند؛ ولی یهودی از دنیا می روند نصرانی از دنیا می روند.» (1)

عمر ما در دنیا همیشگی و ابدی نیست امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند «لِكُلِّ شَيْءٍ عَاقِبَةٌ»؛ (2) برای هر چیزی عاقبتی هست و برای هر کاری نهایی مثال دنیایی آن این است که ما قصد زیارت امام رضا (علیه السلام) را نموده ایم سوار ماشین می شویم و از اصفهان حرکت می کنیم هفت یا

ص: 41

1- تفسیر الصافی، ج 1.

2- تحف العقول، ص 80

هشت ساعت رانندگی میکنیم تا به شهر طبس میرسیم به این شهر که، رسیدیم کار تمام شده نیست هنوز تا رسیدن به منزل مقصود که مشهد مقدس، است، کیلومترها، راه فاصله است ممکن است یک کیلومتری شهر مقدس مشهد خدای ناکرده یک لحظه پشت فرمان خوابمان برد و از جاده خارج شویم و کارمان تمام شود مثال: دیگر دانشجو در دانشگاه ثبت نام کرده است؛ آیا کار او تمام است؟ خیر؛ مهم آن است که درس بخواند و در آخر، ترم نمره قبولی کسب کند.

اینها مثالهای دنیایی است در زندگی ما هم همین طور است خیلیها خوب شروع میکنند؛ اما خوب به پایان نمی‌رسانند؛ لذا سفارش مکرر قرآن مجید و اهل بیت علیهم السلام به ما این است که ای اهل ایمان، نگران پایان کارتان باشید

به عنوان، نمونه آیه 102 سوره آل عمران که در روز گذشته بیان شد تأکید بر این دارد که ای اهل، ایمان مواظب باشید تا پایان کار گوهر ایمان را حفظ کنید

### وصیت ابراهیم و یعقوب به فرزندان

در قرآن مجید آیه 132 سوره بقره، وصیت دو تن از پیامبران الهی را به

فرزندانشان بیان کرده است این وصایا تنها مربوط به فرزندان آن پیامبران

نیست بلکه برای ما هست.

اول، وصیت حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب (علیه السلام) است که می‌فرماید: وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ) ، و ابراهیم و یعقوب در واپسین

ص: 42

لحظات، عمر فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند و هر کدام به فرزندان خویش گفتند فرزندان، من خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید

اسلام و تسلیم هر دو بدین معنا هستند که مطیع او باشند و هرگز از او نافرمانی نکنند. در این آیه، اسلام یعنی تسلیم مطلـق بـودن در برابر دستورهای الهی و آنچه از خدا رسیده است تسلیم شدن در برابر خـدا بدین صورت است که بنده خود را مالک هیچ چیزی نداند و خدا را مالک حقیقی همه اشیاء و از جمله وجود خود بشناسد. در این صورت خواست خدا خواست او خواهد شد و تمام تلاشش به دست آوردن رضایت خداوند میشود

حضرت ابراهیم (علیه السلام) بنده صالح خدا بود راز و نیازهای او حکایت از اخلاص او در بندگی خداوند دارد و دعاهای جامع او نیازهای دنیا و آخرت را در بر میگرفته است در حقیقت یک انسان کامل بود و صفت خلیل الرحمانی دارد تا جایی که لقب «خلیل را به خود اختصاص داد.

حضرت عبدالعظیم از امام هادی (علیه السلام) چنین روایت میکند: «إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»؛ (1) «خداوند متعال ابراهیم را دوست خود انتخاب کرد؛ زیرا او بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت علیهم السلام او بسیار درود می فرستاد.»

ما هم به پیروی از این پیامبر الهی تا میتوانیم ذکر صلوات بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و آل او را زیاد بگوییم

ص: 43

در این آیه سفارش حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب (علیه السلام) به فرزندانشان این است که ای فرزندان قدر گوهر دین را بدانید این دین را خدای متعال برای شما برگزیده و انتخاب کرده است. در تأکید آن فرموده اند از دنیا نروید جز این که تسلیم فرمان الهی باشید در اینجا تسلیم فرمان خداوند، بودن یعنی عاقبت به خیری

### راسخون و مسئله عاقبت به خیری

در سوره آل عمران آیه 7 می فرماید ... و الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ....

در روایات بسیاری آمده است که مراد از راسخون در علم پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

و امامان معصوم علیهم السلام هستند که به تأویل و رموز آیات قرآن آگاهی دارند.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است راسخان در علم ما هستیم و ما تأویل آیات متشابه را میدانیم. «(1)

آنان آن چنان علمی به خدا و آیاتش دارند که آمیخته با ذره ای شک و شبهه نیست و هرگز دستخوش تزلزل نمیشود به آن ایمان دارند و عمل هم میکنند آنها در علم خود راسخ و باثبات هستند و خدا را آن گونه که باید می شناسند و یقین دارند که از ناحیه خود، مالک هیچ چیزی نیستند و مالکیت منحصر به خدای عزوجل است و چون چنین ایمانی دارند در هر حال این ترس را دارند که خدا دلهایشان را بعد از رسوخ، علم منحرف سازد؛ لذا به پروردگار خود پناه میبرند و درخواست میکنند که پروردگارا دلهای ما را بعد از آن که هدایتیمان، کردی منحرف مساز و از ناحیه خود رحمت به ما ببخشی تا نعمت رسوخ در علم که

ص: 44

همانا ایمان به یکتایی خداوند و دستورات تزلزل ناپذیر اوست برای ما باقی بماند و ما را در مسیر صراط مستقیم هدایت و کمک کن و در سلوک و مراتب، قرب یارمان باش

در آیه 8 سوره آل عمران در تأکید بر استواری در ایمان به راه حق و حقیقت، حق تعالی می فرماید رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ راسخان در علم می گویند: پروردگارا، دل هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی از راه حق منحرف مگردان و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده ای

خدایا، دلهای ما را بعد از این که هدایت، کردی خودت مواظبت کن تا این که من شیعه که اکنون دارای اعتقادات سالم هستم از مسیر حق منحرف نشوم

### چند نکته

چهار نکته مهم در این آیه وجود دارد

نکته اول راسخون در علم که همانا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام هستند با آن عظمتی که داشتند، مواظب روح و دل خ-ود بودند ما هم به پیروی از آنان باید در پیروی از دستورات تزلزل ناپذیر حق تعالی و استواری در ایمانمان مواظبت کنیم (1)

نکته دوم در خط قرار گرفتن و هدایت شدن مهم است؛ ولی مهم تر این است که از مسیر و خط خارج نشویم و تا آخر باقی بمانیم و کلمه «لا

ص: 45

إِلَّا اللَّهَ را بر زبان جاری کنیم و حضرت علی (علیه السلام) به ما لبخند بزند.

روایت است که در لحظه مرگ چه مؤمن و چه کافر، اول شخصی که بر بالین محضر حاضر میشود حضرت علی (علیه السلام) است پس اگر ایشان به او لبخند، زد به معنای این است که بهشتی است؛ ولی اگر از او روی برگرداند، یعنی اول عذاب و گرفتاری او شروع شده است.

عاقبت به خیری یعنی این که در آن لحظه، آخر حضرت علی (علیه السلام) انسان لبخند بزند و این به معنای حسن عاقبت است.

نکته سوم از خطر سوء عاقبت نباید غافل شد و همیشه در این زمینه باید از خداوند استمداد جست.

در جلسه قبل به آن اشاره کردیم که از محضر سه نفر از آیات عظام در حرم حضرت رضا (علیه السلام) سؤال شد که اگر در این مکان مقدس دعا می کردید و از خداوند خواسته ای داشتید چه دعایی بر زبان جاری میکردید هر سه نفر در جواب: گفتند دعا می کردیم که خداوند عاقبت ما را ختم به خیر کند.

نکته: چهارم وقتی راسخون در علم از عاقبت به خیری ترس داشته باشند، تکلیف دیگران مشخص است که چقدر برای عاقبت به خیری باید تلاش کنند.

### **دعا و تضرع شبانه پیامبر صلی الله علیه وسلم**

عایشه همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، نقل کرده است در یکی از شبهایی که قرار بود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در منزل من باشند نیمه های شب از خواب بیدار شدم و ملاحظه کردم پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در کنار من نیستند. حس زنانه من برانگیخته شد و در صدد برآمدم تا ببینم پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حجره کدام یک از زنان دیگرشان رفته. اند خانه پیامبر چسبیده به مسجد بوده است. در

حیاط مسجد سایه ای را مشاهده نمودم خوب که توجه کردم، ملاحظه نمودم پیامبر گرامی هستند. نزد ایشان آمدم دیدم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در حالی که سر به سجده دارند با حالت تضرع مرتب این جمله را تکرار می کنند: «اللَّهُمَّ لَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»؛ (1) خدایا، حتی به اندازه یک چشم به هم زدنی، مرا به خودم وامگذار به ایشان عرض کردم: یا نبی الله، شما ک-ه پیامبر خاتم هستید؛ چرا این گونه دعا میکنید؟ حضرت فرمودند عایشه چگونه این طور دعا نکنم؟ برادرم یونس برای یک لحظه به خویش واگذاشته شد و ترک اولی کرد و گرفتار شکم ماهی شد: (وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ )، (2) «ذوالنون [ یونس ] را به یاد آر؛ آن زمان که با خشم از قومش بیرون رفت و پنداشت که ما بر او تنگ نمیگیریم اما موقعی که در کام نهنگ گرفتار شد در آن ظلمتهای متراکم صدا زد: خداوندا، جز تو معبودی نیست منزهی تو! من از ستمکاران بودم. من پیامبر هم باید مواظبت کنم و از خداوند بخواهم حتی یک لحظه و طرفه العینی ما را به خود وا مگذارد.

## لزوم تدبیر در قرآن

آیه آخر بحث، امروز آیه 201 سوره بقره است که در این آیه خداوند نحوه دعا کردن را به ما آموزش داده است وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (3) «بعضی می گویند پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار

ص: 47

-1

-2- دعایی از پیامبر اکرم هنگام نزول آیه 75 اسراء تفسیر نمونه، ج 12، صفحه 215.

-3- انبیاء، آیه 87

چیزی که اهل بیت علیهم السلام به ما سفارش کرده اند تدبیر و تأمل در آیات قرآن است که ضمن خواندن آیات قرآن در معانی آن هم تفکر و اندیشه کنیم. خداوند در این باره در آیه 24 سوره حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ آیا در قرآن تدبر نمیکنند یا دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟

قرآن که کتاب اندیشه و عمل است و به دلیل هماهنگی و آشنایی با فطرت انسان و فهمیدن آن و بهره مندی از آن بر همگان آسان است آسانترین و بهترین و نزدیکترین راه برای انس با خدا در دل و لسان است. صدآلی در آیات متعدد سوره محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ، آیه 24 سوره ص، آیه 29 سوره قمر آیات ، 17 ، 22 ، 32 و 40؛ سوره نساء، آیه 82 و ... این حقیقت را بیان کرده است که این کتاب بزرگ آسمانی تنها برای تلاوت نیست، بلکه هدف نهایی آن ذکر یادآوری (تدبیر بررسی عواقب و نتایج کار انذار بیم دادن خارج کردن انسانها از ظلمات به نور و شفا و رحمت و هدایت است. بنابراین قرآن مجید باید در متن زندگی مسلمانان قرار گیرد و آنان این کتاب عظیم را رهبر و سرمشق خویش قرار دهند دستورهایش را مو به مو اجرا کنند و تمام خطوط زندگی خویش را با آن هماهنگ نمایند.

### معنای «حسنة» در دنیا و آخرت

در معنای آیه 201 سوره بقره که قرائت ، شد چنین بیان شده است: بعضی از مردم میگویند خدایا در دنیا به من حسنة عنایت کردی فردای قیامت هم به من حسنة عطا فرما ظاهر آیه چنین است که اگر در قیامت به من حسنة دادی، مرا از عذاب دوزخ رهایی بخش (وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ). مراد از حسنة در این ، آیه رضایت و خشنودی خداوند است.

ص: 48



تفسیر روایی این آیه چنین است امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «حسنات دنیا، علم و عبادت نماز اول وقت توسعه در معاش روزی فراوان و خوش خلقی با زن و فرزندان و دیگران در دنیا است»: «حَسَنَاتُ الدُّنْيَا وَسَعَةُ فِي الْمَعَاشِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا...» (1) اگر کسی چنین رفتاری در دنیا داشت حسنات آخرت هم به او داده میشود و حسنات، آخرت خشنودی خداوند و رضایت الهی و بهشت است اخلاق! اخلاق! اخلاق بزرگان به ما درباره این صفت سفارش فراوانی نموده اند. اگر چنین کردیم، «حسنه» آخرت به ما میدهند و آن رضوانُ اللهِ وَ الْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ» (2) است. خشنودی خداوند و بهشت در آخرت است در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم کسی که خدا به او قلبی، شاکر زبانی مشغول به ذکر حق و همسری با ایمان که او را در امور دنیا و آخرت یاری می کند بخشیده باشد، نیکی در دنیا و آخرت را به او داده و او را از عذاب آتش جهنم بازداشته است. البته این روایات در مقام بیان موارد و مصداقهایی برای حسنه است و گرنه منظور، آیه مطلق خوبی و حسنه است.

نتیجه آن که اگر حسناتی که گفته شد در دنیا کسب کردیم، در پاسخ تأیید، آن خداوند فردای قیامت هم به ما «حسنه» عطا خواهد کرد و مهر بر پرونده اعمال ما زده خواهد شد و از عذاب الهی ایمن خواهیم بود. ان شاء الله روایاتی هم گردآوری شده که در جلسات بعد بیان خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 49

---

1- تفسیر المیزان، ج 2، ص 83 و 87 .

2- تفسیر المیزان، ج 2، ص 87

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحثی که از اول ماه مبارک رمضان شروع کردیم و ان شاء الله تا پایان ماه ادامه خواهیم داد و خیلی مهم است بحث عاقبت به خیری است.

گفتیم هر مؤمنی که به شب اول قبر و قیامت ایمان داشته باشد یکی از دغدغه های مهم زندگی او موضوع عاقبت به خیری است؛ چون هر، شروعی پایانی و هر، آغازی نهایی دارد

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «لِكُلِّ شَيْءٍ عَاقِبَةٌ». نعمت عمر، نعمتی است که همیشه در اختیار انسان قرار نمی گیرد و همیشگی نیست: «الدُّنْيَا دَارُ الْقَنَاءِ»؛ دنیا فانی و از بین رفتنی است. دیر یا زود انسان باید برود.

نکته ای که باید توجه نمود این که هر انسانی بیش از یک بار در دنیا عمر نمیکند و این فرصت تنها یک بار در اختیار او قرار میگیرد، بنابراین باید نهایت تلاش را کرد تا این که فرجام و نهایت کارمان نیک باشد و حُسن عاقبت داشته باشیم این مطلب البته بدون تلاش و زحمت به دست نمی آید.

## مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد (1)

عاقبت را به، فرجام، پایان، نیک نتیجه خوب کارها و کردارها معنا کرده اند و عاقبت به خیری به معنای مجموعه فعالیتها و کارهایی است که پایان آن خیر و سعادت است و خوشبختی را برای انسان به دنبال می آورد؛ یعنی مرگ انسان مرگ آسانی باشد، شب اول قبر مشکلی نداشته باشد و به تعبیر، عوامانه، مرگ اول راحتی او باشد.

به این خوشبختی و فرجام نیک در عمر نخواهیم رسید، مگر با اتصال به خداوند؛ زیرا خداوند نور: است الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (2) و به هر میزان که به این منبع نور متصل، شدیم زندگی ما نورانی تر خواهد شد و به هر اندازه که از این منبع نور فاصله گرفتیم زندگی ما تاریک و ظلمانی خواهد بود.

## تمثیل نور در قرآن

قرآن در آیه 35 سوره نور برای درک ذات پاک خداوند برای واژه نور از تشبیه و تمثیل استفاده کرده و میفرماید خداوند روشنی بخش عالم آفرینش است و اگر لحظه ای لطف خود را از ما بازگیرد، همگی در ظلمات فنا و نیستی فرو میرویم. هر موجودی به هر نسبت که با او ارتباط برقرار، کند همان، اندازه روشنایی کسب میکند

نور ایمان که در قلب مؤمنان است دارای صفاتی است که در یک چراغ پرفروغ موجود است چراغ همان شعله های ایمان است که در

ص: 51

---

1- سعدی، غزلیات

2- نور، آیه 35

قلب مؤمن آشکار میگردد و فروغ هدایت از آن منتشر می گردد و ایمان را در وجودش تنظیم میکند و آن را از گزند توفان حوادث مصون می دارد

خدا همان نوری است که آسمانها و زمین را روشن میکند و از کانون قلب مؤمنان سر برمی آورد.

### خروج از ظلمت و ورود به نور

خداوند در قرآن در آیاتی که به آیه الکرسی معروف است، در این باره می فرماید: **اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ**؛ (1) «و خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند و آنها را از ظلمات به سوی نور بیرون میبرد.

«ولی» در این آیه به معنای سرپرست و صاحب اختیار است. طبق این، آیه خداوند ولایت و سرپرستی خودش را به مؤمنان اختصاص داده است و اثر ولایت خدا که متولی کار مؤمنان است این است که مؤمنان را از تیرگیها خارج میکند و به سوی نور میبرد چنین انسانی گرفتار تیرگی جهل و تاریکی ظلمت و گمراهی نمی شود

اگر به دنبال فرجام نیک، هستید خداوند را «ولی» خود قرار بدهید و اگر این چنین کردید دنباله آیه میفرماید: **يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ**؛ از تاریکیها نجات پیدا میکنید و وارد عالم نور میشوید و نور است که مؤمنان را از تیرگیها خارج می نماید

اما برعکس، **وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْتُ**؛ کسانی که خدا را

ص: 52

«ولی» خود قرار ندهند و به دنبال طاغوتها و شیاطین و هوی و هوس، بروند شیطان هم با عناوین مختلف به سراغشان میآید

دوستی میگفت پیامی برایم آمد که فردی چنین گفته بود مگر دچار کم عقلی شده ای که در این هوای گرم روزه داری میکنی؟ روزه داری در این هوای گرم را کدام پزشکی تأیید نموده است؟ طبق گفته یکی از مسئولین سازمان، آب شدت گرمای هوای تابستان امسال در طول چهل سال گذشته بی سابقه بوده است. در پاسخ به او گفتم: «همان پزشکی که وقتی کارد به استخوان برسد و همه اطباء انسان را ناامید می کنند انسان را شفا می دهد و به او امید می دهد، این پزشک روزه داری را در این هوای گرم بر من واجب کرده است.»

حال اگر فردی به اعتقادات مذهبی پایبند نبود و نماز و روزه و واجبات الهی را ترک، نمود دچار عذاب آخرت خواهد شد و زندگی اش تاریک خواهد بود و طبق فرموده آیه، کسی که زندگی خود را تاریک نمود، چنین انسانی قطعاً حسن عاقبت نخواهد داشت. سرانجام چنین اشخاصی در زندگی (أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) [\(1\)](#) خارج شدن از نور و گرفتار شدن در ظلمت و تاریکی است.

### مراد از نور و ظلمت

نور و ظلمت در این، آیه کنایه از هدایت و گمراهی است بعضی از مفسران گفته اند اصولاً انسان از همان آغاز خلقت دارای نوری فطری و

ص: 53

خدادادی است و به گونه ای آفریده شده که میخواهد آفریدگار خود و پروردگار جهان را بشناسد؛ اما با دین و برنامه ای که خداوند توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای انسانها فرستاده است، آشنا نیست.

حال همان طور که گفته شد اگر آدمی با تلاش و کوشش خود و با تربیت پیامبر و عقل، خود تربیت شود آن نور در جان و روح او گسترش می یابد و جهل و نادانی کودکی اش به شناخت و معرفت به خداوند و نشانه های خداوند تبدیل میشود و تمام وجودش را نورانی میکند و او را ز آلودگی به گرایشهای انحرافی که موجب کدورت دل میگردد برکنار مینماید این، انسان چنان از هر گونه انحراف خالی می گردد که بدون نیاز به چیزی، دیگر تمام نیروهای وجودش را در جهت صراط مستقیم بسیج می کند از سوی دیگر اگر کافر، شد از نور فطری اش به سوی ظلمات و تاریکی کفر و نافرمانی خداوند سقوط خواهد کرد.

نکته سزاوار توجه این است که کلمه «نور» همیشه در قرآن به صورت مفرد آمده و در برابر آن کلمه «ظلمات به صورت جمع آورده شده است و این نکته به این حقیقت اشاره دارد که راه راست و مسیر حق یکی است و راه، باطل فراوان و بیشمار است

### ویژگی های آخرالزمان

دینداری در دوره آخرالزمان با اوصافی که خود اهل بیت علیهم السلام برای آخرالزمان بیان کرده اند، خیلی سخت است؛ اما چگونه عمل کنیم تا در این دوره، سخت حُسن عاقبت پیدا کنیم؟

اهل بیت علیهم السلام آن قدر به شیعیان خود علاقه دارند که راه های وصول به

این مقصود را در دوره آخر الزمان که دینداری مشکل است، بیان فرموده اند.

در کتاب بحار الانوار ج 96، ص (32) روایتی از قول اصبح ابن نباته که از یاران حضرت علی (علیه السلام) است نقل شده که می گوید: از دو لب مبارک امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شنیدم که ایشان فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ» بدان برای این مردم که امت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند، زمانی خواهد آمد که چنین اتفاقاتی خواهد افتاد

1. يَرْتَفِعُ فِيهِ الْفَاحِشَةُ؛ کارهای زشت، علنی می شود.

قبح گناه و معصیت پیش چشمشان میریزد و آشکارا و بدون هیچ دغدغه ای مرتکب اعمال زشتی میشوند؛ مانند تهمت زدن، دروغ گفتن، ب- آبروی مردم بازی کردن و مزاحمت برای ناموس دیگران فراهم کردن و....

2. وَلَتُصْنَعُ وَ يَنْتَهَكُ فِيهِ الْمُحَارَمُ؛ پردههای عفت و شرم پاره میگردد.

حیا از بین میرود و حرمتی که باید کوچک ترها نسبت به بزرگترها داشته باشند ندارند و احترامی که باید فرزند به پدر و مادر بگذارد، نمی گذارد یا بزرگان دین و علما را احترام نمیکند.

3. وَ يَغْلُنُ فِيهِ الرِّئَا؛ زناکاری و تجاوزهای ناموسی علنی می شود.

رابطه مرد با زن شوهردار بیترس از عذاب الهی صورت می گیرد

4. «وَيْسَ تَحَلُّ فِيهِ أَمْوَالِ الْيَتَامَى»؛ (1) خوردن اموال یتیمان را حلال می شمارند. قرآن مجید خوردن مال یتیم را به خوردن آتش تعبیر کرده است. در سوره نساء، آیه 10 می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا؛ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم

ص: 55

می، خوردند در حقیقت تنها آتش میخورند و به زودی در شعله های آتش

دوزخ میسوزند.»

از این آیه استفاده میشود که اعمال ما علاوه بر چهره ظاهری خود، یک چهره واقعی نیز دارد که در این جهان از نظر ما پنهان است، اما در جهان دیگر ظاهر میشود و تجسم، اعمال واقعیت می. یابد قرآن مجید در این آیه می:گوید آنها که مال یتیم را میخورند گرچه چهره ظاهری عملشان بهره گیری از غذاهای مفید و رنگین، است چهره واقعی این غذا آتش سوزان است و همین چهره است که در روز قیامت آشکار میگردد

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است کسی که مال یتیم را بخورد، روز قیامت خواهد آمد در حالی که آتش در شکمش چنان فروخته است که شعله های آن از دهان او خارج میشود و تمام اهل محشر میفهمند که او خورنده مال یتیم است. (1)

احادیث و روایات در نکوهش تجاوز به اموال یتیمان بسیار زیاد و تکان دهنده است و حتی کمترین تعدی به اموال یتیمان را مورد سرزنش شدید قرار داده است.

در حدیث دیگری از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است که کسی سؤال کرد: مجازات آتش درباره چه مقدار از غصب مال یتیم است؟ فرمودند حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله وسلم) به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی، عده ای از امت من هستند که وقتی قابض الارواح میخواد آنان را قبض روح، کند با سیخ آتشین به سراغ آنها میرود و جان کندن برای

ص: 56



آنان خیلی سخت میشود و وقتی روح از جسم آنان جدا شد، آتش دوزخ فریاد میکشد تا او را هر چه زودتر در برگیرد حضرت علی (علیه السلام) سؤال کردند یا رسول الله اینان چه اشخاصی هستند؟ حضرت فرمودند: سه دسته اند، اول حاکم ظالم و ستمگر؛ دوم کسانی که شهادت به دروغ بدهند و سوم کسانی که مال یتیمان را بخورند. (1)

5. «و یؤکل فیہ الرِّبَا» (2)؛ رباخواری شیوع پیدا می کند.

در ادامه فرمایش حضرت علی (علیه السلام) به اصبع بن نباته که در علائم آخر الزمان فرموده اند ریاست ربا به معنای زیاد گرفته شدن بر سرمایه و حرام است. خداوند در قرآن مجید میفرماید الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ... (3)؛ «کسانی که ربا میخورند، در قیامت برنمی خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و او نمیتواند تعادل خود را حفظ کند.»

از آثار رباخواری این است که رباخواری اختلاف طبقاتی و دشمنی می آورد رباخوار خون مسکینان را در شیشه می کند. رباخوار باعث اختلاف و ناامنی می شود.

خداوند درباره رباخواری چنان شدتی به کار برده است که درباره هیچ گناه، دیگر حتی گناهانی مانند زنا، شرابخواری قمار و ظلم و حتی گناهانی بزرگتر از آن به کار نبرده است؛ چراکه این گناهان از یک یا چند نفر تجاوز نمی کند و ابعاد و آثار آن تنها برخی از ابعاد ظاهری زندگی را

ص: 57

---

1- کلینی، کافی، ج 3، ص 253، حدیث 10

2- شیخ صدوق، فضائل الاشرار و الثلاثة، ص 91

3- بقره، آیه 275

در بر میگیرد برخلاف ربا که آثار بدش اساس دین را از بین میبرد و زندگی انسانی را تباه کرده فطرت الهی آدمی را نابود میکند (1).

6. «وَيُطْفَفُ فِي الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينِ»؛ در کیل و وزن ها کم و کاست می کنند.

خداوند در قرآن مجید در سوره مطففین میفرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (2)»، وای برکم فروشان؛ آنان که وقتی برای خود پیمانہ میکنند حق خود را به طور کامل می گیرند؛ اما هنگامی که میخواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند کم میگذارند

خداوند در این، سوره کم فروشان را به این تهدید میکند که در قیامت برای جزای اعمالشان برانگیخته میشوند و در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند و به حساب اعمال آنان رسیدگی می شود.

خداوند در قرآن مجید برای تمام امور اعتقادی و معنوی و هر نوع عملی، میزان و حدی مشخص کرده است که باید آنها را با میزان و معیار خود مطابقت داد تا عدل حقیقی محقق شود خداوند در این باره می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»؛ (3) «ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم در زندگی دنیا به عدل و انصاف برخیزند.»

در این، آیه میزان به معنای وسیله وزن کردن و سنجش است که

ص: 58

---

1- تفسیر المیزان، ج 2، ص 413.

2- مطففین، آیه 1

3- حدید، آیه 25

کم فروشی تنها به این نیست که مغازه داری با دستکاری در ترازوی خود اجناس را از لحاظ وزنی به مردم کمتر بفروشد. آن کارمندی هم که برای هشت ساعت کار حقوق میگیرد و باید کار ارباب رجوع را حل کند از انجام کار شانه خالی میکند و کار خود را به خوبی انجام نمی دهد هم مشمول همین آیه میشود و کم کاری او نوعی کم فروشی است یا آن واعظ و اهل منبری که وقت مردم را می گیرد و به جای آیه و روایت و هدایت، مردم سخنان باطل و مفت و بی ارزش تحویل مستمع خود میدهد، نیز شامل مصداق کم فروشی است ی-ا م-ردی که باید احساس عشق به زندگی را مصروف همسر و فرزندان خود کند آن را در جای دیگر صرف میکند باز مشمول کم فروشی شده است.

مرحوم شیخ بهایی کتابی دارد به نام کشکول که در آن داستان پیرمرد و پیرزن فقیری را نقل میکند که این دو نفر گاوی داشتند و از آن طریق زندگی خود را میگذراندند آنان از شیر این، گاو، کره تهیه می کردند و به صورت گلوله آن را به مغازه بقالی تحویل میدادند و آن مغازه دار هم کره ها را به مردم میفروخت و از بابت آن پولی به این دو میداد روزی مرد بقال به ذهنش خطور کرد که نکند این پیرمرد و پیرزن سر او را کلاه بگذارند و گلوله کره ای که تحویل او میدهند کمتر از یک کیلو باشد مرد بقال یکی از این گلوله های کره را با همان ترازویی که جنس به آنان

ص: 59

داده بود وزن کرد و مشاهده نمود که ای دل، غافل وزن این گلوله های کره به جای یک کیلو نهصد گرم است و صد گرمش کم است. فردا که پیرمرد کره برای او آورد به او اعتراض کرد که چرا کم فروشی کرده و سر من کلاه گذاشته ای پیرمرد از گفته بقال تعجب کرد و گفت مگر چه شده است؟ بقال گفت: من این کره ها را وزن کرده ام، وزن آنها به جای یک کیلوگرم نهصد گرم است و هر یک گلوله کره صد گرم کمتر است. اشک از چشمان پیرمرد جاری شد و گفت ما پول برای خرید ترازو نداریم مدتی قبل از تو یک کیلو شکر خریداری کردیم و با آن کره ها را وزن میکنیم اگر مشکلی هست از خود توست. کم فروشی خودت دامنگیرت شده است.

این داستان به ما میفهماند اگر کسی در زندگی به هر نحو کم فروشی کرد، خداوند به قول معروف آب آن را در می کند و در همین دنیا تاوانش را باید پس بدهد.

7. «وَيَسْتَحِلُّ الْخَمْرُ»؛ شراب خواری را حلال شمرده و می خورند.

8 «وَالرِّشْوَةُ بِالْهَدِيَةِ»؛ رشوه خواری را به عنوان هدیه و شیرینی می گیرند و از آن نام میبرند.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «خدا لعنت کند رشوه گیر و رشوه پرداز و کسی که دلال میان آنهاست از رشوه گرفتن دوری کنید که این کار به منزله کفر محض است و شخص رشوه خوار از رحمت خدا به دور است. (1)

در نهج البلاغه امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است وقتی اشعث ابن قیس به

ص: 60

حضرت علی (علیه السلام) پیشنهاد رشوه داد حضرت نامه تندی خطاب به او نوشتند؛ به این مضمون که اگر کائنات را در اختیار علی قرار دهند حاضر نیستم دانه جویی را از دهان موری جدا کنم (1)

این عدل حضرت علی (علیه السلام) است و این شیوه حکومت داری حضرت.

9. والخیانه بالامانه؛ به نام امانتداری خیانت میکنند

10. «وَيَسْتَبِهُ الرِّجَالُ بالنساء و النساء بالرجال»؛ مردها خود را به شکل زنان و زنان خویش را به صورت مردها در می آورند

امروزه عیناً مصادیق آن را در کوچه و بازار مشاهده مینماییم.

11. «وَيَسْتَخَفُّ بحدود الصلاة»؛ به احکام نماز بی اعتنایی میکنند.

یک خش به ماشینش بیفتد تا صبح خوابش نمی برد؛ اما نماز که واجب الهی است از او فوت شود سر سوزنی نگران نمیشود

12. «وَيَحْجُ فِيهِ لِغَيْرِ الله»؛ و حج را برای غیر خدا به جای می آورند.

## آثار گناهان در آخرالزمان

حضرت پس از بیان این ویژگی ها نتیجه گیری میکنند و می فرمایند: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمانُ»؛ وقتی چنین اتفاقاتی افتاد و این زمان را درک کردید انتفخت الأهلُ تاره کیفر این زشتیها را مردم میبینند و آن این که خداوند آنها را از فیوضاتش محروم می کند حتی یری هلال لیلَتین وَ خَفِيتُ تارةً حَتَّى حَتَّى يَطْفُرُ شَهْرُ رَمَضانَ فِي أَوَّلِهِ»؛ (2) تا جایی که ماه برای آنها مخفی می شود؛ به طوری که گاهی دو شب دیده میشود و دو شب را به عنوان شب اول ماه

ص: 61

1- قاضی نعمان، مغربی دعائم الاسلام، ج 1، ص 396.

2- بحار الانوار، ج 92، ص 304

یاد میکنند. در نتیجه شبهای قدر متفاوت میشود و عبادات ماه رمضان به هم میخورد اینها اثرات آن کردارها و رفتارهاست.

فَأَنْ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ مَوْتٌ ذَرِيعٌ يَخْتَلِفُ النَّاسَ اخْتِطَافاً؛ در این وقت، باید ترسید از این که خداوند متعال بر مردم بلای ناگهانی فرستد (مانند-د، زلزله توفان و سیل؛ چراکه به دنبال آن کارهاست که بلاها مردم را فرامی گیرد حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْبِحُ سَالِماً؛ تا جایی که صبح سالم هستند و ینسی دفینا)؛ ولی شب در دل خاک و قبر آرمیده اند. «وَيَمْسِي حَيًّا وَ يَصْبِحُ مَيِّتًا»؛ و شب سالمند و بامدادان از مردگانند.

## راه های نجات در آخرالزمان

سپس حضرت راه های نجات و کدهای عاقبت به خیری را چنین بیان میفرمایند

«فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانِ»؛ وقتی چنین روزگاری پیش آمد، در چنین روزگاری که مرگ هر لحظه ممکن است انسان را فراگیرد وظیفه ما چیست؟ چه باید بکنیم که گرفتار نشویم؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «وَجَبَّ التَّقَدُّمُ فِيهِ الْوَصِيَّةُ فِيهِ قَبْلَ نَزُولِ الْبَلِيَّةِ» (1)؛ لازم است اگر کسی به دنبال عاقبت به خیری است، همیشه وصیتش آماده باشد و به تعبیری وصیتش زیر سرش باشد که مبادا بلایی بر او فرود آید

و بدون وصیت بمیرد.

خداوند در قرآن مجید در اهمیت وصیت میفرماید: كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا

ص: 62

عَلَى الْمُتَمِّينَ (1)؛ بر شما نوشته شده هنگامی که یکی از شما را مرگ، فرارسد اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده اید برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کنید این حقی است بر پرهیزکاران

اگر اهل تقوا و پرهیزکاری، هستیم باید وصیت نامه ها آماده باشد. نباید تصور کرد با وصیت کردن زود مردن را به دست خود مهیا کرده ایم. منظور از وصیت کردن یک نوع دوراندیشی است. اگر من مالی دارم بعد از مرگ من ورثه ام دچار اختلاف نشوند. وصیت کردن یکی از مستحبات مؤکد است که گاهی واجب میشود؛ مثل وقتی که انسان در پرداخت حقوق واجب الهی کوتاهی، کرده یا امانتی از مردم نزد او باشد که در صورت وصیت نکردن ممکن است حق آنان از بین برود.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم: «ما ینبغی لامرئ مسلم أن ینبیت لیلةً إلا ووصیته تحت رأسه»؛ (2) «سزاوار نیست برای شخص مسلمان که شب، بخوابد مگر در حالی که وصیت نامه اش زیر سرش باشد. البته تعبیر زیر سر بودن برای تأکید است و منظور آماده بودن وصیت است. در روایت دیگری میخوانیم که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «الوصیة حقّ علی کلّ مسلم» (3) وصیت، کردن وظیفه هر مسلمانی است.

ویژگیهای یک وصیت نامه خوب و مطلوب مبتنی بر آموزه های دینی شامل موارد زیر است

ص: 63

1- بقره، آیه 180

2- بحار الانوار، ج 103، ص 194.

3- وسائل الشیعه، ج 13، ص 352.

1. لازم است انسان یک دوره اعتقاداتش را در ابتدای وصیت نامه بیان نماید.

2. از وصیت خلاف شرع پرهیز کند؛ چه در باب اعمال و چه در باب اموال مسلمان نمیتواند به عملی حرام وصیت کند یا در مورد اموالش فراتر از آنچه شرع به او اجازه داده است، وصیت نماید؛ به طور محروم نمودن یک یا چند ورثه از ارث یا وصیت نمودن درباره بیش از یک سوم مال

3. توصیه شده است فرد مقداری از آنچه به میل خود وصیت میکند به امام عصر (علیه السلام) اختصاص دهد به طور مثال وصیت کند تا مبلغی برای سلامتی ایشان صدقه داده شود.

4. شایسته است برای برخی از بستگان که طبق احکام از او ارث نمی برند، سهمی مشخص کند.

5. بهتر است، فرد بخشی از وصیتش را به فقرا و مستمندان اختصاص دهد.

6. بهتر است وصیت به باقیات الصالحات باشد به طور مثال، مقداری از اموال خود را وقف امور خیر کند و صدقه جاری درست کند. اصل مال باشد؛ ولی درآمد آن در کارهای خیر مصرف شود.

7. لازم است در وصیت تنها به مسائل مادی پرداخته نشود و فرد توصیه های معنوی هم داشته باشد به عنوان مثال وصیت به نزدیکان برای ادای فریضه نماز در اول وقت و حفظ حجاب و عفاف برپایی مجالس عزای اباعبدالله الحسین و...

8 لازم است در وصیت شاهد گرفته شود یا به صورت محضری ثبت شود.

9. باید وصیت به گونه ای باشد که اسباب اذیت و آزار دیگران فراهم نگردد.



اول وصیت بر بدهکاری اموال. مردم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که در جلسه ای فرمودند از قبیله بنی نجار فردی در یکی از غزوات به شهادت رسیده است و او مبلغ یک درهم بدهکار است بروید و بدهی او را پرداخت کنید تا خداوند او را به بهشت ببرد

دوم وصیت بر انجام دیون مذهبی مانند، خمس زکات، نماز، روزه و....

سوم وصیت بر ثلث اموال.

چهارم انتخاب وصی

پنجم وصیت بر اموال مازاد برای وارث

توصیه ها و فرموده های حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به اصبح ابن نباته درباره آخرالزمان که فرمودند روزی میشود که چنین خواهد شد و وقتی چنین روزگاری فرا رسید مردم از یک سری فیوضات محروم خواهند شد بیشتر مربوط به مردم زمان حاضر است. حال در چنین زمانی، چه اعمال و رفتاری انجام دهیم که به دنبال آن، عاقبت به خیری داشته باشیم این مسئله عاقبت به خیری وصیت خدا به اهل ایمان است و انبیاء و اوصیای خدا نیز به دنبال آن هستند.

در جلسه قبل درباره حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب (علیه السلام) اشاره کردیم. یکی از کدهایی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) معرفی می کنند، وصیت کردن است؛ چون انسانی که اهل وصیت، باشد مراقب اعمال و رفتار خود هست و مرگ را شاهد و ناظر می داند؛ چراکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ» (1)؛ «به یاد مرگ بودن خواهش های نفسانی را در دل می میراند.

ص: 65

در ادامه نقل روایت از اصبغ ابن نباته از قول مولا علی (علیه السلام) در اوصاف آخر الزمان و راه نجات از فتن این دوران حضرت می فرمایند وقتی چنین روزی رسید و وَجَبَ تَقْدِيمُ الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا؛ واجب است نماز را در اول وقت آن بخوانید خَشْيَةَ فُوتِهَا فِي آخِرِ وَقْتِهَا؛ چون ممکن است آخر وقت، زنده نباشید.

چقدر ما را سفارش به خواندن نماز اول وقت کرده اند. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «إِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ؛ شیعیان ما را در سه جا امتحان کنید:

أَوَّلُ مِيفَر مایند: «عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ»؛ در موقع نمازها ببینید شیعیان ما

کیف محافظت‌هم علیها؛ چگونه بر خواندن نماز مواظبت دارند. (1)

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است: «أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ»؛ خواندن نماز در اول وقت رضوان و خشنودی خدا را به دنبال دارد (2)

حضرت علی (علیه السلام) سومین راه نجات را بعد از وصیت و نماز اول وقت چنین بیان فرموده اند: «فَهَنَ بَلَغَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الزَّمَانُ»؛ هرکس آن زمان را درک کرد: «أَفَلَا يُبَيِّنُ لَيْلَةً إِلَّا عَلَى طُهْرٍ»؛ شب بدون وضو نخوابد. «وَإِنْ قَدَرَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِلَّا طَاهِرًا وَ أَوْ كَرَّ بَرَايَشِ امْكَانِ دَارِدِ، هَمِيشَه بَا وَضُو بَخْوَابِدِ.

خداوند به برکت محبتی که از اهل بیت علیهم السلام در دل ما قرار داده است در این دوره و انفسا عاقبت همه ما را ختم به خیر نماید و ما را از فتن آخر الزمان حفظ فرماید. ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 66

---

1- بحار الانوار، ج 83، ص 22.

2- همان، ج 96، ص 303

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

خلاصه بحث

عنوان، بحث عاقبت به خیری است عاقبت به معنای فرجام است. عاقبت به خیری یعنی مجموعه کارهایی که اگر انسان در طول حیاتش انجام دهد، اولاً رضای خداوند را به دنبال دارد و خدای خود را راضی کرده است، ثانیاً حُسن عاقبت سراغ او خواهد آمد.

حسن عاقبت یا همان خوشبختی و سعادت از نگاه قرآن و روایت این است که انسان مرگ آسانی داشته باشد و به تعبیر عوامانه، مرگ، اول راحتی او باشد و در عالم برزخ روح او در آرامش باشد و بهشت و نعمتهای بهشتی در انتظارش باشد.

در اهمیت عاقبت به خیری، همین بس که پیامبر خاتم، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، با حالت گریه و تضرع بیان فرمودند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»؛ «خدایا، مرا حتی یک چشم به هم زدنی به خود وامگذار.» (1) بهتر است این دعا در قنوت و سجده های آخر نماز خوانده شود.

ص: 67

## اكتسابی و تحصیلی بودن عاقبت به خیری

فردی به محضر حضرت عبدالعظیم حسنی رحمه الله رسید - ایشان از بزرگان اصحاب ائمه علیهم السلام و از بزرگان علمای اسلام و شیعه هستند و از اولیای

خدا و راوی حدیث بوده‌اند و مدفن ایشان در شهرری است از ایشان سؤال: کرد چه کنم تا عاقبت به خیر شوم؟ باید بدانیم که این فضیلت راحت به دست نیاید و برای به دست آوردن این گوهر گرانبها انسان باید تمام سعی و تلاش خود را مصروف آن کند حضرت عبدالعظیم رحمه الله دقیقاً همین جمله را فرمودند و گفتند عاقبت به خیری، امری اکتسابی و تحصیلی است و باید در طول حیات انسان مواظب اعمال و کردار و گفتار خود باشد تا عاقبت او ختم به خیر شود.

## عاقبت به خیری در ادعیه و زیارات

اهمیت این موضوع به قدری است که در دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، یکی از نکات برجسته این دعاها بحث عاقبت به خیری

است و معنای دعا زیبا حرف زدن با خدا و درخواستهای خوب از او داشتن است.

ائمه معصومین علیهم السلام برای دعا کردن ارزش زیادی قائل شده‌اند؛ به گونه‌ای که کمتر دعایی می‌یابیم که در آن از عاقبت به خیری سخن ب-ه میان نیامده باشد و گاه تمام دعا درباره عاقبت به خیری است.

فرموده‌های حضرات معصومین علیهم السلام در این خصوص حاکی از اهمیت بالای این امر است: «الدعاء مخ العبادة»، «الدعاء سلاح المؤمن»، «الدعا مفتاح کل خیر (1) از این قبیل روایات در سخن معصومین علیهم السلام فراوان دیده

ص: 68

میشود که بعد از انجام فریضه نماز از خداوند طلب خیر و برکت و عاقبت به خیری داشته باشیم و موارد مشابه آن آنان درباره این که از خداوند چه درخواست هایی داشته باشیم ما را راهنمایی کرده‌اند و در کمتر روایت رسیده از اهل بیت علیهم السلام است که سفارش عاقبت به خیری دیده نشود.

اکثر دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است فرازی از آن درباره عاقبت به خیری است. بدین گونه می خواهند اهمیت این موضوع را به ما برسانند

### **عاقبت به خیری در زیارت عاشورا**

یکی از این دعاها در زیارت عاشوراست که به نقل از علقمه حضرمی از قول امام باقر (علیه السلام) میخوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ «خدایا، زندگی مرا همچون زندگی حضرت محمد و آل محمد قرار بده ما در زیارت عاشورا از خداوند بهره مندی از زندگی همراه با سعادت را میخواهیم و از آنجا که مرگ یکی از حلقه های حیات و از مراحل سیر تکامل انسانی است چگونه مردن را نیز از خداوند درخواست میکنیم و عرضه می داریم «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ «خدایا مرگ مرا همچون [مرگ حضرت محمد و آل محمد که با عاقبت به خیری از دنیا رفتند] قرار بده

### **اهمیت خواندن زیارت عاشورا**

درباره اهمیت خواندن زیارت عاشورا نیز نکته ای را عرض کنم. نقل است در زمان مرحوم آیت الله میرزای شیرازی، بیماری وبا در کربلا شایع شده بود مردم به ایشان متوسل شدند و برای رفع این بلا از ایشان

استعانت جستند آقا فرمودند در منازل خود زیارت عاشورا بخوانید و به معجزه این، زیارت تمام منزلی که در آن زیارت عاشورا خوانده شده بود، از این بلا نجات پیدا کردند مرحوم امام خمینی هر روز این زیارت را قرائت میکردند؛ زیرا آثار و برکات این زیارت را درک کرده بودند و افق نگاه ایشان با دیدگاه افرادی که درباره این زیارت صحبت میکنند، تفاوت داشت. اوج اهمیت این دعا در این قسمت از زیارت است که میخوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». اگر حیات ما به نحوی باشد که اهل بیت علیهم السلام ما را تأیید کنند، ممات ما طوری خواهد شد که اهل بیت علیهم السلام به فریاد ما برسند.

در زندگی افراد مشاهده کرده ایم کسانی که در راه عزای حضرت سید الشهداء آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) قدم گذاشته و خدمت نموده اند بعد از، فوت جنازه آنان با چه عزت و شکوهی تشییع می شود و سال ها بعد از فوت هم در جلسات عزاداری از آنان تقدیر کرده و به نیکی یاد میکنند.

کسی که شیوه زندگیش به صورتی باشد که مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد در آن لحظات سخت ائمه معصومین علیهم السلام به فریاد او خواهند رسید. امام سجاد (علیه السلام) فرموده اند: «أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: السَّاعَةُ الَّتِي يَعَايُنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»؛ [\(1\)](#) سخت ترین ساعات بنی آدم در سه حالت است ساعتی که ملک الموت حضرت عزرائیل او را می بیند؛ هنگامی که از قبر بیرون می آید و زمانی که برای رسیدگی به حسابها در برابر خدای تبارک و تعالی قرار می گیرد.

ص: 70

در شرح حال یکی از ذاکرین امام حسین (علیه السلام) مینویسند در لحظات پایانی عمر به دخترش که بر بالین او بود گفته بود که من یک عمر دم از آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) زده ام و تمام چشم امید من این است و اعتقاد راسخ دارم که در این لحظات آخر عمر آقا به بالین من خواهند آمد ترس من این است در این لحظه که من به خاطر ناتوانی جسمی خوابیده ام ایشان بر بالین من حاضر شوند و من در این حالت باشم. از شما تقاضا دارم به خاطر این که به ایشان بی احترامی نکرده باشم، دستت را در دست من بگذار و هر موقع آن را فشار دادم، بدان اربابم بر بالین آمده و و به هر طریق که میشود مرا از حالت خوابیده به حالت نشسته

من بنشان. من نمی خواهم در این لحظه در مقابل آقایم خوابیده باشم.

دخترش میگوید پدرم این جملات را در حالی که اشک بر دیدگانش جاری شد بیان کرد و به احتضار رفت و دیگر قادر به تکلم و شناختن چهره اطرافیانش نبود من بنا به درخواست پدر دست او را در دست خود گرفته بودم و اشک از چشمانم جاری شده بود لحظاتی گذشت احساس کردم که پدرم با حالت ضعف دست مرا فشار می دهد. فهمیدم این همان لحظه است که پدر گفته بود به هر زحمتی بود، پدر را به حالت نشسته قرار دادیم. مشاهده کردم پدرم گوشه ای از اتاق را نگاه کرد و در حالتی که اشک از چشمان او جاری بود گفت: «صَلِّ لِي اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ چشمانش را بست و خوابید؛ گویی صد سال است که خوابیده است.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و دم از اهل بیت علیهم السلام زدن به همین معناست. اگر انسان در زندگی و حیات

دنیوی طوری رفتار کرد که مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت، عاقبتش این می‌شود بستگی به رفتار و کردار ما در زندگی دنیایی دارد

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: مُجِعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، هَلْ يُكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قَبْضِ رُوحِهِ؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ، إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ، جَزَعَ عِدَّةَ ذَلِكَ، فَيَقُولُ لَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ: يَا وَلِيَّ اللَّهِ، لَا تَجْزَعُ فَوَالَذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا لَالًا لَنَا أَبْرُوكَ وَأَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنْ وَالِدِ رَحِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ أَفْتَحَ عَيْنَكَ، فَأَنْظُرَ قَالَ: وَيَمْتَلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَاللَّام

على الله مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ. فَيَقَالُ لَهُ: هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَنْبِيَاءُ رُفَقَاؤُكَ... فَمَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِئْذَانِ رُوحِهِ وَاللَّحُوقِ بِالْمَنَادِي؛ (1) به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم ای پسر رسول خدا آیا مؤمن از جان کردن خود ناراحت میشود؟ فرمود نه به خدا، زمانی که ملک الموت برای ستاندن جانش می‌آید، او بیتابی می‌کند؛ اما ملک الموت به او میگوید ای دوست خدا بیتابی ممکن؛ زیرا سوگند به آن که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را برانگیخت من از پدر مهربانی که به بالینت بیاید با تو خوش رفتارتر و مهربان‌ترم چشمت را باز کن و بنگر رسول خدا و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام از نسل آنها در برابرش نمایان میشوند و به او گفته میشود این رسول خدا و... رفیقان و همراهان تو هستند... در این هنگام چیزی برای او خوش‌تر از این

نیست که جانش ستانده شود و به منادی بپیوندد.

گویند که هر که هر که را دارد دوست

از بعد وفات هم او مونس اوست

ص: 72

1- اصول کافی، ج 3، ص 128.



یا رب تو گواهی که نباشد ما را

غیر از علی و محمد و آتش دوست (1)

این که دیده شده است بعضی از افراد در لحظه های آخر عمر و سكرات موت لبخند بر لب دارند به این خاطر است که در آن لحظه تبسم حضرت علی و ائمه طاهرين عليهم السلام را مشاهده می کنند.

### عاقبت به خیری در دعاهای صحیفه سجادیه

دعا چند گونه است و عالیترین، آن زمانی است که دعا خود، هدف عمل و مقصد باشد آنهایی که میخواهند در یک جمله از فقر، ضعف و عجز خویش و از توجه لطف و قرب به خداوند حرف بزنند، دعا می کنند اینها با دعا کردن فقط میخواهند از این ربط و پیوند خبر دهند. با این دید میتوان به نمونه هایی از دعا روی آورد.

در ادعیه وارد شده از معصومین عليهم السلام، فرازهای زیادی در موضوع عاقبت به خیری آمده است که مختصری از آنها در برنامه های ایام ماه مبارک رمضان بیان خواهد شد. از آن جمله دعاهای وارد شده در کتاب شریف صحیفه سجادیه است. امام سجاد (علیه السلام) در طول عمر بابرکت خود که بنا به قولی بعد از واقعه عاشورا مدت سی و پنج سال عمر نمودند (2) و در دوران خفقان حکومت بنی امیه و بنی مروان که کسی جرأت حق گوئی، نداشت با توجه به شرایط، زمان شیوه مبارزاتی خود را

ص: 73

---

1- سعدی، دیوان اشعار رباعیات

2- تولد آن حضرت در جمادی الاول سال 36 قمری و شهادتشان در 25 محرم سال 95 قمری بوده است.

که روشنگری و تعلیم و تربیت و بیان حقایق، بود، دعا قرار دادند و دین را در قالب دعا حفظ کردند.

کتاب گرانسنگ صحیفه سجادیه از نمونه های بارز دعاست. این کتاب شریف نیایشنامه امام همام حضرت زین العابدین علی ابن الحسین (علیه السلام) است که سینه به سینه و دست به دست با اهتمام فراوان اندیشمندان شیعی و راویان حدیث به دست ما رسیده و موجب فخر و مباهات عارفان و مناجات کنندگان به درگاه ربوبی گشته است.

ادعیه وارد شده در این کتاب به قدری مهم است که می توان گفت صحیفه سجادیه گوی سبقت را از بقیه دعاها ر بوده و بحق زبور آل محمد نام گرفته است امام سجاد (علیه السلام) در قالب دعا، معارف دینی را در اختیار ما قرار داده اند.

در دعای یازدهم این کتاب حضرت دعایی مخصوص عاقبت به خیری دارند در این دعا بعد از حمد و ثنای پروردگار چنین میفرمایند ای انسانها بالأخره این حیات مادی ما تمام خواهد شد تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا؛ رشته عمر ما سپری و قطع میشود.

مرحوم محدث قمی در سفینه البحار در ماده «عقل» یک داستان تشبیهی را از مرحوم شیخ بهایی نقل میکند که گفت کسی که در دنیا خدا را کنار گذاشته و به یاد مرگ هم نیست همانند کسی است که او را در یک چاه عمیق با یک ریسمان آویزان کرده اند یک نگاه به پایین می اندازد، میبیند یک افعی متوجه اوست و منتظر است که او را ببلعد و یک نگاه به بالا می، کند می بیند دو، موش یکی سفید و یکی، سیاه طناب را می جوند. در این، وسط چشمش میافتد به یک مقداری عسل که به دیوار چاه روی

خاکها مالیده شده است و اطراف این غسل زنبورهای فراوانی هستند که عسلها را میخورند این شخص هم آن افعی داخل چاه و ریسمان در حال پاره شدن توسط موش را فراموش میکند و شروع میکند به لیسیدن این عسلها و مشغول جنگیدن با زنبورها میشود

انسان در دنیا چنین وضعی دارد؛ یعنی، چاه همان دنیاست و ریسمان انسان است و آن دو، موش شب و روز است و افعی هم اجل و مرگ است که طناب عمر وقتی قطع شد انسان می میرد عسل ها هم لذت های توأم با گرفتاری در دنیاست و آن زنبورها هم دنیا دوستان و ابنای دنیا هستند که هر کدام به نفع خودشان سفره دنیا را می.کشند این انسان غافل از اجل می پردازد به لذتهای آلوده به گرفتاری و مرگ را فراموش میکند و با ابنای دنیا بر سر تصاحب دنیا مشغول رقابت و جنگ میشود.

مرحوم شیخ عباس قمی در ادامه میفرماید شیخ بهایی بعد از نقل این تشبیه میفرماید: «وان هذا المثل من اشد الامثال انطباقا علی الممثلین و نسأل الله تعالی البصیره و الهدایه و نعوذ به من الغفله و الضلاله»؛ «این مثالی که گفته ام بهترین نمونه از مثالهای تطبیقی درباره انسان و رابطه او با دنیاست و از خدا میخواهیم به ما بصیرت کامل عنایت کند و ما را هدایت فرماید و عاقبت ما را ختم به خیر کند و از شر غفلت و گمراهی به خدا پناه میبریم

به نظر میرسد کلام شیخ بهایی ناظر به روایات باشد؛ زیرا در روایات موارد زیادی داریم که بر این مضامین دلالت دارند برای نمونه در روایتی آمده است: «ان اهل الجنة لا يتحسرون علی شیء فاتهم من الدنيا

کتبخسرههم علی ساعه مرت بغیر ذکر الله»؛ (1) «روز قیامت حسرت سراسر وجود انسان را فرامی گیرد؛ حتی خوبان نیز حسرت میخورند که ای کاش در دنیا اعمال نیک بهتر و بیشتری انجام میدادند.

اگر بخواهی تمام ثروت دنیا را بدهی و لحظه ای از این گذر عمر را بازگردانی امکان پذیر نیست و هر روز که گذشت، برگه ای از تقویم عمر ما کاسته می شود. ناگهان بانگی برآمد که خواجه مرد و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و «اژدها پایان عمر و مرگ انسان است که تاکنون میلیاردها انسان را به کام خود کشیده و بلعیده است و همچنان انتظار ما را میکشد تا به کام خود فرو برد و سیرایی هم ندارد

امام سجاد (علیه السلام) در دنباله دعا می فرماید: «وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِبَابَتِهَا» (2)، آن هنگامی که روزهای زندگی ما به سر رسید و جناب عزرائیل دعوتنامه ای را برای ما فرستاد که باید حتماً آن را اجابت کرد و گریزی از آن نیست.

ما در زندگی دنیایی میتوانیم با بهانه هایی از دعوت دیگران سر باز زنیم؛ اما ناگزیر به اجابت دعوت حضرت عزرائیل هستیم و هیچ راه گریزی از آن نیست.

نقل است که امام صادق (علیه السلام) یک تار موی سفید در محاسن خود مشاهده کردند، شروع کردند به گریه کردن اطرافیان گفتند: ای فرزند پیامبر، به خاطر یک تار موی سفید گریه میکنید؟ ایشان فرمودند: این نشانه مرگ است و اخطار به من جعفر بن محمد است که آماده رفتن باش (3)

ص: 76

1- مستدرک الوسائل، ج 5، ص 288، ح 6.

2- صحیفه سجادیه، ص 76

3- بحار الانوار، ج 73، ص 108.

امام سجاده (علیه السلام) در ادامه دعا برای عاقبت به خیری به درگاه خدا عرض میکنند و اجعل ختام ما تحصی علینا کتبه اعمالنا؛ (1) «خدایا، فرجام کار من و عاقبت عمر من به نحوی باشد که کاتبان اعمال من در لحظه آخر کتابت اعمال من این مهر تأیید را بزنند که «توبه مقبولة»؛ «آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می، شمارند توبه پذیرفته شده قرار بده. این معنای عاقبت به خیری از دیدگاه امام سجاده (علیه السلام) است.

بالآخره ما معصوم نیستیم و در طول زندگی خود لغزشها و خطاهایی از ما سرزده است؛ پس خواهش ما از خداوند این است که توبه ما را قبول کند.

وَلَا تُوقِنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبِ اجْتِرْحَانَا، وَلَا مَعْصِيَةِ افْتَرَقْنَاهَا؛ (2) توبه ای که آن را نشکنم و مجدداً مرتکب گناه نشوم و معصیتی بعد از آن انجام ندهم که به خاطر آن سزاوار توبیخ و عذاب باشم. توبه ما مانند آن شرابخواری نباشد که شب پای منبر شیخی که در مذمت شرابخواری سخن میگفت با خود عهد کرد که دیگر شراب نخورد. شب چند ساعتی که گذشت نتوانست به توبه خود عمل کند و گفت امشب را میخورم و از فرداشب توبه میکنم فرداشب و پس فرداشب این عمل خود را تکرار کرد و دید اهل توبه کردن نیست و گفت:

عهد کردم که دگر می نخورم

به جز امشب و فرداشب و شبهای دگر (3)

ص: 77

---

1- صحیفه سجادیه، ص 76

2- همان.

3- عماد خراسانی، دیوان اشعار

، این قصه افرادی است که در شبهای قدر با جلسات اهل بیت علیهم السلام از اعمال و کردار ناپسند خود توبه میکنند؛ ولی پس از آن مجدداً به انجام اعمال زشت خود ادامه میدهند. عاقبت به خیری به این مفهوم است که مهر تأیید پای نامه اعمال ما زده شود و دیگر گرد اعمال خلاف شرع نرویم.

یکی از دعاهای امام سجاد (علیه السلام)، دعای سحر است که به دعای ابو حمزه ثمالی معروف شده است ثابت ابن دینار، معروف به ابو حمزه، شمالی از اصحاب امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) بوده است وی از مفسران و فقهای بزرگ اهل کوفه است که دیگر فقهای شیعه از او علم و حدیث می آموخته اند. ابو حمزه از زاهدان و بزرگان اهل دیار خود بوده که به دعا اهمیت زیادی میداده است و دعاهای امام سجاد (علیه السلام) را جمع آوری و روایت میکرده است و دعای معروف سحرهای ماه مبارک رمضان از امام زین العابدین (علیه السلام) به نام وی شناخته میشود (1) در این دعا امام سجاد (علیه السلام) با بیانی جذاب و دلنشین و با مضامینی عالی با خداوند سبحان به راز و نیاز پرداخته است و به قدری این دعا دلرباست که اشک را از دیدگان جاری میسازد و انسان همراه با نواهای عارفانه به پرواز در میآید و موجب تصفیه روح و صفای باطن و تهذیب نفس می گردد.

این دعا مشتمل بر مراحل مختلفی است که لابه لای آن مطالب گوناگون، عرفانی اجتماعی سیاسی و اخلاقی ارائه شده است.

در دعای ابو حمزه ثمالی سراسر سخن از عاقبت به خیری است. فرازی از دعا این است

ص: 78

وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ «خدایا! م--را در راه دین پیامبرت بمیران» «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلُكَ إِيْمَانًا لَا آجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ»؛ خدایا در این شب ماه مبارک رمضان که دعای ابوحمزه می خوانم از تو ایمانی میخواهم که عاقبت و انتهای آن ملاقات با تو باشد.» «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَأَدْخُلِي جَنَّتِي؛ و تو ای روح آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است. پس در سلک بندگانم در آی و در بهشتم وارد شو. (1)

خدایا! خواهش من از تو ای خداوندگار جهان این است ایمانی از تو میخواهم که پایانی جز ملاقات تو نداشته باشد و وارد بهشت شوم؛ چون میدانم شیطان در لحظات آخر، عمر تمام تلاش خود را مصروف میدارد تا من نتوانم کلمه لا إله إلا الله را بر زبان جاری کنم

حضرت آیت الله حاج آقا حسن امامی رحمه الله از استادان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، نقل می کردند پیرمردی از رفقای ما که آدم خوبی بود، مریض شده بود و برای عیادت او به منزلش رفتیم در این حال، به حالت احتضار فرورفت - مستحب است در این مواقع محتضر را رو به قبله کنند و کلمه شهادتین را به او تلقین نمایند ما هر چه به او گفتیم بگو «لا إله إلا الله و هر چه تکرار میکردیم او توجه اش به طاقچه کنار اتاق بود که دو عدد گلدان مرغی در آن قرار داشت و از گفتن این کلمه باز میزد. من ناراحت شدم و گفتم او که آدم خوبی بود، چرا در این لحظه از گفتن این کلمه سر باز میزند من از اتاق خارج شدم. ناگهان

ص: 79

سروصدایی از داخل اتاق بلند شد. گفتم او تمام کرده است. به اتاق برگشتم دیدم او نشسته است و زن و بچه او سروصدا راه انداخته اند که چه اتفاقی افتاده است که این محتضر رو به دنیا کرده است. ناگهان مشاهده کردیم که او از رختخواب بلند شد و دو عدد گلدان مرغی که در طاقچه قرار داشت را برداشت و بیرون از اتاق لب حوض خانه به زمین کوبید و آنها را شکست نزدیکان او از این عمل او تعجب کردند. این گلدانها که خیلی با ارزش بودند و او از نزدیک شدن افراد به آنها ممانعت میکرد چه شد او از آنها دل گند و آنها را چنین خرد کرد علت را از او سؤال کردم گفت سید در آن لحظه که شما کلمه «لا إله إلا الله» را به من تلقین میکردی شیطان در کنار گلدانها ایستاده بود و می گفت اگر کلمه «لا إله إلا الله» را بر زبان جاری کردی این گلدانها را میشکنم. من برای رهایی از این وابستگی با دست خودم آنها را شکستم تا به چیزی در دنیا دلبستگی نداشته باشم.

در این فراز از دعای ابوحمزه از خداوند ایمانی را طلب میکنیم که آخر آن به ملاقات با او ختم به خیر شود و این معنای عاقبت به خیری است. نمونه های دیگری هم در دعاها هست که در روزهای آینده آنها را بیان خواهیم کرد تا اینجا مفهوم و معنای عاقبت به خیری را فهمیدیم در جلسات بعد خواهیم گفت که چه کارهایی باید انجام دهیم تا عاقبت به خیری نصیب ما شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

موضوع بحثی که در این ماه مبارک رمضان شروع کردیم، عاقبت به خیری است گفتیم عاقبت به معنای فرجام است و عاقبت به خیری یعنی یک دسته کارهایی که اگر انجام دادیم مرگ بر ما آسان میشود و بهشت و نعمتهای بهشتی در انتظار ما خواهد بود.

رسیدیم به این بحث که شخصی آمد محضر حضرت عبدالعظیم حسنی و سؤال کرد آقا چه کنم که عاقبت من ختم به خیر شود؟ ایشان فرمودند عاقبت به خیری امری تحصیلی است. اگر خواستار حُسن عاقبت، هستی باید حصول کنی و یک عمر حواست را به اعمال و رفتار و کردارت جمع کنی.

### شیخ حسنعلی نخودکی و راهکار گشایش مشکلات

فردی به محضر، عابد زاهد و صاحب نفس مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت آقا شما از اولیای خدا هستید، من سه

قفل و گره در زندگی ام به وجود آمده است و سه کلید و راهکار برای گشایش این مشکلاتم از شما درخواست دارم

قفل اول: مشکل اولم این است که هنوز ازدواج نکرده ام از خدواند می خواهم همسری خوب و متدین نصیب من کند و ازدواجی سالم داشته باشم.

قفل دوم مشکل دوم من هم این است که کسب و کار درست و حسایی ندارم دوست دارم شغل مناسب و خوب و با درآمد مکفی و بابرکت داشته باشم.

قفل سوم مشکل سوم و مهمتر از آن دو این که می خواهم عاقبت به خیر شوم. حال شما که مرد خداترس و صاحب نفس هستید، راهکار و کلید باز شدن این قفلها و گره ها را به من معرفی کنید.

ایشان فرمودند برای هر سه قفل و مشکل، تو کلید معرفی میکنم کلید قفل، اول خواندن نماز اول وقت و کلید قفل دوم هم نماز اول وقت و کلید قفل سوم نیز به جای آوردن فریضه نمازهای واجب در اول وقت است.

در جواب: گفتم آقا برای هر سه قفل یک کلید معرفی میکنید؟

ایشان در پاسخ سؤال او جمله عجیبی را بیان کرده و فرموده بودند: ای جوان خواندن نماز اول وقت شاه کلید تمام مشکلات و گره های زندگی انسان است.

## آثار نماز اول وقت

بعضی از آثار و برکات نماز اول وقت عبارت است از:

ص: 82

## 1. جلب رضا و خشنودی الهی

امام رضا (علیه السلام) فرمودند بدان که هر نماز دو وقت دارد: اول وقت و آخر وقت. اول وقت خشنودی پروردگار و آخر آن بخشش و عفو الهی است.» (1)

## 2. خاموشی آتش دوزخ.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند هیچ نمازی وقتش نمی رسد مگر آنکه فرشته ای ندای عمومی سر می دهد ای، مردم پآخیزید و آتش را که خود بر پشت خویش برافروخته اید با نماز خاموش کنید.» (2)

## 3. جلب دعای خیر فرشتگان.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند کسی که نمازهای واجب را در اول وقت ادا کند و حدود آنها را حفظ نماید فرشته ای آن را سپید و پاکیزه به آسمان می برد. آن وقت نماز به نمازگزار [ گوید خدا تو را نگاه دارد، همان گونه که مرا نگاه داشتی و مرا به ملکی بزرگوار سپردی (3)

## 4. برطرف شدن گرفتاری و ناراحتی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «بنده ای نیست که به وقت های نماز و جاهای خورشید اهمیت بدهد مگر این که من سه چیز برای او ضمانت میکنم (الف) برطرف شدن گرفتاری ها و ناراحتی ها؛ (ب) آسایش و خوشی به هنگام مردن؛ (ج) نجات از آتش (4)

## 5. در امان بودن از بلاهای آسمانی

ص: 83

---

1- بحار الانوار، ج 79، ص 340

2- ثواب الاعمال، ص 83 و 84

3- خمینی روح الله، آداب الصلاه، ص 30 موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله .

4- بحار الانوار، ج 73، ص 108.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «هنگامی که خداوند از آسمان آفتی بفرستد، سه گروه از آن در امان میمانند (الف) حاملان (قرآن) (ب) کسانی که وقفهای نماز را محافظت میکنند؛ (ج) کسانی که مساجد را آباد مینمایند.» (1)

کسی با رفاقت با خداوند و اهل بیت علیهم السلام زیانی ندیده است؛ به خصوص جوانها جوانی که در عنقوان جوانی سر روی مهر بگذارد و به سجده در برابر خداوند خضوع، کند خداوند با این عمل او در برابر ملائکه مباهات میکند و می فرماید ببینید این جوان به هر کجا میخواست میتوانست، برود ولی به مسجد آمده و به درگاه من روی آورده است. در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است.»

در شب اول قبر هم یکی از سؤالات، فرشتگان، چگونه طی کردن و گذراندن دوران جوانی است.

### حکایت سفارش امام زمان (علیه السلام) به جوان درباره نماز اول وقت

امام زمان (علیه السلام) به جوانی فرموده: اند نماز اول وقت را فراموش مکن حکایت آن چنین است

صدای اذان از رادیو ماشین به گوش رسید. جوانی که در کنارم نشسته بود بلند شد و به طرف راننده رفت و به او گفت آقای راننده میخواهم نماز بخوانم راننده با بی تفاوتی و بی خیالی گفت برو بابا حالا کی نماز میخواند؟ بعدش هم توجهی به این مطلب نکرد؛ ولی جوان با جدیت گفت به تو میگویم نگره دار راننده فهمید که او بسیار جدی است: گفت این جا که جای نماز خواندن نیست وسط بیابان

ص: 84

---

1- محمد محمدی ری شهری ترجمه عبدالهادی مسعودی، الصلاة في الكتاب و السنه، ج 1، ص 329.

بگذار به یک قهوه خانه یا شهری برسیم، بعد نگره می دارم. خلاصه، بحث بالا گرفت راننده چاره ای جز نگره داشتن نداشت. بالأخره ماشین را در کنار جاده نگره داشت جوان پیاده شد و نمازش را با آرامش و طمأنینه خواند من هم به تاسی از وی نماز خواندم پس از نماز وقتی در کنار هم نشستیم و ماشین حرکت کرد از او پرسیدم چه چیز باعث شده که نمازتان را اول وقت خواندید؟ جوان گفت من به امام زمانم، حضرت ولی عصر (علیه السلام) تعهد داده ام که نماز را اول وقت بخوانم تعجب من بیشتر شد: گفتم چگونه و به خاطر چه چیز تعهد داده اید؟ جوان گفت من قضیه و داستانی دارم که برایتان بازگو میکنم

من در یکی از کشورهای اروپایی برای ادامه تحصیلاتم درس میخواندم چند سالی بود که آنجا بودم محل سکونت من در یک بخش کوچک بود و تا شهری که دانشگاه من در آن قرار داشت، فاصله زیادی بود و اکثر اوقات با ماشین این مسیر را طی می کردم. ضمناً در این بخش یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر می برد و بر می گشت و من برای فارغ التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را میدادم پس از سالها رنج و سختی و تحمل، غربت، خلاصه روز موعود فرارسید. درسهایم را خوب خوانده بودم. آماده بودم. برای آخرین، امتحان سوار اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه اتوبوس در حالی که پر از مسافر، بود راه افتاد من هم کتاب جلویم باز بود و مشغول مطالعه بودم نیمی از راه را آمده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد راننده پایین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد مقداری موتور ماشین را نگاه کرد و دستکاری نمود آمد استارت زد، ماشین

روشن نشد دوباره و چندین بار همین کار را کرد اما فایده ای نداشت این وضعیت طولانی شد. مسافران کنار جاده نشسته بودند و بچه هایشان بازی میکردند و من هم دلم برای امتحان شور میزد و دیگر چیزی به زمان امتحان نمانده بود. وسیله نقلیه دیگری هم از جاده عبور نمیکرد که با آن بروم نمی دانستم چه کنم. در اضطراب و نگرانی و ناامیدی به سر میبردم تا شهر هم راه زیادی بود که نمیشد پیاده بروم. پیوسته قدم میزدم و به ماشین و جاده نگاه می کردم که همه تلاشهای چند ساله ام از بین می رود و خیلی نگران بودم. یکباره جرقه ای در مغزم زد که ما وقتی در ایران بودیم، در سختیها به امام زمان (علیه السلام) متوسل میشدیم و وقتی کارها به بن بست می رسید از او کمک و یاری میخواستیم این بود که دلم شکست و اشکم جاری شد.

با خود: گفتم یا بقیة الله اگر امروز کمکم کنی تا به مقصدم برسم قول میدهم و متعهد میشوم که تا آخر عمر نمازم را همیشه سر وقت بخوانم پس از چند دقیقه آقایی از آن دور آمد و رو کرد به راننده و گفت چه شده؟ با زبان خود آنها با هم حرف می زدند). راننده گفت: نمیدانم نمی دانم هر کاری میکنم ماشین روشن نمی شود. مقداری ماشین را دستکاری کرد و کاپوت را بست و: گفت برو استارت بزنی راننده چند استارت که زد ماشین روشن شد همه خوشحال شده و سوار ماشین شدند و من برق امید در دلم زد و امیدوار شدم. همین که اتوبوس میخواست راه بیفتد دیدم همان آقا بالا آمد و مرا به اسم صدا زد و: گفت تعهدی که به ما دادی یادت نرود؛ نماز اول وقت بعد پیاده

شد و رفت و من او را ندیدم فهمیدم که حضرت بقیه الله امام عصر (علیه السلام) بوده همین طور اشک میریختم که چقدر من در غفلت بودم. این بود سرگذشت نماز اول وقت من . (1)

### نماز سیدالشهدا (علیه السلام) در ظهر عاشورا در اول وقت

در اهمیت نماز اول وقت همین بس که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در ظهر عاشورا در آن بحبوحه جنگ و هوای گرم، کربلا وقتی آفتاب به دایره نصف النهار، رسید ابو ثمامه صاعدی به امام حسین (علیه السلام) گفت: «وقت نماز است. حضرت فرمودند مرا از وقت نماز آگاه کردی، خداوند تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد. (2) در آن حال به نماز ایستادند. در رسای این، واقعه شاعر اهل بیت علیهم السلام استاد حبیب الله چایچیان اشعاری سروده است که ایباتی چند از آن را میآوریم

رضای حق مرا چون بود مقصود \*\*\* گذشتم از گذشتم از همه در راه معبود

ز قتل اکبر و عباس و قاسم \*\*\* مرا هر لحظه داغی دیگر افزود

-ه ی-اران من رفتند یکسر \*\*\* رسیدند آن وفاداران به مقصود

ولی من مانده ام تنهای تنها \*\*\* ز هر سوراها گردید مسدود

صراط وصل را در این مراحل \*\*\* دلم با شوق بی حد گرچه پیمود

ولی بالاترین معراج عشقم \*\*\* نماز ظهر عاشورای من بود (3)

نماز اول وقت یکی از کدهای عاقبت به خیری است و کسی که به

ص: 87

---

1- عباس، عزیزی نماز و عبادت امام زمان، ص 85

2- پیشین، ص 8

3- استاد حسان حبین الله چایچیان، نماز ظهر عاشورا

شب اول قبر و قیامت و محکمه عدل الهی در فردای قیامت اعتقاد داشته، باشد چیزی که در طول عمرش ذهن او را به خود مشغول می کند همین موضوع عاقبت به خیری است و دغدغه این را دارد که نکند عاقبت من ختم به شر شود و سوء عاقبت به سراغ من بیاید.

## مؤمن و خوف از عاقبت خود

رسول گرامی خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ»؛ یکی از نشانه های مؤمن حقیقی آن است که دائماً از عاقبتش بیمناک است. «و لا يَتَيَقَّنُ الْوُضُوءَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ»؛ و یقین ندارد اعمالی که انجام داده است مورد رضا و خشنودی خداوند قرار گرفتند یا نه (1)

صل الله سلمان فارسی با آن عظمتی که داشت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در جه «منا اهل البيت به او داده بود و تاریخ هنوز این افتخار را فراموش نکرده است و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند به ایشان نگویید سلمان، فارسی، بلکه خطاب کنید سلمان محمدی؛ با وجود، این در احوالات ایشان مینویسند در مدائن که بود مرتب گریه می کرد از ایشان سؤال کردند چرا گریه میکنید؟ ایشان فرمودند میترسم بر سنت پیغمبر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا نروم. (2)

بعضی تصورشان این است که با انجام چند کار، خیر طلبکار خدا هستند؛ در حالی که لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ». مؤمن یقین نداشته باشد که صددرصد بهشتی است: «حَتَّى يَكُونَ وَقْتُ نَزْعِ رُوحِهِ وَظُهُورِ مَلِكِ الْمَوْتِ لَهُ». (3) چه وقت مشخص میشود که اعمال او مورد

ص: 88

1- بحار الانوار، ج 6، ص 176.

2- روضة الواعظی، ص 29، بحار الانوار، ج 22، ص 38.

3- بحار الانوار، ج 24، ص 26



قبول پروردگار قرار گرفته است؟ وقتی که قابض الارواح به سراغ او آمد. در آن وقت مشخص میشود که انسان حُسن عاقبت دارد یا خیر.

به طور خلاصه میتوان گفت بدون شک هیچ عملی مانند انجام واجبات الهی و عمل به تکالیف خدایی در حُسن عاقبت مؤثر نیست؛ همانطوری که مهمترین عمل در بدعاقبتی ارتکاب محرمات الهی و انجام گناهان است.

## اوّل خوب و آخر بد

تاریخ را که مطالعه کنیم به این موضوع بهتر پی خواهیم برد-ب-رد ک-ه اف-راد زیادی شروع خوبی در اعمال و کردار و رفتار خود در زندگی داشته اند؛ اما موفق نشده اند خوب آن را به پایان برسانند

قرآن مجید در سوره توبه آیه 75 میفرماید وَ مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللّٰهُ لَئِنْ اللّٰهُ آثَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ؛ بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان و شاکران خواهیم بود.

## حکایت نُعلبة و عاقبت او

در روایات نقل شده است که این آیه و آیات بعد از آن درباره شخصی به نام تعلبة ابن حاطب نازل شده است. (1) او که شخص فقیری بود، نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و از ایشان درخواست کرد برای ثروتمند شدن او دعا فرمایند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ابتدا او را از این خواسته منع فرمودند؛ ولی او بر

ص: 89

خواسته اش اصرار و پافشاری کرد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند، مال کفافش خوب است؛ ولی اگر زیاد شد معلوم نیست انسان ظرفیت آن را داشته باشد و از راه خداوند منحرف نشود زندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که حاکم اسلامی بود زندگی ساده ای بود سپس حضرت شرط کردند که اگر ثروتمند شد و از فضل خداوند مالی نصیب او شد، حق فقرا را پرداخت کند و آدم صالح و درستکاری باشد و این طور نباشد که مال و ثروت از یک در وارد شود و دین و ایمان از در دیگر خارج شود. او تا زمانی که مال و ثروت نداشت نماز اول وقتش ترک نمیشد و واجبات خود را انجام میداد؛ ولی زمانی که خداوند مال و منال به او داد، به جای اینکه شکر نعمت کند و دستورات خداوند و رسول او را مطیع باشد، کف-ر

نعمت کرد و ترک واجبات و انجام محرمات نمود.

، ثعلبه نماز جماعتش پشت سر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم ترک نمی شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به ثعلبه فرمودند ای ، ثعلبه خداوند صلاح تو را در این میبیند

سلم الله که فقیر بمانی؛؛ ولی او اصرار کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از او تعهد گرفتند در صورت اجابت خواسته او نماز جماعتش ترک نشود.

قبل از ثروتمند شدن ثعلبه قبل از همه به مسجد وارد میشد و دیرتر از همه از مسجد خارج میشد او قول داد لَنْصَدَّ دَقَقًا وَ لَنْكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حق او دعا کردند و وضع مالی او خوب شد. تعدادی گوسفند داشت و با دعای پیامبر تعداد آنان زیاد شد تا جایی که در مدینه جایی برای نگهداری آنان نبود به ناچار در منطقه ای در خارج از مدینه ساکن شد و مشغله او به این خاطر زیاد شد و به طور نامرتب در نماز جماعت شرکت میکرد؛ تا جایی که شرکت در نماز

جماعت به جای یک روز در میان هفته ای یکبار شد و با خارج شدن از مدینه و دور شدن از مسجد به جای هفته ای یکبار ماهی یکبار شد و آنقدر به خود مشغول شده بود که فرصت شرکت در نماز را نداشت و در دروازه شهر کسانی که خارج میشدند از احوال پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال می کرد. پس از چندی آیه زکات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فردی را برای گرفتن زکات نزد ثعلبه فرستادند. وقتی آن فرد حساب زکات مال ثعلبه را، کرد ثعلبه دید مقدار زیادی از این گوسفندان را باید بابت زکات پرداخت کند او بر آشفت و در جواب فرستاده پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از روی تمسخر و توهین گفت زکات چیزی مانند جزیه است که از اهل کتاب گرفته می شود. او واجب دین را با جزیه اهل کتاب مقایسه کرد و از پرداخت زکات سر باز زد و به سبب مال دنیا اصل شریعت را زیر سؤال برد.

قرآن در ادامه میفرماید: فَلَمَّا آتَاهُم مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ؛ وقتی خداوند از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و از آنچه عهد کرده بودند، اعراض نمودند. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از این حرکت ثعلبه خیلی ناراحت شدند و فرمودند: ویل للثعلبه!؛ «وای بر ثعلبه ثعلبه نتواست از عهده این آزمایش برآید و دنیا را با بدبختی و داع نمود (2)

### اهمیت دعا درباره عاقبت خود

با شنیدن این داستانها انسان با تمام وجودش باید دعا کند که عاقبت او

ص: 91

1- توبه، آیه 76

2- بحار الانوار، ج 22، ص 40

ختم به خیر شود برای همین است که در دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام یکی از دعاهایی که آنان به ما یاد داده اند بحث عاقبت به خیری است. در

جلسه قبل برای نمونه فرازهایی از زیارت عاشورا را بیان کردیم در دعاهای دیگر هم در این رابطه مطالبی بیان شده است.

دعای جوشن کبیر که توسط جبرائیل به خاتم الانبیاء حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) تعلیم داده شده است مشتمل بر هزار اسم است که اسم اعظم الهی در آن است و یکصد بند دارد و در پایان هر بند، از خدواند خواهیم که ما را از آتش جهنم خلاص کند، یعنی عاقبت ما ختم به خیر شود این دعا بیشتر در ماه مبارک رمضان در شب های قدر خوانده می شود.

در دعای عالیة المضمین هم که دعایی است با مضامین عالیه و سفارش شده است بعد از زیارت هر امام معصوم (علیه السلام) این دعا خوانده شود، باز همین مطلب وجود دارد. امام معصوم (علیه السلام) پادشاه هستی است و کسی که نزد امام معصوم (علیه السلام) مشرف شود چیز کمی از او طلب نمی کند.

### حکایت کودک زیرک و پادشاه

نقل است پادشاهی با خدم و حشم و ملازمان خاص خود و هیمنه و ابهت زیاد از مسیری عبور میکرد رسید به محلی که عده ای کودک مشغول بازی بودند بچه ها تا این منظره و هیبت را دیدند از ترس پا به فرار گذاشتند به جز یک بچه پنج شش ساله ای که شجاعانه ایستاد و وقتی پادشاه به او رسید مؤدبانه به پادشاه سلام کرد پادشاه او را نزد خود خواند و او را تشویق نمود و از او خواست در مقابل ادب او مبلغی به او

هدیه کنند. کودک از عنایت پادشاه تشکر کرد و از قبول هدیه امتناع نمود. وقتی پادشاه علت را سؤال، کرد کودک در جواب گفت: مادرم سفارش کرده است از کسی پول قبول نکنم و اگر این هدیه را قبول کنم مورد مؤاخذه مادرم قرار خواهم گرفت پادشاه در جواب: گفت به مادرت بگو که این مبلغ را پادشاه به تو داده است؛ در این صورت او تو را کتک نخواهد زد. طفل: گفت اگر بگویم پادشاه این مبلغ ناچیز را به من داده است، بیشتر اذیتم خواهد کرد. پادشاه گفت: به چه علت؟ کودک در جواب: گفت مادرم خواهد گفت که پادشاه کرامتش بیش از این است و این مبلغ ناقابل را به تو کمک نمی. کند پادشاه خندید و بر ذکاوت کودک آفرین و دستور داد هر مبلغ که بخواهد به او صله و پاداش هدیه کنند. ، بنابراین کسی که پیش پادشاه هستی می رود کم طلب نمی کند

این زیارت یعنی زیارت عالیة المضامین میخوانیم: «وَتَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي»؛ «پایان کار من که خاتمه زندگی دنیایی و شروع زندگی اخروی من است را «مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً» (1) قرار بده هر کدام از این سه خواسته شاه کلید عاقبت به خیری: است پایان کار من خوب باشد، پسندیده باشد خدا و امام معصوم (علیه السلام) از من راضی باشند و مرگ راحت داشته باشم «سَلِيمَةً»، یعنی مرگ با عزت داشته باشم.

### **درخواست مرحوم آیتالله ابطحی از امام زمان (علیه السلام)**

مرحوم آیت الله سید محمدباقر ابطحی رحمه الله که ایشان ارادت خاصی به امام

ص: 93

زمان (علیه السلام) داشتند وقتی با عده ای از طلاب خدمت ایشان رسیدیم گریه می کردند و می فرمودند: طلبه ها امام زمان (علیه السلام) مظلوم است. هم خودتان در نماز خود به امام زمان (علیه السلام) زیاد دعا کنید و هم روی منبر به مردم سفارش کنید در اوج مشکلات بخوانند: «الْمُسْتَعَاثُ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ». نقل قول از برادرزاده ایشان است که می گفت ایشان در اواخر عمر دچار بیماری شده بودند به طوری که سگته سوم را کرده بودند، فرمودند: لحظه ای فرارسید که قابض الارواح را هم دیدم. در آن وقت امام زمان (علیه السلام) را خطاب قرار داده و عرض کردم: آقا جان! من کتابی درباره شرح احوال شما در دست تألیف دارم که هنوز تا مرحله چاپ کارهایش باقی مانده است ترسم از این است که با پایان عمر من در این لحظه کار چاپ معطل بماند از شما فرصت میخوام که این کار به اتمام برسد. ایشان: گفتند امام زمان (علیه السلام) به فرشته قبض روح فرمودند: برو و فرصت دیگری بیا پس از این، جریان به طور معجزه آسایی بعد از سگته سوم به دنیا برگشتند که پزشکان گفته بودند این اتفاق از نظر علمی محال است. پس از این که تصحیح کتاب کامل شده بود حدود بیست روز بعد، ایشان به رحمت ایزدی پیوستند.

وَتَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً»

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث امسال ما در ماه مبارک رمضان درباره عاقبت به خیری است و این طور معنا کردیم عاقبت به خیری یعنی انجام یک دسته از فعالیتها و کارهایی که برای انسان خیر و سعادت را به دنبال خواهد آورد و خدای متعال از او خشنود خواهد شد و به سبب انجام این کارهای مثبت فرجام و نهایت زندگی او نیک خواهد شد و مرگ آسانی خواهد داشت و بهشت و نعمتهای بهشتی در انتظار او خواهد بود. اهمیت این امر آنقدر زیاد است که انبیاء و اوصیاء نیز دغدغه آن را داشته اند.

حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در روزهای پایانی ماه، شعبان خطبه ای ایراد فرمودند

که معروف به خطبه شعبانیه است. مناجات شعبانیه که محل توجه تمامی ائمه معصومین علیهم السلام هم بوده است و در بین دعاها از جاذبه خاصی برخوردار است و عبارات و ویژگیهای آن در کمتر دعا و مناجاتی به چشم

می، خورد حالات انسان در شئون مختلف این عالم را بیان میکند

قسمتی از این، خطبه بیان کوچکی و شکستگی نفس انسان در برابر

حق تعالی و قسمت، دیگر بیان حالات و مقامات عالیه ای است که عبد و بنده خدا میتواند در رابطه با حق تعالی به دست آورد.

در فرازهایی از این، خطبه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فضائل ماه مبارک رمضان را چنین بیان فرموده اند ای مردم ماهی را در پیش دارید که این ویژگیها را دارد روزهایش بهترین روزها و شبهای آن بهترین لیالی است و ساعات آن از بهترین ساعات است افطاری دادن، صلّه رحم و احترام به بزرگترها و تلاوت آیات قرآن مجید و...

سپس به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: میبینم در همین ماه مبارک، رمضان به دست بدترین و شقی ترین فرد از انسانها، محاسنت به خون سرت خضاب خواهد شد. (1) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با این فرمایش خود از نهایت و فرجام کار خبر میدهند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: کجا، چه موقع و به دست چه کسی بلکه اولین سؤالی که ایشان از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، نمودند این بود که یا رسول الله، و ذلك في سلامه من ديني؟؛ «آن لحظه آخری که شما خبر می دهید آیا دین و اعتقاد من سالم است؟» پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: فی سلامه من دینک؛ «دینت سالم است.» (2)

تا اینجا سه مطلب عرض شد:

اول مبحث عاقبت به خیری از دیدگاه قرآن و روایات و این که انسان فرجام کارش نیک باشد که امر بسیار مهمی است.

دوم این که انبیاء و اوصیاء هم دغدغه عاقبت به خیری داشته اند.

سوم در دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، به ما آموخته اند. یکی از خواسته هایمان از خدای خود عاقبت به خیری باشد.

ص: 96

---

1- بحار الانوار، ج 42، ص 190.

2- شیخ صدوق، عیون الاخبار الارضا، ج 2، ص 267



## عوامل عاقبت به خیری در سخن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر

با این تفاسیر می‌خواهیم بدانیم اهل بیت علیهم السلام برای حسن عاقبت چه عواملی را به ما معرفی کرده‌اند برای رسیدن به این مطلب مهم باید به دانشگاه الهی و اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است که وجود نازنین ایشان برای حُسن عاقبت هفت سفارش مهم به ابوذر غفاری از اصحاب خاص خود، فرموده‌اند که اگر کسی که بخواهد حُسن عاقبت داشته باشد و به این سفارشها عمل کند به نتیجه خواهد رسید.

در مباحث قبل گفته شد که حُسن عاقبت تحصیلی است و باید با سعی و تلاش آن را به دست آورد.

### 1. کم کردن خواسته‌ها

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر فرمودند:

«أَقْلِلْ مِنَ الشَّهَوَاتِ يَقْلُلْ عَلَيْكَ الْفَقْرُ»؛ [\(1\)](#) «خواسته‌ها و شهوت‌های کم کن تا احتیاجات و نیازمندیت کم شود.

شهوت تنها شهوت جنسی نیست؛ شهوت دنیا شهوت مال شهوت، شهرت شهوت رسیدن به پست و مقامات دنیایی و... نیز شهوت هستند.

### نصیحت بهلول به هارون

در احوالات بهلول مینویسند که روزی هارون الرشید به بهلول گفت مرا

ص: 97

---

1- ارشاد القلوب، ج 1، ص 61.

نصیحت کن بهلول نگاهی به او کرد و :گفت آقای شوکت و عظمت آیا میدانی سیطره حکومتی تو چه اندازه است؟ هارون در جواب گفت، آری از شرق تا غرب در سلطه حکومت من است. نقل است روزی آسمان ابری بود و هارون در کاخ خود نشسته بود. رو به آسمان کرد و خطاب به ابرها گفت ای ابرها بروید و ببارید که در هر سرزمینی، ببارید سیطره حکومتی من هارون است. او این شوکت را داشت. بهلول به او گفت: اگر در بیایانی گرفتار شوی و تشنگی بر تو غلبه پیدا کند و کسی در آن بیابان یافت نشود که قطره ای آب برای رفع عطش به تو بدهد. در این حالت چه عکس العملی از خود نشان می دهی؟ هارون از این سؤال به فکر فرورفت و در جواب گفت در چنین لحظه ای حاضر هستم صد دینار طلا به کسی بدهم که مقداری آب به من بدهد. بهلول گفت اگر کسی که صاحب آب است به پول راضی نشود چه؟ هارون گفت نیمی از حکومت خود را به کسی میدهم که مقداری آب برای رفع عطش به من بدهد و مرا از خطر مرگ نجات دهد بهلول پرسید اگر گرفتار حبس البول شدی و نتوانستی دفع ادرار کنی در چنین وضعیتی چه خواهی کرد؟ هارون به سختی فکر کرد و گفت حاضریم نیم دیگر حکومت را بدهم و طیبی این درد مرا معالجه کند. در این، لحظه بهلول خطاب به هارون گفت ای خلیفه به این حکومت و شوکت و جلالی که حاضر هستی نصف آن را به خاطر مقداری آب و نیم دیگرش را به خاطر حبس البول فدا کنی، دل خوش مکن و این پادشاهی تو را مغرور نکند بیندیش و با بندگان خدا خوش رفتار باش

وَ أَقَلَّ مِنَ الذَّنُوبِ يُخَفِّفُ عَلَيْكَ الْحِسَابُ»؛ (1) «گناهانت را کم کن تا حسابت سبک شود؛ زیرا هر چقدر گناهانت کمتر باشد، محاسبه کارهایت در روز حشر کمتر است و گناهانت را سبک نشمار

صل الله روایت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در یکی از جنگ ها به یاران خود فرمود: از بیابان هیزم جمع کنید یاران گفتند یا رسول الله در این بیابان پیدا نمی شود. حضرت فرمودند: هر کدام هر مقدار هیزم نمیشود کنید این هیزمهای کم که در یک مکان جمع شد، تبدیل شد. ایشان خطاب به همراهان خود فرمودند گناهان و معاصی شما طول عمر که جمع کنی روزی یک گناه هم که انجام داده باشیم می شود کوهی عظیم و عمر ما با گناه و معصیت طی شده است.

باید توجه کرد به خصوص در این ماه مبارک رمضان که ماه خودسازی است، صرفاً شکم را گرسنگی ندهیم؛ بلکه اعضا و جوارح چشم و گوش و دست و پا هم باید روزه باشد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره به اباذر فرمودند یا اباذر! لَا تَنْظُرُ إِلَى صِدْرِ الْخَطِيئَةِ، وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ»؛ (2) ای ابوذر به کوچکی گناه نگاه مکن نگاه کن با انجام این گناه نافرمانی چه کسی را انجام می دهی. خدای خالق که تو را خلق کرده و به سوی او برمی گردی - «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» - دستور داده است که این چیز یا فعل بر تو حرام است و

ص: 99

1- بحار الانوار، ج 74، ص 330

2- مستدرک الوسائل، ج 11، ص 349.

نباید انجام دهی و نباید امر خالق را نادیده بگیری امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «لا یَصَدَّ عَمْرُ مَا یَصَدُّ رُیُومَ الْقِیَامَةِ»؛ (1) چیزی که روز قیامت به شما ضرر میرساند هیچگاه کم و کوچک نشمارید.»

### حکایت گریه مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین یزدی

در احوالات مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین یزدی رحمه الله که اهل دل بوده اند آمده است یکی از مریدان ایشان که هر شب پشت سر ایشان نماز جماعت میخواند و خیلی هم در دینداری صاحب ادعا بود، به آقا خبر میدهند ایشان که مدعی تقدس، است امشب که شب عروسی دختر اوست، از خانهاش صدای ساز و آواز بلند است. آقا بعد از نماز به اتفاق چند نفر از نمازگزاران به طرف منزل او می روند و مشاهده می کنند که متأسفانه، خبر درست است آقا از این موضوع متأثر میشوند که چرا چنین فردی حاضر به چنین خطایی شده است و در همانجا با صدای بلند گریه می. کنند به آن شخص خبر میدهند که آقا شیخ محمدحسین پشت دیوار منزل تو دارند زار زار گریه میکنند او از خانه بیرون می آید و منظره را مشاهده می. کند با تعجب سؤال می: کند: آقا! چه اتفاقی افتاده که شما چنین زاری میکنید؟ آقا! شب عروسی دخترم است و شب خوشحالی و شادی است؛ سبب گریه شما چیست؟ آقا جمله ای خطاب به او میگویند امشب شب جشن عروسی دختر شماست؛ ولی گریه من

به خاطر این است که میبینم امشب شب عزای دین توست. از این جمله آقا، شوکی به آن شخص وارد میشود و از این عمل عذرخواهی می کند

ص: 100

و پوزش میطلبید و به آقا عرض می‌کنند چه کنم؟ می‌خواهم شما در مجلس جشن عروسی دخترم قدم بگذارید آقا میفرمایند: ابتدا این بساط را جمع کن بعد آقا وارد می‌شوند و چند روایت درباره فضائل امیر المؤمنین (علیه السلام) بیان می‌کنند و میفرمایند مجلس شما باید مجلسی باشد که امام زمان (علیه السلام) در آن حضور پیدا کنند.

در همین شهر مذهبی خودمان افراد صاحب ادعای تقدس و دینداری که مجلس جشن و عروس برپا می‌کنند چه تعداد جلساتی که برگزار می‌کنند مورد تأیید امام زمان (علیه السلام) است و امام زمان (علیه السلام) در آن حضور پیدا می‌کنند؟ در این مواقع است که دینداری مشخص می‌شود.

بعضی‌ها مجلس عقد و عروسی که برای فرزندان‌شان به پا می‌کنند شئون اسلامی را در آن رعایت نمی‌کنند بعضی هم بر این تفکرند که قرن حاضر با پیشرفتهای که داشته است مغایر با قرون گذشته است و دوره رعایت این شئون گذشته است.

### **جشن عروسی مؤمنانه در لس آنجلس**

در سفری که به آمریکا داشتم در شهر لس آنجلس در مسجدالنبی آن شهر، فردی به من مراجعه کرد و گفت: من دکتر متخصص هستم و در بیمارستان ریگان لس آنجلس مشغول طبابت هستم و این بیمارستان یکی از بهترین بیمارستانهای ایالت است فردا عقد پسر است و دلم میخواهد شما سید اولاد پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در این جشن شرکت کنید. من با این تصور که ممکن است برگزاری این جشن عقد طوری باشد که شئون اسلامی در آن رعایت نشود و جایی نروم که حرمت لباس

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن حفظ نشود از دعوت او امتناع کردم. او اصرار زیادی کرد که من حتماً باید در این جشن شرکت کنم و گفتم: اگر نیامدی فردای قیامت به مادرت حضرت زهرا علیها السلام از شما شکایت میکنم با اکراه دعوت او را پذیرفتم فردا که به محل جشن رفتم از مشاهده صحنه تعجب کردم که در کشور، آمریکا آن هم شهر لس آنجلس، چنین مجلسی برپا شده. است مشاهده کردم از صدای موسیقی خبری نیست و خانمها محجبه بودند و آقایان و خانمها جدای از هم نشسته بودند و جایگاهی ویژه برای عروس و داماد آماده کرده بودند و عاقده را دعوت کرده بودند. من هم از طرف آقادات و عاقد هم از طرف عروس خانم عقد را جاری کردیم خواستم محل را ترک کنم که او ممانعت کرد و بالای جایگاه قرار گرفت و از حاضرین که از راه های دور و نزدیک آمده بودند تشکر نمود و گفت مردم، امروز جشن عقد پسر من است؛ اما روز عید غدیر هم هست که از بزرگترین اعیاد شیعیان است میهمان عزیز می داریم و از ایشان خواهش میکنیم روی صحنه تشریف بیاورند و با کلمات نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) (خطبه) غدیر و بیان فضائل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مجلس عقد پسر من را متبرک کنند

پدر داماد و پدر عروس هر دو پزشک و تحصیل کرده بودند و عروس خانم و آقادات هم در دانشگاه برکلی در رشته پزشکی مشغول تحصیل بودند؛ یعنی از نظر علمی و مالی کم نداشتند. در کجا زندگی می کردند؟ به قول ما در مهد بی بندوباری؛ در آمریکا و در شهر لس آنجلس آنها توانسته اند دین خود را حفظ کنند بنابراین برای ما که در کشور ایران که حکومت آن حکومتی دینی است و شهری مانند

اصفهان که در طول سال مجالس عزا و شادی برای اهل بیت برپا می شود هیچ گونه بهانه ای برای این که نتوانیم از دین خود محافظت کنیم، باقی نخواهد ماند.

### 3. قناعت

«وَأَفْنَعُ بِمَا أُوتِيْتَهُ يَسِّرُهُ لِي عَلَى الْمَوْتِ»؛ (1) برای حسن عاقبت و برای اینکه زندگی راحتی داشته باشی آنچه خداوند به شما روزی داده است به آن قانع باش اگر قناعت داشتی مرگ برایت آسان می شود.»

قناعت به معنای تنازل است؛ تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که دارد منطبق سازد از مصادیق، آن رضایت دادن به چیزی است که به او میرسد.

در کتابهای، لغت قناعت را به خرسندی بسنده کردن به قسمت و بسنده کردن به مقدار نیاز معنا کرده اند.

وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از جبرائیل درباره قناعت سؤال فرمودند: «ما تفسیر القناعة؟»؛ قناعت را برای من تفسیر کن رائیل در جواب گفت: «قال يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ»؛ قناعت به معنای راضی بودن از دنیا به مقداری است که خداوند نصیب و روزی کرده است و این که حرص و

طمع به مال دنیا نداشته باشد. به کم قانع باشد. در برابر اندک نعمت خداوندی هم باید شکرگزار باشد (2)

ص: 103

---

1- بحار الانوار، ج 74، ص 187.

2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 194.

یکی از دلایل مشکلات موجود در زندگی خانواده ها که جامعه را متزلزل کرده است نداشتن قناعت در زندگی و چشم و هم چشمی هاست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره میفرماید: «ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةُ»؛ (1) نتیجه و ثمره، قناعت، راحتی و آرامش است.

### حکایت شبلی

در احوالات شبلی که یکی از عرفای اهل دل بوده، می نویسند: روزی میخواست نماز بخواند به اتفاق تعدادی از مریدان خود به مسجد رفت. توجه او به دو کودک جلب شد که یکی از آنان متعلق به خانواده ای ثروتمند بود و دیگری به خانواده ای فقیر پدرانشان آنان را به همراه خود به مسجد آورده بودند پسر فرد، ثروتمند مشغول خوردن حلوا بود و پسر فرد فقیر نان خشک میجوید بچه فقیر از بچه ثروتمند درخواست مقداری حلوا کرد او انکار میکرد و می:گفت به شرطی حلوا به تو می دهم که برای من صدای سگ درآوری. او هم همین کار را انجام داد و مقداری از حلواها را از او گرفت شبلی با مشاهده این صحنه شروع به گریه کردن نمود و اشک از چشمانش جاری شد. مریدان علت را از او سؤال کردند. در جواب گفت نگاه کنید حرص و طمع چه بر سر آدم می آورد. من بزرگترین درس را از این صحنه آموختم. اگر پسر فقیر به همان نان خشک راضی میشد و حرص و طمع نداشت، نیاز به انجام چنین کاری نبود.

ص: 104

---

1- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 296.



، بنابراین قناعت یکی از رموز عاقبت به خیری است و این که انسان راضی به رضای خداوند باشد و به داشته‌هایی که خداوند به او داده است قناعت کند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «در مقام مقایسه، در کارهای معنوی همیشه خود را با سطح بالاتر از خود مقایسه کنید و در امور مادی با پایین‌تر از خود قیاس نمایید و قانع باشید.»

دنبال این بحث که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره عاقبت به خیری به ابازر چه نکات دیگری فرموده‌اند را در جلسه بعدی بررسی خواهیم کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 105

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث امسال ماه مبارک، رمضان درباره عاقبت به خیری است و وصیت انبیاء و

اوصیاء هم به فرزندان خود نیز همین موضوع عاقبت به خیری بوده است.

قبل از ورود به بحث اصلی که مسئله عاقبت به خیری است به این نکته اشاره میکنم که روز دهم این ماه مصادف است با رحلت ام المؤمنین همسر باوفای پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت خدیجه کبری علیها السلام، این روز را به پیشگاه آقا امام زمان (علیه السلام) تسلیت عرض میکنیم

گفتیم بحث امسال ماه مبارک رمضان مبحث عاقبت به خیری است و برای اهمیت آن سه مطلب را عرض کردیم:

اول: وصیت خدواند به اهل ایمان این است که مراقب پایان کار خود باشید.

دوم انبیا و اوصیای خدا هم این دغدغه را داشته اند.

سوم دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است و آنچه در آن به ما آموزش داده اند تا از خداوند بخواهیم مسئله حسن عاقبت است.

با بیان مطالب تا، اینجا به اهمیت موضوع عاقبت به خیری پی بردیم. حال باید بررسی کنیم چه عواملی باعث حُسن عاقبت ما خواهد شد. در این باره بهترین راهنمای، ما کتاب خدا و کلمات معصومین علیهم السلام است.

### ادامه حدیث رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره عوامل عاقبت به خیری

به دنبال بحث روز قبل روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که هفت سفارش مهم به ابوذر غفاری نموده اند را بیان میکنیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ؛ يَا مَبِيرَ أَكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهِ أَبُو ذَرٍّ غَفَّارِي فَرَمُودِنْد

1. «أَقْلِلْ مِنَ الشَّهَوَاتِ يَقْلُلْ عَلَيْكَ الْفَقْرُ»؛ (1) «خواستہ ها و شهوتہایت را کم کن تا احتیاج و نیازمندیت کم شود.»

2. «وَأَقْلِلْ مِنَ الذُّنُوبِ يُخَفَّفْ عَلَيْكَ الْحِسَابُ»؛ و گناہانت را کم کن تا حسابت سبک شود. به همان میزان که کوله بارت از گناہ سنگین شد حساب و کتاب برایت ثقیل میشود.

3. «وَأَفْنَعْ بِمَا أُوتِيْتَهُ يَسْهُلْ عَلَيْكَ الْمَوْتُ»؛ «و به آنچه به تو روزی داده شده، قناعت کن تا مرگ بر تو آسان شود.» اگر کسی به این سفارش ها عمل کند هم دنیا را دارد و هم در آخرت رستگار خواهد شد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: ثمرة القناعة الراحة؛ «نتیجہ و ثمرہ، قناعت راحتی و آرامش و آسودگی است.

ص: 107

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: **خَمْسُ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّأ الْعَيْشُ**؛ (1) «کسی که پنج چیز در زندگی او نباشد زندگی برایش گوارا نیست. کسی که این پنج رکن در زندگی اش باشد زندگی او دارای آرامش و آسودگی و راحتی است و زندگی برای او گوارا خواهد شد».

1. «الصحة» (سلامتی).

سلامتی بزرگترین نعمتی است که خداوند به ما عطا فرموده است. گاهی با یک دندان درد ساده متوجه می‌شویم که سلامتی چ-ه نعم-ت بزرگی است. در سینما فیلمی به نمایش گذاشته شد. سالن از جمعیت پر بود. فیلم که به اکران درآمد، حدود هشت دقیقه در فیلم سقف یک اتاق را نشان می‌داد. عده ای به آن اعتراض کردند و حتی عده ای هم سالن نمایش را ترک نمودند بعد از هشت دقیقه از نمایش فیلم زیرنویسی به این مضمون نوشته شد این صحنه نمایش نمایشگر تماشای یک قطع نخاعی است که آن را مشاهده میکنید ای تماشاگران! شما طاقت دیدن هشت دقیقه از این صحنه را نداشتید؛ در صورتی که کسی که سلامتی خود را از دست داده است و به چنین مصیبتی گرفتار آمده است یک عمر باید این صحنه را تماشا کند.

اول، گوهر سلامتی است. پس قدر این گوهر را بدانید.

2. «وَالْأَمْنُ» (امنیت).

با مشاهده ناامنی حاکم بر کشورهای منطقه مانند افغانستان، عراق مصر، سوریه و.... به اهمیت موضوع امنیت پی میبریم و باید خداوند را

ص: 108

شاگرد باشیم که در سایه رهبری مقام معظم رهبری و مسئولین دلسوز، نظام کشور ما از امنیت نسبی برخوردار است حضرت از امنیت به عنوان یک نعمت یاد میکند

3. «وَالْغِنَى» (بی نیازی).

انسان به اندازه کفاف و نیاز داشته باشد و در زندگی کم نیاورد.

4. وَالْأَيْسُّ الْمُوَافِقُ» (همسر موافق و سازگار).

5. وَالْقَنَاعَةُ قَنَاعَتُ إِمَامٍ صَادِقٍ (علیه السلام) میفرمایند که اگر این پنج خصیصه در زندگی مردم فراهم شود زندگی آنان راحت و گوارا خواهد شد. (1)

4. پیش فرستادن مال برای آخرت

وَقَدِّمَ مَالَكَ أَمَامَكَ يَسْرُكُ اللَّحَاقُ بِهِ» (2)؛ ای کسی که مال و ثروت در اختیار توست این مال و ثروت را زودتر از خودت به آخرت بفرست تا در آنجا با دیدن آثار آن خوشحال شوی.

به قول سعدی رحمه الله:

نیک و بد چون همی بباید مرد

خنک آن کس که گوی نیکی برد

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس ز پیش فرست (3)

زمانی که زیرزمین مسجد امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنوز نیمه تمام بود برای

ص: 109

---

1- بحار الانوار، ج 1، ص 83

2- بحار الانوار، ج 1، ص 84

3- سعدی، گلستان

اقامه نماز جماعت آماده شد. (1) اولین نماز جماعت ظهر به امامت حضرت آیت الله حاج آقا حسن امامی برگزار شد. ایشان در سفارش به کمک در

ساخت مسجد فرمودند ای کسانی که به ساخت این مسجد کمک می، کنید آنچه در این رابطه انجام می دهید مانند پس انداز در صندوق قرض الحسنه ای است که برای روز مبادا ذخیره می کنید - که بعضاً به آن سودی هم تعلق میگیرد - این ذخیره کردن در صندوق خداوند برای شما در شب اول قبر و روز قیامت به فریاد شما خواهد رسید و هم اصل و هم بهره آن نصیب شما خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: برای سرای آخرت مال خود را زودتر از خودت بفرست (2) (با صرف در امور خیر).

### امام سجاد (علیه السلام) و توشه آخرت

یکی از یاران امام سجاد (علیه السلام) نقل میکند در شبی بسیار سرد و زمستانی حضرت سجاد (علیه السلام) را دیدم که کیسه ای آرد بر پشت داشتند و در کوچه ها میرفتند عرض کردم یابن رسول الله این چیست؟ فرمودند: عازم سفری هستم و برای آن زاد و توشه آماده کرده ام. عرض کردم یابن رسول، الله کیسه را به غلام من بدهید تا برایتان ببرد امام (علیه السلام) نپذیرفتند عرض کردم خودم آن را برایتان میبرم امام (علیه السلام) فرمودند: تو را به حق خداوند سوگند می دهم که به دنبال کار خود برو. م-ن نیز با امام (علیه السلام) خداحافظی کردم و رفتم چند روز بعد امام (علیه السلام) را دیدم و عرض کردم یابن رسول الله گویا سفری که فرمودید نرفتید فرمودند آن چنان که تو

ص: 110

---

1- ظهر روز 21 رمضان سال 1،428 قمری برابر با سوم مهر سال 1386 شمسی

2- کنز العمال، ج 15، ص 546

گمان کرده ای. نیست سفری که گفتم سفر «مرگ» و آخرت است و من برای آن آماده می‌شوم آن کیسه آردی که، دیدی بین فقرا و مستمندان تقسیم کردم تا زاد و توشه آخرتم باشد. (1)

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «أَوْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَطُولِ الطَّرِيقِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ»؛ (2) «آه از توشه اندک و درازی راه و دوری منزل و عظمت روز قیامت راه طولانی است و باید برای آن توشه آماده کرد. اگر انسان به این نتیجه برسد که در راه خدا انفاق کند برای خودش پس انداز کرده است. راه آماده شدن برای مرگ دوری از گناه و انفاق در راه خداست.

### حضرت خدیجه علیها السلام و بذل ثروت در راه خدا

در شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام، همسر با وفای پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و مادر حضرت زهرا علیها السلام، میخوانیم که ایشان از ثروتمندان

الله الان بود و در دیگر نقاط خارج از مکه و سرزمین حجاز چون مصر و حبشه تجارتخانه داشت و شتر که در آن زمان مرکب هموار برای صحراهای سوزان بود و کار حمل و نقل مال التجاره های اشخاص و وسیله نقلیه آن روزگار را انجام میداد به تعداد زیاد در مالکیت ایشان بود ایشان یکی از بزرگترین سرمایه داران جزیره العرب بودند.

این زن بزرگ تاریخ بشریت که نامش تا ابد جاودان خواهد ماند پس از ازدواج با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) همه اموالش را قبل از اسلام و بعد از آن تقدیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نمود تا آن حضرت هر گونه که خواستند آن

ص: 111

---

1- بحار الانوار، ج 46، ص 15؛ علل الشرائع، حدیث 27

2- نهج البلاغه، حکمت 77

اموال را در راه خدا به مصرف برسانند.

خداوند در قرآن می فرماید: **وَ وَجَدَكَ غَائِلًا فَأَغْنَى**؛ [\(1\)](#) «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.

کلمه «عائل» به معنای تهیدستی است که از مال دنیا چیزی ندارد در تفسیر فرات کوفی به نقل از ابن عباس حضرت خدیجه علیها السلام عامل غنای رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) دانسته شده است و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) همین طور بودند و خدای متعال او را بعد از ازدواج با خدیجه دختر خویند، بی نیاز کرد و خدیجه علیها السلام عامل غنای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و پیشرفت اسلام بود.

کسی که با خدا و اهل بیت علیهم السلام معامله، کند ضرر نخواهد کرد. در همین

دنیا هم برایش جبران خواهند کرد حضرت خدیجه علیها السلام مال خود را در راه اسلام داد و خداوند در عوض گوهر هستی یعنی فاطمه علیها السلام را به او عطا کرد.

### اهمیت دست گیری از مستمندان

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «حُبُّ الدُّنْيَا يَفْسِدُ الْعَقْلَ»؛ «محبت شدید نسبت به دنیا عقل را فاسد میکند و یصمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ»؛ «و اگر چنین شد، قلب را از شنیدن حکمت ناتوان میسازد اگر حُب دنیا بر او غلبه کرد و شنیدن حرف حق در او مؤثر واقع نشد و یوجب الیمَّ الْعِقَابِ»؛ «چنین، فردی مستوجب عذاب دردناک میشود [\(2\)](#) عده ای دارای مال و منال هستند؛ ولی حاضر به دستگیری از مستمندان، نیستند. سعدی رحمه الله می گوید:

از تنگی چشم فیل معلوم شد \*\*\* کآنان که غنی ترند، محتاج ترند [\(3\)](#)

ص: 112

1- ضحی، آیه 8.

2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 41.

3- سعدی گلستان باب اول در سیرت پادشاهان



بهلول که در زمان هارون الرشید زندگی میکرده است، از عارفان و عالمان زمان خود بود و بنا به مصلحت، زمانه به دستور حضرت موسی ابن جعفر (علیه السلام) خود را به دیوانگی زده بود روزی هارون الرشید، مبلغی به او میدهد تا آن را در میان فقرا و نیازمندان تقسیم نماید بهلول وجه را گیرد و بعد از چند لحظه به خود خلیفه برمی گرداند. هارون علت را سؤال می. کند بهلول جواب می دهد: من هر چه فکر کردم از خود خلیفه محتاج تر و فقیرتر کسی را ندیدم؛ چون می بینم مأمورین و گماشتگان تو در دکانها ایستاده و به ضرب، تازیانه باج و خراج از مردم می گیرند و در خزانه تو میریزند؛ پس تو از همه محتاج تری.

این که مستمندی به ما مراجعه میکند فرصتی است که باید برای آخرت خودمان ذخیره ای داشته باشیم در احوال یکی از بزرگان آمده است رفتم در مسجدی نماز اقامه. کنم مشاهده کردم سید فقیری بعد از، نماز دم درب مسجد ایستاده و: گفت مردم من از فرزندان پیغمبر هستم مشکلی برایم پیش آمده احتیاج به کمک شما دارم. هر کس مای-ل-ب-ود، کمک کند. در چهره او نگاه کردم، چهره گدای حرفه ای نبود. یک لحظه حالت مکاشفه به من دست داد در آن حالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را دیدم. به من فرمودند این فرزند من سزاوار پادشاهی است؛ ولی صلاح در این است در دنیا فقیر بماند و شما به او کمک کنید تا به سبب آن شما در آخرت مستحق شفاعت من پیامبر شوید.

5. آمادگی برای مرگ

وَ انظُرِ الْعَمَلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يَأْتِيكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَيْهِ فَاَعْمَلْهُ»؛ (1) «مراقب باش

ص: 113

چه کاری را انجام میدهی همان کاری را انجام بده که دوست داری در آن حال قبض روح شوی و موقعی که مرگت فرامی رسد، در حال انجام آن باشی.

سؤال میشود فردی که قبض روح، شد در چه حالتی بود؛ در حال معصیت پروردگار یا مناجات با خداوند و انجام کار خیر و مرضی رضای خدا.

## 6 غافل نشدن از انجام واجبات

وَلَا تَسْأَلْ عَمَّا فُرِضَ عَلَيْكَ بِمَا صَدَّ مِنْكَ لَكَ؛ (1) «مبادا به خاطر توجه و سرگرم شدن به روزی که خداوند ضمانت آن را کرده است، از انجام واجبات الهی غافل شوی.

تمام هم و غم ما دنیا و مال آن نشود در وقت فریضه نماز کار و کسب را رها کرده و به عبادت خدا مشغول شویم همیشه به یاد داشته باشیم که «هُوَ الرَّزَاقُ» قرآن کریم میفرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (2)؛ «ای اهل ایمان، مبادا مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کند

## حکایت سلطان محمود و ایاز

در احوال سلطان محمود غزنوی آمده است که او غلامی داشت به نام ایاز که

بسیار او را دوست میداشت تا جایی که مورد حسد و کینه اطرافیان قرار

ص: 114

1- بحار الانوار، ج 74، ص 188.

2- منافقون، آیه 9

گرفته بود آنان دنبال موقعیتی بودند تا او را از چشم سلطان بیندازند. سلطان

محمود که به این موضوع پی برده بود برای این که علت این همه توجه و احترام و محبت خود به ایاز را به دیگران بفهماند روزی فرمان داد سران لشکری و کشوری جمع شدند. سلطان دستور داد بزرگترین الماس خزانه را بیاورند آن را به وزیر اعظم داد و از او سؤال کرد: این چیست؟ در جواب: گفت، قربان این قیمتی ترین الماس خزانه سلطان است. سلطان به او گفت تا حالا گردو شکسته ای؟ سپس به او دستور داد تا الماس را بشکند. او از این کار امتناع کرد و گفت من چنین جسارتی نمیکنم که زیباترین الماس خزانه سلطنتی را بشکنم سلطان آن را به نفرات بعدی داد آنان هم جرأت نکردند الماس قیمتی سلطان را بشکنند هر چه سلطان گفت آن را بشکنید گفتند نمیشکنیم سلطان محمود: گفت بروید و ایاز را بیاورید او را حاضر کردند. الماس را به دست او داد و گفت این چیست؟ ایاز در جواب: گفت این قیمتی ترین الماس خزانه شماس است سلطان محمود به او دستور داد آن را بشکند. ایاز تا دستور سلطان را شنید بی درنگ آن را به زمین زده و خُرد. کرد سلطان محمود به او: گفت چرا این الماس را شکستی؟ او در جواب: گفت: قربان دستور جناب عالی بود میخواستم امر و دستور شما نشکند.

فرمان شما برای من که ادعای محبت میکنم قیمتی تر از این سنگ بود.

من ز آمر شه شکستم در او \*\*\*گفت او در است، این دانم نکو

چون شما از امر شه لب بسته اید \*\*\* در گفت شاه را بشکسته اید (1)

درست است که این الماس گرانبهاست و قیمت آن زیاد است؛ ولی

فرمان شاه برای من ایاز از این در، قیمتی بالاتر است. پادشاه به اطرافیان

ص: 115

نگاه کرد دید همه سر به زیر انداخته اند با این طریق به آنان فهماند که علت علاقه اش به ایاز چیست

بهترین مشتری در مغازه ایستاده است صدای اذان بلند میشود. باید به صدای اذان توجه کنیم و فرمان خدا که خواندن نماز اول وقت است را زیر پا نگذاریم و به کسب و کار خود ادامه ندهیم و فرمان خدا را نشکنیم خداوند متعال که ضامن روزی است آن را جبران خواهد کرد. مبادا به خاطر توجه و سرگرم شدن به روزی که خدا آن را ضمانت کرده است، از واجبات غافل شویم

7. کوشش برای آخرت

وَ اَسْعَ لِمُلْكِكَ لَا زَوَالَ لَهُ فِي مَنْزِلٍ لَا اَنْتِقَالَ عَنْهُ»؛ (1) «برای آنجایی تلاش کن که همیشگی است (آخرت) و به زودی به آن مکان منتقل میشوی. (2)

عارف و صاحب‌دلی برای اقامه نماز به مسجدی رفت. نمازگزاران همه او را شناختند از او خواستند پس از نماز بر منبر رود و پند گوید. او پذیرفت پس از تمام شدن نماز برخاست و بر پله نخست منبر نشست. چشمها همه به سوی او بود بسم الله گفت و خدا و رسولش را ستود. آن گاه خطاب به جماعت گفت، مردم هر کس از شما که میدانند امروز تا شب خواهد زیست و نخواهد مرد برخیزد کسی برنخاست گفت حالا هر کس از شما که خود را آماده مرگ و سفر آخرت کرده است بلند شود و بایستد باز کسی برنخاست گریست و گفت شگفتا از شما! همه به ماندن تا شب اطمینان ندارید و به رفتن به این سفر یقین دارید و دانید به زاد و توشه نیاز دارید؛ ولی چیزی برای رفتن آماده نکرده اید

ص: 116

---

1- بحار الانوار، ج 74، ص 188.

2- دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ج 1، ص 345

دهم ماه مبارک، رمضان نقطه پایانی بود بر بیست و پنج سال همراهی حضرت خدیجه علیها السلام آن بانوی آسمانی با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم). این اتفاق به قدری برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دردناک بود که در آن سال حضرت عمو و حامی خود حضرت ابوطالب را نیز از دست داده بودند و حضرت آن سال را سال عام الحزن نامیدند و در تشییع جنازه حضرت خدیجه علیها السلام به شدت میگریستند و هر زمان نام ایشان برده می شد، اشک از چشمان ایشان جاری میشد و میفرمود: «خَدِجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِجَةَ»؛ «کجا همسری دلسوزتر از خدیجه کبری علیها السلام خواهد بود!» «صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ»؛ زمانی که مردم مرا تکذیب میکردند، خدیجه مرا تصدیق کرد وَ أَرَزْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ»؛ و بر دین خدا یاری ام کرد.» «وَأَعَانَتْنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا»؛ «و با مالهای خود به کمکم شتافت.» «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أُبَشِّرَ خَدِجَةَ»؛ «خدا» به من امر کرد به خدیجه بشارت بدهم.» «بَبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرِّ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ»؛ (1) «به قصری از زمرد ساخته شده در بهشت که سختی و ناراحتی در آن نیست.

امروز سالگرد این بانوی بزرگوار است که بر گردن همه مسلمانان حق دارد. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوْلَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ نَصَرَ رُتَّهُ مَا اسْتَطَاعَتْ وَ دَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ، وَ بَلَغَهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ، فَهَنِيئاً لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

ص: 117

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث امسال ماه مبارک رمضان درباره عاقبت به خیری است. گفتیم هر انسانی اعتقاد به شب اول قبر و روز معاد داشته باشد، چیزی که در حیات دنیایی برای او مهم است و تمام تلاش خود را برای به دست آوردن آن معطوف می‌کند، دارد بحث حُسن عاقبت است. من انسان که... کَرَمْنَا بِنِي آدَمَ... (1) متعلق به من است اگر درست زندگی کنم خداوند از میان تمام موجوداتی که خلق کرده است مدال پرافتخار خلیفه الهی را برگردن من انداخته است. باید بدانیم که زندگی من در دنیا همیشگی نخواهد بود

و براساس قانون، خلقت روزی تمام خواهد شد. فرجام و نهایت، زندگی بحث بسیار مهمی است. برای درک اهمیت، آن به آیه 102 سوره آل عمران که در جلسات قبل بحث کردیم توجه کنیم بر اساس این آیه سفارش خداوند به اهل ایمان، بحث عاقبت به خیری است. سفارش انبیاء و اوصیاء به فرزندان خ-ود که قرآن بیان

ص: 118

کرده است بحث عاقبت به خیری است تا جائیکه این دغدغه را خود انبیا نیز داشته اند در دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است نیز به ما آموزش داده اند که وقتی در مناسبات استجابات دعا مانند ماه رجب ماه رمضان و حرم معصومین علیهم السلام کنید، از خداوند بخواهید که عاقبت به خیر شوید تا هم در دنیا از آن ببریم و هم نتیجه آن در آخرت نصیب ما بشود.

در بررسی دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام در می یابیم یکی از نکاتی که به آن توجه ویژه شده است و به ما آموزش داده اند و راهنمایی نموده اند تا از خداوند طلب کنیم بحث عاقبت به خیری است. به عنوان نمونه می توان به زیارت عاشورا دعای یازدهم صحیفه سجادیه، فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی دعای جوشن کبیر و دعای عالیة المضمین اشاره کرد که نمونه هایی از آنها را در جلسات قبل بیان کردیم

در بخشی از دعاهای هر روز ماه رجب میخوانیم: «وَ اَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ». از خدا طلب میکنیم که خدایا پایان کار من و در موقعی که می خواهم دار فانی را وداع گویم و روح من عروج کند و پرونده حیات دنیایی من بسته شود و پرونده حیات اخروی من باز، شود پایان کار من، سعادت باشد. «وَ اَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَ اَمِثْنِي مَشْرُورًا وَ مَغْفُورًا». (1) این فراز از دعا تأمل برانگیز است چنانچه بخواهیم این فراز از دعا را بررسی کنیم چندین جلسه باید درباره آن سخن بگوییم از خدا میخواهیم حیات من به گونه ای باشد که همراه با موفقیت باشد؛ یعنی زندگی من طوری باشد که خداوند و اهل بیت علیهم السلام و امام زمان (علیه السلام) را از من راضی باشند اگر رفتار و کردار من

ص: 119

به نحوی باشد که حیات من حیات طیبه باشد، «أَمْثَنِي مَسْرُوراً»، مرگ من هم در حالی خواهد بود که لبخند بر لبان من است و عاقبت به خیر شده ام؛ زیرا میدانم اهل بیت علیهم السلام از من راضی بوده اند.

عده ای تصورشان بر این است که زندگی می کنند؛ در حالی که زندگی منهای اهل بیت علیهم السلام، مردگی است و فقط اسم آن را زندگی گذاشته اند؛ چرا؟ چون متأسفانه بعضیها به نحوی زندگی می کنند-د-ک-ه نزدیکترین افراد به آنها انتظار مرگشان را دارند؛ زیرا بدزبان هستند و همه از آنها میترسند و فراری اند این گونه رفتار و کردار در زندگی، انسان، مشکلات و گرفتاری به همراه دارد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: **أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرِ فَتَدَبَّرَ عَاقِبَتَهُ**؛ [\(1\)](#) «هرگاه می خواهی کاری را انجام دهی به عاقبت آن بیندیش

## آثار دنیوی اعمال

خیلی از بیماریهایی که افراد در آخر عمر به آن گرفتار می شوند، به سبب انجام اعمال و رفتار زشتی است که در زندگی مرتکب آن شده اند. خداوند می خواهد گناهان آنان را به این وسیله پاک کند و او را دوست دارد می خواهد این سختیها را در دنیا تحمل کند تا آمرزیده از دنیا برود. افرادی در سن پیری دعا میکنند که ذلیل و زمین گیر نشوند این، موضوع منافاتی با عاقبت به خیری ندارد و چه بسا بیماری و در بستر قرار گرفتن در پایان، زندگی ممکن است وسیله ای برای حسن عاقبت باشد این سختیها را در این دنیا تحمل کند تا در دنیای دیگر سختی نداشته باشد.

ص: 120



## حکایت زن بدزبان و عاقبت او

این مطلب را که بیان میکنم خودم شاهد و ناظر بودم پیرزنی از اقوام ما بود

که زن بدزبانی بود و همه از او رنجیده خاطر و ناراحت بودند. او در پایان

، عمر مدت شش ماه در بستر بیماری افتاد؛ به طوری که در اواخر به زخم

بستر دچار شده بود و قادر به حرکت نبود در این وضعیت، روزی به اتفاق مادرم به دیدن او رفتیم وقتی چشمش به ما افتاد شروع کرد به گریه کردن و گفت: سید من که نماز اول وقتم ترک نمیشد و تا حد امکان فرائض دینی خود را انجام میدادم علت این که به این روز افتاده ام چیست؟

پیوسته ز حق مدد گرفتم \*\*\* تا رابطه با احد گرفتم

هم گوهر جان ز نام الله \*\*\* هم در دل از صمد گرفتم

لم یلد و لم یولد سروده \*\*\* نور ازل و ابد گرفتم

خم شد به رکوع تا وجودم \*\*\* بارید به فرق ابر جودم

در بزم دلم چراغ تکبیر \*\*\* تسبیح به نام حق سرودم

با ذکر سجود خم شدم باز \*\*\* پیشانی خود به خاک سودم

آئینه من جمال هو بود \*\*\* من بودم و سجده بود و او بود (1)

به دل من این گونه الهام شد و: گفتم علت این گرفتاری تو بدزبانی خودت است. اگر میخواهی از این وضعیت نجات پیدا کنی باید از کسانی که با زبانت دل آنان را آزدی و قلب آنان را شکستی حلالیت بطلبی و اول کسی را که باید از او طلب بخشش کنی، عروست است که در این سالها که با هم زندگی میکردید هر روز با سرزنش و طعنه او را آزار دادی او در این حالت از این گفته من ناراحت شد.

ص: 121

یک روز از این قصه گذشته بود و او روی این جملاتی که به او گفته بودم فکر کرده بود وقتی عروسش بالای سرش آمده بود تا جرعه ای آب به دهان او بریزد دست او را گرفته بود و غرق بوسه کرده بود و گفته بود، عروسم مرا حلال کن تو مانند دخترم زحمات زیادی برایم کشیدی؛ اما من قدر این زحمات را نداشتم و تو را آزرده خاطر. نمودم عروسش در جوابش با حالت گریه گفته بود من که مادر نداشتم و شما به جای مادر من بودید من از شما راضی هستم. در روزهای آخر عمرش هر کس به دیدن او می آمد از او حلالیت می طلبید این زن مدت شش ماه این سختیها را تحمل کرد و از روزی که شروع کرد از اشخاص طلب حلالیت، کند یک هفته بعد به رحمت ایزدی پیوست و خودش را از این سختی و تلخی نجات داد.

زندگی ما وقتی زندگی واقعی است که وَ أَحْيِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا؛ اهل بیت علیهم السلام از ما راضی باشند و تک تک اعمال ما را امضا کنند اگر چنین شد، «أَمْثَلِي مَسْرُورًا»، مرگ ما مرگی آسان خواهد شد. می میریم در حالی که خوشحال هستیم و لبخند بر لبان ما نقش می بندد. عاقبت به خیری یعنی همین وَ مَغْفُورًا؛ آمرزیده ای وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبُرْزَخِ؛ و عهده دار باش نجات مرا از سؤالات عالم برزخ «وَ اجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ مَصِيرًا»؛ (1) «و قرار بده برای من به سوی خشنودی ات و بهشت را.

در این دعاها معصومین علیهم السلام درخواستهای قشنگی به ما آموخته اند تا از خداوند طلب کنیم به حرم امامان معصوم علیهم السلام که می رویم، از آنان

ص: 122

بخواهیم واسطهٔ میان ما و پروردگار مهربان شویم. خدایا من برای برزخم. نگرانم اهل بیت علیهم السلام فرموده اند ای شیعیان ما به واسطه تکیه به محبت ما گناه میکنید؟ ما برای عالم برزخ شما نگرانیم امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «والله، تخوفَ عَلَیْكُمْ فِی الْبَرْزَخِ»؛ (1) «به خدا سوگند، ما برای عالم برزخ شما میترسیم اهل بیت علیهم السلام از کسانی که محبت آنان را در دل، دارند شفاعت میکنند و وارد بهشت میشوند؛ اما این شفاعت مربوط به قیامت است.

انسان بعد از مرگ به عالم برزخ میرود ما قبل از آن، مرگ و سختی آن و عالم برزخ و گرفتاریهای قیامت را داریم که در دعاها به ما آموزش داده اند برای راحتی مرگ و عالم برزخ دعا کنیم و بهشت را از او طلب نماییم.

این جلسه اهمیت مبحث عاقبت به خیری مشخص شد. در بخش، روایات هفت نکته که از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به اباذر غفاری سفارش شده بود بیان گردید هفت نکته ای که اگر انجام شود، خداوند از انسان راضی و خشنود میشود و حسن عاقبت را برایش به دنبال دارد.

### عوامل عاقبت به خیری در نامه امام صادق (علیه السلام)

#### اشاره

مرحوم محدث قمی با سند معتبر در کتاب شریف سفینه البحار این روایت را از امام ششم (علیه السلام) نقل میکند که شخصی محضر امام صادق (علیه السلام) نامه نوشت و درخواست کرد کدهای عاقبت به خیری را به او

ص: 123

یاد بدهند حضرت چهار کد برای عاقبت به خیری به او معرفی فرمودند که این کدها از نگاه من، چهار جواهر است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَخْتَمَ بِخَيْرٍ»؛ «اگر می خواهی کارهایت به نیکی انجام گیرد و پایان زندگی ات خیر باشد» و «عَمَلُكَ حَتَّى تُقْبَضَ وَأَنْتَ فِي أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ»؛ «عملت عملی باشد که بهترین اعمال باشد و مورد رضای خداوند قرار گیرد و خدا خریدار این اعمال باشد، این چهار کار را انجام بده

## 1. مراعات حق خدا

فَعَظَمُ لِلَّهِ حَقُّهُ»؛ «حق خدا را مراعات کن.

حق خدا چیست؟ و حق چه تعریفی دارد؟ مرحوم طبرسی در تعریف حق چنین بیان کرده است: «الْحَقُّ وَقُوعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ الَّذِي هُوَ لَهُ»؛ (1) «حق عبارت است از وقوع شء در جایگاه خودش.»

اگر شخصی از روی، محبت لطف یا وظیفه به ما خدمتی کند، در مقابل کاری که برای ما انجام میدهد حقی برگردن ما پیدا می کند؛ چه پدر و مادر که از روی محبت به ما خدمت کنند یا استادی که بر کرسی تدریس نشست است و به ما آموزش می دهد و بالآخره خدای هستی بخش که به ما هستی داده و ما را از عدم به وجود آورده است همه اینها در قبال این محبتها بر ما حق پیدا می کنند. چگونه میشود این حقوق را ادا کرد تا در قبال آن عاقبت به خیری نصیب ما شود؟ باید حق خدا را بزرگ دید و رعایت کرد

ص: 124

خاتم انبیا حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) به اباذر فرمودند: «إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَقُومَ بِهَا الْعِبَادُ»؛ حقوق خداوند بر گردن بندگان بزرگ تر از آن است که بندگان بتوانند به آن قیام کنند و ادا نمایند. از این بالاتر و إِنَّ نِعَمَ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ بِهَا الْعِبَادُ»؛ (1) «نعمتهای خداوند و تفضل حضرت حق بر بندگان بیشتر از آن است که بندگان بتوانند آن را به شمارش در آورند.

در این فرمایش به دو مطلب مهم اشاره شده است . 1. نعمتهای خداوند قابل شمارش نیست؛ 2. ما بندگان توان ادای حق خداوند را نداریم

در این باره قرآن مجید می فرماید: وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا .... (2) اگر نعمتهای خدا را بشمارید هرگز نمیتوانید آنها را احصاء کنید و به شمارش در آورید

بر فرض آن که بخواهید نعمتهای خداوند را شمارش کنید حتی حق یکی از آنها را هم نمی توانید ادا کنید.

با این تفاسیر، ما توان بر آوردن حق کل را نداریم؛ ام-ح-ق-ف-رد را میتوانیم به جا آوریم حال، در حد توان ناقص خود برای این که بتوانیم حق خداوند را ادا کنیم چه باید بکنیم؟

### شش کار از بنده و شش پاسخ از خدا

در حدیثی قدسی آمده است: «قال الله تبارک و تعالی : يا عبادي! سِنَّةٌ مِنِّي وَ

ص: 125

1- شیخ طوسی، امالی، ص 527

2- نحل، آیه 18

سِنَّةٌ مِنْكُمْ»؛ (1) ای بندگان من شش چیز از من و شش چیز از شماست.» برای عاقبت به خیری باید حق خدا را بزرگ بشماریم. کلام امام صادق (علیه السلام) در پاسخ شخصی که پرسید چه کنیم تا حسن عاقبت پیدا کنیم و حقوق چیست و چه کارهایی باید در طول حیاتمان انجام دهیم تا حقوق خداوند را ادا کرده باشیم فرمودند انجام این شش دستور الهی موجب میشود که خداوند شش رحمت از الطاف خود را شامل حال ما کند.

اول: «الْمَغْفِرَةُ مِنِّي وَ التَّوْبَةُ مِنْكُمْ»؛ بخشش و مغفرت از من استغفار و توبه از شما.»

توضیح این که ای بندگان، من فرصتهای زیادی مانند ماه مبارک رمضان و شبهای قدر در اختیار شما قرار داده ام. از این فرصت ها استفاده کنید و در این ایام توبه حقیقی و واقعی بکنید و چرخشی به من خدا داشته باشید و من خدا اگر توبه حقیقی کردید، قول آمرزش و مغفرت به شما میدهم.

دوم: «الْجَنَّةُ مِنِّي وَ الْإِطَاعَةُ مِنْكُمْ»؛ بهشت از من و اطاعت از شما.» من بهشت را برای شما در نظر گرفته ام و نعمتهای بهشتی را فراهم نموده ام. منتها:

نابرده رنج گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد (2)

طاعت و بندگی مرا خوب انجام دهید و در قبال آن وارد بهشت من بشوید قرآن میفرماید: وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ... (3) «شتاب کنید

ص: 126

1- شیخ حر عاملی، اثنی عشریه، ص 228.

2- سعدی، موعظ، غزلیات

3- آل عمران، آیه 133

برای رسیدن به آموزش پروردگارتان برای رفتن به بهشت باید در دنیا در انجام اعمال نیک مسابقه بگذارید. متأسفانه عده ای برعکس، فرورفتن در لجنزار گناه و معصیت مسابقه گذاشته اند؛ در این که چگونگی مال مردم را چپاول کنند و به ناموس مردم خیانت نمایند.

سوم: «الرِّزْقُ مِنِّي وَ الشُّكْرُ مِنكُمْ»؛ رزق و روزی از من، شکرگزاری از شما.

رزق تو را من خدا فراهم میکنم؛ اما تو هم بنده سپاسگزاری باش و شکر این نعمتهایی که به تو عطا کرده ام به جای آور ساده ترین شکر شکر زبانی است اکسیژنی که ما تنفس میکنیم یکی از نعم الهی است که به ما داده شده است اگر چند ثانیه اکسیژن به مغز ما که مرکز فرمان و کنترل بدن انسان است، نرسد انسان در جا می میرد و...

چهارم «القضاء مِنِّي وَ الرِّضَاءُ مِنكُمْ»؛ «تقدیر و قضا از من راضی بودن به تقدیر از شما.

تقدیر از من است و توی بنده به تقدیراتی که برای تو رقم زده ام راضی باش.

### حکایت پادشاه و حکمت قطع انگشت او

پادشاهی هنگام پوست کندن سببی با یک چاقوی تیز انگشت خود را قطع کرد وقتی که نالان طیبیان را می طلبید وزیرش گفت: «هیچ کار خداوند بی حکمت نیست پادشاه از شنیدن این حرف ناراحت تر شد و فریاد کشید در بریده شدن انگشت من چه حکمتی است؟» سپس دستور داد وزیر را زندانی کنند روزها گذشت تا این که پادشاه برای

شکار به جنگل رفت و آنجا آن قدر از سربازانش دور شد که ناگهان خود را میان قبیله ای وحشی تنها یافت. آنان پادشاه را دستگیر کرده و به قصد کشتنش به درختی بستند؛ اما داشتند و آن این که بدن قربانیانشان باید کاملاً سالم باشد و چون پادشاه یک انگشت نداشت او را رها کردند و او به قصر خود بازگشت؛ در حالی که به سخن وزیرش می اندیشید. آنگاه دستور آزادی وزیر را داد وقتی وزیر به خدمت شاه رسید شاه گفت درست، گفتم قطع شدن انگشتم برای من حکمتی داشت؛ ولی این زندان رفتن برای تو جز رنج کشیدن چه فایده ای داشته

است؟ وزیر در پاسخ پادشاه لبخند زد و پاسخ داد: برای من هم پرفایده بود؛ چراکه من همیشه در همه حال با شما بودم و اگر آن روز در زندان نبودم، حالا حتماً کشته شده بودم.

ای کاش از الطاف پنهان حق سر در می آوردیم که این گونه ناسپاس خدا نباشیم و در هر حالی راضی بودیم به رضای حضرت حق و تقدیراتی که برای ما رقم میزند.

پنجم: «الْبَلَاءُ مِنِّي وَالصَّبْرُ مِنْكُمْ»؛ گرفتاری و بلاها از من، صبر از شما. «اگر بلا و مصیبتی بر ما نازل شد به قول معروف، زود از کوره در نرویم؛ یعنی خشمگین و ناشکیبا نشویم و به زمین و آسمان ناسزا نگوییم ... إِنَّمَّا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ». (1) اگر در مصائب صبر کردی خداوند بدون حساب به شما پاداش خواهد داد.

ششم: «الاستجابة مِنِّي وَالدُّعَاءُ مِنْكُمْ»؛ «اجابت از من، دعا از شما.»

حق خدا این است که ما دعا کنیم و «یا الله» و «یا رحمان» بگوییم و

ص: 128



خداوند هم اجابت کند هر دعایی به زبان جاری کنیم در دفتر اعمال ما نزد خداوند ثبت میشود البته استجاب دعا در درگاه خداوند، شرطش دل شکسته است **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْهَ مَعَالِي الْأَشْيَاءِ** (1). انسان باید به مقام اضطرار برسد تا خداوند به خاطر دل شکسته او مشکلاتش را برطرف کند. امید ما باید از غیر خداوند قطع شود تا خداوند جواب خواسته ما را بدهد.

### حکایت طلبه فقیر و ناصرالدین شاه

نقل شده است که زمان ناصرالدین شاه طلبه فقیری بود به نام شیخ محمد حسین طالقانی او در اثر فقر در عسرت و تنگدستی به سر میبرد تا جایی که توان تهیه غذا برای سیر کردن شکمش را نداشت. شبی در دل سحر، دل او شکست و گریه فراوانی کرد و تصمیم گرفت نامه ای برای خدا بنویسد و مشکلاتش را در آن بیان کند گفت: خدایا، من این مشکلات را دارم و تو خودت گفته ای ... **أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**... (2) کاغذ و قلم را برداشت و نوشت: «شیخ محمد حسین طالقانی، مدرسه مروی تهران در حجره 13 این مشکلات را دارد از بنده مسکین بیچاره به سوی مولای کریم قادر غنی متعال من بنده حقیر از توی خدا، کریم زن می، خواهم خانه می. خواهم پول و چیزی هم ندارم پای نامه را امضا کرد و با خود گفت نامه را به کجا پست کنم تا به دست خدا برسد. بعد هم در جواب خودش گفت: پستخانه خدا، مسجد است. مسجدی

ص: 129

1- نمل، آیه 62

2- غافر، آیه 60

قدیمی بود در بازار تهران نماز صبح و نافله های آن را خواند و در کنار یکی از مناره های ، مسجد شکافی ایجاد شده ، بود نامه را لای آن گذاشت و :گفت !خدایا بنده تو به خانه تو آمده و نامه را هم برای تو نوشته است جواب ما را .بده سپس رفت دنبال کارش

ناصرالدین شاه قاجار در آن روز برای شکار به اطراف تهران رفته بود و در بالای تپه ای منتظر شکار نشسته بود در این اثنا به شهر تهران نگاهی انداخت دید از طرف بازار تهران گردباد عظیمی برخاسته است. مدت زیادی طول نکشید گردباد پیچید و پیچید تا آمد نزدیک سلطان. به سلطان که رسید گردباد فرونشست شاه مشاهده کرد تکه کاغذی جلوی پایش افتاده است آن را برداشت دید نامه ای است. آن را خواند و متوجه شد طلبه ای نامه را برای خدا نوشته است و نشانی و مشخصات هم دارد و درخواستهای خود را از خدا در آن بیان کرده است. شکار را نیمه تمام گذاشت و به همراه راهان خود :گفت اسبها را زین کنید تا برگردیم اطرافیان شاه از این کار او متعجب شدند و گفتند: قربان، شکار چه می شود؟ :گفت یک همای سعادت شکار کردم؛ همان برای من بس است حضرت حق اراده فرموده است کار بنده ای به دست من باز شود. آمد مدرسه مروی و گفت بروید این شخص را با این مشخصات .بیاورید مأمورین شاه آمدند دم حجره و به شیخ محمدحسین سلطان آمده و با تو کار دارد طلبه :گفت ما را به سلطان چه کار؟ مأمورین او را نزد سلطان آوردند.

ناصرالدین شاه به او گفت شیخ محمد حسین تو هستی؟ گفت بله. شاه گفت: این ،نامه مال توست؟ :گفت جناب ،پادشاه، دست شما چه

میکنند؟ گفت تو که طلبه ای باید بهتر از من بدانی - امان از وقتی که خداوند بخواهد اسباب کاری را فراهم کند - گفت بله پرسید: نامه را کجا گذاشته بودی؟ در جواب: گفت در پستخانه خدا، مسجد. شاه در همان موقع: گفت من مأموریت دارم تا شب فرا نرسیده است تمام این مشکلات را که در نامه نوشته ای حل کنم سریع دستور داد خانواده خوبی را پیدا کردند و دختر خانواده را به عقد ازدواج او درآوردند و خانه ای هم برای او خریداری کرد و مبلغ قابل توجهی هم به او دادند. نیمه شب دلش شکست. صبح به خدا نامه نوشت و شب به هر سه خواسته اش رسید؛ یعنی شب هم زن داشت، خانه و هم مال.

دعا از شما اجابت از خدا اگر هم با خلوص دعا کردی و برآورده نشد آن را برای قیامت ذخیره کرده ای در روایت است که فردای، قیامت عده ای گرفتارند مشاهده میکنند که نوری پیدا میشود و بعضی را با خود به دروازه بهشت می برد سؤال میکنند تو چه نوری هستی؟ می: گوید من آن دعاهایی هستم که شما از خداوند خواستید و به هدف اجابت نرسیده بود. در ادامه روایت دارد که آن کسانی که این صحنه را می بینند و دعاهایشان در دنیا مستجاب شده حسرت میخورند که ای کاش دعاهای ما هم در دنیا به اجابت نرسیده بود و به جای آن، اینجا مشکل ما حل میشد.

ششمین حقی که بیان کرده اند برای این که در حد توان ناقصمان حق خدا را ادا کنیم دعا کردن به درگاه خداند و ناامید نشدن از رحمت بیکران او و یقین به وعده اجابت اوست.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث امسال ماه مبارک، رمضان عاقبت به خیری است. گفتیم عاقبت به خیری به معنای انجام کارهایی در زندگی محدود دنیایی است که باعث شود هم خدا از ما راضی باشد و هم حُسن عاقبت به دست آوریم. همچنین گفتیم به دست آوردن عاقبت به خیری و داشتن فرجام نی-ک ب-ه قول حضرت عبدالعظیم حسنی تحصیلی است؛ یعنی باید آن را حاصل و یک عمر به گفتار و رفتار خود توجه کرد:

این جهان کوه است و فعل ما ندا \*\*\* سوی ما آید نداها را صدا (1)

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند و ما من نکتة تُصیبُ العبدَ إِلَّا بِذَنْبٍ؛ (2) «گرفتاری که برای انسان پیش می آید، به خاطر گناه و معصیت است اگر خواستار عاقبت خوش هستیم باید سفره گناه و معصیت را از زندگی خود جمع کنیم

ص: 132

---

1- مولوی مثنوی معنوی دفتر اول

2- اصول کافی ج 2، ص 269

درباره اهمیت عاقبت به خیری به تفصیل مطالبی بیان کردیم و به اینجا رسیدیم عواملی که حُسن عاقبت می‌آورد را ابتدا از نگاه روایات و از زاویه آیات قرآن پیگیری .کنیم در پایان ماه رمضان نیز بحث خود را از نگاه قرآن و روایات در موضوع عاقبت به شری پی خواهیم گرفت و این که چه عواملی باعث میشود تا انسان سوء عاقبت پیدا کند.

روایتی را از روز گذشته از قول امام صادق (علیه السلام) بررسی کردیم و قبل از آن هم همین مبحث را از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که به اباذر غفاری سفارش فرموده بودند، مورد

مداقه قرار دادیم بحث دیروز ما به اینجا رسید که فردی به امام صادق (علیه السلام) نامه ای نوشت و از ایشان سؤال کرد: «إِنَّ أَرَدْتُ أَنْ يَخْتَمَ بِخَيْرٍ»؛ چه کنم که عاقبت من ختم به خیر شود؟ امام (علیه السلام) در جواب او چهار مطلب را بیان فرمودند (1)

### ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری

اولین مطلب: «فَعَظَمَ لِلَّهِ حَقَّهُ»؛ حق خدا را مراعات کن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به اباذر غفاری فرمودند: «إِنَّ مُحَقَّقَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُقَوْمَ بِهَا الْعِبَادُ»؛ «حقوق خداوند بزرگتر از آن است که بندگان بتوانند آن را ادا کنند.» و «وَإِنَّ نِعَمَ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ بِهَا الْعِبَادُ». پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این جملات دو نکته مهم را بیان فرموده اند اولاً، حقوق خدا نسبت به بندگانش را

ص: 133

---

1- سفینه البحار، ج 2، ص 555 کتاب سفینه البحار مختصر کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی است که توسط مرحوم شیخ عباس قمی که از محدثان بزرگ و دانشمند علم رجال بوده، نوشته شده است.

نمی توان ادا نمود و خداوند حق عظیمی بر گردن ما دارد. ثانیاً، وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا... (1) خداوند آن قدر نعمتهای فراوان به ما عطا فرموده که شمارش آن از توان ما خارج است پس ببین چگونه می شود حق این نعمتها را ادا کرد؛ مسلماً ممکن نیست. منتها در حد توان ما، چه کارهایی باید انجام دهیم تا این حق ادا شود در این باره روز گذشته به روایتی اشاره شد که خداوند به حضرت موسی گفت به بندگان من بگو شما شش کار برای من انجام دهید من هم شش کار برای شما انجام خواهم داد امروز درباره یکی از آن کارها یعنی حق الله» سخن خواهیم گفت که در زمره مباحث عاقبت به خیری است و امام صادق (علیه السلام) درباره آن فرموده اند: «فَعَظَمَ لِلَّهِ حَقَّهُ»؛ «حق خدا را بزرگ بشمارید.»

## رابطه حق الله و حق الناس

بحث حق الله رابطه ای مستقیم با حق الناس دارد. در فحوای عوام گفته میشود که خداوند ممکن است از حق الله، بگذرد اما از حق الناس نخواهد گذشت به عنوان مثال اگر در نماز و روزه کاستی مشاهده شود خود میدانیم و قیامت و الرحمن الرحیمی خداوند؛ ولی آنچه در کلام معصومین علیهم السلام آمده است همین است که خداوند از حق الناس گذشت نمی کند.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ»؛ (2) «خداوند حقوق بندگانش را مقدم بر حقوق

ص: 134

1- نحل، آیه 18

2- غرر الحکم، ص 480

خود قرار داده است. این که گفته میشود خداوند اگر از حقوق خود بگذرد، از حقوق مردم نمی گذرد، برگرفته از کلام مولا-علیه السلام) است: «فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ»؛ (1) «کسی که حقوق بندگان خدا را رعایت کند، حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد. پس نتیجه می گیریم که کد عاقبت به، خیری یعنی رعایت حقوق خداوند به همراه حقوق مردم اگر حق مردم را ادا نکنی حق خدا را هم ادا نکرده ای و حسن عاقبت نخواهی داشت و حق مردم از حق خدا بالاتر است

اگر مردم به اندازه ای که برای نجس و پاکی و سواس دارند کمی ه-م حق الناس میدادند مشکلاتشان کمتر می شد. دین مقدس، اسلام بحث طهارت و نجاست را بر مردم آسان گرفته است؛ ولی مردم آن را بر خود سخت میگیرند، برعکس اسلام به حق الناس بسیار اهمیت داده و سخت گرفته است؛ ولی مردم آن را ساده می انگارند.

### چند مثال ساده از مصادیق حق الناس

معمولاً مردم تصور میکنند حق الناس فقط از دیوار خانه کسی بالا رفتن و سرقت کردن اموال مردم یا دست در جیب دیگران کردن است. چند مثال ساده برای آشنا شدن با موضوع حق الناس خدمتتان بیان میکنم

1. برای ادای فریضه نماز و عبادت خدا ماشینمان را در جایی پارک کنیم که مزاحمت برای دیگران فراهم کنیم، این از مصادیق حق الناس است.

2. جلوی ماشین های دیگر ویراژ میدهیم یا در پیاده رو پارک کنیم و

ص: 135

1- همان.

مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکنیم یا موتورسوارانی که متأسفانه بعضاً پیاده روها را برای عبور انتخاب می کنند و به حقوق عابرین پیاده احترام نمی گذارند اینها از مصادیق حق الناس است.

این جمله به سید جمال الدین اسدآبادی منسوب است که می گوید در غرب اسلام، دیدم اما مسلمان ندیدم یکی از مواردی که در کشورهای غربی سختگیری می شود و مردم به رعایت آن ملزم هستند، اجرای قوانین و مقررات به خصوص مقررات راهنمایی و رانندگی است در سفری که در سال گذشته به آمریکا رفته بودم موضوعی توجه مرا جلب کرد. مشاهده کردم در خیابانی که ماشین هم در آن تردد نمی کرد، چراغ عابر پیاده قرمز بود و چند نفر پشت چراغ خطر ایستاده بودند تا چراغ سبز شود و عبور کنند.

3. بوق زدن بدون دلیل تا جایی که ممکن است با دلیل هم نباید بوق زد. نیمه شب با ماشین پشت در منزل رسیده، است به جای این که از ماشین پیاده شود و درب را با کلید باز کند یا زنگ درب را بزند تا درب را باز، کنند از بوق ماشین استفاده میکند.

4. دزدگیر ماشین را آنقدر حساس کرده است که با کوچکترین تماس با بدنه ماشین آژیر آن به صدا در می آید و خصوصاً در شب ها، صدای آن باعث آزار دیگران میشود.

5. در زندگی امروز که بیشتر مردم آپارتمان نشین شده اند، مقررات آن را رعایت نمی کنند به عنوان، نمونه با چنان شتابی از پله های آپارتمان پایین و بالا میرود که همسایه ها از صدای پای او اذیت میشوند یا با صدای بلند صحبت می کنند. متأسفانه خیلی از مردم هنوز  
فرهن-گ



آپارتمان نشینی را یاد نگرفته اند و حقوق همسایه را رعایت نمی کنند گفته شده است پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آنقدر رعایت حقوق همسایه را سفارش نمودند که مردم تصور کردند همسایه از همسایه ارث میبرد.

6. درب منزل را طوری می بندد که همه از صدای آن از خواب بیدار میشوند

7. فروشنده پول کالا را به مبلغ بالاتر رند میکند نه پایین تر؛ مثلاً وجه کالائی مبلغ چهارهزار و هفتصد تومان است، ولی پنج هزار تومان حساب می کند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سفارش فرموده اند که در کسب و کار، زیاد سختگیری نکنید برکت آن با دیگری است و آن را جبران میکند، برکت، دست خداست.

8 فروشنده کالای تاریخ گذشته یا بی کیفیت تحویل مشتری می دهد. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ». (1) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که در رابطه با مفهوم این کلام خداوند متعال که به راستی که پروردگار تو در کمینگاه است فرموده اند: «قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ»؛ (2) «کمینگاه گذرگاهی است بر پل صراط که هیچ بنده ستمگری از آن نخواهد گذشت. به مصداق این فرمایش امام صادق (علیه السلام)، کسی که کم فروشی، کند، ظلم کرده و حق الناس در زندگی او وارد شده است و چون به حقوق دیگران تجاوز کرده است در روز محشر اجازه عبور از پل صراط به او داده نخواهد شد. این آیه و روایت، مسئولیت مسئولین که امور مردم به آنان واگذار شده است

ص: 137

1- فجر، آیه 14.

2- وسائل الشیعه، ج 16.

و به جای خدمت و تسهیل در کار مراجعین در کار آنان گره میاندازند و حقوق آنان را پایمال میکنند را سنگین می. کند این گونه افراد باید پاسخگوی اعمال و کردار خود باشند.

### حکایت نشستن بهلول بر تخت هارون

در احوال هارون الرشید مینویسند او اجازه داده بود هر موقع بهلول قصد ورود به کاخ هارون را داشت کسی از ورود او ممانعت نکند. روزی بهلول وارد کاخ شد و مشاهده کرد جایگاه هارون خالی است او هم به محض ورود، بدون توجه به اطرافیان هارون، مستقیم رفت و در جایگاه مخصوص هارون نشست وزرا و خدم و خشم هارون این عمل بهلول را برتافتند و او را از تخت پایین آوردند و ضرب و شتم کردند. بهلول هم در وسط کاخ نشست و با صدای بلند شروع کرد به گریه. کردن هارون در این لحظه وارد کاخ شد و وقتی جریان را فهمید در صدد دلجویی از او برآمد بهلول در جواب هارون گفت: گریه من برای بد رفتاری اطرافیان با من نیست بلکه به خاطر توست. من چند لحظه روی این تخت نشستم و با من چنین، کردند، وای بر تو که عمری است بر آن جلوس نموده ای

9. میخواهد وارد مسجد شود بی توجه کفشهای مردم را لگد مال می. کند البته بعضی نظم را رعایت نمیکنند و کفشهای خود را در محل مخصوص کفش قرار نمی دهند یا لااقل در کناری نمی گذارند و باعث اذیت دیگران می. شوند بزرگانی که به مقامات عالیه رسیده اند به خاطر رعایت همین نکات به ظاهر بی اهمیت و کوچک بوده است.

در شرح حال امام خمینی رحمه الله آمده است که ایشان در نجف اشرف کلاس درس داشتند شاگردان مشاهده کردند استاد آمده، است ولی وارد کلاس نمی شود طلبه ها کفشهای خود را جلوی درب مدرس گذاشته بودند به طوری که جای پای نبود که بشود قدم برداشت و وارد کلاس شد. امام همانجا توقف کردند و از پاکداشتن بر روی کفش مردم خودداری نمودند. وقتی طلبه ها کفشها را از سر راه کنار گذاشتند آنگاه امام وارد اتاق شدند. ایشان حاضر نشدند پا روی کفش دیگران بگذارند و به آنها آسیب وارد کنند. این نکته از مصادیق حق الناس است که ایشان تا چه حد مراعات میکردند.

10. صدای آهنگ از مغازه یا واحد مسکونی یا اتومبیلش بلند است و دیگران را اذیت میکند این عمل به غیر از بحث حرمت آن گونه ای از مردم آزاری و حق الناس است که در آخرت همین نکات ریز که ما از آن می، گذریم مورد حساب قرار میگیرد فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ (1) پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد [نتیجه] آن را ببیند و هر کس هم وزن ذره ای کار بد انجام دهد نتیجه آن را ببیند.

در روز قیامت حساب و کتاب خیلی دقیق است و کوچکترین اعمال ما انسانها مورد مؤاخذه قرار میگیرد ترازوی سنجش اعمال در قیامت آن قدر ظریف است که حتی کوچکترین اعمال انسان را وزن میکنند و به حساب میآورند همچنین این آیات هشدار میدهد هر چیزی که مورد محاسبه الهی قرار میگیرد هر چه باشد کم اهمیت نیست. بعضی از مفسران گفته اند، عده ای از یاران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به انفاق اموال کم و کارهای خوب

ص: 139

کوچک بی اعتنا بودند که با نزول این، آیات آنها را به خیرات کوچک نیز ترغیب کرد و از گناهان کوچک برحذر داشت (1) رعایت نکردن این موارد به ظاهر ناچیز غیر از گرفتاری اخروی در همین دنیا هم باعث سلب یک دسته از توفیقات مانند نماز شب و... از انسان میشود

### سلب توفیق نماز شب به خاطر یک دانه خرماى نارس

حاجی نوری در دار السلام آورده است فردی هر شب نماز شب میخواند چند مدتی بود که این توفیق از او سلب شده بود. شبی توسل پیدا کرد و گفت، خدایا چه خطایی از من سرزده است که این توفیق از من گرفته شده است. من همه سعی و تلاشم این است که واجبات را انجام دهم و محرمات را ترک کنم شبی در عالم رؤیا ندا رسید کسی که لذت خرماى حرام را بچشد، لذت شب زنده داری و نماز شب از او گرفته میشود از خواب بیدار شد و به فکر فرورفت. به یاد آورد که چند روز قبل وقتی از مغازه خرمافروش خرما خریده بود و از مغازه خارج نشده بود داخل بسته خرما یک دانه خرماى نارس بود آن را بدون این که به خرمافروش، بگوید داخل ظرف خرما گذاشته و خرماى رسیده برداشته بود رفت و از خرمافروش حلالیت طلبید.

### چه کنیم دعایمان مستجاب شود؟

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ»؛ «هرگاه یکی از شما میخواهد دعایش مستجاب شود، فلیطیب» گشته؛ «کسب خود را

ص: 140

پاک کند»، «وَلْيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ»؛ و حق مردم را به آنان بازگرداند. «وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَفِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ»؛ «خداوند دعای بنده ای را که مال حرام در شکمش باشد یا کسی که حقی از حقوق مردم را ضایع کرده باشد، مستجاب نمی کند.» (1)

رعایت حقوق مردم در نزد خداوند و معصومین علیهم السلام، از اهمیت والایی برخوردار است و در دستورات دینی داریم که به بچه های خود حلال و حرام را یاد بدهید امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْغُلَامُ... يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ (2) «فرزندان را در سن هفت سالگی (یا هفت سال سوم یعنی از چهارده سالگی به بعد حلال و حرام یاد دهید. در چنین سالهایی است که شخصیت کودک شکل میگیرد و والدین باید به آن حساس باشند.

### گرفتاری شیخ عباس قمی در برزخ به خاطر یک جلد کتاب

نقل است که مرحوم شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان از یکی از دوستانش کتابی عاریه گرفته بود و فراموش کرده بود آن را به صاحبش برگرداند بعد از، فوتش یکی از فرزندانش او را در خواب میبیند که به او می:گوید من در اینجا گرفتارم فلان کتاب در مکانی در قفسه کتابخانه قرار دارد آن را بردار و به صاحبش بده او میگوید از خواب بیدار شدم و با خود گفتم این چه خوابی است به قفسه کتابخانه مراجعه کردم و، نمودم یک جلد از کتاب بحار الانوار است آن را برداشتم و طبق نشانی که

ص: 141

---

1- بحار الانوار، ج 90، ص 321

2- اصول کافی، ج 6، ص 47

پدر در خواب داده بود به منزل آن شخص مراجعه کردم در راه کتاب از دستم روی زمین افتاد و خسارت دید کتاب را به صاحبش تحویل دادم. شب در عالم خواب پدر با عصبانیت به من: گفت کتاب عاریه مردم را چرا سالم به دستش ندادی و به جلد آن آسیب رساندی؟ بعد می‌رود و کتاب را از صاحبش می‌گیرد و صحافی کرده و به او بر می‌گرداند. شب بعد، حاج شیخ در خواب فرموده بود به شما بگویم چون کتاب را صحافی نموده و به صاحبش، دادید عذاب قبر از من برداشته شد. (1)

### پاک شدن همه گناهان، شهید جز حق الناس

کسی که خواستار عاقبت به خیری است باید حق خدا را عظیم بشمارد. کسی که حق مردم را ادا نکند حق خدا را ادا نکرده است. حق الناس بسیار است حتی اگر کسی در راه خدا شهید هم شده باشد و حق مردم برگردنش باشد در برزخ گیر است حدیث داریم که: «كُلُّ دَنْبٍ يَكْفُرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الدَّيْنَ...»؛ «اگر کسی در راه خدا شهید شود، خدا همه گناهانش را میبخشد جز این که دینی برگردنش باشد و به کسی بدهکار باشد. (2) پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند شخصی از قبیله بنی نجار شهید شده است، اما او را پشت در بهشت نگه داشته اند؛ زیرا در دنیا سه در هم پول سیاه به یک نفر یهودی بدهکار بوده است بروید آن را ادا کنید تا او وارد بهشت شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 142

---

1- سید مهدی شمس الدین داستانها و حکایت ها، ص 78

2- اصول کافی، ج 5، ص 94

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

عنوان بحث امسال ماه مبارک رمضان عاقبت به خیری است درباره این مبحث از نگاه قرآن و روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام مطالبی تا اینجا بیان کردیم بحث به اینجا رسید که آیات و روایات برای حسن عاقبت کدهایی را به ما معرفی کرده اند من که خواستار فرجام نیک هستم باید تلاش کنم این نکات را رعایت کنم دو روایت بیان کردیم. روایت دوم که درباره آن بحث شد کلام امام صادق (علیه السلام) بود.

### ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری

گفتم شخصی به امام ششم (علیه السلام) نامه ای نوشت و عرضه داشت: من خواستار حسن عاقبت هستم شما که حجت خدا هستید، مرا راهنمایی کنید. امام در پاسخ نامه او چهار دستور فرمودند:

اول: «فَعَظَمُ لِلَّهِ حَقَّهُ». اگر خواستار عاقبت به خیری هستی، حق و حقوق خدا را رعایت کن دستورات پروردگار را اجرا کن نماز اول وقت پرداخت خمس و زکات و....

تا اینجا گفته شد که حق الله رابطه ای مستقیم با حق الناس دارد و چه بسا حق الناس بالاتر از حق الله باشد. گفتیم این سخن عوام که خداوند ممکن است از حق خود بگذرد ولی از حق الناس نمی گذرد، برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام و آموزه های دینی ماست حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ»؛ «خداوند متعال حقوق بندگانش را بر حقوق خود مقدم کرده است؛ یعنی اگر کسی حق مردم را ادا نکند، حق خدا را هم ادا نکرده است و فردای قیامت باید پاسخگو باشد.

### مسامحه در پرداخت بدهی مصداق حق الناس

یکی از معضلات موجود در جامعه که اهل بیت علیهم السلام عنایت ویژه ای به آن، دارند مسامحه در پرداخت بدهی است قال علی (علیه السلام): سمعت رسول الله يقول مطل المسلم الموسر ظلم للمسلم»؛ (1) علی (علیه السلام) میفرمایند از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که فرمودند: مسامحه امروز و فردا کردن کسی که توانایی

پرداخت بدهی خود را دارد ستم به مسلمانان است.»

مسامحه، به معنای معطل کردن است. مسامحه در پرداخت بدهی برای کسی که توان پرداخت بدهی را دارد از مصادیق ظلم و ستم به مسلمانان است. پرداخت حقوق دیگران از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرمایند حتی اگر کارگری برای شما مشغول کار، شد قبل از این که عرق پیشانی اش خشک شود مزد او را پرداخت کنید.

ص: 144



از مصادیق دیگر حق الناس پرداخت خمس و زکات است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند شدیدترین حال انسان در قیامت وقتی است که مستحقین خمس و زکات جلوی او را بگیرند و بگویند خدا بر این شخص خمس و زکات واجب کرده است اما حق ما را پرداخت نکرده است. فقرا می گویند: خداوند رزق ما را در مال تو قرار داده بود چرا خمس را پرداخت نکردی و سایر حقوقی که باید از مخارج زندگی ات پرداخت می کردی، نپرداختی؟ در این هنگام خداوند از حسنات این شخص به آنان عوض می دهد. (1)

از قول امام کاظم (علیه السلام) بیان شده است که فرمودند: «لَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَرْزَاقَهُمْ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ جَعَلُوا لِرَبِّهِمْ وَاحِدًا وَأَكَلُوا أَرْبَعَةً أَحِلَّاءَ ثُمَّ قَالَ هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَ عُبُّ مُسْتَصَّ عِبُّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَلَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُمْتَحَنُ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ.» (2) دوره آخر الزمان که اعتقادات مردم سست می شود، خمس مالتان را پرداخت کنید تا رزق شما حلال شود سپس فرمودند این کلام کلام سختی است که جز افراد با ایمان و امتحان شده تحمل شنیدن آن را ندارند و این افراد هستند که دین ما را یاری میکنند

## سید ابوالحسن اصفهانی و تاجر یهودی

شخصی از بازرگانان بغداد به نجف رفت و خدمت مرحوم آسید ابوالحسن اصفهانی رسید تا خمس مالش را که مقدار زیادی بود حساب کند. آن تاجر وقتی خمس خود را تحویل داد و سید آن را حساب کرد، دید مقداری کم

ص: 145

1- الثالی الاخبار، ج 3، ص 314

2- وسائل الشیعه، ج 9، ص 484

است. سید بقیه را مطالبه کرد. تاجر به ایشان گفت: تاجری یهودی در بغداد

هست که با هم دادوستد داریم و از او این مقدار پول طلب دارم و اکنون ورشکسته شده و توان بازپرداخت بدهی ام را ندارد؛ لذا آن مبلغ را کم گذاشتم تا هر وقت او این مبلغ را پرداخت نمود برای شما بیاورم با شنیدن این سخنان مرحوم سید مقداری تأمل نمود و سپس به آن تاجر گفت: حاضری یک کار انجام دهی؟ تاجر گفت: آری. مرحوم سید تمامی آن خمس را که مبلغ زیادی بود، به تاجر م-ی ده-د و می فرماید: این پول را می بری و به آن تاجر یهودی ورشکسته می دهی و به او می گویی: این پول با آن مقداری که از تو طلب دارم مجموعاً نزد تو باشد و طرف حساب تو سید ابوالحسن است و هر وقت توانا شدی آن را به سید تحویل بده.

یادآور میشوم مرحوم سید آن چنان که خود گفته بودند، شهریه خود را از محل درآمد ملک شخصی خود می دادند و بعضاً برای شهریه و کمک به درماندگان و نیازمندان قرض میکردند و بعد که پول به دستشان میرسید به طلبکاران میدادند.

تاجر بغدادی از نزد سید به بغداد بازمی گردد و به درب خانه تاجر یهودی می رود. دخترکی آمده و اظهار می دارد که پدر او توانایی پذیرفتن احدی را ندارد. مرد تاجر به او میگوید من فلانی هستم و برای طلبکاری نیامده ام. دخترک به داخل خانه می رود و سپس می آید و می گوید: بفرمایید میروم داخل تاجر وارد میشود و همه پولها را که پول زیادی بود به آن مرد یهودی تقدیم کرده و به او میگوید طرف حساب تو آقا سید ابوالحسن است. ایشان گفته هر وقت توانا، شدی این پول با آن بدهی را تحویل ایشان بده مرد یهودی از این پیش آمد کارگشا و زیبا، متأثر گشته و به گریه

افتاده و خانواده اش را صدا کرده و آنان را گواه میگیرد و میگوید به اینها قبل از این که شما بیایید گفتم اگر حضرت موسی (علیه السلام) در این زمان حضور داشت من این گونه ورشکسته و خانه نشین نبودم این عالم شما حضرت موسی زمان ماست ما را نزد ایشان تا به دست او مسلمان شویم آن تاجر میگفت مرد یهودی با خانواده و جمعی از دوستان و بستگانش به نجف اشرف، رفته خدمت سید رسیده بودند و به برکت این عمل سید در محضر ایشان مسلمان شیعه شدند و شهادتین گفتند.

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنٌ عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَعَلَى مَوَالِينَا وَمَا تَبَدَّلُهُ وَنَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَرَوْهُ عَنَّا وَلَا تَحْرَمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ إِحْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَتَمْحِصُ ذُنُوبَكُمْ وَمَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ» (1) در، حقیقت خمس، کمکی به ما برای اهداف دینی ما و خانواده ها و دوستان ما و وسیله حفظ آبروی ما در برابر آنانی است که از قدرتشان بیم داریم پس خمس را از ما دریغ ندارید و حتی المقدور خویشتن را از دعای ما محروم نسازید؛ چرا که خارج کردن خمس از [سرمايه] کلید روزی شما و مایه پاک شدن گناهانتان و اندوخته شما برای روز نیازتان در آخرت خواهد بود پرداخت خمس، به منزله یاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است اکثر مراجع سفارش نموده‌اند شبهای قدر را مبدأ سال خمسی خود قرار دهید؛ زیرا در این شبها ثواب کار خیر هزار برابر است. این که اهل بیت علیهم السلام سفارش به انجام واجبات دین نموده اند، برای این است که ما پرونده آخرتمان را با کارهای خیر پر بار و سودمند ببندیم نه این که کسی فکر کند اهل بیت علیهم السلام به ما احتیاج دارند.

ص: 147

تاجری برای محاسبه خمس مالش نزد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی آمده بود و از اشخاصی بود که برای اولین بار خمس پرداخت می کرد. تاجر، شب نماز جماعت را به آقا اقتدا کرد و پس از پایان نماز وجه خمس را که قابل توجه بود خدمت آقا تقدیم کرد آقا رسم نداشتند پولی که می گیرند را نزد خود نگه دارند همان موقع بین فقرا و مستمندان تقسیم میکردند تاجر وقتی به منزل آمد شیطان او را وسوسه کرد و بر آن شد که فرد صبح نزد آقا برود و پول را پس بگیرد فردا نماز صبح که تمام شد، از این که به آقا نزدیک شود و پول را مطالبه بکند، شرمنده بود. با فاصله دنبال آقا راه افتاد نزدیک منزل که رسید آقا با لحنی آرام خطاب به تاجر گفت: پیشیمان شدی، آمده ای پولت را پس بگیری؟ همین جا باش. آقا به داخل منزل رفتند و پاکی را به او دادند و فرمودند: این معادل همان پولی است که دیشب به من دادی پولی که تو دیشب به من دادی، بین فقرا تقسیم کردم مولایم صاحب الزمان (علیه السلام) این پول را به من دادند و فرمودند این پول لیاقت ما را ندارد تاجر از کرده خود پیشیمان شد و اصرار داشت که آقا پول را قبول کند آقا فرمودند دست امام زمان (علیه السلام) است؛ اما حالا که اصرار داری برو و آن را بین نیازمندان تقسیم کن.

امام رضا (علیه السلام) میفرماید: کسی که خمس مالش را پرداخت نکند، هم حق ما را پرداخت نکرده است و هم حق مردم را، [\(1\)](#) این از مصادیق حق الناس است بنابراین برای این که عاقبت ما ختم به خیر شود حق پروردگار را عظیم بشماریم این خود یکی از راه های عظیم شمردن حق پروردگار است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 148

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

### خلاصه بحث

درباره عاقبت به خیری بحثمان به اینجا رسید که فردی به امام صادق (علیه السلام) نامه نوشت و از ایشان تقاضا نمود در این باره او را نصیحت فرماید. امام صادق (علیه السلام) چهار کد عاقبت به خیری را برای او بیان فرمودند که در باب اولین، کد یعنی بزرگ شمردن حق، الله مطالبی را بیان کردیم گفتیم که حضرت فرمودند اگر میخواهی عاقبت به خیر شوی باید چهار کار را انجام دهی که یکی از آنها را بیان کردیم و در ادامه سایر موارد را خدمتتان عرض خواهیم کرد.

### ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری

اولین مورد حق الله. بود گفتیم حق الله رابطه ای مستقیم با حق الناس دارد حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه میفرماید: جَعَلَ اللهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ»؛ (1) خدای متعال حقوق بندگانش را بر حقوق خود مقدم

ص: 149

داشته است؛ یعنی کسی که حق مردم را ادا نکند حق خدا را ادا نکرده است و کسی که خواستار عاقبت به خیری، است به خود اجازه نمیدهد مظلوم و حق مردم بر گردش باشد روایت از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است که فرمود: «مَنْ أَشَدَّ فُتْقَ عَلَى نَفْسِهِ لَمْ يَطْلِمَ غَيْرَهُ»؛ (1) «هرکس دلسوز خ-ود، باشد به دیگران ظلم نمیکند. کسی که خواستار عاقبت به خیری است به خود اجازه نمیدهد در دنیا حق الناس برگرددش باشد.

### شیخ مرتضی انصاری و رعایت حق الناس

مطالعه در احوال بزرگان نشان میدهد که چه اندازه آنان مراقب اعمال و رفتار خود بوده‌اند و کوچکترین موضوع را مد نظر داشته‌اند که مبدا حق الناس برگردن آنان باشد. در احوال شیخ مرتضی انصاری آمده است که در اواخر عمر که معمولاً بنیه بدنی انسان کم می‌شود - در کوچه ای عبور میکرد در کنار دیوار خانه ای کاهگلی نشست و به دیوار خانه تکیه داد تا کمی استراحت کند. در هنگام نشست و برخاست، مقداری از خاک و گاه از دیوار بر زمین ریخت ایشان نگران شد. به در آن خانه رفت و درب را کوبید. صاحبخانه آمد. اتفاقاً ایشان را میشناخت و به شیخ ارادت داشت به صاحبخانه گفت چنین اتفاقی افتاده است، بفرمایید چقدر باید بابت این خسارت به شما بدهم تا جبران شود. صاحبخانه در جواب شیخ عرض کرد، آقا اختیار دارید منزل مال شماست. آقا در جواب

فرمود: قیامت این چیزها را نمیدانند یا باید رضایت بدهی و مرا حلال کنی

یا خسارت بگیری

ص: 150

---

1- غرر الحکم، ص 456.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اخرج من حقوق تلزمك من جحة المخلوقين يا و اخرج من حقوق تلزمك من جهة المخلوقين؛ (1) «خود را با تمام وجود از حقوق مردم خلاص کن چون خداوند ممکن است از حق الله، بگذرد ولی از حق الناس نخواهد گذشت.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد بعد از نماز بپاخواستند و به حاضرین خطاب: کردند از قبیله بنی نجار کسی بین شما هست؟ شخصی بپاخواست و: گفت بله یا رسول الله حضرت فرمودند: فلان شخص که در فلان جنگ کنار من میجنگید و به شهادت رسید سه درهم به یک نفر یهودی مقروض است و به خاطر آن او را پشت در بهشت نگه داشته اند. بروید و دین او را ادا کنید تا به او اجازه ورود به بهشت داده شود. (2)

### ضرورت ادای دین و حق الناس قبل از مرگ

با توجه به این روایات دقت کنیم اگر حقی از دیگران برگردن ما هست هر چه زودتر تا مرگ ما را در بر نگرفته است دین خود را ادا کنیم اگر خواستار عاقبت به خیری، هستیم چنانچه تهمت یا زخم زبانی به دیگران زده ایم تا دیر نشده از آنان حلالیت بطلبیم ماه رمضان، بهترین فرصت برای خودسازی و کسب کمالات و دور کردن رذائل اخلاقی از خود و زندگی است. اگر از گذشته مظلومه ای برگردن ما هست، اگر افرادی را میشناسیم از آنان حلالیت بطلبیم و اگر فوت کرده و نمی شناسیم، به فتوای علما باید از طرف آن، شخص رد مظالم پرداخت کنیم و خود را از مظلومه نجات دهیم و به فقرا کمک نماییم البته شخصی را هم که از او طلب حلالیت میکنند، احسن آن است که او هم طرف مقابل را ببخشد.

ص: 151

1- مصباح الشریعه، ص 87

2- بحار الانوار، ج 10، ص 46

شخصی به نام حسن ابن خنیس نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و گفت: ، آقا جان یکی از دوستان شما از دنیا رفته و ده درهم مقروض بوده است. اکنون ورثه او توان پرداخت این دین را ندارند و طرف مقابل هم از این طلب گذشت نمی‌کند امام صادق (علیه السلام) فرمودند اگر ببخشند خداوند متعال ده برابر آن را برای او جبران خواهد کرد و او را از گرفتاری های قیامت نجات خواهد داد. (1)

تا اینجا بحث، نکته اول فرمایش امام صادق (علیه السلام) ، یعنی «فَعَظَّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ» (2) را بیان کردیم اکنون نکته دوم را توضیح می‌دهیم.

## 2. خرج نکردن نعمت خدا در راه معصیت

آن تبدل نعماته فی معاصیه؛ (3) نعمتهای خداوند را در راه معصیت خرج نکن.»

نعمت هایی که خداوند به ما داده است را نباید در راه اعمال و رفتاری که بر خلاف دستورات خداوند است استفاده کنیم. شاکر نعم الهی شخصی است که با نعمت خدا معصیت نکند و با تکیه بر نعمت الهی، با امر و نهی حضرت حق - که به مصلحت انسان تنظیم شده - به مخالفت برنخیزد این گناه بزرگ و سنگینی است که انسان نعمت الهی را که عبارت از تمام اعضا و جوارح انسانی و زمین و هوا و خوراک و پوشاک و تمام مواد مادی است صرف گناه و مخالفت با حضرت دوست بنماید که از باب کرم و لطف و عنایت این همه نعمت را در اختیار او گذاشته است.

ص: 152

---

1- کلینی، کافی، ج 4، ص 34

2- عیون اخبار الرضا، ج 7، ح 8.

3- همان.



گناهکار برای گناه ایزاری جز نعمتهای الهی در اختیار ندارد. کسی که میخواهد به نامحرم نظر کند و راه خیانت به ناموس یک مملکت را به روی خود باز کند جز این نیست که باید از نعمت چشم و قدم و مال و شهوت برای رسیدن به امیال شیطانی و جهنمی اش مایه بگذارد. کسی که می خواهد از صدای حرام و آواز حرام و لهو و لعب و موسیقی های ایمان برانداز لذت ببرد جز این نیست که باید از گوش و مال که هر دو نعمت حقاند مایه بگذارد. کسی که میخواهد دروغ بگوید، تهمت بزند استهزاء، کند افترا ببندد و دو به هم زنی، نماید نفاق افکنی پیشه سازد، فحاشی، کند باطل، بگوید حق را ناحق، کند زورگویی کند و شهادت ناحق بدهد، جز این نیست که باید از نعمت زبان استفاده کند. کسی که می خواهد کار خلاف خدا انجام دهد مگر نباید تمام هستی خود را برای افتادن در راه حرام به کار گیرد؟

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وَأَنْ لَا يَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ»؛ (1) «با نعمت خدا مرتکب گناه نشو ای کسی که خداوند نعمت سلامتی به تو داده است، این نعمت را در راه معصیت مصرف نکن. «أَوْ يُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ»؛ (2) از قدرت و قوت نعمت او در امر و نهی او به مخالفت برنخیز» بسبب نعمته»؛ (3) «نعمت او را در راه مخالفت با هیچ یک از اوامر خدا به کار مگیر.» اگر نعمت سلامتی را در راه خداوند مصروف داشتی شکر نعمت الهی را به جا آورده ای؛ ولی اگر در راه معصیت و گناه صرف کردی کفران نعمت کرده ای.

ص: 153

1- همان، ص 61

2- بحار الانوار، ج 68، ص 52

3- همان.

یکی از روحانیان می گفت در هواپیما نشسته بودم و قصد داشتم از تهران به شیراز بروم جوان بیست و هفت هشت ساله ای در کنار من نشست و شروع کرد به حرف زدن و گفت این سخنانی که شما روی منبرها برای مردم میگویید که اگر گناه کنی چه ها میشود حقیقت ندارد من تاکنون گناهان زیادی انجام داده ام و اتفاقی نیفتاده است؛ مثلاً مشروب خورده ام، به ناموس مردم هتک حرمت کرده ام و... من خوب گوش دادم و در پایان سخنان، او داستان بشر حافی را برای او تعریف کردم

بشر حافی یکی از اشراف زادگان بود که شبانه روز به عیاشی و فسق و فجور مشغول بود خانه اش مرکز عیش و نوش و رقص و غنا و فساد بود؛ به طوری که صدای آن از بیرون خانه شنیده می شد روزی از روزها که در خانه اش محفل و مجلس گناه برپا بود یکی از کنیزانش برای کاری به درب منزل آمد در این هنگام حضرت موسی ابن جعفر (علیه السلام) از آن خانه عبور کردند و صدای ساز و آواز به گوشش رسید. از کنیز پرسید صاحب این خانه بنده است یا آزاد کنیز جواب داد: البته که آزاد است. امام (علیه السلام) فرمودند راست، گفتمی آزاد است؛ زیرا اگر بنده بود از مولای خود می ترسید و این چنین در معصیت گستاخ نمی شد. کنی-زب-ه داخل منزل. برگشت بشر که بر سفره شراب نشسته بود، از کنیز پرسید: چرا دیر آمدی؟ کنیز داستان را برای او گفت بشر به خود آمد. سخن کوتاه امام، همانند تیر بر دل او نشست و مانند جرقه آتشی قلبش را نورانی و دگرگون ساخت بساط عیش و نوش را رها کرد و با پای برهنه بیرون دوید تا خود را به موسی ابن جعفر (علیه السلام) رسانید و عرض کرد: آقای من از خدا و از شما معذرت میخواهم، آری من بنده خدا بوده و هستم؛ لیکن بندگی خود را فراموش کرده بودم بدین جهت، چنین گستاخانه معصیت می کردم؛ ولی اکنون به بندگی خود پی بردم و از اعمال گذشته ام

توبه میکنم آیا توبه ام قبول است؟ بدین ترتیب از عمل خود اظهار ندامت کرد و توبه نمود، آری بشر حافی توبه کرد و در سلک عابدان و زاهدان و اولیای خدا درآمد و به شکرانه این نعمت تا آخر عمر با پای برهنه راه میرفت. (1)

آن روحانی میگوید جوان باشنیدن این داستان به فکر فرورفت مشاهده کردم نزدیک فرودگاه شیراز آرام آرام از گوشه های چشمش اشک جاری شد.

باید تکلیف خود را با خدای خود مشخص کنیم. عبد هستیم یا آزاد؟ در ایام حج تمتع حجاج پس از انجام اعمال حج موی سر خود را می تراشند این سر تراشیدن فلسفه دارد این عمل را با سربازان و زندانیان انجام میدهند؛ یعنی در این مکان پادگان) یا (زندانی که وارد، شدی تابع مقررات خاصی هستی چه وقت، بخوابی چه وقت بیدار شوی چه اعمالی انجام دهی و چه اعمالی انجام ندهی در پادگان فرماندهی هست که باید تابع دستورات او باشی یا در زندان باید تابع دستورات زندانبان باشی. «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ». (2) در دنیا برای این که عاقبت به خیر شویم باید تابع دستورات خداوند باشیم خدایی که این همه نعمت به ما عطا کرده است نباید از آن سوء استفاده کنیم؛ زیرا باید در برابر دادگاه عدل الهی پاسخگو باشیم.

بنابراین دومین کد عاقبت به خیری آن تبدل نعماته فی معاصیه» است؛ یعنی نباید نعمتهای خداوند را در راه معصیت خرج کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 155

---

1- شیخ عباس قمی الکنی و الا القاب، ج 2، ص 168.

2- تحف العقول، ص 54

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

خلاصه بحث

گفتیم هر انسانی که به شب اول قبر و روز قیامت اعتقاد داشته باشد، یکی از نگرانیهای او این است که پایان کار او ختم به خیر شود. فردی نزد حضرت عبدالعظیم حسنی آمد و سؤال کرد چه کنم که عاقبت من ختم به خیر شود؟

آقا جواب دادند عاقبت به خیری تحصیلی است و باید تلاش کرد تا آن را به دست آورد.

در این جلسه ادامه روایت امام صادق (علیه السلام) را درباره عوامل عاقبت به خیری پی میگیریم در جلسات، قبل دوفراز از روایت را بیان کردیم که عبارت بود از:

1. «فَعَظُمُ لِلَّهِ حَقُّهُ»؛ «حق خدا را مراعات کن.»

2. «أن تبذل نعماته في معاصيه»؛ (1) نعمتهای خداوند را در راه معصیت خرج نکن

ص: 156

## ادامه حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره عوامل عاقبت به خیری

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «أَزْبَعُ يُمِشْنَ الْقَلْبَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ»؛ (1) «چهار چیز دل را میمیراند، اول گناه پی در پی خداوند در قرآن میفرماید و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسَدَ تَعَفَّرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ (2) و آنها که مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم، کنند به یاد خدا می افتند و برای گناهان، خود طلب آمرزش می کنند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ و برگناه خود اصرار نمی ورزند؛ در حالی که میدانند.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «إِيَاكَ وَالْإِصْرَارَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ وَأَعْظَمِ الْجَرَائِمِ»؛ (3) از اصرار بر گناه پرهیز که از بزرگترین گناهان کبیره و عظیم ترین جرم هاست.

## حکایت شگفت جوان زیباروی بصره و ترک گناه

در کتاب داستانهای شگفت آمده است: جوانی بود به نام «اسوه» که از زیباترین جوانان شهر بصره بود زیبایی او شهره آفاق شده بود و زنان و

دختران شهر عاشق او شده بودند.

زلیخا به حضرت یوسف (علیه السلام): گفت قربان چشمان قشنگت حضرت یوسف (علیه السلام) در جواب: گفت جناب، زلیخا در قبر اولین چیزی که فاسد می شود و از بین میرود چشمان انسان است.

ص: 157

---

1- شیخ صدوق، خصال، ص 328

2- آل عمران، آیه 135.

3- غرر الحکم، ج 1، ص 151

آن جوان از این زیبایی سوء استفاده کرده و با زنان رابطه نامشروع برقرار میکرد روزی یکی از دوستانش به دیدارش رفت و مشاهده کرد حالات و رفتار او دگرگون شده و اهل عبادت و تسبیح و سجاده و ترک معاصی شده است علت را از او سؤال نمود و پرسید: چه شد که تو با آن رفتار و کردار، شهوانی اکنون به ذکر خدا و نماز و عبادت مشغول شده و رفتار گذشته را ترک نموده ای؟ اسوه در جواب دوستش گفت: عاشق دختری شدم. او درسی به من داد که تا آخر عمر فراموش نخواهم کرد. فهمیدم و معصیت و شهوترانی و دوری از خداوند مانند خوردن آب شور است که رفع عطش نمیکند بلکه انسان را تشنه تر می نماید. سپس دیدم که تنها چشمانش پیدا بود عاشق چشمان او شدم و اشتیاق فراوانی

به وصال او پیدا کردم

ز دست دیده و دل هر دو فریاد \*\*\* که هر چه دیده بیند دل کند یاد (1)

دنبال او راه افتادم و وارد خانه دختر شدم و گفتم من اسوه زیباترین جوان بصره هستم و برای رسیدن به وصال تو آمده ام. دختر چون از قصد من آگاه شد داد و فریاد راه انداخت مادرش که پیرزنی بود آم-د و م-را نصیحت نمود تا از قصد خود برگردم؛ ولی التماس و نصایحش در من اثر نکرد. دختر گفت جوان من که حجابم را رعایت کرده بودم؛ چه شد که تو عاشق من شدی؟ جوان گفت چشمم به چشمان تو افتاد و عاشق چشمان تو شدم دختر با شنیدن این حرف: گفت کمی صبر کن تا آنچه را میخواهی تقدیم کنم متحیر که دختر چه میگوید دختر داخل اتاق شد و

ص: 158

---

1- باباطاهر، دو بیتی ها.

به مادرش: گفت مقداری پنبه برای من. بیاور صدای فریاد دختر بلند شد و مادر دختر چشمان از حدقه درآورده شده دختر را روی پنبه آورد و به جوان: گفت این همان چیزی است که به دنبال آن بودی. این قصه آنقدر مرا تحت تأثیر قرار داد که فهمیدم هوسرانی و دوری از خدا و فرورفتن در گناه و معصیت در انتهایش چیزی به دست نمی آید.

انسان چقدر میتواند شهوترانی کند و چقدر میتواند نشاط و طراوت جوانی را داشته باشد؟ این نشاط و این طراوت می‌رود و موسم پژمردن گل می‌رسد

گر بمانی، پیر گردی و زبون \*\*\* ورنه که انا الیه راجعون

این حکایت را کند قرآن بیان \*\*\* من نُعَمَّرُهُ نُنَكِّهْ بِخَوَان

از تو میگیرند آنچه داده اند \*\*\* عاریه دادند هرچه داده اند

تمام نعمتهای دنیا نزد ما به صورت عاریه است زیبایی، امروز هست، فردا از دست می‌رود امروز سلامتی داریم فردا به بیماری گرفتار میشویم

، بنابراین دومین کد عاقبت به خیری این است که نعمتهای خدادادی را در راه گناه و معصیت به کار نبریم.

### 3. مغرور نبودن به حلم خدا

وَ أَنْ تَغْتَرَّ بِحِلْمِهِ عَنَّا؛ (1) «به حلم خداوند مغرور نباش.»

حلیم یکی از صفات پروردگار است و بر وزن فعیل به معنای فاعل و در لغت به معنای بردبار و صبور است به معنای اسم و صفت، یازده بار در قرآن آمده است.

ص: 159

حلیم از اسمهایی است که درباره بندگان خدا هم استعمال گردیده است.

در سوره توبه، آخر آیه 114 درباره حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمده است: **إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ**؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود. «طلب آمرزش، نوعی اظهار محبت است و حضرت ابراهیم (علیه السلام) به تصور اینکه عمویش «آذر» دست از شرک خود بر می دارد و به سوی خدا روی می آورد از سر محبت و مهربانی به او وعده داد که برایش از خدا طلب آمرزش می کند.

چه خوب است این صفت را بندگان خدا هم داشته باشند یکی از رموز موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که توانست در مقابل کفار بایستد و اسلام را گسترش دهد سرمایه صبر بود. صبر و بردباری ایشان در برابر مصائب و مشکلاتی بود که دشمنان برای ایشان به وجود می آوردند. حلم و اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و شمشیر حضرت علی (علیه السلام) و ثروت حضرت خدیجه علیها السلام، زمینه ساز گسترش اسلام در آن شرایط سخت در مقابل مشرکین معاند و کینه توز بود.

حضرت علی (علیه السلام) میفرماید «**جَمَالُ الرَّجُلِ حِلْمُهُ**»؛ **(1)** «زیبایی مرد، حلم اوست. قرآن مجید در آخر سوره بقره می فرماید: **وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ**؛ **(2)** خداوند بی نیاز و حلیم و بردبار است. در سوره اخلاص می فرماید: «**أَلَلَّه الصَّمَدُ**؛ **(3)** خداوند نسبت به همه بی نیاز است. در این آیات شریفه، سه

ص: 160

---

1- همان، ج 3، ص 356

2- بقره، آیه 263.

3- اخلاص، آیه 2



صفت به خداوند نسبت داده شده است، غنی حلیم و بی نیاز خداوند غنی بالذات و بی نیاز است و در مقابل ناسپاسی مردم بردبار است. مؤمن باید متخلق به اخلاق خدا باشد خدای سبحان، غنی است.

آنچه نعمت میدهد در نظرش بزرگ نمینماید و هر بخششی می کند بزرگ جلوه نمیدهد نیز خدای سبحان حلیم است و در مؤاخذه جفاکاران عجله نمیکند و در برابر جهالت خشم نمی ورزد. به همین جهت کسی که مرتکب گناه و معصیت میشود به او مهلت توبه کردن و برگشتن میدهد خداوند به نمرود و فرعون هم مهلت داد. نسبت دادن حلیم به خداوند از این جهت است که او در کیفر دادن به گناهکاران شتاب نمی کند و با مهلتی که به آنان میدهد بر آنان منت می گذارد. البته حلم خداوند هم حدی دارد با گناه و معصیت کاری نکنیم که صبر و

حلم خدای ارحم الراحمین لبریز شود.

### حکایت حضرت موسی (علیه السلام) و جوان گناهکار

روزی حضرت موسی (علیه السلام) از مسیری عبور میکرد جوانی از او پرسید: کجا میروی؟ حضرت موسی (علیه السلام) گفت به کوه طور می روم جوان گفت پیغامی برای خدا دارم. حضرت گفت: پیامت چیست؟ ج-وان: گفت به خدای خود بگو که نه من با تو کاری دارم نه تو با من کاری داشته باش رزق تو را هم نمیخواهم گناه و معصیت هم هر روز انجام میدهم و تاکنون بلایی هم بر من نیامده. است حضرت موسی (علیه السلام) جوان را نصیحت کرد؛ ولی در دل گنهکار جوان کارگر نیفتاد. حضرت موسی (علیه السلام) به کوه طور رفت و مناجات خود را با خدا انجام داد و از

این که پیغام جوان را به خدا عرضه کند شرم. کرد خطاب شد جناب، موسی ما از بنده گنهکارمان پیغامی. داشتیم از جانب ما به آن جوان سلام برسان و بگو اگر تو مرا به عنوان خدای خود قبول نداری من تو را به عنوان بنده خودم قبول دارم تو چه خواهی و چه نخواهی روزی ما را می خوری و ما به خاطر ناسپاسی تو را به بزرگترین درد مبتلا کرده ایم و آن این است که لذت مناجات با خود را از تو گرفته ایم.

نباید به حلم خداوند مغرور شد تصور نشود که خداوند به ما مهلت داده است. تمام اعمال و رفتار ما زیر ذره بین خداوند است و مورد حساب قرار می گیرد و باید پاسخگوی اعمال خود باشیم.

#### 4. احسان به محبان اهل بیت علیهم السلام

وَ أَكْرِمُ كُلِّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَذُكُرُنَا أَوْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا ثُمَّ لَيْسَ عَلَيْكَ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا إِنَّمَا لَكَ نِيَّتُكَ وَعَلَيْهِ كَذِبُهُ»؛ (1) به دوستان و طرفداران ما احسان و نیکی نما لازم نیست بدانی او راست میگوید یا دروغ تو طبق نیت خود رفتار کن و او را در گرفتاریها کمک و احسان کن.

، احسان یعنی نیکی کردن به دیگران قرآن مجید می فرماید: **إِنْ أَحْسَنتُمْ لِأَحْسَنَتُمْ لَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا... (2)**؛ «اگر نیکی کردید، به خودتان نیکی میکنید و اگر بدی، کردید باز هم به خودتان بدی کرده اید.

نیکی کردن به دیگران برگشت و بازتابش به خود نیکوکار است؛ یعنی هم در دنیا برایش اثر دارد و هم در آخرت، اثر آن نصیبش خواهد

ص: 162

---

1- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 4

2- اسراء، آیه 7

شد. این خود، سنت جاریه الهی است که اثر و توابع عمل هر کس را به خود او برمی گرداند هر یک از احسان و اسائه شما مختص به خود شماست؛ بدون این که چیزی از آن به دیگران بچسبد. بنابراین نیکوکار از عمل نیک و بد کار خود سهمی دارد؛ چنان که خداوند در قرآن فرموده است **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (1)** هر کس به مقدار ذره ای کار نیک انجام دهد آن را ببیند و هر کس به وزن ذره ای بدی، کند آن را ببیند خداوند تقدیر بشر را چنین رقم زده است که هر جامعهای با اطاعت از، او عزتمند و سربلند میشود و با سرکشی و سرپیچی از فرمان او خوار و ذلیل خواهد شد.

### **خروج امام حسن مجتبی (علیه السلام) از اعتکاف و کمک به شخص بدهکار**

میمون بن مهران می گوید: در پیشگاه امام مجتبی (علیه السلام) مشرف بودم؛ در حالی که ایشان معتکف بودند. بودند مردی شرفیاب محضرشان شد و عرض کرد: مقروضم و چون قدرت پرداخت آن را ندارم، طلبکارم می خواهد مرا به زندان بيفکند امام (علیه السلام) فرمودند در حال حاضر پولی ندارم که قرض شما را ادا کنم. آن شخص به امام (علیه السلام) عرض کرد: اگر شما بیایید و با طلبکارم صحبت، کنید ممکن است به پاس حرمت شما مرا به زندان نبرند ابن مهران میگوید دیدم حضرت آماده شدند تا از مسجد خارج شوند عرض کردم یا بن رسول الله آیا فراموش کرده اید در حال اعتکاف هستید و معتکف نباید در حال اعتکاف از مسجد خارج شود؟ امام (علیه السلام) فرمودند: فراموش نکرده ام ولی پدرم از جدم رسول خدا نقل

ص: 163

کردند که اگر کسی گره ای از کار مسلمین یا شخص مؤمنی بگشاید و حاجت او را برآورده سازد مانند آن است که هزار سال خداوند را عبادت کرده که روزها را به روزه و شبها را به شب زنده داری سپری کرده باشد. (1)

ما اگر ادعا میکنیم که پیرو امام معصوم (علیه السلام) هستیم، این عمل امام (علیه السلام)، از مصادیق احسان است. احسان به هر شکلی، امکانپذیر است:

تو نیکی میکنی و در دجله انداز \*\*\* که ایزد در بیابانت دهد باز (2)

احسان یعنی مشکلی را از سر راه مؤمنی برداشتن. مثلاً این که وقت بگذارد برای این که اختلاف بین زن و شوهری را اصلاح کند، نوعی احسان است.

### چه کسی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شبیه تر است؟

از قول رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: «الا أخبرکم أخبرکم بأشبهکم بی خَلْقاً؟» (3) «آیا میخواهید به شما بگویم کدام یک از شما به من پیامبر شبیه تر هستید؟ چه افتخاری بالاتر از این که انسان شبیه پیامبر بشود. «قالوا: بلی یا رسول الله»؛ «گفتند: آری ای پیامبر خدا.» «ق-ال: أَحَسُّ نُنُكُم خُلُقاً» فرمود: آن کسی بیشتر شبیه من پیامبر است که اخلاقش بهتر باشد.

یعنی به همان میزان که درجه و مرتبه خوش اخلاقی بالا برود، به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) شباهت بیشتر پیدا خواهد کرد و به ایشان نزدیک تر خواهد شد.

ص: 164

1- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 189 .

2- سعدی، موعظ .

3- تحف العقول، ص 48

قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است (1)

رسول خدا سپس فرمود: «وَاعْظُمُكُمْ جِلْمًا»؛ «و مرتبه بعد، افرادی که حلم آنان بیشتر است و زود عصبانی نمی شوند» و نیز «آبرگم بقرایه»؛ هم چنین کسی که به خویشاوندانش احسان و نیکوکاری کند و مطلب آخر: «وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ انصافاً»؛ و کسی که انصافش بیشتر است. این افراد با این خصوصیتی که بیان شد به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) شباهت بیشتری دارند

خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (2) و تو [ای پیامبر اخلاق عظیم و برجسته ای داری

در تفسیر این آیه در حدیثی از امام حسین (علیه السلام)، به نقل از پدرشان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، درباره ویژگیهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با همنشینانشان خوشرو و خندان و ملایم بودند و کسی را مذمت و سرزنش نمیکردند و لغزشها و عیوب پنهان مردم را جست و جو نمی کردند هرگز سخن نمیگفتند مگر در اموری که ثواب الهی را امید داشتند و هرگز کلام کسی را قطع نمی کردند تا سخن آن کس پایان یابد. هیچ کس از او مأیوس نمیشد و هر کس به در خانه او می آمد نومید باز نمی گشت. هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن میگفت و خیری میخواست تحمل می کرد و به یارانش می فرمود هر کس را دیدید که حاجتی، دارد به او عطا کنید. (3)

ص: 165

---

1- ملک الشعراء بهار دیوان اشعار قطعات.

2- قلم، آیه 4.

3- بحار الانوار، ج 16، ص 152.

اما آثار نیکی و احسان چیست؟ امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند «ما» قَصَّیْ مُسْلِمٍ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ تَوَابِكُ وَ لَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ؛ (1) «هیچ مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورده نکند، مگر این که خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد که پاداش تو بر عهده من است. کسی که گره ای از کار مسلمانی باز، کند خود خداوند ندا میدهد که ثواب این عمل نیک تو بر عهده من است و به دنبال آن برای ارزش این کار نیک می‌فرماید: «وَلَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ»؛ «و من به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم شد. مطمئن باش من خدای ارحم الراحمین کمترین پاداشی که خواهم داد بهشت است.»

### حکایت بهلول و صدای شبیه اسب

بهلول (2) در قرن دوم قمری در شهر کوفه متولد شد. وی به روایتی برادر مادری هارون الرشید خلیفه عباسی و به روایتی پسر عموی او بود واژه بهلول در عربی به معنای شاد و شنگول است از معانی دیگر بهلول میتوان به این موارد اشاره کرد مرد، خندان هر کسی که خوبی های زیادی دارد صاحب صورت زیبا، شخص بذله گو و در عین حال حق گو و حاضر جواب.

در احوال بهلول آمده است که او از شاگردان امام صادق (علیه السلام) و مردی فقیه و دانشمند بوده است. هارون الرشید وقتی امام موسی ابن جعفر (علیه السلام)

ص: 166

1- بحار الانوار، ج 71، ص 285

2- اسم اصلی او وحب بن عمرو صرفی کوفی بوده است.

در زندان بود، برای بقای خلافت خود از امام موسی کاظم (علیه السلام) بیم زیادی داشت و سعی داشت ایشان را به قتل برساند میخواست حکم اعدام امام (علیه السلام) را از بهلول بگیرد؛ اما بهلول مخالفت میکرد و به مقتضای وقت و راهنمایی امام کاظم (علیه السلام) برای طفره رفتن از این، کار تا آخر عمر خود را به جنون و دیوانگی زد کلام شیرینی داشت و توانسته بود توجه دیگران را جلب کند هارون دستور داده بود برای او مزاحمت ایجاد نکنند.

روزی بهلول وارد کاخ هارون الرشید شد و مستقیم جلو رفت و در کنار هارون نشست هارون از این کار او ناراحت شد؛ ولی به خاطر دستوری که داده، بود نخواست او را اذیت کند در همین حال صدای شیهه اسبی به گوش رسید هارون برای این که بهلول را مسخره کرده باشد، رو کرد به بهلول و گفت بهلول کسی با تو کار دارد بهلول هم بلند شد و رفت جایی که اسب بود و گوشش را کنار دهان اسب گذاشت و مجدداً کنار هارون برگشت هارون پرسید با تو چه کار داشت؟ بهلول گفت: درست گفتمی اسب به من گفت حیف از تو آدم که در کنار این حیوانات نشسته ای و با گفتن این جمله از جا برخاست و رفت.

### حکایت بهلول و زبیده، همسر هارون

در احوال بهلول آمده است که گاهی روی ماسه ها کنار رود دجله مینشست و مانند بچه ها با ماسه ها بازی میکرد و برای خود خانه می ساخت. روزی در حالی که خانه ای به این طریق ساخته بود، زبیده، همسر هارون الرشید از آن محل عبور میکرد خواست با او شوخی کرده باشد. زبیده به بهلول گفت این خانه را میفروشی؟ بهلول در جواب

گفت بلی زبیده پرسید چه مبلغی؟ جواب داد: صد درهم و اگر این خانه را از من، خریدی قباله ای برای شما امضا می کنم و خانه ای در بهشت به تو میفروشم زبیده لبخندی زد و یکصد در هم به او داد و قباله را گرفت بهلول هم صد در همی که از زبیده گرفته بود برداشت و در شهر بین فقرا تقسیم کرد زبیده شب در عالم خواب دید در کاخی از بهشت است و خدمتکاران در خدمت او مشغولند. در آن حالت یکی از خدمتکاران به او گفت میدانی چرا این باغ بهشتی را به تو داده اند؟ این به خاطر صد در همی است که انفاق کردی و این هم قباله ای که بهلول نوشته است. او از خواب بیدار شد و آنچه را در خواب دیده بود برای هارون تعریف کرد هارون بهلول را به خدمت خود فراخواند و به او گفت از این خانه ها داری به من هم بفروشی؟ بهلول در جواب گفت: نه برای تو ندارم، زبیده ندیده خانه را خرید و پول آن را پرداخت کرد؛ ولی اکنون تو به طمع بهشت قصد خرید خانه را داری.

در این جلسه چهار مطلب درباره عاقبت به خیری بیان کردیم که عبارتند بودند از:

1. رعایت حقوق خداوند

2. نعمتهای خدا را در راه معصیت صرف نکردن

3. به حلم خداوند مغرور نبودن.

4. احسان و نیکی به دوستان و طرفداران اهل البیت علیهم السلام

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 168



### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

### شب قدر

امشب شب نوزدهم ماه مبارک رمضان و شب عبادت است. ثواب عبادت در این، شب معادل هزار شب است؛ یعنی حدود هشتاد سال اعمال امشب دو قسمت است برای شبهای قدر اعمال مشترک و اعمال مخصوصی هست که آداب آن در کتاب مفاتیح الجنان آمده است. بهترین عمل، طلب آمرزش و بهترین ذکر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است. خواندن دعای جوشن کبیر که جبریل به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آموزش داده برای این شبها وارد شده است گفتن صد بار «اللَّهُمَّ تَغْفِرُ اللَّهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و صد مرتبه «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (عليه السلام)»، از اعمال مختص شب نوزدهم است.

### خلاصه بحث

در ادامه بحث عاقبت به خیری و حُسن عاقبت امشب نیز مطالبی را خدمتتان عرض خواهیم کرد گفتیم خداوند در آیه 102 سوره آل عمران

ص: 169

به اهل ایمان سفارش کرده است که مراقب پایان کار خود باشند. همان طور که در جلسات قبل بیان شد انبیاء و اوصیای خداوند هم این دغدغه فکری را داشته اند و دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده به ما آموزش داده اند نیز بر همین مسئله تأکید دارد بر این اساس در زمان استجابت دعا مثل شبهای قدر از خداوند طلب کنیم که به ما حُسن عاقبت عنایت فرماید.

گفتیم که افرادی خوب شروع میکنند؛ ولی خوب به پایان نمی‌رسانند.

## عاقبت یکی از خوارج نهروان

کمیل بن زیاد یکی از خواص و اصحاب برگزیده امام علی (علیه السلام) است و در شرح حالات آن مرد بزرگ مورّخین چنین متذکر شده اند که او از اعظام یاران باوفای امام و صاحب سر آن حضرت و از راویان احادیث اسرارآمیز بوده است.

بعضی از بزرگان سلسله جماعتی از عرفا را به او منتهی کرده اند و او را به فضل و دانش و زهد و تقوا مشهور میدانند. در مقام شخصیت آن عارف عالی قدر همین بس که حضرت علی (علیه السلام) یکی از احادیث مشهور از نهج البلاغه را به او تعلیم فرموده. اند شاید بتوان گفت که در دوران زندگی امام (علیه السلام) در میان اصحاب و یاران آن بزرگوار، کسی در این زمینه شایسته تر و شیدا و دلباخته تر از کمیل برای پذیرش و درک کلمات گهربار حضرتش نبوده است و این میرساند که کمیل صاحب روحی بزرگ و عرفانی قوی بوده که امام (علیه السلام) او را برای تعلیمات عالیّه انتخاب

کردند و شایستگی درک حقایق و معارف الهی را در او دیده اند. (1) مولی

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، دعای کمیل را که شبهای جمعه خوانده می شود، به او آموزش داده اند.

کمیل نقل میکند شبی گرفتار بیخوابی شدم با خودم گفتم بهتر است کمی در کوچه ها گردش کنم شاید خستگی بر من غلبه کند و بتوانم بخوابم در چند کوچه که گردش کردم در تاریکی شب فرد دیگری را هم در حال قدم زدن دیدم با خود فکر کردم شاید او هم مانند من دچار بیخوابی شده است جلو رفتم مشاهده کردم مولایم علی (علیه السلام) است با ایشان همراه شدم وارد کوچه ای شدیم. از کنار پ-  
رده

خانه ای نوری ضعیف سوسو میزد و قاری قرآنی با صوتی زیبا مشغول تلاوت قرآن بود جذابیت صدای او ما را در جا میخکوب کرد. من در آن لحظه تحت تأثیر این صدا آرزو کردم که ای کاش تار مویی از بدن او بودم و هر شب صدای تلاوت قرآن او را می شنیدم حضرت (علیه السلام) دست من را فشار دادند؛ حاکی از این که زود قضاوت نکن.

مدتی بعد در زمانی که حضرت (علیه السلام) به ظاهر خلافت را پذیرفتند، پس از پایان جنگ با خوارج نهران قصد استراحت از خستگی جنگ داشتند. حضرت (علیه السلام) مرا فرا خوانده و کنار کشته های جنگ بردند. جنازه ای را در به من نشان دادند و فرمودند مشاهده کن بین این شخص را میشناسی عرض کردم خیر یا ولی الله فرمودند بگو این شخص اهل بهشت است یا جهنم؟ عرض کردم یا علی کسی که در مقابل امام زمانش شمشیر بکشد، قطعاً اهل جهنم است فرمودند یادت هست در آن شب که

ص: 171

در کوچه های کوفه گردش میکردیم آرزو داشتی تار مویی از بدن آن قاری قرآن میبودی؟ این همان فرد است؛ عاقبتش این است (1)

این داستان درسی است برای ما که وقتی به حج میرویم و نماز، خواندن تلاوت قرآن و حاجیههای آنجا را میبینیم مبلغ وهابیت نشویم. ایمان اولین و اساسی ترین و محکمترین ریسمان نجات و مطمئن ترین ضامن عاقبت به خیری است. وعده های الهی با اهل ایمان از ثواب های اخروی و نعم دنیوی فقط شرطش ایمان و تقوا و عمل صالح نیست، بلکه شرط دیگری هم دارد و آن بقای ایمان تا آخرین نفس است؛ زیرا احدی نمی داند که عاقبت کارش به کجا میکشد چه بسا اشخاص بسیار خوب که مورد تعجب دیگران بودهاند؛ ولی در پایان عمرشان بی ایمان از دنیا رفته اند بر همین اساس مؤمن از خداوند میخواهد که عاقبت و پایان کارش به خیر باشد و با ایمان و تسلیم در برابر خداوند و برای خدا جان بدهد و در صف صالحان و شایستگان قرار گیرد.

## عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

### اشاره

عاقبت به خیری تحصیلی است و قرآن و روایات کدهایی را برای سنجش آن بیان کرده اند. به دنبال مطالبی که از قرآن و روایات برای عاقبت به خیری بیان کردیم امشب درباره اولین مطلب که قرآن برای آن بیان کرده یعنی ایمان سخن میگوییم

### 1. ایمان

ایمان شرط پذیرش عمل صالح است قرآن برای رفتن به بهشت ما را

ص: 172

به انجام عمل صالح تشویق نموده است و هر جا در قرآن از عمل صالح مطلبی بیان شده است قبل از آن از ایمان سخن به میان آمده است.

خداوند در قرآن چنین فرموده است و الْعَصْرَ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... (1)؛ به عصر (زمان) سوگند که انسانها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند.»

اگر ایمان نباشد، عمل صالح پذیرفته شده نیست. از آیات قرآن استفاده میشود که انسان دارای حیات جاویدان است و این زندگی جاویدان قطع نمی شود، بلکه از سرایی به سرایی دیگر انتقال می یابد.

قرآن بیان میکند بخشی از زندگی جاویدان که زندگی دنیوی است، زندگی آزمایشی است و کیفیت زندگی دیگر را که حیات جاودان انسان است مشخص می کند. قرآن برای جلوگیری از زیان بزرگ و برای مبدل کردن سرمایه عمر به منفعت و سود، عظیم برنامه هایی را ارائه می دهد؛ از جمله ایمان که زیربنای همه فعالیت های انسان را تشکیل میدهد. انجام اعمال صالح، به منزله میوه درخت ایمان است؛ زیرا وقتی چراغ ایمان در سرای قلب انسان روشن شود نور آن از اعضا و جوارح انسان منعکس میشود و انسان برای جلوگیری از زیان بزرگ به عمل صالح چنگ میزند. (2)

### ایمان خالص نه ایمان آلوده به ظلم

در آیه 82 سوره انعام آمده است الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ [آری] آنها که ایمان آورده اند و ایمان

ص: 173

1- عصر، آیات 1 تا 3

2- با استفاده از تفسیر المیزان، ج 20، ص 410 و تفسیر نمونه، ج 27، ص 293

خود را با شرک و ستم، نیالودند ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند.»

فردای، قیامت ایمانی را قبول میکنند و می پذیرند که به ظلم آغشته نشده باشد، بنابراین ایمان دو قسم است ایمان همراه با ظلم و ایمان عاری از ظلم اگر ایمان به ظلم آلوده نشد خداوند وعده امنیت به مؤمن داده است و این ایمان او پذیرفته شده است. در این صورت است که عمل صالح ما مورد قبول خداوند قرار میگیرد اگر عمل صالح مورد رضای خداوند قرار گرفت عاقبت ما ختم به خیر خواهد شد.

البته به مقدار معرفت و آگاهی، انسان مرتبه ایمان او تفاوت میکند و برحسب مرتبه ایمان، او مرتبه ظلم به ایمان نیز متفاوت است. کسی که می داند، جهان سازنده و آفریدگاری دارد و او پروردگار و مدبر عالم است و همه موجودات با تدبیر او اداره میشود باید به ربوبیت و یکتایی او در تدبیر عالم ایمان بیاورد و مخلوقات او را شریک او نکند. ظلم چنین انسانی، شریک قرار دادن برای خداست مرحله بالاتر، مقام کسی است که علاوه بر مرتبه، قبل هنگام رویه رو شدن با گناهان بزرگی مانند ناسپاسی والدین، خوردن مال یتیم آدم کشی، زنا، شرابخواری و... از این گناهان خودداری کند تأثیر گذاری ایمان او در این مرحله مشروط به خودداری از این گناهان است خدا در این مرحله وعده داده است که گناهان کوچک او را ببخشد؛ چنان که در آیه 31 سوره نساء می فرماید: «اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده اید خودداری کنید گناهان کوچک شما را می پوشانیم و شما را در جایگاه گرامی و خوبی وارد میکنیم

امن و اهتداء»، از خواص و آثار ایمان است و در هر یک از مراتب

یاد شده به مؤمن ایمنی مخصوص آن رتبه را میبخشد. بنابراین، این گروه از انسانها هدایت شده هستند به فرمایش امام صادق (علیه السلام)، برای رستگاری باید دنبال حضرت علی (علیه السلام) و ائمه معصوم علیهم السلام حرکت کنیم و ذره ای از محبت غیر از آنان را در دل راه ندهیم. اگر چنین شد، کمال دین و عاقبت به خیری و رفتن به بهشت را در پی خواهد داشت. کامل بودن دین با دو چیز است: محبت اهل بیت علیهم السلام و دوری جستن از دشمنان ایشان

خدا را شاکریم که دوستی و محبت حضرت علی (علیه السلام) و اهل بیت علیهم السلام را در دل ما قرار داده است بر ما واجب است که پدر و مادرمان را که ما را با محبت حضرت علی (علیه السلام) و اهل بیت علیهم السلام بزرگ کرده و لقمه حلال به ما داده اند دوست بداریم و قدر آنان را بدانیم؛ اگر زنده اند آنان را احترام نماییم و اگر مرده اند، در حق آنان دعا کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 175

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

خلاصه بحث

زندگی من انسان در دنیا همیشگی و دائمی نیست

هر آن نفس کو آمد اندر حیات \*\*\* چشد شربت نیستی و ممات

دوروزی چو از زندگانی گذشت \*\*\* به سوی خدا باز خواهید گشت

تأخیر و تقدم دارد؛ ولی عاقبت باید دل از این دنیای فانی برکند. به قول، عوام شتری است که در همه خانه ها خواهد خوابید. زندگی در دنیا محدود است نهایت، آن چگونه خواهد بود؟ خدایی که خالق من و شماس است و به سوی او باز خواهیم گشت **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، آیا در انتهای، کار از من راضی و خشنود هست؟ اگر او از ما خشنود بود مرگی سهل و آسان خواهیم داشت و بهشت و نعمتهای آن در انتظار ما خواهد بود به همین، خاطر بزرگانی چون حضرت عبدالعظیم حسنی به ما می گویند ای کسانی که به دنبال عاقبت به خیری هستید، به دست آوردن، آن تحصیلی است و باید حاصل شود و در طول زندگی مراقب اعمال و کردار و گفتار خود باشید



این جهان کوه است و فعل ما ندا \*\*\* سوی ما آید نداها را صدا (1)

سعی کنیم با دست و زبان خود به کسی آزار نرسانیم

### عاقبت کسی که به امام حسین (علیه السلام) زخم زبان زد

در روایت آمده است در صحرای کربلا در روز عاشورا فردی از دشمنان به امام حسین (علیه السلام) زخم زبان زد و دل امام شکست. حضرت حق او نفرین کردند که از این آب فرات که موج می زند، نخواهی خورد و از زقوم جهنم سیراب شوی اللهم آمته عطشاناً؛ «خدایا او را تشنه بمیران. او بعد از حادثه کربلا به کوفه آمد و به مرض استسقا دچار شد. مشکهای پر از آب برای او می آوردند. از آن می خورد؛ ولی رفع عطش از او نمیشد و با این وضعیت از دنیا رفت. (2)

### معصومین علیهم السلام و دغدغه عاقبت به خیری

حضرت علی (علیه السلام) با آن عظمت دغدغه عاقبت به خیری داشت. حضرت

محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در روزهای پایانی ماه شعبان درباره فضائل ماه رمضان خطبه ای خواندند و در حالی که اشک از چشمان مبارکشان جاری بود به چهره حضرت علی (علیه السلام) نگاه کردند حضرت علی (علیه السلام) علت گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را پرسیدند ایشان فرمود به من الهام شده است که در ماه مبارک رمضان چهره ات با خون سرت خضاب میشود ایشان خبر از فرجام و عاقبت میدهند حضرت علی (علیه السلام) درباره وقت و محل و

ص: 177

---

1- مولوی مثنوی معنوی دفتر اول

2- بحار الانوار، ج 45، ص 52

چگونگی شهادتشان از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال نکردند بلکه سؤال کردند این، انتهای کاری که از آن خبر می‌دهید دین و اعتقاد و و آئین من سالم است؟ (1) اول شخصیت، عالم علی ابن ابی طالب (علیه السلام) می‌خواهند از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) مهر تأیید بر عاقبت خود را بگیرند.

باید از این فرمایش حضرت علی (علیه السلام) درس بگیریم. بودند افراد زیادی در دنیا که زندگی خود را خوب شروع کردند؛ ولی نهایت خوبی نداشتند.

بلعم باعورا اسم اعظم میدانست و مستجاب الدعوه بود. قرآن می فرماید: فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (2) «هوای نفس بر او غلبه پیدا کرد و از گمراهان شد.

شیطان در کار خود مهارت دارد و هر کس را با شیوه ای می فریبد پس نباید خود را از فریب او مصون دانست. باید از خداوند کمک بخواهیم: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا... (3) «خدایا، دل ما را بعد از این که هدایت، کردی گمراه مگردان

در شب های قدر و ماه مبارک رمضان هنگام دعا کردن خواسته هایمان از، خداوند، تنها امور دنیوی نباشد برای مرگ آسان و این که در آن لحظات سخت و طاقت فرسا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به فریاد ما برسد و برای عاقبت به خیری هم دعا کنیم برای چشیدن شیرینی عبادت از خداوند تقاضای اجابت دعا داشته باشیم تا لذت مناجات با خدا شامل حالمان بشود و از صحبت کردن با خدا حظ وافر ببریم.

ص: 178

---

1- اقبال الاعمال، ج 1، ص 27، بحار الانوار، ج 4، ص 190.

2- اعراف، آیه 175.

3- آل عمران، آیه 8

بالاترین لذت برای عاشق هم صحبتی با معشوق است. در عشقهای مجازی برای عاشق و معشوق بهترین، لذات صحبت کردن با یکدیگر است، حال اگر عشق خداوند در دل انسان جای، گرفت بالاترین و شیرین ترین لذتها برای او، مناجات با خداست.

حضرت علی (علیه السلام) که در شب بیست و یکم ماه رمضان توسط ابن ملجم شمشیر بر فرق مبارکشان فرود می آید میفرماید: «فُزْتُ وَرَبِّ الكَعْبَةِ» در لغت، «فائز» به معنای برنده پیروز و رستگار است عرب ها در مسابقات، برنده را فائز و بازنده را خاسر لقب می دهند. دنیا میدان مسابقه است حضرت علی (علیه السلام) در آن لحظه آخر میفرماید من در میدان مسابقه دنیا، برنده و پیروز شدم آیا ما که ادعای پیروی از آن حضرت را داریم، اعمال و رفتارمان به نحوی هست که در لحظه آخر این کلمه را بر زبان جاری کنیم و بگوییم «فزت و ادعای برنده شدن داشته باشیم؟»

کسی که با رفتار و کردارش بتواند در لحظه، آخر حضرت علی (علیه السلام) را در حالی که لبخند بر لبان مبارکشان نشسته ببیند و ایشان بفرماید: «غم مخور جانا که غمخوارت منم، کلمه فُزت شامل حالش خواهد شد و رستگار است.

### ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

از عواملی که باعث عاقبت به خیری میشود دو عامل را میتوان برشمرد:

ایمان البته ایمانی که به ظلم آلوده نشده باشد این مطلب را در جلسات قبلی شرح دادیم آیه 82 سوره انعام به همین مطلب اشاره دارد.

### همراهی ایمان با ولایت

ولایت ... مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ

كَفَّرَ... (1)... پس از آن که دلائل و براهین روشن به آنان رسید، این، امتهای بودند که اختلاف کردند؛ برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند.»

بر اساس این آیه، ما دو نوع اسلام داریم، یکی اسلام همراه با واقعه غدیر و با قبول خلافت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و دیگری، اسلام بدون قبول غدیر و با پیروی از سقیفه.

در روز واقعه غدیر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بیش از یک ساعت خطبه خواندند و فضائل حضرت علی (علیه السلام) را در این خطبه بیان فرمودند و چیزی در گفتار بر تأیید جانشینی حضرت علی (علیه السلام) بعد از خود، ناگفته نگذاشتند؛ آن هم در میان جمعیتی که در سال آخر عمر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حجة الوداع، بن-اب-ه-روایتی حدود یکصد و بیست هزار بودند آنان سه شبانه روز در صحرای غدیر با حضرت علی (علیه السلام) بیعت کردند؛ ولی متأسفانه عده ای با اعمال و رفتار خود بین امت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اختلاف ایجاد کردند: «وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا...» (2)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمان حیات خود به عناوین مختلف مردم را از فتنه های بعد از خود با خبر می کردند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت علی (علیه السلام) را به همراه خود به قبرستان بردند و زیارت اهل قبور انجام دادند و فرمودند: خوشا به حال شما ای اهل قبور که از من پیامبر زودتر از دنیا رفتید و به فتنه های بعد از من گرفتار نشدید حضرت علی (علیه السلام) گفتند یا رسول الله مگر امت بعد از شما گرفتار فتنه می شوند؟ فرمودند: آری، آنها بعد از من هفتاد و سه فرقه میشوند که از این فرقه ها یک فرقه اهل نجات هستند و هفتاد و دو فرقه اهل آتش هستند. (3)

ص: 180

1- بقره، آیه 253

2- کافی، کلینی، ج 8 ص 370.

3- خصال صدوق، ص 585

برای نجات از آتش باید این گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را آویزه گوش خود قرار دهیم و پیرو آن باشیم که فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ : ... كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي ..... (1) اگر چنین بودیم لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا» هیچ گاه گمراه نخواهیم شد و به دنبال آن، عاقبت ما ختم به خیر خواهد شد. شرط آن، پیروی از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و شیعه واقعی آن حضرت بودن است.

در کتاب اصول کافی از قول امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه ای که بیان کردیم روایتی آمده است امام میفرماید این آیه 253 سوره بقره) درباره امت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است: «قَدْ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ» و از آن استفاده میشود که اصحاب رسول خدا بعد از رحلت آن حضرت، اختلاف کردند برخی از آنها مؤمن بودند و برخی از آنها کافر شدند.

در روز واقعه غدیر بعضی از افراد صاحب ادعا، موقعی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود معرفی کردند، اعتراض داشتند حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) تأکید کردند که انتخاب ایشان به خاطر داماد پیامبر بودن و پسر عم من بودن و به خاطر قومیت و نزدیکی با من پیامبر، نیست بلکه خدا او را انتخاب کرده است من رسول الله و فرستاده خداوند از جانب خداوند به خاطر صفات برجسته ای که در وجود علی (علیه السلام)، است او را به جانشینی خود انتخاب نمودم عقل و منطق قبول نمیکنند که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را که خدا انتخاب کرده، است جانشین او را مردم انتخاب کنند در طول تاریخ حکومتهایی که برپا شده اند بحق یا ناحق) اولین کاری که حکام انجام داده اند، فردی را به جانشینی خود انتخاب کرده اند تا کارها معطل نماند.

ص: 181

---

1- از حدیث ثقلین در منابع زیادی نامبرده شده است. مراجعه شود به بحار الانوار، ج 23، ص 106).

معاویه که حکومتش باطل بود قبل از مرگش یزید را به جانشینی خود انتخاب کرد و از مردم برای او بیعت گرفت. حال، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که چنین حکومت جهانی را تشکیل داده است برای بقای اسلام نباید جانشین انتخاب کند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که از وضعیت حکومت اسلام بعد از خود باخبر بود و میدانست اگر رهبری درست تعیین نشود، امت او گمراه خواهند شد جانشین بعد از خود را مشخص نمودند و ناگفته ای باقی نگذاشتند قرآن فرموده است **جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ؛ دلائل و براهین روشن برای آنان آورد؛ ولی وَلَٰكِنْ اِخْتَلَفُوا (1)**.

حال چرا اختلاف کردند؟ خلیفه دوم میگوید علی (علیه السلام) چند ویژگی دارد و هر کس آنها را انکار کند ملعون است 1 علی، مولود کعبه است؛

2. علی، داماد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است؛ 3، علی نفس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

فخر رازی که معروف به امام المفسرین و از اهل سنت است، می گوید (2) اگر تمام آیاتی که در قرآن درباره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نازل شده است را انکار کنیم، آیه ... **وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ...** (3) را نمیتوانیم انکار کنیم خداوند در این آیه حضرت علی را نفس و جان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) معرفی کرده است حضرت فاطمه علیها السلام موقعی که می خواستند احتجاج الا کنند به بهانه غصب فدک به مسجد مدینه وارد شدند و با خطبه خود جو حاکم بر مسجد را دگرگون کردند؛ به طوری که مردم تصور کردند لحن و بیان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است حضرت علیها السلام در خطبه خود با استدلال به همین آیه سران سقیفه را محکوم کردند و از حق امیر المؤمنین (علیه السلام) دفاع نمودند.

ص: 182

---

1- بحار الانوار، ج 28، ص 20.

2- تفسیر الرازی، ج 8، ص 83

3- آل عمران، آیه 61.

حضرت فاطمه علیها السلام در قسمتی از این، خطبه خطاب به مهاجر و انصار فرمودند: «فراموش کرده اید در جنگها هر کجا که همه دست از دفاع بر می داشتید آن کس که جانانه و عاشقانه از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و اسلام دفاع می کرد شوهر مظلوم من علی (علیه السلام) بود؟ (1) در روایت آمده است که در یکی از جنگها بیش از هفتاد ضربه شمشیر بر بدن حضرت علی (علیه السلام) وارد شده بود.

### حضرت علی (علیه السلام) و رفع شبهه جوان در جنگ صفین

اصیغ بن نباته روایت میکند در روز جنگ جمل همراه امیر المؤمنین (علیه السلام) ایستاده بودم. مردی نزد ایشان آمد شمشیرش را انداخت و عرض کرد: یا، علی من دچار تردید و شک شده ام و نمیتوانم بجنگم. حضرت (علیه السلام) علت را سؤال کردند جوان در جواب: گفت پیشانی یاران عایشه از شدت عبادت و کثرت سجده پینه بسته است و با صوت زیبا قرآن تلاوت میکنند و همانند ما نماز میخوانند و همانند ما تکبیر و تهلیل (لا إلهَ إِلَّا اللهُ) می گویند و مسلمان هستند؛ من چگونه در مقابل آنان بجنگم؟ من توان ندارم. حضرت (علیه السلام) لبخندی زدند و فرمودند: اگر استدلال از قرآن برای تو بیاورم می پذیری؟ عرض کرد، بله یا علی حضرت (علیه السلام) آیه 253 سوره بقره را تلاوت کردند و در میدان جنگ شبهه را از ذهن آن جوان پاک کردند (2)

شیعه برای حقانیت خود استدلال و منطق دارد و هیچ سؤالی در اینباره بدون پاسخ نیست وظیفه ما این است که هر کجا درباره مسائل دینی شبهه ای در ذهنمان ایجاد شد از اهل فن پرسیم و به دنبال یافتن پاسخ باشیم.

حضرت علی (علیه السلام) در آن عرصات جنگ این قسمت از آیه را بیان فرمودند: «... وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلَّ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ

ص: 183

1- احتجاج طبرسی، ج 1، ص 152

2- مالی شیخ مفید، ص 102، آیه «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض ... وعنهم من كفر».

وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اِفْتَتَلُوْا وَلَكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ (1)؛ کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان، آمد به کشتار یکدیگر نمی پرداختند اما خدا مردم را نساخته و آنها را در پیمودن راه سعادت آزاد گذارده است؛ ولی با هم اختلاف کردند؛ پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و جنگ و خونریزی بروز کرد و باز خدا اگر میخواست با یکدیگر جنگ نمی کردند؛ ولی خداوند آنچه را می خواهد انجام میدهد. حضرت با تلاوت این بخش از، آیه به جوان فهماندند که آنها که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰه» می گویند عده ای دارای ایمان صحیح و عده ای ایمانشان سست و ناصحیح است و کافرند و تکبیر و تهلیل آنان نزد خداوند ارزشی ندارد سپس فرمودند: «نحن الذین من بعدهم و قال ف نحن الذین آمننا و هم الذین کفروا»؛ ما کسانی هستیم که ایمان آورده ایم و ایمان ما صحیح است و آنان که در مقابل ما قرار گرفته اند، همان کسانی هستند که به نص قرآن کافر هستند و عباداتی که انجام میدهند نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد.

اصبغ بن نباته می: گوید جوان با شنیدن این کلمات از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قدری تفکر کرد و حالش دگرگون شد و رنگ چهره اش تغییر کرد و: گفت یا، علی شما درست میگویند سپس خود را روی دست و پای حضرت علی (علیه السلام) انداخت و از حضرت طلب بخشش نمود و به اشتباه خود اعتراف کرد آنگاه شمشیرش را برداشت و به معرکه جنگ رفت و جنگ نمایانی کرد و در رکاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به درجه رفیع شهادت نائل آمد و عاقبت او ختم به خیر شد. (2)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 184

1- بقره، آیه 253.

2- احتجاج طبرسی، ج 1، ص 249



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

### خلاصه بحث

عاقبت به خیری آنقدر مهم است که اولیاء و اوصیاء ه-م دغدغه آن را داشته اند ائمه معصومین علیهم السلام راه های عاقبت به خیری را به ما آموزش داده اند آنچه در غالب دعاها از خداوند طلب میکنیم، حسن عاقبت است به عنوان، نمونه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که به زراره فرمودند در عصر غیبت امام زمان (علیه السلام) که عصر امتحان شیعیان و دوران سختی است برای محافظت از دین پیوسته این دعا بعد از نماز زیاد خوانده شود؛ این دعا هم درخواست عاقبت به خیری و هم در عاقبت به خیری مؤثر است

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ»؛ «خدایا، خود را به من بشناسان.» «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ»؛ پس به راستی اگر خود را نشناساندی»، «لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ»؛ «رسولت را نشناختم» «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ»؛ «خدایا، رسولت را به من بشناسان.» «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ»؛ زیرا اگر رسولت را معرفی نکردی»، «لَمْ أَعْرِفْ مُحَجَّتَكَ»؛ «حجّتت را نخواهم شناخت.» «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ»؛ «خدایا، حجّتت

را به من بشناسان» (فَاتَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ)؛ «زیرا اگر حجتت را

نشناسانی، ضَلَلْتُ عَنْ دینی»؛ «از دینم گمراه شده ام.» (1)

در این دعا امام صادق (علیه السلام) راه را که همانا شناخت امام زمان (علیه السلام) است به زراره و همه شیعیان نشان میدهد اگر از ایشان که حجت روی زمین، هستند پیروی کنیم حُسن عاقبت نصیب ما خواهد شد.

## ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

از نگاه، قرآن اولین عاملی که حُسن عاقبت به دنبال دارد ایمان است. البته ایمانی که با ظلم مخلوط نشده باشد.

ایمان اولین و اساسی ترین و محکم ترین ریسمان نجات و مطمئن ترین ضامن عاقبت به خیری است عَنْ ابی عبد الله (علیه السلام): «و قال في قوله عز وجل: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى.» امام صادق (علیه السلام) فرمودند: عروه الوثقی، همان ایمان به یگانگی خداوند بیشریک است.» (2)

شرط دیگری هم دارد و آن موافات است. موافات یعنی بقای ایمان تا آخرین نفس؛ زیرا احدی نمیداند که عاقبت کارش به کجا می کشد؛ لذا دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي...» و دعاهای دیگر از این دست و تکرار آنها برای حفظ ایمان فرد است که بتواند تا آخرین، نفس، آن ایمان را نگه دارد.

## 2. تقوا

دومین عامل عاقبت به خیری تقواست قرآن صراحتاً می فرماید ...

ص: 186

1- کلینی، اصول، کافی کلینی، ج 1، ص 337

2- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 114.

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (1). حضرت علی (علیه السلام) میفرماید: «التَّقْوَى غَايَةٌ لَا يَهْلِكُ مِنْ اتَّبَعَهَا»؛ «تقوا، هدفی است که هر کس به دنبالش رود، به هلاکت نمی افتد.» ... فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى... (2)، «بهترین توشه، تقواست.»

مثال عاقبت به خیری در جامعه ما کسی است که از روی خلوص ذاکر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است و در راه زنده نگه داشتن شعائر شهادت امام حسین (علیه السلام) خدمت میکند و وقتی از دنیا می رود، جنازه او با عزت و احترام تشییع و سال ها در مجالس و محافل از او به نیکی یاد می شود این قدردانی به خاطر تقوا و پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

دنباله روایت میفرماید: «و لَا يَنْدُمُ مَنْ عَمِلَ بِهَا»؛ «هر کس به آن عمل کند و اهل تقوا، باشد پشیمان نمیشود تاکنون کسی از رفاقت با خدا و اهل بیت علیهم السلام، زیان ندیده است. حضرت (علیه السلام) سپس دلیل آن را می فرماید: «لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ»؛ (3) چون با تقوا رستگار می شوی و عاقبت به خیر میگردی

### پنج توصیه شیخ عباس قمی درباره تقوا

یکی از راههای عاقبت به خیری تقوا پیشه کردن است مرحوم شیخ عباس قمی از مردان عارف و برجسته و با تقوای زمان خود بود و ماندگاری یاد و خاطره او به خاطر آثار وجودی تقوا در این مرد خدایی

ص: 187

1- قصص، آیه 83

2- بقره، آیه 197.

3- میزان الحکمه، ج 10، ص 6. کنز العمال، ج 16، ص 189.

بوده است. در جامعه ما در کنار هر مجلد از قرآن کریم یک جلد از کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی قرار دارد.

فردی نزد این عالم وارسته آمد و از ایشان سؤال کرد: برای اینکه راه تقوا و پرهیزگاری را در پیش گیرم و درجه تقوای من بالا، رود چه کاری باید انجام دهم؟ آن عالم صاحب نفس باتقوا به این فرد برای ارتقای درجه تقوا پنج توصیه به این ترتیب بیان نمود

اول از خوردن غذای حرام پرهیز کن

قرآن در اینباره میفرماید: «... وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ...» (1) ای بشر، خداوند رزق و روزی تو را از روزی های پاک قرار داده است؛ پس این بشری که رزق او از پاکیها فراهم، شده چرا با سوء، انتخاب پاکی ها را کنار زده و به دنبال حرام می‌رود.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، قصد داشت در مسجد نماز بخواند. به فردی گفت: این اسب مرا مراقبت کن تا من نمازم را بخوانم و برگردم. شیطان، آن مرد را فریب داد. او زین اسب حضرت را برداشت و در بازار به یک درهم فروخت وقتی حضرت از نماز برگشتند مشاهده کردند اسب رهاست و زین بر پشتش نیست. حضرت یکی از دوستان آن مرد را صدا زدند و دست خود را به او نشان دادند و فرمودند ببین این چند درهم است؟ گفت: دو درهم. حضرت فرمودند: من برای این کاری که قرار بود درست انجام دهد، دو درهم مزد برای او در نظر گرفته بودم؛ ولی او صبر نکرد و رزق حلال را حرام کرد و به یک درهم تن در داد. (2)

ص: 188

---

1- اسراء، آیه 70

2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 161.

قرآن می: فرماید ... وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ... لقمه حرام، در زندگی و در فرزندان و نسلمان آثاری سوء دارد روایت داریم فردای قیامت فرزندان ما دامن ما را خواهند گرفت که چرا لقمه حرام به ما دادید و آینده ما را خراب کردید پس اولین کد عاقبت به خیری لقمه حلال است.

دوم گناهان را به طور کلی ترک کن

کسی که ادعای تقوا و پرهیزکاری، دارد در جلسه ای که در آن غیبت می شود حضور نمی یابد و حتی حاضر به شنیدن آن هم نمی شود.

سوم واجبات مخصوصاً نمازهای یومیه را اول وقت بخوان.

کسی که اهل تقوا، باشد در اول وقت، نماز کار را رها کرده و فریضه نماز را به جای میآورد اگر اعتقاد به رزاقیت خداوند داریم باید در این چند دقیقه ای که برای به جای آوردن نماز وقت نیاز هست، به نماز پردازیم و به دنبال کسب درآمد نباشیم و بدانیم که خداوند آن را جبران خواهد کرد باید تا آنجا که ممکن است نماز را به جماعت خواند و در اول وقت ادا نمود.

چهارم تا آنجا که میتوانی نمازهای مستحبی را بخوان

برخی از بزرگان نماز شب را فرودگاه نامگذاری کرده اند؛ فرودگاهی که انسان را از فرش به عرش میرساند. در دل شب که سکوت و آرامش همه جا را فراگرفته است لذت مناجات با خدا دل را جلا میدهد و روح را به سوی ملکوت به پرواز در می آورد نماز، شب آثاری فوق العاده در زندگی دارد. در آن لحظات، هر چه میخواهد دل تنگت با خدا بگو:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود (1)

ص: 189

1- حافظ، دیوان حافظ غزلیات.

پنجم ارتباط با ولی الله اعظم امام زمان (علیه السلام) و توجه به آنچه مورد رضای اوست.

این پنج، توصیه از سفارشهای شیخ عباس قمی به فردی است که میخواست عاقبت به خیر شود.

## دو طرفه بودن تقوا

تقوا به منزله سپری است که انسان را از حملات ناجوانمردانه حفظ می کند. البته تقوا، دوطرفه است؛ یعنی شما باید تقوا را حفظ کنید تا تقوا نیز شما را حفظ کند. خداوند در قرآن میفرماید: يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. (1) خداوند در این آیه همه انسانها را خطاب میکند و می فرماید زشتی های باطنی شما جز با لباس تقوا پوشانده نمی شود؛ همان لباسی که در سرنوشت و فطرت شما وجود دارد مبادا شیطان شما را بفریبد و این لباس را از تن شما درآورد. آنچه شیطان با آدم و همسرش انجام داد، نمونه ای از درآوردن لباس تقوای انسانها از جان و روحشان است. آری، هر کس تا وقتی فریب نخورده در بهشت سعادت است؛ اما هنگامی که فریب خورد، خداوند او را از آن بهشت بیرون میکند (2).

برای این که شیطان نتواند ما را از راه راست منحرف کند، تنها راه تقوا پیشه کردن است این صفت ما را در برابر حملات شیاطین حفظ

ص: 190

1- اعراف، آیه 27.

2- تفسیر المیزان، ج 8، ص 71.

می کند. تقوا، لباس گرانبه‌ای است که انسان دارای عقل سلیم از آن بیشتر مراقبت می‌کند. تقوا از ریشه «وقایه است و در لغت به معنای خویش‌تنداری و بازداشتن نفس از آن چیزی است که در آخرت برای انسان زیان دارد خداوند متعال در آیات متعدد از قرآن کریم به صراحت عاقبت به خیری را از آن متقین دانسته است در سوره قصص، آیه 83 می‌فرماید: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ [آری] این سرای آخرت را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی و فساد در زمین را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است.

### **برتری جویی و فساد در زمین منشأ بی‌تقوایی و گناه**

به فرموده این آیه آنچه سبب محرومیت انسان از سرای آخرت می‌شود، این دو چیز است برتری جویی (استکبار) و فساد در زمین همه گناهان است؛ چراکه هر چه خداوند از آن نهی کرده حتماً در این دو جمع برخلاف نظام آفرینش انسان و تکامل وجود است. بنابراین ارتکاب آن نظام زندگی را برهم می‌زند و مایه فساد در زمین می‌شود.

در سوره اعراف، آیه 96 می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ «و اگر اهل شهرها و آبادیها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.»

اگر انسان پاک و باایمان باشد، برکات خداوند از آسمان و زمین به او می‌رسد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «باران در هیچ سالی

کمتر از سال دیگر نیست؛ ولی خداوند آن را هر جا که بخواهد نازل می‌کند هنگامی که قومی رو به گناه آوردند خداوند آنچه را از باران در آن سال برای آنان مقدر کرده است از آنها بر می‌گیرد و به بیابانها و دریاها و کوه‌ها فرو میریزد.» (1)

### چرا جوامع بی ایمان در ناز و نعمتند؟

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که اگر ایمان و تقوا موجب نزول انواع برکات الهی است و بی ایمانی و بی تقوایی باعث سلب برکات است چرا برخی از ملت‌های بیایمان غرق در ناز و نعمتند و جمعی از افراد با ایمان به سختی روزگار میگذرانند در پاسخ باید بگوییم: ثروت و پیشرفت را نباید دلیل بر خوشبختی گرفت یکی از دلایل پیشرفت آنان نتیجه به کار بستن اصولی همانند کوشش و تلاش و نظم و حس مسئولیت است که در متن تعالیم انبیاء علیهم السلام قرار دارد تنها ادعای اسلام و ادعای پایبند بودن به تعلیمات، پیامبران چیزی را عوض نمی‌کند. این امری است که با ادعای تنها تأمین نمی‌گردد، آری اسلام چیزی است و ما مسلمانان چیز دیگر. (2)

### تقوا، تنها معیار امتیاز انسانها از یکدیگر

قرآن در سوره حجرات آیه 13 میفرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُرُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنِّي أَنَا اللَّهُ»

ص: 192

---

1- تفسیر موضوعی، ج 11، ص 154.

2- تفسیر نمونه، ج 6، ص 266.



اللَّهِ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای، مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید اینها ملاک امتیاز نیست گرامی ترین شما نزد، خداوند با تقواترین شماست.»

این، آیه بر تمام امتیازات ظاهری و مادی خط بطلان میکشد و اصالت را به پرهیزگاری و خداترسی میدهد و میگوید برای نزدیک شدن به خدا، هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می خوانیم خداوند نه به وضع خانوادگی و نسب شما نگاه میکند و نه به بدنهای شما و نه به اموالتان؛ ولی به دلهای شما نگاه میکند پس کسی که قلب صالحی دارد، خدا به او لطف و محبت می کند و شما همگی فرزندان آدم هستید و محبوب ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. (1)

عجیب است که با این تعلیمات پربار هنوز در میان مسلمانان کسانی هستند که بر نژاد و زبان تکیه میکنند و حتی آن را بر وحدت دینی مقدم می شمارند

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «اعلموا عباد الله! انَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ...»؛ ای بندگانه خدا! بدانید تقوا قلعه ای مستحکم و نیرومند است.

هر کس تقوا را محافظت کرد تقوا هم از او محافظت می کند. «... وَ بِالتَّقْوَى تَقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا...». (2) «تقوا، قطع کننده تیره های شیطان است.»

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 193

1- تفسیر نمونه، ج 22، ص 197.

2- نهج البلاغه، خطبه 157.

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

خلاصه بحث

عاقبت، به، خیری تحصیلی است و باید اعمال و کردار ما طوری باشد که بتوانیم آن را به دست آوریم گفتیم اولین کد از کدهای عاقبت به خیری از دیدگاه، قرآن ایمان است که بیان کردیم دومین کد هم تقواست.

نشانه های تقوا

از نشانه های اهل تقوا میتوان اینها را برشمرد

1. راضی به رضای خدا بودن

2. به نفس اماره میدان ندادن

3. انسان با تقوا قدردان نعمتهای الهی است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه های نهج البلاغه ما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش میکنند و در این باره میفرمایند:

«أَوْصِيكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ

بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةَ حَمْدِهِ عَلَى آيَاتِهِ إِلَيْكُمْ وَنِعْمَائِهِ عَلَيْكُمْ...» (1) «ای مردم شما

ص: 194

را به تقوا و پرهیزکاری سفارش میکنم به پاس نعمت هایی که خداوند به شما ارزانی داشته است او را حمد و ثنا گوید و شکر نعمت های الهی را به جای آورد.

### آثار تقوا در روابط اجتماعی و خانوادگی

آیا شکر نعمت، سلامتی همسر و فرزند متدین و... را به جای آورده اید؟ شکر این نعمتها رفتار نیکو و زیبا با زن و فرزند است؛ وفادار بودن به آنهاست که در هنگام عقد ازدواج از شما قول محکمی گرفته شد به آنان وفادار باشی و امکانات آسایش آنان را بر عهده بگیری. بنای زندگی زوجین باید بر پاکی و تقوا نهاده شود و این پاکی شامل رفتار و گفتار برکناری از عوامل ریا و فریب و حقه بازی است. همچنین ضروری است که زن و شوهر خود را از هجوم های گوناگون شهوات و آلودگی ها دور داشته و از فساد و فاسد برکنار باشند. (1)

تقوا، تنها به چهره ظاهری انسان نیست خداوند در قرآن می فرماید: ... وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ (2) هنگام عقد ازدواج از شما پیمان محکمی گرفته اند از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «منظور از، پیمان همان جملاتی است که با آن عقد ازدواج را میندند (3)

در طول، زندگی ناملایماتی هست که مرد و زن با گذشت و درایت، باید آنها را برطرف، کنند نه این که بر سر اندک چیزی با یکدیگر

ص: 195

---

1- ر.ک دکتر علی، قائمی نظام حیات خانواده در اسلام

2- نساء، آیه 21

3- تفسیر المیران، ج 4، ص 265

مشاجره کنند و در نهایت منجر به طلاق شود. بالأخره ممکن است حق با مرد باشد؛ ولی اگر تقوا نباشد ممکن است بعد از بیست سال زندگی و صاحب فرزند شدن زندگی مشترک به طلاق بینجامد. رشته حی-ات خانواده باید آن چنان محکم و استوار باشد که هیچ عاملی نتواند آن را از بگسلد یا با به کارگرفتن راه و روشهایی نادرست، بنیان سعادت آن متزلزل شود.

حفظ این کانون از خطر انحلال به سادگی امکان پذیر نیست؛ زیرا هر یک از زن و شوهر دارای ذوق و سلیقه ای خاص در زندگی هستند و تربیت و فرهنگ خاصی را پذیرا شده اند (1)

البته در زمان اختلاف و مشکل است که آدم با تقوا خودش را نشان می دهد و درجه تقوایش را آشکار می سازد خداوند در قرآن می فرماید: ... فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ ... حتی اگر از همسرتان کراهت دارید باز هم با او؛ از در سازش درآیید و فوری تصمیم به جدایی نگیرید. ... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... و با معروف و نیکی با آنان معاشرت کنید. با آنان به طور شایسته رفتار کنید که اگر با آنان سازش، کردید ... وَ يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا، چه بسا همان چیزی که خوشایند شما، نباشد، خداوند خیر و خوشی فراوان در آن قرار میدهد (2)

خداوند می فرماید: من اجری در این تحمل ناخوشی گذاشته ام و آن را در حساب پس انداز روز قیامت نگه میدارم یک روزی آنقدر برایت جبران میکنم که خودت شرمند شوی.

ص: 196

---

1- ر.ک دکتر علی، قائمی نظام حیات خانواده در اسلام

2- نساء، آیه 19.

تورفتی خواستگاری او که نیامده بود به خواستگاری تو تو جوانی و شادابی و طراوتش را گرفتی از روز اول که مریض احوال نبود. در طول بیست سال زندگی با تو چنین شد حال که دارای فرزند و داماد و عروس و خانواده شده، ایم سر ناسازگاری بگذاریم و توافقی از هم جدا شویم؟

خداوند در این آیه به مردان دستور میدهد که با همسرانشان به طور شایسته رفتار کنند

از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است که: «هر که همسری برای خویش، گرفت پس باید او را گرامی بدارد (1) و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) میخوانیم خدا رحمت کند کسی را که بین خود و همسرش رابطه نیک برقرار کرده و خوشرفتار باشد. (2) امام حسین (علیه السلام) می فرماید: ... إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ؛ (3) از ظلم به کسی که غیر از خدا هیچ کس را ندارد پرهیزید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ الْيَتِيمِ وَالنِّسَاءِ؛ (4) «بترسید و تقوا داشته باشید درباره دو شخص اول یتیم و دوم زنان در جایی دیگر نقل شده است که اگر میخواهید محبت خود را نسبت به ما اهل بیت علیهم السلام نشان دهید، به زن و فرزند خود بیشتر محبت کنید.

## مدارا با مردم

در کتاب اصول کافی روایت شده است که جبرائیل خدمت پیامبر

ص: 197

1- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 9

2- وسائل الشیعه، ص 170، باب 81

3- اصول کافی، ج 2، ص 231.

4- بحار الانوار، ج 100، ص 225

اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت رَبُّكَ يَقْرُتُكَ السَّلَامَ؛ «خداوند به شما سلام می رساند» (فقّال: یا محمد چقدر خوب است انسان به درجه ای از ارتباط برسد که خدا به او سلام برساند و يَقُولُ لَكَ يَقُولُ لَكَ مَضَارِعُ است و دلیل بر استمرار دارد؛ یعنی همیشه خدا این را میگوید که «دَارِ خَلْقِي» (1) خداوند به شما سلام میرساند و می گوید: با خلق من مدارا کن شما هم اگر در ناملايمات با هم کنار آمدید و مدارا کردید، خداوند آن ثوابی را که برای پیغمبر شما در نظر گرفته است برای تو هم در نظر می گیرد.

مدارا از «دور» به معنای دور کسی گشتن است و در ضرب المثل فارسی هم میگوییم «دورت بگردم، بلی با لجبازی و سوهان روح یکدیگر شدن راه به جایی نخواهیم برد بنابراین بهتر است به این روایت عمل کرده و شیوه زندگی را عوض کنیم اگر او بد اخلاقی کرد تو خوش اخلاقی کن

مرد نباید ناراحتی های بیرون خانه را به درون خانه بیاورد و آرامش را از زندگی زن و فرزند سلب کند زن خانه هم باید توجه داشته باشد اگر شوهرش ناراحت است کاری نکند که ناراحتی او دوچندان شود بلکه با الفاظ، ملیح، باعث آرامش روحی او شود. این کار، گفتنش راحت است؛ اما عمل کردنش سخت است؛ ولی اگر عمل کردیم ثوابش از هزار نماز شب بالاتر است.

خانواده نهاد یا مؤسسه ای است مهم که سرنوشت حیات اجتماعی به آن وابسته است. این مؤسسه در معرض خطرات و تهدیدهای گوناگون

ص: 198

است که عدم حفظ و حراست آن از این خطرات، سبب تزلزل و حتی انحلال آن خواهد شد. بدین، نظر ضروری است موجباتی فراهم آید که از خطر مصون بماند. (1)

## داستان مارگیر و اژدها

نفس از درهاست او کی مرده است

از غم بی آلتی افسرده است (2)

مولوی داستان مارگیر بغدادی را به شعر بیان کرده است که خلاصه آن چنین است در بغداد مارگیری بود که در میدان شهر با ماری که در جعبه، داشت معرکه میگرفت و مردم هم به او پولی می دادند. روزی از بیابانی عبور میکرد چشمش به اژدهایی بزرگ افتاد که از شدت سرما بی حس شده بود مارگیر تصور کرد مرده است با خود فکر کرد این اژدها را میبرم و در میدان شهر نمایش میدهم و پول خوبی از این بابت نصیبم خواهد شد به همین، نیت مار را در کیسه انداخت و به بغداد آورد و در میدان شهر معرکه گرفت. جمعیت زیادی جمع شدند. مار نمرده بود، بلکه از سرما کرخ شده بود وقتی آفتاب به بدن مار تابید، شد و به حرکت افتاد و چرخ زد و به جمعیت هجوم آورد اولین کسی را که گاز گرفت، خود مارگیر بود.

در این مثال در بداخلاقی ها و تندخویی، ها اولین کسی که به او آسیب میرسد، خود شخص بداخلاق است.

ص: 199

---

1- ر.ک دکتر علی، قائمی نظام حیات خانواده در اسلام

2- مولوی، مثنوی معنوی.

در روایات اسلامی درباره مدارای زوجین با هم بسیار سفارش شده هم چنین درباره مدارای مرد با زن آن قدر سفارش شده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «جبرئیل درباره زن آنقدر به من سفارش کرد که حتی گمان کردم حق ندارم به او تو بگویم.» (1) اسلام می گوید به زن حتی ترشروی نکنید

در سوره واقعه - که به خواندن آن در هر شب خیلی سفارش شده است و در وسعت روزی هم مؤثر است - در آیه 25 می فرماید: لَا يَسَّ مَعُونَ فِيهَا لَعْوًا وَلَا تَأْتِيمًا، در آن باغهای بهشتی [نه لغو و بیهوده ای می، شنوند نه سخنان گناه آلود تأثیم به معنای حرف تند و زشت و به قول عوام حرف نیشدار است.

آقای خانه جلوی بچه ها سر مادر خانه داد و فریاد نمی کند و در غیاب شوهر جلوی بچه ها شخصیت مدیر خانه را خرد نمی کند.

در آیه بعد می فرماید إِلَّا قِيلاً سَلَاماً سَلَاماً؛ «تنها چیزی که می شنوند

سلام است سلام

به قول عوام در خانه گل می گویند و گل می شنوند. اگر در محیط خانه چنین، شد، خانه بهشت می شود. متأسفانه عده ای هستند که شخصیت دورن خانه آنها با بیرون خانه تفاوت دارد؛ در خارج از خانه، ظاهر الصلاح و باتقوا نشان می دهند؛ اما با خانواده خود بد اخلاقی و بد رفتاری میکنند.

ص: 200



مولوی در اینباره در شعر مارگیر می گوید

مارگیر اندر زمستان شدید \*\*\* مار میجست ازدهایی مرده دید

ازدهایی مرده دید آنجا عظیم \*\*\* که دلش از شکل او شد پر ز بیم

مارگیر آن ازده ها را برگرفت \*\*\* سوی بغداد آمد از بهر شگفت (1)

او خوشحال از این که با تماشای این ازدها جمعیت زیادی جمع خواهد شد.

او همی مرده گمان بردش ولیک

زنده بود و او ندیدش نیک نیک

اوز سرماها و برف افسرده بود

زنده بود و شکل مرده می نمود

نفست از درهاست او کی مرده است

از غم بی آلتی افسرده است

ازدها را دار در برف فراق

هین مکش او را به خورشید عراق (2)

همین جور نفس را زنجیر شده نگه دار خیلی کنار بخاری نیاور اگر به او میدان دادی و زنده شد اول بلایی که سرت می آید، خودت را تکه پاره میکند

باش تا خورشید حشر آید عیان \*\*\* تا ببینی جنبش جسم جهان (3)

ص: 201

1- مولوی مثنوی معنوی

2- مولوی مثنوی معنوی

3- مولوی مثنوی معنوی

یک روز همان مکانی که فریاد میزدی و بداخلاقی می کردی و در همان اتاق خلوتی که گناه میکردی به جنبش می آید و گزارش میدهد و در دادگاه عدل الهی شهادت میدهد که تو بدرفتاری کردی و به نفس اماره میدان دادی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْتَيْكَ»؛ (1) بزرگترین دشمن تو دشمن بیرونی نیست بلکه دشمن درونی تو یعنی

نفس اماره توست.»

شخصی در عالم خواب، دید عده ای دشمن به او حمله ور شدند. با آنان جنگید و همه را از سر راه برداشت دید یک غول عظیم الجثه ظاهر شد. گفت: خدایا آنها را از سر راه برداشتم با این هیولا چگونه کارزار کنم؟ به ذهنش رسید و دست دیورا به دندان گرفت و محکم با دندانهای خود فشار داد ناگهان از خواب پرید و مشاهده کرد دست خودش را گاز گرفته است.

بزرگترین دشمن، انسان نفس اوست و آدم با تقوا به نفس میدان نمی دهد و حرف زشت و رکیک و اعمال ناپسند که در خور شأن انسان پرهیزگار نیست از او سر نمی زند با زبانش نیش و کنایه نمی زند تا باعث ناراحتی دیگران شود از غیبت دیگران پرهیز میکند و به دیگران تهمت نمیزند و آبروریزی نمی کند.

تقوا و پرهیزگاری به ظاهر الصلاح بودن و خود را به دیگران مؤمن نشان دادن نیست بلکه در همه جوانب باید تقوا پرهیزگاری و

ص: 202

خداترسی را نشان داد انسان با تقوا باید ظاهر و باطنش مثل هم باشد، نه این که با ظاهری آراسته دیگران را بفریبد مرحوم آیت الله امامی رحمه الله می گفت طلبه، باتقوا طلبه ای است که همسرش نماز را به او اقتدا کند.

والسلام علیکم ورحمة الله بركاته

ص: 203

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث امسال ما درباره عاقبت به خیری است دامنه این بحث گسترده است و امیدواریم بتوانیم تا پایان ماه مبارک رمضان این بحث را به سرانجام برسانیم.

در جلسات قبل گفتیم عاقبت به معنای فرجام است و عاقبت به خیر به معنای این است که انسان مرگش بدون مشکل باشد و بهشت و نعمتهای بهشتی در انتظار او باشد. به تعبیر عوام، مرگ، اول راحتی او باشد گفتیم عاقبت به خیری تحصیلی است و باید برای به دست آوردن آن در مدت زمان کوتاه زندگی دنیا تلاش کرد

تا اینجا عاقبت به خیری را از زاویه روایات بیان کردیم گفتیم از نگاه قرآن نیز اولین کد عاقبت به خیری ایمان است و دومین کد آن، تقواست. قرآن صراحتاً می فرماید: «... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ «اهل تقوا، عاقبت به خیر هستند.»

همان طور که بیان شد، تقوا، تنها در ظاهر نیست که انسان از خود چهره ای مذهبی درست کند و در مسجد رفت و آمد داشته باشد، ولی

اعمالش خلاف این را نشان دهد؛ بلکه تقوا باید در تمام جوانب زندگی انسان خودش را نشان دهد.

## میدان ندادن به نفس اماره

یکی از نشانه های تقوا که در جلسه قبل بیان شد این است که متقی به نفس اماره میدان نمیدهد خداوند در قرآن مجید پیروی از هوای نفس را به شدت مذمت و از طرفی افرادی که از نفس خود پیروی نمی کنند و بت نفس را زیر پا می گذارند تشویق می کند خداوند در قرآن می فرماید: فَأَمَّا مَنْ طَغَى \* وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى \* وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (1)؛ «پس اما آن کس که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدم داشته، مسلماً دوزخ جایگاه اوست و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد قطعاً بهشت جایگاه اوست.

خداوند در این آیات اصول سعادت و شقاوت انسان را به نحوی زیبا و شایسته ترسیم کرده است شقاوت انسان را نتیجه طغیان و دنیا پرستی و سعادت او را ثمره خوف از خدا و ترک هوای نفس دانسته است و عصاره تمام تعلیمات انبیا و اولیا نیز همین است و بس. هواپرستی بر عقل پرده می کشد و اعمال زشت را در نظر آدمی تزیین می تشخیص را که بزرگترین نعمت خدا و امتیاز انسان از حیوان است، از او میگیرد و آدمی را به خود مشغول می کند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید بهشت در لابه لای شهوات پیچیده شده

ص: 205

است. (1) هم چنین میفرماید: «نفس را با هوی و هوسش رها مکن؛ چراکه هوای نفس سبب مرگ نفس می شود.» (2)

نه تنها جهنم آخرت زاییده هواپرستی، است جهنم های سوزان دنیا همچون ناامنی ها بی نظمی، ها جنگ ها و خونریزی ها و جدال ها و کینه توزی ها هم ناشی از هواپرستی است.

## جهاد اکبر

در روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است مبارزه با نفس به جهاد اکبر یاد شده است روایت شده از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم که بعد از این که از یکی از جنگها بر می گشتند لشکر خسته بودند. ایشان رو به آنان کردند و فرمودند: «ما یک جهاد اکبر در پیش داریم. جهادی ک-ه انجام دادید جهاد اصغر بود لشکر تصور کرد که با جبهه بزرگتری باید بجنگند و تعداد لشکریان دشمن بیشتر هستند گفتند: یا رسول الله آن جنگ که از آن یاد میکنید چیست؟ میشود آن را برای ما بیان کنید؟ حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند آن، جنگ جنگ با بت نفس است. (3)

اول باید تشخیص داد که نفس، اماره دوست و همراه ما نیست، بلکه دشمن، ماست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) میفرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهِدَهَا»؛ «کسی که نفسش را بشناسد از آن پیروی نمی کند؛ بلکه با آن مبارزه می کند» «وَمَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا»؛ (4) هر کس نفس را نشناخت که این

ص: 206

1- نهج البلاغه، خطبه 176

2- همان.

3- کلینی، کافی، ج 5، ص 12.

4- غرر الحکم، ص 7855.

نفس برای انسان چه خطر عظیمی دارد - آن را به حالت خود رها میکنند تا بت نفس هر کاری که بخواهد با او بکند.

## نفس پرستی خطرناک تر از بت پرستی

نفس پرستی حتی از بت پرستی هم خطرناک تر است به چند دلیل

1. بت داخل، معبد از بت پرست جداست؛ ولی بت نفسانی از ما جداشدنی نیست

2. بت داخل بتکده نفع و ضرری ندارد؛ اما بت نفس به انسان ضرر وارد مینماید و او را از عاقبت به خیری دور می کند.

«لَا تُرْحَصُ لِنَفْسِكَ فِي مُطَاوَعَةِ الْهَوَىٰ وَإِيْتَارِ لَذَاتِ الدُّنْيَا...» (1) «به نفست در پیروی از هوای نفس میدان نده و هر چه طلب کرد دنباله روی آن نباش تقوا خود را در اینجا یعنی در برگزیدن لذات دنیا نشان میده. به عنوان مثال من برای این که به مال و ثروتی برسیم به هر جنایاتی دست میزنم یا برای رسیدن به پست و، مقام مرتکب هر عمل ناپسندی می شوم این، شیوه نفس پرستی است و اگر چنین کردی دینت از بین می رود» (فَيُفْسِدَ دِينَكَ) (2) پیروی از نفس به دنبالش ضرر و زیان است

فساد دین است و سودی برای ما نخواهد داشت. تاریخ امثال صدام و حجاج را نشان میده که به خاطر پیروی از هوای، نفس چه جنایاتی در حق بشریت انجام دادند. امثال معاویه و یزید که آن همه جنایت مرتکب شدند تا از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نامی

ص: 207

---

1- عیون الحکم و المواعظ، ص 527

2- همان، ص 527

برده نشود به چه سرنوشتی گرفتار شدند؟ آنان با آن همه تبلیغات سوء نتوانستند کاری از پیش ببرند؛ چون این چراغ را خدای متعال برافروخته است:

چراغی را که ایزد بر فروزد \*\*\* هر آن کس بُف کند ریشه ش بسوزد (1)

بت پرستی معلوم و مشخص است؛ اما نفس پرستی در ظاهر قابل تشخیص نیست.

### اعتراض پیرمرد به جنایات منصور دوانیقی

منصور دوانیقی که از جنایتکاران تاریخ بود - به سفر حج رفته بود. او - که به ظاهر خود را خلیفهٔ مسلمین میدانست اطرافش را خدم و حشم گرفته بودند. راه را باز کردند تا آمد بیت الله الحرام نزدیک خانه کعبه. پیرمردی در آنجا بود. تا چشمش به منصور، افتاد، پرده خانه خدا را گرفت و شجاعانه فریاد زد: «خدایا ریشهٔ ظلم را بکن، خدایا ریشهٔ ظالم را. بکن خدایا داد مظلوم را از ظالم بگیر منصور با دیدن این صحنه با خود: گفت دعا کردن این، پیرمرد سیاسی است و تا مرا دید این دعا را کرد او را پیش من بیاورید او را نزد منصور آوردند. منصور خطاب به پیرمرد: گفت منظور تو از این نحو دعا کردن چیست؟ پیرمرد در جواب گفت منظور من تو هستی چه کسی ظالم تر از تو در این زمانه یافت می شود؟ منصور از این جسارت پیرمرد در شگفت شد و تصور کرد که در میان آن، جمعیت پیرمرد او را نشناخته است؛ لذا از او پرسید: می دانی

ص: 208

---

1- ابوسعید ابو الخیر، اشعار ابیات پراکنده



من کیستم؟ دستور میدهم سرت را جدا کنند پیرمرد رو به منصور کرد و: گفت تو این همه جنایت مرتکب شده ای و خون بیگناهان را ریخته ای؛ من هم جزو آنان.

### نقل عبرت های چین و هند برای منصور دوانیقی

پیرمرد سپس رو به منصور کرد و گفت تو نفس پرستی و در حق مردم ظلم میکنی بگذار داستانی برایت تعریف کنم آنگاه: گفت: من عمری طولانی از خدا گرفته ام و مسافرت های زیادی رفته ام دو درس عبرت برایت میگویم به دو کشور سفر کردم یکی هندوستان و دیگری چین روزی در هندوستان برای خرید، گوشت به مغازه قصابی مراجعه . کردم مرد قصاب مشغول وزن کردن گوشتها بود و مشتریانش را راه می انداخت. وقتی به مشتری گوشت میداد پرده ای در کنارش بود، آن را عقب میزد و سخنی میگفت؛ گویی شخصی در پس پرده است و با او سخن می گوید. سپس گوشت را تحویل مشتری می داد. من گیج شدم. نوبت من که شد از او سؤال: کردم میشود به من بگویی در پشت پرده با چه کسی صحبت می کنی؟ مرد قصاب گفت: من بت پرستم؛ آنگاه پرده را کنار زد و بت را به من نشان داد وقتی گوشت به مشتری میدهم به خدای خود میگویم ببین من ظلم نکرده، ام کم فروشی نکرده ام و در حق مشتری اجحاف ننموده ام باشنیدن این جمله اشکم جاری شد. با خود: گفتم این مرد بت پرست چه اعتقاد محکمی به خدای خودش دارد. این اعتقادی که او به بتش، دارد من به خدای یگانه خودم ندارم؛ در حالی که میدانم خدا شاهد و ناظر اعمال ماست: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (1).

ص: 209

---

1- علق آیه 14؛ ترجمه: «خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی و اگر تو او را نمیبینی او تو را به خوبی میبیند

در چین حاکم آن کشور در روزهای دوشنبه ملاقات عمومی داشت به مردم خود گفته بود هر کس به او ظلم شده و مشکلی برایش به وجود آمده وسط جمعیت فریاد بزند من او را میخواهم و اگر مشکلی دارد آن را برطرف میکنم اگر زیردستان من به کسی ظلم کنند من باید پاسخگو باشم و شخصاً میخواهم در جریان وقایع جامعه باشم. مشهور است شاه عباس صفوی نیز با لباس مبدل به میان مردم میآمد و از اوضاع مردم کسب اطلاع میکرد حاکم چین این روش را ادامه میداد، تا اینکه شنوایی خود را از دست داد با وجود این گفت شنوایی ام را از دست داده ام؛ ولی بینایی ام را که از دست نداده ام. سپس برای کار خود تدبیری اندیشید و فرمان داد هر کس با من کاری دارد لباس زرد بپوشد تا در بین جمعیت مشخص باشد و او را نزد خود بخوانم و به مشکلم رسیدگی کنم. پیر مرد سپس رو به منصور کرد و گفت منصور آنها دین چنین با مردم خود رفتار میکردند؛ اما تو که به ادعای خود، خلیفه مسلمین، هستی بین زیردستان تو چه ظلم هایی در حق مردم روا می دارند و چگونه بیت المال مسلمین را غارت میکنند چرا رسیدگی نمی کنی؟ مرا تهدید به کشتن میکنی؟ منصور از این گفتار و رفتار پیر مرد گریست و دستور داد به او کاری نداشته باشند.

### ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

#### 3. توبه

سومین کد عاقبت به خیری از منظر قرآن توبه است در قرآن کریم نود و یک بار نام خدا با «غفور» یعنی بسیار آمرزنده و پنج بار با نام

غفار) یعنی بسیار بخشنده آمده است بیش از هشتاد بار نیز سخن از توبه و بازگشت به سوی خدا مطرح شده و خداوند ما را دعوت به توبه- و آشتی با خود کرده است خداوند در قرآن میفرماید: (إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ)؛ آن کسانی که از روی جهالت مرتکب گناه شده اند، خداوند راهی را به نام توبه برای آنان باز کرده است. «ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ»؛ سپس زود توبه کنند خطاب به گناهکاران است که میفرماید از این فرصت که خداوند به شما داده است، زود استفاده کنید و توبه حقیقی کنید از کجا معلوم که فرصتی به نام فردا در اختیار شما باشد؟ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... در این آیه، خداوند برای قبولی توبه دو شرط قرار داده است، اول انجام گناه از روی جهالت و نفهمی و دوم این که گناهکار از کرده خود پشیمان شده و زود توبه کند (1)

امام سجاد (علیه السلام) در دعای ابوحمزه به خدا عرض میکند: «خدایا هنگامی که من تو را معصیت کردم، از روی انکار خداوندیت اقدام ب- گناه نکردم و به خاطر خفیف شمردن امر تو نبود و مجازات تو را کم اهمیت نگرفتم و به آن بی اعتنا نبودم و وعده کیفیت را سبک نشمردم بلکه خطایی بود که در برابر من قرار گرفت و نفس اماره حق را بر من مشتبه کرد و هوای نفس بر من چیره شد اگر با این حس و حال توبه حقیقی، کردید خداوند توبه شما را می پذیرد.

## داستان فضیل عیاض

فضیل عیاض سردسته راهزنان بود و در زمان خلافت هارون میزیست

ص: 211

جسارت او در غارت کاروانها به حدی بود که هارون از فضیل بیم داشت. روزی فضیل کنار رودی آمد تا اسبش را سیراب کند. مشاهده کرد دختری در کمال زیبایی در طرف دیگر رودخانه کنار آب نشسته است. با دیدن دختر فکری شیطانی در ذهن او خطور کرد. امان از نفس و نفس پرستی و دنبال دل و هوس رفتن به اطرافیانش گفت: او را تعقیب کنید و خانه او را پیدا کرده و به پدر و مادرش بگویید خانه را مهیا کنند امشب فضیل میخواید به خانه شما بیاید آنها این مأموریت را انجام پدر و مادر پیر دختر هم راه چاره ای نداشتند. با ریش سفیدان محل مشورت کردند که فضیل راهزن چنین پیغامی داده است بزرگان محل به آنها پیشنهاد، کردند دخترشان را قربانی محل کنند؛ زیرا اگر او به خواسته اش، نرسد محل را به آتش خواهد کشید و جوانان را خواهد کشت پدر و مادر دختر بناچار خانه را مهیا کردند فضیل شب از دیوار خانه بالا آمد تا به نیت شیطانی خود برسد. صدای خوش صوت قرآن از خانه کناری به گوش او رسید که «الْمُ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ...»؛ (1) «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع گردد؟»

این آیه از قرآن مانند تیری بر قلب فضیل نشست.

آیا وقت آن نرسیده است که این دل را برای خدا خاشع کنید؟ تَخْشَعُ از ماده خَشَع به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقتی مهم یا شخصی بزرگ به انسان دست می دهد روشن است که یاد خداوند اگر در عمق جان قرار گیرد یا

ص: 212

اگر انسان در آیاتی که بر پیامبر نازل شده است به درستی تدبیر کند، خشوع مییابد (1) پنجاه سال شصت سال از خدا عمر گرفته ای، آیا وقت آن نرسیده است که سفره گناه و معصیت را از زندگیت کنی و با خدای خود رفاقت کنی؟

فضیل با شنیدن این آیه در آن تدبیر کرد و با خود گفت چرا وقت آن رسیده است. میخواهم توبه کنم. سپس از همان راهی که آمده بود برگشت و در بین راه وارد خرابه ای شد. مشاهده کرد کاروانی در آن خرابه اتراق کرده و اموال زیادی از مردم همراه آنان است. همه کاروانیان، مضطرب آشفته و لرزان بودند و با یکدیگر میگفتند اگر ما حرکت کنیم و فضیل و اطرافیانش به ما حمله کنند و اموال مردم را غارت، کنند وقتی به شهر و دیار خود، رسیدیم جواب مردم را چه بدهیم با شنیدن این جملات، فضیل به شدت گریست و با خود گفت چرا باید رفتار و اعمال من طوری باشد که مردم از من بترسند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند بدترین مردم کسانی هستند که دیگران از آنان بترسند و شر الناس باشند. (2) سپس فضیل جلو آمد و به آنان: گفت من فضیل، هستم نترسید فضیل دیگر مانند سابق نیست و تصمیم گرفته است توبه کند و دلش را برای خدا خاشع سازد. او توبه کرد و تمام اموالی را که از مردم غارت کرده بود به صاحبان آنان برگرداند او قبلاً دفتری را آماده کرده بود و قافله ای که اموال آنان را به غارت میبرد در

ص: 213

---

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 341

2- بحار الانوار، ج 72، ص 283

آن ثبت می. کرد یکی یکی به صاحبان آنان مراجعه کرد و اموال آنان را به

صاحبانشان برگردانید.

### شروط چهارگانه توبه

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می: فرماید توبه حقیقی چهار شرط دارد اول پشیمانی از گناه؛ گناهی که در گذشته انجام داده است. دوم، ترک گناه و برنگشتن دوباره به سوی گناه سوم استغفار از گناهی که در گذشته انجام داده است چهارم اگر قابل برگردانیدن، است، حق دیگران را به آنان رد کند و رضایت طرف مقابل را به دست آورد. (1)

### آثار توبه برای تائب

در بین افرادی که فضیلت اموال آنان را غارت کرده بود، تنها یک پیرمرد یهودی باقی مانده بود که رضایت نمی. داد فضیلت از او پرسید با این که اموالت را برگرداندم چرا رضایت نمی دهی؟ من بیشتر از این برای رضایت تو در ردّ اموال در توانم نیست هر چه داشته ام داده ام. پیرمرد یهودی: گفت من نذر کرده ام اگر روزی فضیلت راهزن بیاید و اموال مرا به من برگرداند و رضایت مرا جلب کند تا دامان مرا پر از طلا نکند رضایت نمی دهم فضیلت: گفت این کار در توان من نیست مرد یهودی به او اشاره کرد و گفت که در زیر فرش کنار اتاق مقداری زر و سیم هست آن را بردار و در دامان من بریز تا رضایت بدهم. فضیلت هم همین

ص: 214

کار را انجام داد و طلاها را در دامن مرد یهودی ریخت. مرد یهودی نگاهی کرد و دید واقعاً طلاست تا این صحنه را دید شهادتین گفت «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ». فضیل تعجب کرد و علت را پرسید مرد یهودی به او گفت برو و زیر قالیچه را ببین؛ جز مستی خاک چیز دیگری نیست ما در کتابهای آسمانی خود خوانده ایم اگر امت پیغمبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) توبه حقیقی، بکنند دست به خاک بزنند، خاک طلا می شود من یقین پیدا کردم توبهات حقیقی است و خدا قطعاً تو را بخشیده است؛ چطور من بنده خدا تو را نبخشم.

حرا بن یزید ریاحی هم توبه حقیقی کرد. او اولین کسی از سپاه ابن زیاد بود که دل اهل بیت علیهم السلام را شکست؛ ولی در یک لحظه تصمیم گرفت توبه حقیقی کند و امام حسین (علیه السلام) هم او را با آغوش باز پذیرفتند.

والسلام علیکم ورحمة الله برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

بحث ما درباره عاقبت به خیری است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «لا يزال المؤمن خائفاً من سوء العاقبة». انسان مؤمن حقیقی و کسی که به شب اول قبر و قیامت ایمان دارد یکی از مهمترین دغدغه های ذهنی او بحث عاقبت به خیری است همیشه ترس و اضطراب دارد که مبادا سوء عاقبت به سراغش بیاید. «لا یتیقن الوُصولُ إلى رضوانِ الله» و با چند کار خیر ک-ه انجام میدهد برای خودش حساب باز نمیکند و یقین ندارد که آیا مقام خشنودی و رضای خدا را دریافت خواهد کرد یا نه. حَتَّى يَكُونَ وَقْتُ نَزْعِ رُوحِهِ وَ ظُهُورِ مَلَكِ الْمَوْتِ لَهُ» (1) تا زمانی که مرگ او فرارسد و ملک الموت برای قبض روح او بیاید. آن موقع است که مشخص می شود عاقبت به خیر شده یا عاقبت به شر

مؤمن باید پیوسته بین خوف و رجاء باشد این از علائم مؤمن است. مؤمن باید تمام تلاش خود را برای حسن عاقبت به کار گیرد

ص: 216



بحثمان به اینجا رسید که عاقبت به خیری تحصیل است. تا اینجا عوامل عاقبت به خیری یعنی، ایمان تقوا و توبه را بیان کردیم در ادامه اخلاص و دعای پدر و مادر را نیز بیان خواهیم کرد.

گفتیم عوامل عاقبت به خیری چند چیز است که عبارتند از:

1. ایمان آمَنُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

2. تقوا: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ..

3. توبه: إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ .

### معنای توبه

توبه به معنای برگشتن است. شما چند ساعت در مسیری حرکت کرده اید ناگهان متوجه میشوید مسیر اشتباه است خوب، برمی گردید. آدم عاقل کسی است که تا به این حقیقت پی ببرد که مسیر را اشتباه رفته، است از همانجا برگردد و در مسیر اصلی قرار گیرد راه بازگشت از مسیر، اشتباه توبه است چون هر چه در راه اشتباه بیشتر جلو بروید، از مسیر اصلی و منزل و مقصد، فاصله بیشتری می گیرید. ماشینی که حرکت میکند جسم ماست؛ هر چه جلوتر برویم، استهلاک آن بیشتر میشود

این نشاط و این طراوت میرود \*\*\*موسم پژمردن گل میرسد

جاده ای که در آن عبور میکنیم ایام و روزگار است که برق آسا می گذرد راننده، ماشین روح ماست حال بعد از پنجاه شصت سال رانندگی که همان زندگی خودمان است داد و فریاد سر می دهیم که ای وای انتهای این مسیری که انتخاب کرده ایم هفت طبقه جهنم است.

خداوند به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید من راه را نبسته ام. در سوره انعام، آیه 54 می فرماید: وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَاءَ لَكُمْ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...؛ «هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند به آنها بگو سلام بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود فرض و مقرر کرده است.» در سوره زمر آیه 53 میفرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ... در روایتی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: «در تمام قرآن آیه ای فراگیرتر از آیه یا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ... نیست.» (1)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) گفت: «قُلْ لَهُمْ: إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي فَلَا يَقْنَطُوا مِن رَّحْمَتِي»؛ (2) برای قومت بگو که رحمت من بر غضبم مقدم است، از رحمت من ناامید نباشید در روایتی دیگر داریم که خدا به پیامبرش فرمود به امت بگو: «يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي أَعْطَيْتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي...»؛ (3) «ای امت محمد رحمتم بر غضبم سبقت گرفته است. به شما عطا میکنم قبل از آن که از من بخواهید و میبخشم شما را قبل از آن که استغفار کنید.

خداوند در دنباله آیه فوق می فرماید: «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ...؛ «هر کس از شما از روی جهالت کار بدی انجام داد»، «ثُمَّ تَابَ

ص: 218

1- تفسیر نمونه، ج 19، ص 499

2- اصول کافی، ج 2، ص 374

3- بحار الانوار، ج 3، ص 12

مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ (1) سپس توبه حقیقی کرد و اصلاح جبران نمود مشمول رحمت خداوند می شود؛ چراکه او آمرزنده مهربان است.»

از این آیه روشن میشود که اولاً اگر انسان مؤمن گناهی مرتکب شود، از روی نادانی و نفهمی است؛ زیرا از شهوت یا غضبش پیروی کرده است. ثانیاً این که خداوند فرموده است سپس توبه و اصلاح کند، نشان میدهد که حقیقت، توبه اصلاح و جبران گذشته است و توبه از اعمالی پذیرفته میشود که از روی جهالت سرزده باشد.

خداوند با بیان این، آیات در حقیقت ناز بندگان خود را می کشد و می گوید تو بیا توبه حقیقی بکن؛ من تو را خواهم بخشید و عاقبت تو را ختم به خیر خواهم کرد

### ملاطفت امام صادق (علیه السلام) با همسایه ابابصیر

یکی از شخصیت‌های برجسته زمان امام صادق (علیه السلام)، شخصی است به نام، ابابصیر، ساکن کوفه وی میگوید من مرتب برای دیدار امام و حجت خدا، امام صادق (علیه السلام)، سالی یک بار به مدینه می آمدم. همسایه ای داشتم که اهل فسق و فجور و وابسته به حکومت بود و از راه حرام مال زیادی اندوخته بود و هر شب در خانه اش بساط لهو و لعب برپا بود. روزی برای رفتن به مدینه و دیدار امام (علیه السلام) بار سفر بستم. از کوچه که عبور میکردم با این همسایه برخورد کردم پرسید برای رفتن به کدام دیار بار سفر بسته ای؟ در جواب: گفتم به مدینه به دیدار امام صادق (علیه السلام) می روم

ص: 219

با شنیدن این، حرف ناگهان چهره اش دگرگون و اشک از چشمانش جاری شد و: گفت خوش به حال تو که میتوانی به دیدار امام زمانت بروی وقتی به مدینه رسیدی به امام بگو این همسایه من آدم بد و گنهکاری، است ولی از ته دل شما را دوست دارد.

اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده اند در هر حالی که هستید، رویتان را از ما برنگردانید گنهکار است؛ ولی به جلسات اهل بیت علیهم السلام می.رود خیلی از اشخاص بوده اند که به برکت شرکت در این جلسات هدایت شده اند.

ابابصیر: گفت سلام مرا به امام (علیه السلام) برسان و بگو که فلانی: گفت از گناه خسته شده ام آیا راه نجاتی برای من هست؟ ابابصیر می گوید: مدینه خدمت امام (علیه السلام) رفتم و عرض ادب نمودم؛ ولی فراموش کردم گفته همسایه ام را به امام (علیه السلام) عرض کنم وقتی خواستم خداحافظی کنم و از خدمت امام (علیه السلام) مرخص شوم امام (علیه السلام) فرمودند: همسایه ات پیامی برای ما داده بود عرض کردم فراموش کردم و تازه او آدم گنهکاری است و پیام او را بی اهمیت دانستم امام (علیه السلام) فرمودند برو و از طرف من به او: بگو تو قول بده توبه حقیقی کنی و دست از رفتار گذشته ات برداری و آنها را اصلاح کنی و مالهای حرام را از زندگیت پاک کنی، من بهشت

را برای تو ضمانت میکنم

ابابصیر می گوید: وقتی به کوفه برگشتم، همسایه ام به نزد من آمد و: گفت پیام مرا به امام رساندی؟: گفتم آری: گفت امام چه فرمودند؟ آنچه امام (علیه السلام) فرموده بودند، برای او نقل کردم. او گفت: تو را به خدا، جعفر بن محمد (علیه السلام) چنین فرمودند؟: گفتم آری او پس از شنیدن این جواب، شروع کرد زارزار گریه کردن و گفت: خدایا، العفو. سپس توبه

کرد؛ توبه حقیقی و صدوهشتاد درجه تغییر حالت داد. دست از گناه کشید و همه اموالش را به صاحبانش برگرداند و صدقه داد.

بعد از مدتی بیمار شد من به بالین او رفتم حالت او حالت احتضار بود. گاهی بیهوش میشد و باز به هوش می آمد آخرین باری که به هوش آمد گفت «یا ابا بصیرٍ قَدْ وَفَى صَاحِبِكَ لَنَا»؛ صاحب تو، آقا و امام، تو به عهد و پیمانش وفا کرد لحظه های آخر که پرده ها کنار رفته بود و به فرموده قرآن «فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ \* وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ»؛ (1) جان محتضر را که دارد میمیرد و مرگ تا حلقوم او رسیده و شما او را تماشا میکنید و در آن لحظه هیچ کاری نمیتوانید بکنید و مرگ حتمی است. «ثُمَّ قُبِضَ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ». این را گفت و از دنیا رفت. ابابصیر می گوید: بعد از مدتی به سفر حج رفتم و در مدینه خدمت امام (علیه السلام) رسیدم هنوز وارد خانه امام (علیه السلام) نشده بودم که امام (علیه السلام) فرمودند: «یا یا ابا بصیرٍ! قَدْ وَفَيْنَا لِصَاحِبِكَ»؛ (2) «ای ابا بصیر! قولی که به رفیقت داده بودیم عمل کردیم و به عهد و پیمانمان وفا نمودیم؛ یعنی رفیقت به برکت «توبه» و بازگشت به سوی خدا بهشتی شد و عاقبتش ختم به خیر شد.

## ادامه بحث عوامل عاقبت به خیری از منظر قرآن

### 4. اخلاص

اخلاص در عمل چهارمین عامل عاقبت به خیری از منظر قرآن است. اخلاص

یعنی این که عمل انسان همراه با خلوص نیت و فقط برای خدا باشد.

ص: 221

---

1- واقعه، آیات 83 و 84

2- اصول کافی، ج 1، ص 474

از «اخلاص» به اکسیر اعظم تعبیر شده است؛ یعنی یک عمل به ظاهر کوچک همراه با، اخلاص از کوهی از عمل بدون اخلاص با ارزش تر است. اخلاص به عمل انسان بها و قیمت می دهد. عمری عبادت بی، اخلاص پیشیزی ارزش ندارد.

شیطان در قرآن به عَدُوٌّ مُّبِينٌ<sup>۱</sup>، یعنی دشمن آشکار معنا شده است. این دشمن قسم خورده است که قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ<sup>۱</sup>؛ (1) پروردگارا چون مرا گمراه ساختی من نعمتهای مادی را در زمین در نظر آنها زینت میدهم و همگی را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان مخلصت را.

البته بدیهی است که خداوند هرگز شیطان را گمراه نکرده بود بلکه این نسبت شیطنت آمیزی است که آنها به خدا می دهند. ابلیس و همه شیطانها می کوشند اعمال زشت خود را با منطق غلط توجیه کنند و گناهان خویش را به گردن دیگران بیفکنند. نکته دیگر این که منظور از تزئین، شیطان همان وسوسه های شیطان است که زشت را در نظر زیبا میکند یا با استفاده از عوامل گوناگون خارجی اعمال زشت را زینت میدهد؛ همان گونه که گاهی گناهان را در لفافه هایی مانند تمدن و روشنفکری و آزاداندیشی و امثال آن، می پوشانند. (2)

ص: 222

---

1- حجر، آیات 39 و 40

2- تفسیر نمونه، ج 1، ص 72.

وجود نازنین نبی اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید «أَخْلِصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ»؛ (1) «کارها و عملت را خدایی کن و خلوص نیت داشته باش. خداوند کار کم و خالص را از تو قبول میکند به دنبال آن می فرماید:

رَا بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاوَضُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «با اخلاص است که درجات مؤمنان تفاوت میکند اهل ایمان به واسطه اخلاص درجه بندی میشوند هرچه اخلاص شما بیشتر، باشد عملی که انجام میدهید نزد خداوند ارزش و مقام و ثوابش بالاتر است.

### نتیجه اخلاص شیخ عباس قمی

خدا رحمت کند مرحوم شیخ عباس قمی صاحب کتاب مفاتیح الجنان را. انسان گاهی با خود فکر میکند که چرا بین این همه، کتب این کتاب این قدر ماندگار شده است و این عالم جلیل القدر چه کرده که در هر خانه ای کنار هر، قرآنی این کتاب قرار دارد آیا غیر از اثر اخلاص است؟

شیخ عباس قمی کتابی دارند به نام منازل الآخرة. در خاطرات خود برای پسرش آورده است پدر ما فردی بیسواد و عامی بود و شغل کشاورزی داشت در مسجد محل شخصی بود به نام عبدالرزاق مسئله گو که همیشه قبل از ظهر احکام شرعی را برای مردم می گفت پدرم از علاقه مندان منبر شیخ عبدالرزاق بود و هر روز در مجلس او حاضر میشد و شیخ هم بعد از مسئله، گفتن کتاب منازل الآخرة که از تألیفات من بود را گشود و از آن برای حاضران بعضی از روایات را میخواند.

ص: 223

روزی پدرم به خانه آمد و مرا صدا زد و گفت: این همه تو را به حوزه علمیه فرستادم چه کردی؟ و این همه کتاب نوشتی به کجا رسیدی؟ و گفت: شیخ عباس کاش مثل عبدالرزاق مسنله گو می شدی و می توانستی منبر بروی و از این کتاب که او برای مردم میخواند تو هم میخواندی چه حرفهای نابی برای مردم میگویدی چند بار خواستم بگویم پدر جان این کتاب از آثار و تألیفات من است؛ اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم و با خود گفتم آن که باید ببیند، دیده

است و فقط عرض کردم دعا بفرماید خداوند توفیقی مرحمت نماید.

این از نشانه های اخلاص و ماندگاری عمل خالصانه است که هر جا در منزلی قرآن باشد، کتاب مفاتیح الجنان هم در کنار آن است: «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ» (1)

### اخلاص، شرط قبولی عمل

در اهمیت اخلاص همین بس که شرط قبولی عمل است و اگر در هر عملی اخلاص نباشد بی هدف و بی نتیجه خواهد بود از این رو حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ لَمْ يَصْحَبِ الْإِخْلَاصَ عَمَلُهُ لَمْ يَقْبَلْ»؛ (2) «عمل هر کس که با اخلاص همراه نباشد قبول نمیشود حضرت رسول صلی الله علیه وسلم به حضرت علی (علیه السلام) میفرمایند «یا علی!... و إذا رأيتَ الناسَ يشتغلونَ بكثرةِ العملِ فَاسْتَعْلُ أَنْتَ بِصَفْوَةِ الْعَمَلِ،...»؛ (3) «ای علی! زمانی که دیدی همت ها همه در زیادی عمل صرف میشود تو به اخلاص در عمل بیندیش

ص: 224

1- تنبيه الخواطر ، مجموعه ورام)، ج 2، ص 754.

2- شرح غرر الحکم، ج 5، ص 418

3- میزان الحکمه ، ج 3، ص 2403.



عده ای از سرمایه داران در زمان هارون الرشید شدند و مسجدی جمع ساختند و سردرب آن نوشتند: «مسجد التجار». بهلول از آن طرف عبور می کرد. پرسید این مسجد را برای کی ساخته اید؟ پاسخ دادند برای رضای خدا بهلول خواست میزان اخلاص بانین خیر را به خودشان بفهماند. محرمانه سفارش داد تا سنگی تراشیدند و روی آن نوشتند: «مسجد البهلول و شبانه آن را بالای سردرب مسجد نصب کرد. سازندگان مسجد روز بعد آمدند و دیدند بالای سردرب مسجد نوشته شده است: «مسجد البهلول ناراحت شدند بهلول را پیدا کردند و به باد کتک گرفتند که زحمات دیگران را به نام خودت قلمداد میکنی؟ بهلول گفت مگر شما نگفتید که مسجد را برای خدا ساخته ایم؟ فرضاً مردم اشتباه کنند و گمان کنند که من مسجد را ساخته ام خدا که اشتباه نمی کند. یکی از نشانه های خلوص نیت این است که اگر تعریف او را بکنند خوشحال نمیشود و اگر تعریف او را نکنند ناراحت نمیشود»

### 5. دعای خیر پدر و مادر

از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ شَخْصِي نَزِدُ بِمَبْرَأِ كَرَمٍ (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت: ای رسول خدا! «مَا مِنْ عَمَلٍ قَبِيحٍ إِلَّا قَدْ عَمِلْتُهُ»؛ من هر کار زشتی بوده است انجام داده ام. «فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟»؛ آیا می توانم توبه کنم؟ «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟»؛ فرمود: آیا از والدین تو پدر یا مادرت) در قید حیات هستند؟ «قَالَ أَبِي كَفْتُ بِلَهْ پدِرم زنده است «قَالَ فَأَذْهَبْ فِرَّةً»؛ فرمود:

اگر می‌خواهی عاقبت به خیر شوی و خدا گناهانت را ببخشد، برو و تا می‌توانی به او خدمت کن که این خدمت به پدر موجب بخشش است. قَالَ فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَتْ أُمَّهُ..... (1) بعد از رفتنش فرمودند: اگر مادر او زنده بود و در حق او دعا میکرد خداوند زودتر توبه او را قبول میکرد و گناهانش را می‌بخشید.

مادران و پدران در اوج ناراحتی هم به فرزندان‌شان دعا کنند. امام صادق (علیه السلام) میفرمایند از نفرین پدر و مادر بترسید که نفرین آنها از لبه شمشیر تیزتر است.»

### اثر دعای پدر بر زندگی آیت الله مرعشی

مرحوم آیت الله مرعشی نجفی میگویند اگر من به این مقامات رسیدم در اثر یک دعای خالصانه و از ته دل پدرم بود نقل میکند زمانی که در نجف بودیم روزی پدرم قبل از ظهر به خانه آمده بود و به اتاق خ-ود رفته بود. ظهر مادرم سفره غذا را آماده کرد و به من گفت: برو و پدرت را صدا بزن تا برای صرف ناهار بیاید من به طبقه بالا رفتم و دیدم پدر در حال مطالعه خوابش برده است نمیدانستم چه کنم. از طرفی باید امر مادر را اطاعت میکردم و از طرفی می‌ترسیدم با بیدار کردن پدر، باعث رنجش خاطر او گردم خم شدم و لبهایم را کف پای پدر گذاشتم و چندین بوسه بر آن زدم تا این که بر اثر قلقلک، پا پدرم از خواب بیدار شد و گفت: شهاب الدین تو هستی؟ عرض کردم: بلی، آقا. او ک-ه این ادب و احترام را از من، دید دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت

ص: 226

پسرم خداوند عزت را بالا ببرد و تو را از خادمین اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. من هر چه دارم از برکت همان دعای پدرم است.

### همنشینی حضرت موسی (علیه السلام) در بهشت با نیکی در حق مادر

دعای پدر و مادر در حق، اولاد او را همنشین اولیا می‌کند روزی حضرت موسی (علیه السلام) ضمن مناجات به پروردگار خود عرض کرد: خدایا، می‌خواهم همنشینم در بهشت را ببینم خطاب شد یا موسی برو فلان محل همنشین تو آنجاست حضرت موسی (علیه السلام) آمد دید جوانی معمولی مشغول فروختن گوشت است با خود گفت این جوان چه کرده است که همنشین من است شامگاه که شد جوان مقداری گوشت برداشت و به سوی منزل روان گردید حضرت موسی (علیه السلام) از پی او تا درب منزلش آمد و به او گفت مهمان نمی‌خواهی؟ جوان گفت: خوش آمدید او را به درون خانه برد حضرت موسی (علیه السلام) دید جوان غذایی تهیه، نمود آنگاه زنبیلی را که پیرزنی فرتوت در آن بود آورد و او را شست و شوداد و غذایش را با دست خودش به او خوراند موقعی که خواست زنبیل را به جای اول برگرداند زبان پیرزن به کلماتی که مفهوم نمی‌شد حرکت نمود حضرت موسی (علیه السلام): پرسید حکایت تو با این پیرزن چگونه است؟ عرض کرد این، پیرزن مادر من است چون مرا بضاعتی نیست تا کسی را برای خدمت به او اجیر کنم ناچار خودم کمر به خدمت او بسته‌ام. حضرت موسی (علیه السلام) پرسید: آن کلماتی که به زبان جاری، کرد چه بود؟ جوان گفت هر وقت او را شست و شو می‌دهم و غذا به او می‌خورانم می‌گوید: «خداوند تو را ببخشد و در بهشت

همنشین حضرت موسی (علیه السلام) باشی؛ به همان درجه و جایگاه (1) حضرت موسی (علیه السلام): فرمود ای، جوان بشارت میدهم به تو که خداوند دعای او را درباره ات مستجاب گردانده و جبرئیل به من خبر داد که در بهشت همنشین من هستی (2)

### نیکی به پدر و مادر پس از مرگ آنان

سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا؛ (3) «برترین انسان های نیک در، قیامت کسانی خواهند بود که به والدین خویش پس از مرگ آنها نیکی کرده باشند.

در روایتی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصَدِّحِ تَخَفُّفُ الْعَذَابِ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ؛ (4) برای آنان قرآن تلاوت کنید؛ اگر مشکل داشته باشند عذاب از آنها برداشته می شود؛ حتی اگر کافر باشند در روایات به خصوص تلاوت سوره یس را سفارش شده است. خداوند می فرماید هر کس کنار قبر پدر و مادرش بیاید و سوره یس را بخواند به ازای هر حرف خدا برکت و مغفرت به آن قبر میدهد.

پدر و مادر همان طور که در زمان حیات از اولاد انتظار دارند در ممات هم چشم انتظار هستند. به زیارت قبر آنان بروید و خیرات بفرستید. در حق شما دعا میکنند البته بهتر است با وضو باشیم. روایت

ص: 228

---

1- نقل از مختصر الکلام در کتاب قره العین.

2- فاضل، کاشفی درجه العالیه از تحفه الشاهی

3- پیامبر اکرم، بحار الانوار، ج 71، ص 84

4- اصول کافی، ج 4، کتاب فضل القرآن

هست که کنار قبر آنان که میرویم، روح آنان حاضر میشود خطبه بخوانید و برای عاقبت به خیری و مشکلات دنیا و زیارت ائمه علیهم السلام و چشیدن شیرینی، عبادت دعا کنید. روح پدر و مادر آمین می گویند و در حق شما دعا می کنند و خدا عاقبت ما را ختم به خیر خواهد کرد.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 229

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

خلاصه بحث

... فَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (1).

بحث ما به اینجا رسید که عاقبت به خیری تحصیلی است. تا اینجا عوامل عاقبت به خیری ایمان، تقوا، توبه اخلاص در عمل و دعای خیر پدر و (مادر را بیان کردیم و در فرصت باقیمانده از ماه مبارک رمضان درباره عوامل سوء عاقبت بحث خواهیم کرد.

دسته بندی انسان ها بر اساس عاقبت آنان

انسانها در زندگی به چهار دسته تقسیم میشوند

1. کسانی که از اول خوب شروع میکنند و در مسیر صحیح خوب هم به پایان میرسند و عاقبت آنان ختم به خیر می شود. این گونه افراد کم هستند و بارزترین مصداق آنها انبیاء امامان و اولیای الهی

ص: 230

هستند. این گروه یقیناً عاقبت به خیر هستند و هیچ گونه جای بحث ندارند؛ هر چند این گروه نسبت به آینده خویش نگران و ترسان هستند.

2. کسانی که بد شروع کرده و بد هم به پایان می‌رسانند. این افراد از اول عمر شروع بدی دارند و در پایان هم بد و شر بوده اند و بد به پایان می‌رسانند و لحظه ای در مقابل فرامین الهی سر تعظیم فرود نیاورده اند. قطعاً این گونه اشخاص عاقبتشان ختم به شر میشود؛ یعنی بد هستند و این بدی را ادامه میدهند و همان گونه هم می‌میرند

3. گروه سوم انسانهایی هستند که در اوائل زندگی اهل خیر و نیکی و در مسیر هدایت هستند؛ ولی بر اثر تسلط نداشتن بر هواهای نفسانی و پاک نشدن از صفات رذیله، کم کم به انحراف کشیده شده و سرانجام بیایمان و در حال کفر از دنیا می‌روند؛ یعنی خوب شروع می‌کنند، اما بد به پایان می‌رسانند این گونه افراد را می‌گوییم افرادی که عاقبت به شر شده‌اند این گروه درس عبرت و محل بحث و اشاره خواهند بود در قرآن آیات فراوانی درباره این دسته به این مضمون که *آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا* آمده است.

4. گروهی که در اوائل زندگی بر اثر غفلت و نادانی دچار گناه و انحرافات هستند؛ ولی با گذشت زمان و رشد عقلی، آرام آرام در مسیر صحیح قرار گرفته و سرانجام با ایمان کامل و کوله باری از اعمال صالح و توبه قبول شده از دنیا می‌روند؛ یعنی بد هستند و از راه بد باز می‌گردند و خوب می‌میرند

در جلسات، گذشته درباره عوامل عاقبت به خیری مفصل بحث کردیم روایات و کدهای عاقبت به خیری که توسط اهل بیت علیهم السلام معرفی

شده بود و نیز آیاتی که در قرآن به این موضوع پرداخته بود را بیان کردیم خلاصه آن این بود که عوامل عاقبت به خیری عبارتند از ایمان تقوا، توبه اخلاص و نیکی به پدر و مادر

## عوامل سوء عاقبت

### اشاره

قرار بر این، شد در پایان ماه مبارک، رمضان درباره عواملی که عاقبت انسان ختم به شر میشود بحث کنیم و عواملی را که قرآن و روایات در این خصوص بیان کرده اند توضیح دهیم تا با شناخت این عوامل بتوانیم از آنها پرهیز کنیم؛ زیرا ورود این عوامل در زندگی انسان حُسن عاقبت را از انسان دور خواهند کرد.

### 1. شرک

#### اشاره

اولین مطلبی که قرآن بیان می کند و یقیناً قطعاً اگر در وجود انسان، باشد عاقبت به خیر نخواهد شد و سوء عاقبت پیدا خواهد کرد، مسئله «شرک» است. منظور از شرک آن است که بنده در کنار خداوند متعال، شریکی داشته باشد. برای همین موضوع در قرآن کریم آمده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (1) بگو در زمین بگردید؛ پس با تأمل بنگرید که عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود بیشتر آنان مشرک بودند.»

در این آیه شریفه خداوند رسول خود را مأمور می کند به این که به مردم دستور دهد در زمین سیر کنند و سرانجام و آثار باقیمانده اقوام

ص: 232



گذشته ای که مشرک بوده‌اند را ببینند که چگونه آثارشان محو شده و نسلشان تا آخرین نفر منقرض گردیده است؛ یعنی شرک، آنها را به سوء عاقبت در دنیا و آخرت مبتلا کرده است و خداوند جزای بعضی کرده هایشان را به ایشان چشاند تا شاید عبرت دیگران شوند.

مسئله، شرک بحث مفصلی است. وقتی سخن از شرک بیان میشود قاعداً به ذهن ما چنین خطور میکند که خدای دیگری را در کنار خداوند یکتا ستایش کنیم و شخص بت پرست باشد قطعاً بوی بهشت به مشام چنین انسانی نخواهد رسید ما که شیعه دوازده امامی هستیم و موحد هستیم، باید توجه داشته باشیم این عمل یک بیماری و غده سرطانی است و روایات تحت عنوان شرک از آن یاد کرده اند. البته حتماً لازم نیست شرک طناب قطوری باشد؛ بلکه نفوذ شرک در اعمال و رفتار انسانها، مثل راه رفتن مورچه سیاه در روی سنگ سیاه در دل شب است.

### ریا نمادی از شرک

آن غده سرطانی را که روایات تحت عنوان شرک از آن یاد کرده اند، یکی

ریا است. خاتم انبیا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «الریاء شرک»؛ «ریا، شرک است.» شیطان در کارش استاد است بنده خدا عملی را که خداوند دستور به انجام آن داده است انجام میدهد؛ منتها نیت او رضای خداوند نیست و تعریف و تمجید مردم است، این همان ریا و به تعبیری، شرک است. فردای قیامت انسان ریاکار را با چند نام صدا میزنند و به او میگویند یا غادر ای حیلہ گر بَطَلَ عَمَلُكَ عملت باطل شد برو از همان کسی که به خاطر تعریف و تمجید او کارت را انجام میدادی پاداشش را

ص: 233

از همان بگیر چنین کاری که ریاکارانه انجام شده است، نزد من خدا بی ارزش است.

به همان اندازه که اخلاص در عمل ما بیشتر باشد به همان میزان هم ارزش عمل ما نزد خداوند بیشتر است. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره میفرماید: «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ» (1).

اگر از متخصص سؤال شود که قیمت طلا- چقدر است اول عیار آن را می پرسد؛ چون قیمت طلا- را بر اساس میزان عیار آن مشخص میکنند شانزده عیار هیجده عیار یا بیست و چهار عیار قیمت طلای بیست و چهار عیار بالاتر از بقیه است؛ زیرا ناخالصی ندارد.

اعمال ما را هم بر همین مبنای سنجش می کنند در میدان های جنگ خیلی اشخاص شمشیر زدند؛ اما یک ضربه شمشیر حضرت علی (علیه السلام) میشود: «ضَرْبَةُ عَلِيِّ يَوْمَ الْخِذِّ دَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» (2). یک ضربه شمشیر حضرت علی (علیه السلام) در میدان جنگ ثوابش افضل از عبادت جن و انس است؛ چون ضربه حضرت علی (علیه السلام)، به خاطر خدا و اسلام بوده و ذره ای ناخالصی در نیت ایشان نبوده است.

مرحوم آیت الله حاج آقا حسن امامی می فرمودند عملی که انجام می دهیم مانند ظرف پر از آبی است که اگر قطره ای خون در آن چکیده شود هم آب ناپاک شده و هم ظرف نجس می شود.

شیطان در درجه اول مانع از انجام کار نیک می شود؛ اما اگر برخلاف

ص: 234

---

1- میزان الحکمه، ج 1، ص 754.

2- الحاکم النیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفی 450 هـ-) المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 34

خواست شیطان، موفق به انجام کار خیر، شدید، درصدد نابود کردن آن بر می آید و آن عمل را باریا ناخالص می‌کند و به هر اندازه که ناخالصی در عمل زیاد شود ثواب آن کاسته میشود.

### مراتب اخلاص حضرت مریم علیها السلام

داستان حضرت مریم علیها السلام را که شنیده اید ایشان قدیسه ای بود که به امر پروردگار باردار شد به او تهمت زدند. از شهر بیرون آمد و در کنار درخت خرما می خشکید. او عارض شد. گفت: خدایا من گرسنه ام و درد زایمان بر من عارض شده است، چه کنم؟ خدا فرمود: (وَهَزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تَسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا) (1)، «این نخل را به طرف خود تکان بده؛ رطب تازه برایت فرو میریزد» (2)

حضرت مریم علیها السلام هم به فرمان خداوند چنین کرد و درخت خشکیده به قدرت پروردگار سرسبز شد و میوه خرما بر آن ظاهر شد و ایشان از آن تناول نمود حضرت مریم علیها السلام گفت خدایا این برای من معما شده است. زمانی که در محراب عبادت مشغول حمد و ثنایت بودم و حمل، نداشتم مانده بهشتی میفرستادی حال که چنین وضعی دارم، دستور چنان میدهی؟ سر آن چیست؟ خطاب آمد جناب مریم! آن موقع که در محراب عبادت بودی، تمام توجه تو به سوی من پروردگار بود و به خاطر من عبادت میکردی؛ اما اکنون تمام توجه تو به من نیست بلکه

ص: 235

1- مریم، آیه 25

2- از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است باید اولین چیزی که زن پس از وضع حمل می خورد رطب باشد از روایات استفاده میشود که بهترین غذای زن باردار و داروی او، رطب است (تفسیر المیزان، ج 14، ص 46).

قسمتی از آن متوجه طفل داخل شکم توست و به همین میزان باید زحمت کشیده و درخت را تکان دهی تا خرما نصیب تو گردد.

یکی از علل مستجاب نشدن دعاهای ما به خاطر توجه کامل نداشتن به لطف پروردگار است اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْءَ.... (1) تو باید رشته های توجه به غیر از خدا را قطع کنی و به مقام اضطرار برسی تا دعا به هدف اجابت برسد تنها کسی که می تواند قفل مشکلات را بگشاید و بن بست ها را برطرف کند و نور امید به دلها بپاشد و درهای رحمت را به روی انسانهای درمانده باز کند تنها ذات پاک او است و نه غیر او.

## 2. فساد و سرکشی

### اشاره

در این باره خداوند می فرماید: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (2) : و هنگامی که آیات روشنی بخش قرآن برای آنان بیان شد از روی ظلم و سرکشی انکار کردند در حالی که در دل به آن یقین داشتند بنگر که عاقبت امر آنان همان شد که به دریای غضب پروردگار توانا غرق شدند و مستوجب دردناکترین عذاب دوزخ گردیدند.»

از مضمون این آیه و آیه قبل از آن به خوبی استفاده می شود که ایمان واقعی غیر از علم و یقین است؛ یعنی اگر انسان به چیزی یقین دارد، اما در باطن یا ظاهر در مقابل آن تسلیم نیست ایمان ندارد

ص: 236

---

1- نمل، آیه 62

2- نمل آیه 14

امام صادق (علیه السلام) می فرماید چیزی که انسان آن را انکار کند در حالی که میداند حق است و نزد او ثابت است، است کفر جحودی است.

امام صادق (علیه السلام) در گفتاری ضمن بر شمردن اقسام پنجگانه کفر یکی از اقسام آن را کفر جحودی شمرده و یکی از شعبه های جحود را چنین بیان میفرماید چیزی که انسان آن را انکار، کند در حالی که میداند حق است و نزد او ثابت است. (1)

با نگاه به تاریخ و بررسی و غور در حوادث جامعه، عاقبت کسانی که روی زمین فساد انجام داده و خود و زندگی و خانواده اشان را در لجنزار معصیت غرق نموده‌اند مشاهده خواهیم کرد. با مقایسه زندگی افرادی که با خدا مخالفت کرده اند و کسانی که با او رفاقت نموده اند در می یابیم که تفاوت آنها از کجا تا به کجاست

البته خداوند برای توبه و بازگشت به سوی خویش برای افراد گناهکار فرصت گذاشته است در روایت آمده است کسی که پا از مرز چهل سالگی فراتر بگذارد و اعمال بد او بر اعمال خوب او غالب باشد، شیطان پیشانیاش را بوسه میزند و خوشحالی میکند؛ زیرا بوی فلاح و رستگاری در چهره او دیده نخواهد شد.

### گناه عامل سیاهی قلب

در پیامی از امیر سخن علی ابن ابی طالب (علیه السلام) چنین میخوانیم: «یعنی قوماً آخرین زرعوا الفجور»؛ (2) «گروهی دیگر از مردم تخم تبهکاری را کاشتند که عامل غلبه سیاهی بر سپیدی قلب است. آنگاه که شخص مرتکب

ص: 237

1- تفسیر نمونه، ج 15، ص 41

2- بحار الانوار، ج 23، ص 117.

گناه میشود در دل او نقطه ای سیاه ایجاد میشود و تکرار گناه و عدم، توبه کم کم منجر به این میشود که انسان نعوذ باللله به سوء خاتمه در زندگی مبتلا می شود

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمودند: «إِذَا أَدْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ؛ آنگاه که شخص مرتکب گناه می شود، به واسطه گناهش در دل او نقطه ای سیاه حادث می شود.» اولش یک نقطه سیاه است؛ ولی «فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ»؛ اگر پشیمان شد و توبه کرد، لطف الهی شامل حال او شده و آن سیاهی و تاریکی را خدا از دل او محو می کند «وَإِنْ زَادَ زَادَتْ»؛ و اگر نعوذ باللله متنبه نشد و برگناه خود افزود، آن نکته سوداء و سیاهی توسعه پیدا می کند. «حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ»؛ تا جایی که تمام قلب او سیاه شود (1)

قلب انسان به مثابه آینه است اگر نقطه سیاهی روی آن حک شود، از دور قابل مشاهده است. حال اگر این نقطه های سیاه تداوم داشته باشند، صفحه صاف و شفاف آینه تبدیل به تخته سیاه خواهد شد.

فردای قیامت نامه اعمال ما را به دست ما میدهند و میگویند «إِقْرَأْ كِتَابَكَ»؛ «نامه اعمال را بخوان یکی یکی ورق میزند و مشاهده میکند تهمت، ها دروغ، ها گناه ها تمامشان در دفتر، اعمال ثبت شده است. در این حال به شخص گهنگار خطاب میشود ای، انسان ما از روح ملکوتی خود در جسم تو دمیده بودیم این روح پاک و لطیف بود و روز اول که به دنیا آمدی ملک می دیدی

ص: 238

از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سؤال شد چرا بعضی از اطفالی که به دنیا می‌آیند میخندند و به اطراف نگاه میکنند؟ فرمودند روح طفل در هنگام تولد به قدری پاک است که نگاه که می‌کند، ملک می‌بیند و همبازی فرشتگان است. ... وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي... (1) «از روح ملکوتی در این جسم دمیده شده است.» (2)

این حالت انسان در بدو تولد است مدتی که برای زندگی ما مقرر گردیده است این روح به امانت در جسمان قرار داده شده است و ما با گناه و معصیت آن را تیره و تار و ظلمانی میکنیم.

با گناه و معصیت عاقبت انسان ختم به شر می‌شود. برای عاقبت به خیر شدن باید به خدا پناه برد و ضمن عمل به، دین، تحت ولایت خدا و اولیای او زندگی کرد در غیر این صورت خطر سقوط فراوان است.

### 3. حُب دنیا و دنیازدگی

در این باره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ»؛ (3) عشق و علاقه به دنیا و مال دنیا و، دنیازدگی بدترین بیماری هاست و کلید بديها و باعث از بین رفتن خوبی ها و غفلت از آخرت است

ص: 239

---

1- ص، آیه 72

2- هنگامی که خداوند اعضاء بدن انسان را با یکدیگر ترکیب و تکمیل نمود تا به صورت انسانی تمام عیار درآید از روح خود در آن دمید و او را زنده کرد و این که فرموده: از روح خود در آن دمیده ام به منظور شرافت دادن به آن روح و انسان) است. تفسیر المیزان، ج 17، ص

342

3- خصال صدوق، ص 20.

عده ای برای رسیدن به مال دنیا و پست و مقام، از هیچ جنایتی رویگردان

نیستند و حاضر هستند برای به دست آوردن آن، هر کاری انجام دهند.

### عاقبت شریح قاضی

شریح قاضی که قاضی القضاة زمان خود و از افراد معتبر و با وثوق و مورد احترام مردم بود عاقبت در برابر زر و زور کرنش کرد و برای دو روزه مردار دنیا در حساس ترین برهه تاریخ اسلام، بدترین تصمیم ممکن را گرفت و ننگ ابدی را به جان خرید و روند تاریخ را به سبب آلودگی خود به دنیا عوض کرد. عبیدالله زیاد به عوامل خود دستور داد طلاها را از کیسه خارج کنند و در ظرفی مقابل چشم او به پایین بریزند تا او وسوسه شود شریح تا چشمش به پول و طلاها و زرق و برق آن افتاد به خاطر دنیا به قتل امام حسین (علیه السلام) فتوا داد.

همیشه در پشت صحنه حوادث، بزرگ انسانهایی از نظر اجتماعی موجه ولی خدانشناس و بی دین و فاسد العقیده قرار دارند اگر فتوای شریح و امثال او نبود کسی جرأت نداشت چنین جنایت بزرگی در تاریخ انجام دهد حُب دنیا باعث چنین مصیبت عظیمی شد. در قرآن مجید، سوره اعراف، آیات 175 و 176 داستان بلعم باعورا نقل شده است که در آن نکاتی برای پند گرفتن مردم هست از این قصه ها باید نکته گرفت:

باشد اندر صورت هر قصه ای \*\*\* خرده بینان را زمعنی نکته ای (1)

### عاقبت بلعم باعورا

بلعم باعورا از علمای بنی اسرائیل و معاصر حضرت موسی (علیه السلام) بود. او نخست در صف مؤمنان و حاملان آیات و علوم الهی بود؛ اما با وسوسه

ص: 240



شیطان و طاغوت، زمان یعنی فرعون منحرف شد. او پیرو آئین ابراهیم و صاحب کرامت بود مردم از اطراف و اکناف می آمدند تا درباره آنان پیشگویی کند و برای برکت یافتن دارایی و زندگی آنها دعا نماید. قرآن می فرماید: **وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ»؛ (1)** «و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را [بلعم باعورا] که آیات خود را به او دادیم [اسم اعظم]؛ ولی سرانجام خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد.

از امام رضا (علیه السلام) در تفسیر این آیه نقل شده است این آیه درباره شخصی به نام بلعم باعور است که از اسم اعظم خداوند آگاهی داشت و با آن هر دعایی دعایی که میکرد مستجاب میشد؛ ولی بر اثر هواپرستی، به سوی فرعون متمایل شد. (2)

هنگامی که فرعون برای گرفتن موسی و اصحابش حرکت کرد، به بلعم باعورا گفت از خدا بخواه که موسی و یارانش را به دام ما بیندازد. آنگاه بلعم بر الاغ خود سوار شد تا به جست و جوی حضرت موسی علیه السلام برود. الاغ از راه رفتن باز ایستاد بلعم شروع به زدن آن حیوان کرد. پس خداوند حیوان را گویا کرد و گفت وای بر تو چرا مرا می زنی؟ آیا میخواهی که با تو بیایم تا علیه پیغمبر خدا و مؤمنان نفرین کنی؟ پس بلعم الاغ را آن قدر زد تا حیوان .مرد در این هنگام اسم اعظم از او گرفته شد.

امام باقر (علیه السلام) ذیل این آیات فرموده اند اصل این آیات درباره بلعم .است سپس خداوند این را نمونه ای قرار داد برای هر مسلمانی که هوای نفسش را بر هدایت الهی ترجیح دهد. (3)

ص: 241

---

1- اعراف، آیه 175

2- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 115.

3- تفسیر المیزان، ج 8، ص 342

بلعم باعورا وقتی از دعا کردن محروم، شد حيله ای به کار برد و به فرعونیان گفت اگر میخواهید موفق شوید تنها یک راه مانده و آن این که لشکریان موسی مدتی از زنان خود دور بوده اند و آتش شهوت بر آنان غلبه کرده است زنان و دخترانتان را آرایش کنید و به بهانه فروش کالا در بین امت موسی بفرستید و اگر کسی خواست با این زنان آمیزش کند جلوگیری نکنید اگر یک نفر از مردان موسی تن به گناه زنا داد شکست آنان حتمی است با این، نقشه آنان موفق شدند. یکی از لشکریان، موسی دست دختر زیبایی را گرفت و پیش موسی برد و در مقابل همه گفت تو و خدای تو می گویند این زن بر من حرام است و من نه تو و نه خدای تو را قبول ندارم

این نقشه عالم مستجاب الدعوه اسم اعظم دان بود. بعضیها برای مقام و موقعیت و مال دنیا همه چیز را زیر پا می گذارند ما باید توجه داشته باشیم و آنچه رضای خدا و معصومین علیهم السلام در آن است را انجام دهیم.

کاری که انجام میدهیم به خاطر به به گفتن و تعریف مردم از ما نباشد.

اگر کسی عملش خدایی باشد و هدفش رضای او و اهل بیت علیهم السلام باشد چه از او تعریف کنند و چه بد بگویند برای او تفاوتی ندارد. نهایت خسران این است که فرد برای این که دیگران او را تمجید کنند کاری انجام دهد.

آری زرق و برق دنیا و دربار حاکمان و پادشاهان، عامل سقوط علما و دانشمندان است قرآن سرانجام این عابد مستجاب الدعوه را چنین بازگو می کند: ( وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهَا بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

فَأَقْصَصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (1) و اگر میخواستیم قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا- می بردیم اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد پس مثلش مثل سگ است [که] اگر بر آن حمله ور، شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی باز هم زبان از کام برآورد، این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را [برای آنان حکایت، کن شاید که آنان بیندیشند.]»

هر اندازه انسان در برابر پروردگار خاضع تر باشد، محبوب تر است و در تأمین سعادت اخروی و تضمین عاقبت به خیری او مؤثرتر است؛ اما درک این که واقعاً به چنین موفقیت ارزشمندی نائل شده یا نه، چندان آسان نیست و بلکه مصلحت انسان نیز نیست؛ زیرا موجب غرور و عدم التجای بیشتر به درگاه خدا و مانع کسب فیوضات بیشتر میشود. غرور و اطمینان به نفس خود زمینه ساز گمراهی و اغوای آن می شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در نمازهای خود این دعا را می فرمودند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»؛ (2) «خداوندا مرا لحظه ای به خود و امگذار وقتی یکی از همسرانشان با اشاره به مقام بلند حضرت نزد خدا از او علت این دعا را پرسید حضرت فرمودند: «خداوند برادرم یونس را لحظه ای به حال خود واگذاشت و آمد بر سر او آنچه آمد.»»

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 243

---

1- اعراف، آیه 176

2- در تفسیر آیه 75 اسراء، ص 43

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### خلاصه بحث

امروز آخرین روز از ماه مبارک رمضان است خدا را قسم میدهم آنچه خداوند به خوبان داده است در این روز و این ماه به ما ارزانی کند و به برکت این ماه مبارک اگر تا حال ما را نیامرزیده و نبخشیده است، الآن و الساعة ببخشد و بیامرزد.

عنوان بحث، امسال عاقبت به خیری بود و انسانها را از این منظر به چهار دسته تقسیم کردیم

اول: کسانی که خوب شروع میکنند و خوب به پایان میرسند. این، دسته عاقبتشان ختم به خیر خواهد شد.

دوم کسانی که بد شروع میکنند و بد هم به پایان میرسند این گروه عاقبتشان ختم به شر خواهد شد.

سوم کسانی که بد شروع میکنند ولی خوب به پایان میرسند. اینها عاقبتشان ختم به خیر میشود؛ مانند زهیر عثمانی

چهارم کسانی که خوب شروع میکنند؛ ولی بد به پایان می رسند. این دسته از خاسرین هستند و عاقبتشان ختم به شر میشود.

تا دو جلسه قبل مطالب ما درباره حسن عاقبت و عاقبت به خیری بود و از قرآن و روایات مطالبی در این باره بیان کردیم. از روز قبل، درباره کارها و اعمالی سخن گفتیم که باعث سوء عاقبت می شود و عاقبت انسان را ختم به شر می کند در ادامه مطالب را به صورت خلاصه بیان میکنیم تا این مبحث به نتیجه برسد.

در بحث جلسه قبل گفتیم اولین عامل عاقبت به شری، شرک است؛ شاهد آن هم این آیه است: ... فَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانْ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ. (1)

دومین عامل عاقبت به شری فساد است ... فَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (2) که درباره آن هم سخن گفتیم آنان که اهل گناه و معصیت بودند عاقبتشان چه شد؟ روایت هست در آخرالزمان وقتی مردم مشغول گناهان جدید، شدند خدا هم بلاهای جدید بر بلاهای جدید بر آنان نازل می کند. روایت دیگری هم هست که میگوید: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ»؛ (3) «کسانی که مرگ به وسیله گناه گریبان آنان را می گیرد، بیشتر از کسانی هستند که مرگ آنان با اجل فرا میرسد.»

اجل دو نوع است اجل حتمی و اجل غیر حتمی دسته ای از گناهان باعث میشود که اجلهای غیر حتمی بر انسان نازل شود؛ مثل لواط یا ارتباط با زن شوهردار (زنا) این قبیل، گناهان باعث مرگهای ناگهانی و

ص: 245

1- روم، آیه 42

2- نمل، آیه 14.

3- قال الصادق (عليه السلام)، بحار الانوار، ج 70، ص 354

عجیب میشوند امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ...»؛ (1) «نکبتی به بنده نرسد مگر به خاطر گناه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دعای کمیل می فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ»؛ «خدایا، ببخش آن گناهایی که باعث میشود بلا و گرفتاری بر من نازل شود.

عامل سوم عاقبت حب. دنیاست پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ». (2)

#### 4. ناشکری

عامل چهارم، بد عاقبتی ناشکری است یکی از مشکلات و معضلاتی که در جامعه کنونی ما فراوان، است ناشکری. است بعضیها به نیمه خالی لیوان آب توجه دارند و نیمه ای که آب دارد را نمی بینند از نعمت هایی که خداوند به ما داده است غافل هستیم و نعمتهایی را که نداریم بیان کنیم و همیشه فریادمان بلند است و تصور میکنیم که در عالم خلقت موجودی بدبخت تر از ما خلق نشده است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَيَّ قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ»؛ «خداوند متعال به قومی نعمت داد.» «فَلَمْ يَشْكُرُوهُ»؛ این قوم، شکر این نعمت را به جای نیاوردند.» «فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ؛ چون شکر نعمت به جای نیاوردند، باعث سوء عاقبت آنان گردید و نعمتها از آنها گرفته شد.» «وَبِأَلَا وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ»؛ (3) «و آنان به مصیبت و بلاها گرفتار شدند.»

ص: 246

---

1- اصول کافی، ج 2، ص 269

2- روضه الواعظین، ص 441

3- تحف العقول، ص 359

خداوند در قرآن مجید میفرماید: **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (1)**؛ و همچنین به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکرگزاری کنید [نعمت خود را] بر شما خواهد افزود و اگر ناسپاسی، کنید مجازاتم شدید است.»

امام صادق (علیه السلام) میفرماید (کمترین) «شکر این است که نعمت را از خدا بدانی؛ بدون آن که خدا را فراموش کنی و دلت بکلی به آن نعمت مشغول گردد و به آنچه خدا به تو عطا کرده راهنما باشی و آن را وسیله نافرمانی او قرار ندهی و با امر و نهی با استفاده از نعمت هایش مخالفت نکنی در روایتی دیگر میفرماید شکر نعمت پرهیز از گناه است.» (2)

شکر نعمت نعمت افزون کند \*\*\*، کفر نعمت از گفت بیرون کند (3)

به شکرانه نعمتهایی که خداوند به ما عطا نموده است، بعد از نماز سر به سجده گذاشته و ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ شُكْرًا لِلَّهِ» را تکرار کنیم و از این که خداوند بدن سالم اعتقاد درست و... به ما داده است، او را سپاسگزار باشیم. درست است که هر کس به نوعی مشکلی دارد و به قول شاعر

دل بی غم در این عالم نباشد \*\*\* اگر باشد بنی آدم نباشد

ولی با وجود سختیها شرمنده خانواده نشده ایم و محتاج دیگران نیستیم مشکلات دیگران را در نظر داشته باشیم تا به بی اهمیت بودن مشکل خود واقف شویم روایت هست اگر کسی در زندگی ناشکری کرد، خداوند نعمتهایی را هم که به او داده است، از او می گیرد.، ناشکری سوء عاقبت را به دنبال دارد.

ص: 247

1- ابراهیم، آیه 7.

2- بدون شک خداوند در برابر نعمتهایی که به ما میبخشد نیازی به شکر ما ندارد و اگر به شکر گزاری دستور داده، برای بازافزایی آن نعمتهاست. تفسیر نمونه، ج 1، ص 278.

3- مولانا جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی.

پنجمین عامل از عوامل سوء عاقبت هتک حرمت مؤمن است

متأسفانه بر اساس فضای مسمومی که در جامعه ما ایجاد شده است حرمت مؤمن رعایت نمیشود ما که ادعای پیروی از اهل بیت علیهم السلام را داریم به دستورات وارده در این زمینه عمل نمی‌کنیم. روایت است که حفظ حرمت مؤمن از حرمت کعبه که خانه خداست، بالاتر است. با فضای ایجاد شده در جامعه جوان خام و ناپخته و بی اطلاع از همه چیز، بدون اباء به مرجع تقلید و اهل علم تقلید و اهل علم اهانت می‌کند. او بالاخره شخصیتی دینی و علمی است و سالها کسب علم کرده است. فرضاً یک آدم معمولی که حفظ حرمتش از حرمت مکه معظمه بالاتر است، به مراتب حفظ حرمت عالم افضل از فرد معمولی است هتک حرمت می‌تواند حتی عاقبت یک نفر را به خطر بیندازد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) حرمت مؤمن را یکی از حریمهای پنجگانه خداوند توصیف کرده است آنانی که با تهمت زدن و غیبت کردن، باعث آبروریزی دیگران می‌شوند و حرمت شکنی میکنند، باید متوجه گفتار و کردار خود باشند.

حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره می‌فرماید: «لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي بِلَادِهِ خَمْسُ مُحَرَّمَاتٍ»؛ (1) مملکت خداوند متعال پنج حرم بزرگ دارد 1. «حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ» (حریم پیامبر)؛ 2 حُرْمَةُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ حرمت اهل بیت پیامبر این ها نزد خداوند عظمت بالایی دارند؛ 3 حُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (حرمت کتاب، خدا قرآن نباید به آن بی احترامی شود؛ 4. «وَمُحَرَّمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ»

ص: 248



حرمت خانه (خدا که باید محفوظ بماند؛ 5 وَ حُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ) (حرمت مؤمن که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرماید مؤمن نزد خداوند آن قدر حرمت دارد که آبرو و عرض او را کنار آبرو و حرمت خانه خدا و کنار آبروی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و آل او بیان کرده است.

### حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه

در روایتی آمده است پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) رو به کعبه کرد و فرمود: «أفرین بر تو ای خانه خدا چقدر نزد خداوند بزرگی و حرمت داری؛ اما به خدا سوگند که مؤمن نزد خداوند محترم تر از توست؛ یعنی حفظ آبروی مؤمن حتی از حرمت خانه خدا (کعبه) هم بالاتر است؛ زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام و محترم قرار داده است؛ ولی از مؤمن سه چیز را: مالش جاننش و گمان بد نبردن به او را محترم قرار داده است. (1)

قرآن می فرماید حتی نسبت به برادر مؤمن حق این که غیبت کنی نداری... وَلَا يَغْتَبَّ بَعْضُكُم بَعْضًا... و گمان بیجا و سوء ظن هم نباید داشته باشی؛ زیرا... إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ.... خیلی از این گمان و ظن بدها باعث گناه و معصیت خواهد شد.

### بدگمانی به مؤمن، مصداق هتک حرمت

شخصی می گفت روزی در دستشویی مسجد مشغول گرفتن وضو بودم. مشاهده کردم امام جماعت مسجد از دستشویی خارج شد و بدون اینکه وضو بسازد، مستقیم وارد محراب مسجد شد و نماز را شروع کرد. به او

ص: 249

ظن بد بردم که چگونه یک روحانی و امام جماعت مسجد بدون وضو به نماز می ایستد و نمازهای مردم را خراب می کند. از آن پس نماز را به او اقتدا نکردم و اضافه بر آن غیبت او را کردم و به اصطلاح او را ترور شخصیت کردم روزی به لحاظ، بیماری آمپول تزریق کرده بودم. برای رفتن به مسجد آماده شدم شک کردم که بر اثر تزریق آمپول لباس زیر من خونی شده باشد داخل دستشویی شدم و واریسی کردم خونی که از محل تزریق آمپول به لباس زیر من بود از نظر شرعی قابل اغماض بود. از دستشویی بیرون آمدم و بدون این که مجدداً وضو بسازم، داخل مسجد شدم خواستم تکبیره الاحرام بگویم و اقامه نماز کنم، یادم آمد که چنین صحنه ای را از امام جماعت مسجد مشاهده کرده بودم. با خودم گفتم وای به حال، من شاید همین مشکل برای او هم پیش آمده بود که من امروز به آن مبتلا شده ام.

### عیبجویی از مؤمن مصداق هتک حرمت

خداوند در قرآن مجید میفرماید: **وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ (1)**؛ «وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای «ویل به معنای، وای واویلا بدبختی و نابودی و هلاکت. است بعضی از مفسرین گفته اند «ویل» نام بدترین درجه از جهنم است و جایگاه کسانی است که با نیش زبان و حرکات دست و چشم و ابرو در پشت سر و پیش رو دیگران را استهزاء میکنند یا با عیبجویی و غیبت و تهمت دیگران را هدف قرار میدهند و کلمه (ویل) تهدیدی نسبت به این گروه است این کلام قرآن است و اصولاً آیات

ص: 250

قرآن موضع گیری سختی در برابر این گونه افراد نموده است که درباره هیچ گناهی مانند آن دیده نمیشود (1)

«هُمَزَةٌ لَمْزَةٌ» در ادبیات عرب از صیغهُ مبالغه اند. «هُمَزَةٌ» از ماده «همز» به معنای شکستن است و از آنجا که افراد عیجوجو و غیبت کننده، شخصیت دیگران را در هم میشکنند، درواقع حرمت او را شکسته و آبروی او را هدف قرار میدهند که به آنها «هُمَزَةٌ» اطلاق شده است. کلمه «لَمْزَةٌ» از ماده «لمز» و در اصل به معنای غیبت کردن و عیججویی است. این دو واژه از لحاظ معنا آن اندازه به هم نزدیکند که در موارد بسیاری به عنوان دو لفظ مترادف استعمال شده‌اند؛ هر چند با یکدیگر فرق دارند، بنابراین ذکر این دو با هم برای تأکید است.

بعضی گفته اند بین آن دو فرق است و آن این که «هُمَزَةٌ» به آن کسی گویند که دنبال سر مردم غیبت میکند و عیب می گوید و خرده می گیرد؛ اما «لَمْزَةٌ» کسی را گویند که پیش روی طرف خرده می گیرد. بعضی هم گفته اند «هُمَزَةٌ» کسی را گویند که همنشین خود را با سخنان زشت آزار دهد و «لَمْزَةٌ» آن کسی است که با چشم و سر، علیه همنشین خود اشاره کند و به اصطلاح فارسی تقلید او را درآورد.

بعضی زنان به ظاهر مؤمن با حرفهای، نیشدار عروس خود را آزار و اذیت میکنند و به تعبیر عوامانه او را نزد دیگران کوچک می کنند پس هر که آبرو و حیثیت مردم را به بازی گیرد و ایشان را تحقیر کند و برای خوشایند خود یا دیگران کارهایشان را ناچیز شمارد و به ایشان بدی نسبت دهد و در حضور یا در غیاب آنان را

ص: 251

توهین و تحقیر نماید و بزرگی خود را در کوچک کردن مردم ببیند «هُمَزَةٌ لَمَزَةٌ» است.

## سخن چینی مصداق هتک حرمت

از ابن عباس از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ رَأْرِكُمْ؟»؛ میخواهید شرترین مردم را به شما معرفی کنم؟ «قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ» گفتند، بله آقا جان. قَالَ: الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ؛ «فرمود: آنها کسانی هستند که سخن چینی میکنند» وَ الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ؛ «و میان دوستان جدایی میافکنند.» «وَ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْعَيْبُ»؛ «و کسانی که مردم را با عیوبشان توصیف میکنند.»

(1)

به ملا نصرالدین: گفتند جهیزیه عروس میبرند. گفت: به من چه؟ گفتند جهاز تو را میبرند. گفت به تو چه؟، این یک قاعده است نباید در کار دیگران دخالت کرد این که همه حواس خود را متوجه دیگران کنیم تا عیبی و اشتباهی از آنان بینیم و آن را بزرگ کنیم و به دیگران انتقال دهیم کار بیهوده و زشتی است. بهتر است به معایب خود توجه کنیم و آنها را برطرف نماییم

این افراد که توصیف شدند، یعنی «هُمَزَةٌ لَمَزَةٌ»، عاقبت به خیر نخواهند شد از مجموع کلمات ارباب لغت استفاده می شود که این دو واژه به یک معنا هستند و مفهومی وسیع دارند که هر گونه عیبجویی، غیبت، طعن و استهزاء به وسیله زبان و علائم و اشارات و سخن چینی و بدگویی را شامل میشود.

ص: 252

## 6. تکذیب انبیاء و اولیای الهی

ششمین عامل عاقبت به شری یا سوء عاقبت، تکذیب انبیاء و اولیای الهی است

خداوند در قرآن میفرماید «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْاى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ؛ (1) سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.

این آیه به آخرین مرحله کفر کافران اشاره دارد که گناه و آلودگی همچون بیماری خوره به جانشان افتاده و روح ایمان آنان را خورده و از بین برده و کار را به جایی رسانده بود که سر از تکذیب الهی در می آوردند و از آن هم فراتر می رفتند و پیامبران و آیات الهی که منظور اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است را به استهزاء و مسخره می گرفتند.

در تاریخ نقل شده که وقتی حضرت زینب علیها السلام مشاهده کرد یزید ابن معاویه با گفتن کلمات و اشعاری کفرآمیز - که بیانگر ایمان نداشتن او به اساس اسلام بود همه چیز را به مسخره گرفته است، حضرت علیها السلام بعد از حمد الهی و درود به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، چنین فرمود: «خداوند راست گفت که ثم كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا ...؛ یعنی اگر تو امروز با این اشعار کفرآمیز، اسلام و ایمان را انکار میکنی جای تعجب نیست این همان چیزی است که خدا فرموده که مجرمان سرانجام آیات ما را تکذیب میکنند.

آیات، یعنی حضرت علی (علیه السلام) که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) او را معرفی کرده است و عده ای او را کنار بگذارند و آیات را انکار کنند (2)

ص: 253

1- روم، آیه 10.

2- تفسیر نمونه، ج 16، ص 374

یکی از کسانی که روز عید غدیر حضور داشت و برای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شعر گفت و حتی روی منبری که از جهاز شتر درست کرده، بودند ایستاد که پیامبر روی آن دست علی (علیه السلام) را گرفت و او را به عنوان جانشین خود معرفی، کرد حستان ابن ثابت است. او از شعرای نامدار جزیره العرب در زمان خود بود و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حق او دعا کردند و فرمودند تا زمانی که با این زبانت از ما دفاع می کنی، از سوی روح القدس ان شاء الله مخصوص باشی همین شخص در زمان خلافت عثمان که سکه های زر به او دادند حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) را انکار کرد و به طرف او رفت

خداوند در قرآن می فرماید: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»؛ (1) «سپس به دنبال آنها [پیامبران پیشین موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم اما آنها با عدم پذیرش به آن [آیات] ظلم کردند. بین عاقبت مفسدان چگونه بوده این که چگونه به آن آیات ظلم کردند، خدای تعالی خودش در خلال این داستان آن را بیان میفرماید. البته معلوم است که ظلم به هر چیزی به تناسب خود آن چیز است و ظلم به آیات همان تکذیب و انکار آنهاست و ذکر عاقبت فساد انگیزی به منظور عبرت گرفتن مردم بوده تا بدانند اگر فرعونیان منقرض شدند به خاطر انکار آیات الهی بوده است.

ص: 254

هفتمین عامل سوء عاقبت دوست بد . است

اخبار و احادیث فراوانی از رهبران دین مقدس اسلام درباره انتخاب دوست خوب و فراری بودن از رفیق بد وارد شده است قرآن میفرماید وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمَّ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ (1) و به خاطر (آور روزی را که ستمکار دست خود را از شدت (حسرت به دندان میگذرد و میگوید ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم \* ای وای بر من کاش فلان (شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم

این که با چه کسی همنشین باشیم و حشر و نشر داشته باشیم از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چون اعمال و رفتار و کردار آنان در زندگی ما تأثیر زیادی دارد در بین عوام میگویند اگر برای دختر شما خواستگاری، آمد ابتدا تحقیق کن چه کسانی دوست و رفیق او بوده اند. آیا دوست متدین و اهل نماز و مسائل دینی دارد یا دوستان او از نظر اخلاقی منحرف هستند؟

توصیه ام به جوانان در این زمینه زیاد است ما برای خرید میوه ب-ه مغازه میوه فروشی که رجوع میکنیم حواسمان هست که میوه فاسد در پاکت میوه ما قرار نگیرد و سعی میکنیم میوه رسیده و خوب و بدون عیب جدا کنیم؛ اما آیا این توجه را در انتخاب دوست و مصاحب خود داریم؟

دوست بد نمی گذارد ما پله های رشد و کمال را بالا برویم خداوند

ص: 255

در قرآن می فرماید: وَإِنَّهُمْ لَيَصَّبُونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ»؛ (1) «و آنها شیاطین این گروه را از راه [خدا] باز می دارند؛ در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند؛ تا زمانی که [در قیامت] نزد ما حاضر شوند می: گوید ای کاش میان من و تو فاصله شرق و غرب بود؛ چه بد همنشینی بودی

به فرموده این آیات همنشینی با افراد بد باعث غفلت از یاد خدا و غرق شدن در لذات دنیا میشود و نتیجه، آن آلوده شدن به انواع گناهان است. دوست بد موجب میشود آدمی با خدا بیگانه شود و شیاطین بر او مسلط گردند و افکار شیطانی از هر سو او را احاطه کند و انسان بین هدایت و انحراف فرقی قائل نشود و وقتی متوجه شود که دیگر دیر شده است. آن هنگام افسوس می خورد و می گوید که ای کاش بین من و او از شرق تا غرب فاصله بود.

### ویژگی های دوست خوب از منظر روایات

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید دوستی و رفاقت اساسی نخواهد بود مگر این که دارای این حد و حدود باشد اگر دارای این حد و حدود یا بعضی از آنها، باشد آن را لایق رفاقت و صداقت بدان و اگر کسی دارای این حد و حدود، نباشد آن را دوست و رفیق بدان

1 این که ظاهر و باطن او با تو یکی باشد.

2 این که خوبی و آبرومندی تو را خوبی و آبرومندی خود بداند و نقص تو را عیب و نقص خویش بداند.

ص: 256



3. اگر به مقام یا ثروتی رسید دوستی او با تو تغییر نکند به قول، عوام اگر به مقام و مالی دست یافت خود را گم نکند.

4. تو را از آن چیزی که برایش مقدور باشد جلوگیری نکند اگر میتواند کاری برای تو انجام دهد از آن مضایقه نداشته باشد.

5. خصلت پنجم که جامع همه آنهاست این که تو را هنگام گرفتاری و احتیاج رها ننماید. (1)

امام صادق (علیه السلام) میفرماید پدرم به من فرمود: ای پسر عزیزم در نظر داشته باش که با پنج دسته از مردم مصاحبت و گفت و گو نکنی و حتی در راه با آنان همراه نشوی من گفتم پدر جان، آنان کیانند؟ فرمود

1. از دوستی با دروغگو بر حذر باش؛ چراکه او به منزله سراب خواهد بود. وی اشیای بی اساس را برای تو اساسی معرفی می کند و اشیای صحیح و اساسی را ناصحیح و بی اساس.

2. از رفاقت شخص فاسق بر حذر باش؛ زیرا او تو را به یک لقمه غذا یا کمتر از آن می فروشد.

3. از رفاقت شخص بخیل بر حذر باش؛ چراکه اگر تو کوچک ترین احتیاجی به مال وی پیدا کنی، تو را مانع میشود.

4. بر تو لازم است که از رفاقت با شخص احمق بر حذر باشی؛ زیرا او هرگاه بخواهد به تو نفعی برساند ضرر به تو میزند.

5. از دوستی و رفاقت کسی که قطع رحم، کند، بر حذر باش؛ چراکه من او را در سه موضع قرآن مجید، ملعون یافته ام. (2)

ص: 257

---

1- غرر الحکم، ص 522.

2- همان.

چه خوب سروده اند:

چون بسی ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نشاید داد دست (1) عن الصادق (علیه السلام): «أَحْذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةً»؛ «از رفاقت و همبستگی سه گروه برحذر باش.» «الْخَائِنَ وَ الظُّلْمَ وَ التَّامَّ»؛ «خائن، ستمکار و سخن چین.» «لِأَنَّ مَنْ حَانَ لَكَ خَانَكَ»؛ کسی که روزی به نفع تو خیانت میکند روز دیگر به ضرر تو خیانت خواهد کرد.» «وَ مَنْ ظَلَمَ لَكَ سَ يَظْلِمُكَ»؛ «کسی که برای تو به دیگری ستم نماید، طولی نمی کشد که به شخص تو ستم میکند» (مَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَ يَنْمُ عَلَيْكَ)؛ «و کسی که از دیگران نزد تو نما می، کند به زودی از تو نزد دیگران نَمّی خواهد کرد.» لا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا»؛ «چنین شخصی، امین خوبی نخواهد بود. (2)

حضرت علی (علیه السلام) درباره دوست خوب میفرماید: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ»؛ بهترین برادرانت (دوستانت)، کسی است که با راستگوییاش تو را به راستگویی دعوت کند.» «وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ»؛ و با اعمال نیک خود، تو را به بهترین اعمال برانگیزد. (3)

## 8. غش در معامله

عامل هشتم برای سوء عاقبت غش در معامله است. آدم دغلکار، عاقبت

ص: 258

---

1- مولانا، مثنوی معنوی.

2- بحار الانوار، ج 78، ص 229.

3- غرر الحکم، ح 522

به خیر نمی شود. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ»؛ «هر که به برادر مسلمان خود دغلكاری روا دارد خداوند برکت را از روی او بگیرد و وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ»؛ و زندگی اش

و را بر وی تباہ گرداند و او را به خودش واگذارد (1)

## آثار دغلكاری در معامله

آثار دغلكاری و کيفر کسی که جنس معیوبی بفروشد و عییش را به خریدار نگوید، در سخن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین بیان شده است: «مَنْ بَاعَ عَيْبًا لَمْ يُبَيِّنْهُ»؛ «هرکس کالای معیوبی را بفروشد بدون آنکه عییش را به خریدار گفته «باشد لَمْ يَزَلْ فِي مَفْتِ اللَّهِ وَ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهُ»؛ «همواره در خشم خدا باشد و فرشتگان پیوسته لعن و نفرینش کنند (2)

باز از رسول خدا صلی الله علیه وسلم خطاب به مردی که گندم نمدار می فروخت چنین روایت شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى صُبْرَةِ طَعَامٍ»؛ «پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بر تلی از گندم گذشت.» «فَادْخَلَ يَدَهُ فِيهَا فَتَالَتْ أَصَابِعُهُ بَلَاءً»؛ دستش را داخل آن فرو برد و انگشتانش به رطوبتی خورد» «فَقَالَ مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟» به فروشنده گندم فرمودند: این چیست؟ [منظور، رطوبت بود] قال: أصابته السماء يا رسول الله؛ «فروشنده در جواب عرض کرد ای پیامبر خدا این رطوبت اثر باران است که به آن خورده است.» «قال: أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ؟»؛ حضرت فرمودند: چرا این قسمت رطوبت را در روی گندم قرار ندادید تا مردم ببینند و از رطوبت

ص: 259

1- بحار الانوار، ج 76، ص 365

2- كنز العمال، ج 1، ص 3950؛ الترغيب و الترهيب.

آن آگاه باشند؟ سپس فرمودند: «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا»؛ «هر که با ما دغلکاری کند از ما نیست (1)»

از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «مَنْ غَشَّ مُسْئِماً فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ...»؛ «هر فرد مسلمانی که غش در

معامله کند، از ما نیست و روز قیامت با قوم یهود محشور خواهد شد.» (2)

## 9. غرور و اطمینان به نفس

غرور و اطمینان به نفس نهمین عامل سوء عاقبت است. غرور، زمینه ساز گمراهی و اغوا میشود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در نمازهای خود این دعا را می خواندند: «إِلَهِي لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»؛ (3) «خداوندا، مرا لحظه ای به خودم وامگذار. وقتی یکی از همسرانش با اشاره به مقام بلند حضرت نزد خدا از او علت این دعا را پرسید حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «خداوند برادرم یونس را لحظه ای به حال خودش وا گذاشت و آمد به او آنچه آمد.»

در خاتمه، رئوس مطالبی که تا اینجا درباره عاقبت به شری یا سوء عاقبت بیان کردیم را مرور مینماییم این عوامل عبارتند از: 1. شرک؛ 2. فساد. حُب دنیا؛ 4 ناشکری 5 هتک حرمت مؤمن؛ 6. تکذیب انبیا؛ 7. دوست بد؛ 8 غش در معامله 9 غرور و اطمینان به نفس

مطالبی که در موضوعات فوق گفته شد جای بحث زیادی دارد و

ص: 260

---

1- امالی صدوق، 515/707

2- همان.

3- بحار الانوار، ج 18، ص 204

نیاز به جلسات متعدد دارد که از حوصله این گفتار خارج است و نیاز به بسط و توسعه بیشتر دارد.

خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر بگرداند و این صفات بد را از ما و زندگی ما دور سازد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 261

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

شب نوزدهم سال 1386 شمسی اولین مجلس احیاء در این مکان برگزار شد؛ یعنی امسال دقیقاً هشتمین سال برگزاری این مراسم معنوی در این مکان است. (1) خدا رحمت کند استاد بزرگوار مرحوم آیت الله حاج آقا حسن امامی را که فرمودند من نیستم و شماها هستید و آبادانی این مکان و این مسجد را خواهید دید. «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ». (2) وظیفه ما تشکر و قدردانی است از آنان که این مکان را برای برگزاری مراسم آماده کردند و عزیزانی که در این چند سال کار ساختمان مسجد را به این مرحله رساندند خدا را به فرق شکافته امیر المؤمنین علی (علیه السلام) قسم می دهیم آنچه امشب به خوبان خودش ارزانی میکند به اهل مجلس ما عنایت فرماید.

### بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام) در شب قدر

چندین سال است که شبهای نوزدهم و بیست و یکم ماه رمضان در

ص: 262

---

1- مصادف با شب نوزدهم ماه مبارک رمضان 1436 قمری.

2- محدث عاملی، تفضیل وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، ناشر موسسه آل البیت، ج 16، قم، 1409 قمری

فضائل حضرت علی (علیه السلام) صحبت میکنم و اعتقاد دارم که بهترین مطلب برای این شبها همین مبحث است و نیت کرده ام و شما هم نیت کنید و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بشنوید فضائل مولا علی (علیه السلام) نور است و نورانیت دارد و جلسه ای که فضائل علی (علیه السلام) در آن بیان شود آن مجلس محل نزول ملائکه است.

### شدت علاقه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره فضائل آن حضرت فرموده اند: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَيَّ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ»؛ (1) «هر گوشی که فضائل علی را بشنود خداوند متعال گناهای را که با آن گوش شنیده است می بخشد و هر زبانی که فضائل مولا را بیان کند گناهایی که با آن زبان بیان شده، است خداوند متعال می بخشد.

شب قدر شب، بخشایش شب مغفرت و شب آمرزش است. می خواهیم فضائل حضرت علی (علیه السلام) را بشنویم و مجلسمان نورانی شود و خداوند نگاه ویژه به ما داشته باشد و ما را ببخشد و پیامرزد.

این روایت را صاحب کشف الغمّه درباره فضائل امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل کند. عباس عموی پیامبر صلی الله علیه وسلم می گوید: با فرزندم عبدالله خدمت

نشسته بودیم دیدم وجود نازنین علی (علیه السلام) وارد شد. همین که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چشم مبارکشان به سیمای علی (علیه السلام)، افتاد چهره شان بشاش شد و تبسمی بر لبان ایشان نقش بست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) علاقه زیادی به حضرت علی (علیه السلام) داشتند. عباس عموی پیامبر میگوید عرض کردم یا رسول الله!

ص: 263

أَتَحِبُّ هَذَا؟»؛ «آیا شما علی را دوست دارید؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در جواب فرمودند: «وَاللَّهِ، اللَّهُ أَشَدُّ حُبًّا لَهُ مِنِّي»؛ به خدا قسم خدای متعال بیش از من

علی را دوست دارد و محبت خدا و دوستی او به امیرالمؤمنین شدیدتر است.» بعد فرمودند: «یا عَمَّ!»؛ «عمو جان!» «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كَلِّ نَبِيِّ فِي لَبِّهِ بَيْنَ وَتَوْجِهَ دَاشْتِهَ بَاشِ كِه خِدَايِ مَتَعَالِ ذَرِيَه هِر پيغمبري را در نسل خودش قرار داده است. نسل حضرت ابراهيم از حضرت اسماعيل است. نسل حضرت داوود از حضرت سليمان است حال بين خداوند چقدر به علی علاقه دارد که من پیغمبری که خاتم انبیا هستم، وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ «فرزندان و ذریه من را از نسل علی قرار داده است. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند حسن و حسین فرزندان من هستند. (1)

### فضائل حضرت علی (علیه السلام) از زبان جبرئیل

در نقل دیگری داریم جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کرد: «یا محمد صلی الله علیه وسلم وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا (صلی الله علیه وآله وسلم) إِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لِأَشَدُّ مَعْرِفَةً لَهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ.» ای کسانی که در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان به عشق علی بن ابی طالب در خانه ای که منسوب به نام زیبای مولای ما امیر المؤمنین (علیه السلام) است، جمع شده اید، جبرئیل به پیغمبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کرد: ای محمد! سوگند به کسی که تو را به حق به نبوت برانگیخت، اهل آسمان علی (علیه السلام) را بهتر از اهل زمین میشناسند»؛ (2) لذا هر موقع به سینه مبارک پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وحی نازل میکرد میگفت سلام من جبرئیل را به علی (علیه السلام) برسان.

ص: 264

1- بحار الانوار، ج 38 ص 307.

2- بحار الانوار، ج 39، ص 99



یک بار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از جبرئیل سؤال کرد. جبرئیل بگو بینم علی را از چه زمانی میشناسی؟ در جواب: گفت وقتی خدای متعال مرا خلق کرد به من: فرمود تو که هستی؟ من نتوانستم جواب بدهم و عاجز شدم برای مرتبه دوم سؤال کرد تو که هستی؟ در پاسخ ماندم باز برای مرتبه سوم همین سؤال تکرار شد. در جواب متحیر شدم. یک مرتبه دیدم این علی (علیه السلام)، خطاب به من: گفت بگو أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ، وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ». (1) من هم فوری جواب دادم از عرش خطاب: آمد رحمت بر تو و استاد تو علی بن ابی طالب باد که به تو درس معرفت داد یا رسول الله علی (علیه السلام) آن روز آبروی مرا خرید؛ مگر میشود من علی را نشناسم.

ایزد آن روز که این پرده مینا میکرد

در پس پرده علی بود تماشا می کرد

### درهای ویژه بهشت برای ورود شیعیان علی (علیه السلام)

مرحوم علامه طباطبایی در روایتی نقل کرده و می فرماید بهشت هشت درب دارد از یکی از این درها صالحین وارد بهشت می شوند درب دیگر مخصوص صدیقین است و دربی نیز اختصاص به شهدا دارد و خداوند آن پنج درب دیگر را برای ورود شیعیان علی (علیه السلام) قرار داده است.

در روایت دیگری میگوید کوبه درب بهشت ذکر یا علی می گوید.

ص: 265

بعد ایشان در توضیح این مطلب بیان میکنند که کوبه و زنگ درب برای اطلاع رسانی اهل خانه است و برای ورود آن را به صدا در می آورند. حال توجه کنید کوبه های دربهای بهشت ذکر یا علی میگویند؛ یعنی هرکس ولایت و محبت این آقا را داشته باشد به او اجازه ورود به بهشت را میدهند البته این دربها حسی نیستند و با درب خانه های ما فرق میکنند و اصلاً قابل مقایسه نیستند ما خیلی مضمون این روایت را درک نمی کنیم در، قدیم درب خانه ها کوبه ای داشت که به منزله زنگ ورود به خانه بود و هر کس قصد ورود به خانه ای را داشت با کوبیدن کوبه ورود خود را اعلام میکرد

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.» ما همه علی بن ابی طالب (علیه السلام) را دوست داریم و ادعا میکنیم شیعه او هستیم. بعد میفرماید این روایت به این معناست که هر کس یا علی بگوید و ولایت علی (علیه السلام) را داشته باشد کوبنده درب بهشت است. حال از خود سؤال کنیم که علی (علیه السلام) از من شیعه اش چه انتظاری دارد.

### عمار ذهنی نمونه ای از شیعیان علی (علیه السلام)

مدال شیعه علی، بودن مدال کم ارزشی نیست که هر کسی آن را به سینه خود نصب کند. عمار ذهنی کوفی از شیعیان امام صادق (علیه السلام) است أمّ ابی، لیلانی، قاضی القضاة کوفه بود حکومت، تحت سیطره اهل تسنن بود و قاضی را هم آنان منصوب کرده بودند. کاری محکمه ای برای عمار پیش آمد و برای ادای شهادت در محکمه حاضر شد. قاضی شهادت او را پذیرفت و گفت شهادت تو پذیرفته

نیست. عمار سؤال کرد به چه دلیل شهادت مرا نمی پذیری؟ قاضی گفت به دو دلیل؛ دلیل اول این که تو رافضی هستی و دوم، شیعه علی بودن توست و چون شیعه علی، هستی شهادت تو در این دادگاه پذیرفته نیست عمار با شنیدن این، سخنان مثل ابر بهاری شروع به گریستن کرد و اشک ریخت قاضی با دیدن این منظره و گریه کردن او تصور کرد به خاطر این که شهادت او را نپذیرفته است گریه می کند. گفت عیبی ندارد؛ توبه کن و دست از عقیده ات بردار و از علی (علیه السلام) بیزاری بجوی؛ من به تو کمک خواهم کرد و اعلام می کنم که توبه اشتباهت پی برده ای و شهادت تو را قبول میکنم عمار در جواب قاضی گفت بنده خدا من برای این که تو شهادتت را قبول نکرده ای گریه نمیکنم قاضی گفت پس علت گریه ات چیست؟ عمار گفت به دو دلیل؛ یکی برای تو و دیگری برای خودم. اول این که تو دو مدال به من دادی و من لایق این دو مدال نیستم توبه من گفتمی

رافضی؛ اما من رافضی نیستم مولایم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: اول کسی که این کلمه را به کار برد، حضرت موسی (علیه السلام) بود که خطاب به سَحْرَه فرعون به کار برد آنان چون فرعون را ترک کردند و ترک باطل نمودند حضرت موسی خطاب به آنان گفت رافضی رافضی کسی است که ترک باطل و ترک گناه کند من اگر میتوانستم ترک گناه و معصیت حقیقی، کنم رافضی حقیقی بودم ای کاش من این طور بودم. گفتمی تو شیعه هستی، شیعه حضرت ابراهیم بود، شیعه اوصیای الهی، هستند شیعه علی (علیه السلام) کسانی مثل عمار سلمان و ابوذر بودند که فدایی علی بودند من لایق این مدال نیستم. من کجا و شیعه

امام صادق (علیه السلام) کجا؟ گریه ام برای خودم است که تو دو عنوان به من دادی که در من نیست و برای تو گریه میکنم که چقدر کوردلی و به مبانی دینی و اعتقادی آگاهی نداری (1)

بعد عمار آمد خدمت امام صادق (علیه السلام) و جریان را برای ایشان تعریف کرد. امام صادق (علیه السلام) به عمار فرمودند به خاطر این که از ما دفاع کردی خداوند گناهان تو را بخشید. (2)

ز قدسیان سما تا به عرش و لوح و قلم \*\*\* ز ساکنان زمین تا به بر و بحر و جبل

به قدر همت خود هر یکی بلی گفتند \*\*\* از آن متاع ربوندن اگر چه یک خردل (3)

### امتیازات ویژه شیعیان علی علیه السلام

شیعه علی (علیه السلام)، بودن دارای امتیاز است. خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند علی جان جبرئیل به من بشارت داد به شیعیانت بگو کسی که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد و شیعه حقیقی علی باشد، خداوند متعال، هفت امتیاز ویژه به او میدهد: «قَالَ: هَذَا حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ يَخْبُرُنِي عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى مُجِيبَكَ وَشِدَّ يِعْتَاكَ سَبْعَ خِصَالٍ»؛ (4) «ای علی دوست من جبرئیل اکنون به من خبر میدهد که خداوند متعال به

ص: 268

---

1- علی بن یونس، عاملی کتاب صراط مستقیم، ج 3، ص 76.

2- تحف العقول، ص 488

3- عمان سامانی گنجینه الاسرار، انتشارات میثم تمار، اصفهان چاپ، اول خرداد 1362 شمسی.

4- بحار الانوار، ج 65، ص 9

دوستدار و شیعه تو هفت امتیاز داده است [که عبارتند از]

اول: «الرَّفَقَ عِنْدَ الْمَوْتِ»؛ مدارا کردن با او در هنگام مرگ مرگش مرگ آسانی است.

دوم: «وَالْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ»؛ «در هنگام وحشت قبر، انیس و مونس دارد.

سوم: «وَالثُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ»؛ «خانه قبرش نورانی خواهد بود.»

چهارم: «وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ»؛ «در مواقع هولناک، امنیت خاطر و آرامش دارد» هم در هنگام جان دادن هم در برزخ و هم در قیامت).

پنجم: «وَالْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ»؛ برتری در ترازوی اعمال

ششم: «وَالْجَوَّازَ عَلَى الصِّرَاطِ»؛ «و جواز عبور از پل صراط.»

هفتم و از همه مهمتر: «و دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ مِنَ الْأُمَّمِ .. قبل از امتهای دیگر وارد بهشت میشود.

، حال با اعمال و کرداری که داریم و رفتاری که انجام میدهیم خود را با شیعه واقعی علی (علیه السلام) محک بزنییم و مقایسه کنیم تا جایگاه خود را در این میان دریابیم

### معیارهای شیعیان علی (علیه السلام)

در کتاب اصول کافی ج 2، ص (72) برای معیار شیعه علی (علیه السلام) بودن، هفت خصیصه بیان شده است، بدین شرح

1. شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا»؛ «شیعیان ما کسانی هستند که در راه ولایت ما از خود بذل میکنند و بخشش نشان میدهند

شیعیان ما حاضرند جان خود را در راه اهل بیت علیهم السلام فدا کنند.

ص: 269

جلساتی که در راه معارف اهل بیت علیهم السلام برگزار میشود برایشان اهمیت دارد. از وقت و مال خود در این راه هزینه میکند

2. «الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا»؛ در راه مودت ما همدیگر را دوست دارند.»

شیعه های ما «مُتَحَابُّونَ» هستند. روایت داریم در بهشت مقامی به نام «مُتَحَابِّينَ» وجود دارد این لغت در باب تفاعل به معنای دوستی دوطرفه است، یعنی همدیگر را به خاطر ولایت ما دوست دارند چون محب من علی بن ابی طالب (علیه السلام) هستند هیچ گاه بغض و کینه به دل راه نمی دهند. شیعیان علی (علیه السلام) با یکدیگر عداوت و دشمنی ندارند.

متأسفانه بعضی ادعا میکنند شیعه علی (علیه السلام) هستند؛ ولی با خویشان و نزدیکان خود قهر. هستند خداوند به کسی که عاق والدین باشد توجه نمی کند. دست مادر و پدر را ببوسید و از آنان حلالیت بطلبید. .

3. الْمُنْتَزِعُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا؛ «شیعیان ما گرد هم جمع میشوند و امر ما را احیاء میکنند

شیعیان ما برای زنده نگه داشتن دستورات ما به زیارت یکدیگر می روند.

برگزاری جلسات، مذهبی خود احیای امر اهل بیت علیهم السلام است

امام صادق (علیه السلام) به فضیل فرمودند: «يَا فَضِيلُ، تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟»؛ «ای فضیل، آیا دور هم جمع میشوید و احادیث ما را بیان میکنید؟» «قال: نعم، جُعِلْتُ فِدَاكَ.» گفت: بلی فدایت گردم امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «تلك الْمَجَالِسُ أَحْبَبُهَا»؛ چنین جلساتی که در آن فضائل ما بیان شود و امر ما احیاء گردد من امام صادق (علیه السلام) به چنین جلساتی علاقه دارم.

ای کسانی که در شب نوزدهم آمده و کلام علی (علیه السلام) و فضائل آن حضرت را میشنوید امام صادق (علیه السلام) چنین جلساتی را دوست دارد و در

حق شما دعا می کند و خود ایشان فرموده اند: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» (1) خدا رحمت کند کسانی که امر ما را احیاء میکنند.»

4. «وَالَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا»؛ شیعیان ما در حال غضب به کسی ظلم نمی کنند.

شیعیان ما در حال عصبانیت و ناراحتی که برای آنها پیش می آید، به کسی ستم روا نمی دارند در اوج، غضب اهل ظلم نیستند. اگر از همسرش ناراحت شد خوبیهای او را فراموش نمی کند و تنها به بدیهای او توجه نمیکنند.

پیشوای ما علی (علیه السلام) هم دارای چنین خصیصه ای بود. حضرت علی (علیه السلام) در زمان حکومت خود و در اوج قدرت از مسیری عبور می کردند، مشاهده نمودند کنیزکی مقداری خرما در دست دارد و گریه می کند. حضرت (علیه السلام) علت را از او سؤال کردند او در جواب گفت صاحب من مرا برای خرید خرما فرستاده، است اکنون که خرماها را به خانه برده ام، او از کیفیت آن راضی نیست و امر کرده است تا آنها را برگردانم. حال که برای تعویض آن، آمده ام فروشنده از این امر امتناع می کند.

یکی از اموری که در اسلام به آن سفارش شده است، «اقاله» است؛ یعنی پس گرفتن در روایت است که خداوند کاسبی که در کسب خود سختگیری نکند برکت عطا مینماید این که جنس فروخته شده، پس گرفته نمی شود» این، حرکت فرهنگ مکتب علی (علیه السلام) نیست. از سید جمال الدین اسدآبادی نقل شده است که در غرب اسلام، دیدم ولی مسلمان ندیدم.

ص: 271

یکی از کارهای خوبی که در آن ممالک اجرا میشود همین اقاله» است. اگر جنسی را خریداری کردی و سه ماه بعد هم به شرط آنکه معیوب نباشد، آن را پس بردی، پس میگیرند و وجه آن را به شما مسترد می کنند

امیر المؤمنین (علیه السلام) خطاب به دخترک: فرمودند بیا تا با هم به مغازه خرمافروش برویم. حضرت (علیه السلام) با لحن لین به مغازه دار فرمودند: این خرماها را عوض کن خرمافروش که حضرت (علیه السلام) را نمی شناخت، با تندی به دخترک: گفت رفتی و واسطه آوردی؟ و مشت محکمی به سینه حضرت وارد کرد حضرت (علیه السلام) عکس العمل نشان نداد؛ زیرا او اسدالله است و قهرمان بدر و حنین، وَصَرَبَةُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ<sup>(1)</sup>. اینها مدالهای حضرت علی (علیه السلام) است؛ اما چون کار برای خداست، ذره ای عصبانیت در وجود ایشان پیدا نشد. با لبخند با او صحبت کرد، اطرافیان حضرت (علیه السلام) را شناختند و به فروشنده گفتند آیا فهمیدی چه کردی و با چه شخصیتی طرف هستی؟ این شخصیت خلیفه مسلمین است خرمافروش رنگ از رخسارش پرید و به دست و پا افتاد و با خود گفت با چنین رفتاری که با او، کردم مرا سخت مجازات خواهد کرد. اما حضرت (علیه السلام) به او فرمودند، هیچ ناراحت نباش؛ ولی از این پس رفتار و کردار زشت خود را عوض کن اگر میخواهی من علی (علیه السلام) از تو راضی باشم دیگر این کار را تکرار نکن

شیعه علی (علیه السلام) وقتی عصبانی میشود به کسی ظلم و ستم روا نمی دارد

5. «إِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا»؛ در صورت خوشی و رضا اسراف نمی کند.

ص: 272

---

1- حاکم النیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبد الله (متوفی 450 هـ-) المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 34



ای شیعه علی (علیه السلام)، حال که الحمدلله وضع مالی خوبی پیدا کردی مجالس تجملاتی و آن چنانی برپا مکن عقد و عروسی اشرافی برای پسر و دختری تدارک نبین که باعث دلسوختن پسر و دختری بشود که تمکن مالی ندارند

6. «بِرَكَّةٍ عَلَيَّ مَنْ جَاوَزُوا»؛ «شیعیان ما به همسایگان خود مهربان هستند.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: جبرئیل آن قدر سفارش همسایه را به من کرد که من فکر کردم همسایه از همسایه ارث میبرد شیعه علی (علیه السلام) برای همسایگان خود مزاحمت ایجاد نمی. کند به خصوص اکنون که بیشتر مردم آپارتمان نشین شده اند باید بیشتر حق همسایگی را رعایت کنند.

7. «سَلِّمْ لِمَنْ خَالَطُوا»؛ با کسانی که معاشرت می کنند، با نرمخویی و صلح و صفا و صمیمیت برخورد میکند

این انتظار علی (علیه السلام) از پیروان خود است. در رأس آن هم خانواده و اطرافیان انسان. هستند متأسفانه رفتار اجتماعی بعضی از افراد به نحوی است که نزدیک ترین کسان او که خانواده او هستند، انتظار مرگش را دارند

یاد داری که وقت زادن تو \*\*\* همه خندان بدند و تو گریان

آن چنان زی که وقت رفتن تو \*\*\* همه گریان شوند و تو خندان (1)

رفتار ما در طول زندگی باید طوری باشد که وقت رفتن و کوتاه شدن دست ما از این دنیا دعای خیر مردم به دنبال ما باشد. سعی کنیم

ص: 273

در این شب قدر در اعمال و کردارمان تجدید نظری داشته باشیم. این مدت زندگی کوتاه و مختصر دنیا تلاش کنیم در مسیری قدم برداریم که اهل بیت علیهم السلام از ما خواسته اند و این نشانه ها و خصلت هایی که برای شیعه راستین بیان کرده اند در زندگی پیاده کنیم تا هم شیعه واقعی مولا علی (علیه السلام) باشیم و هم سعادت دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشیم.

از خدا میخواهیم این توفیق را به ما عنایت کند که این صفات را که برشمردیم در زندگی خود به مرحله عمل برسانیم. از او می خواهیم که ما را از جمله شیعیان حقیقی حضرت علی (علیه السلام) قرار دهد و لبخند ایشان را شامل حال ما. گرداند و شب نوزدهم که به احتمال شب قدر هم هست گناهان ما را ببخشد و پیامرزد صلی الله علیک یا امیرالمؤمنین (علیه السلام)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 274

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

### بیان فضائل حضرت علی (علیه السلام)

موضوع سخنرانی در شبهای نوزدهم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان درباره فضائل حضرت علی (علیه السلام) است اعتقاد و باور ما بر آن است که ملائکه در این شبها در این جلسات شرکت میکنند

امشب شب شهادت مولای متقیان علی (علیه السلام) است وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ذُكِرَ عَلِيٌّ عِبَادَةً»؛ (1) «بیان فضائل امیر المؤمنین (علیه السلام) و شنیدن آن عبادت است؛ لذا امشب با نیت فضائل علی (علیه السلام) را گوش کنید؛ هر چند من حقیر هم با این زبان آکن از بیان فضائل آن حضرت (علیه السلام) عاجز هستم خدایش رحمت کند آن شاعر عرب زبان را که میگوید

هَذَا عَلِيٌّ بَشَرٌ كَيْفَ بَشَرٍ \*\*\* رَبُّهُ فِيهِ تَجَلَّى وَظَهَرَ

بنابر نقلی این شاعر همان شبی که این شعر را می سراید در عالم

ص: 275

رؤیا، خدمت وجود نازنین پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) مشرف می شود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به او میفرماید شعر را برای من بخوان مقابل ایشان این شعر را میخواند

هَذَا عَلِيٌّ بَشَرٌ كَيْفَ بَشَرٍ \*\*\* رَبُّهُ فِيهِ تَجَلَّى وَظَهَرَ

كُلُّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ \*\*\* مُؤْتَهُ هَوْتَهُ مَوْتُ حِمَارٍ وَبَقَرٍ

مُحِبُّهُ مَبْدَأُ خُلْدٍ وَنَعَّ خُلْدٍ وَنِعَمَ \*\*\* بَعْضُهُ مَشْتَأُ نَارٍ وَسَقَرٍ

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) شعر او را تأیید میکنند و وجود نازنین ایشان این جمله را تکرار میفرمایند که «هَذَا عَلِيٌّ بَشَرٌ كَيْفَ بَشَرٍ».

رومی نشد از سر علی آگه کس \*\*\* زیرا که نشد کس آگه از سر الله

یک ممکن و این همه صفات واجب \*\*\* لا حول ولا قوة إلا بالله

این همه صفات در وجود کسی به غیر از علی (علیه السلام) جمع نمی شود.

### جایگاه حضرت علی (علیه السلام) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم

علی بن ابی طالب (علیه السلام) که به عشق او در این محفل شرکت کرده ایم شخصیتی است که ابن عباس درباره اش میگوید وارد خانه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شدم دیدم پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از این که نمازشان تمام شد، به سجده رفتند و میخواهند خدا را قسم بدهند به حق چه کسی خدا را قسم میدهند؟ کنجکاو شدم و به اصطلاح گوشهای خود را تیز کردم. دیدم پیامبری که گوشه ناخنش به عرش و ثریا می، ارز در حالت سجده اشک میریزد و می فرماید: «الهی، بحق علی الذی لم یشرک باللّه طرفة عین»؛ (1) «خداوندا! تورا

ص: 276

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 279.

سوگند به حق آن علی که چشم به هم زدنی به خدا مشرک نشد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سر از سجده برداشتند گفتیم آقا جان یا رسول الله همه عالم دست به دامان شما میشوند شما خدا را به حق علی (علیه السلام) قسم می دهید؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «ابن عباس نگاه کردم به آسمانیان و زمینیان، دیدم خدای متعال به هیچ شخصی به اندازه علی ابن ابیطالب (علیه السلام) علاقه مند نیست؛ لذا خدا را به حق علی قسم دادم. ای شیعه علی توجه نمودی جایگاه و منزلت حضرت علی (علیه السلام) نزد پروردگارش چقدر است؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، خدا را به حق علی (علیه السلام) قسم داده است.

## حکایت اباذر و خلیفه دوم

در تاریخ آمده است که خلیفه دوم به طرف مسجد می رفت تا خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برسد در راه اباذر را دید از او سؤال کرد در مسجد چه کسی بود؟ اباذر در جواب گفت جوانی در کنار پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشسته بود. سؤال کرد این جوان چه کسی بود؟ اباذر در جواب گفت من آن جوان را نشناختم عمر وارد مسجد شد و مشاهده کرد حضرت علی (علیه السلام) در کنار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشسته است. به حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کرد: آقا جان! شما این همه تعریف اباذر را میکنید و میفرمایید که زیر این آسمان خداوند راستگوتر از اباذر خلق نکرده است؛ در حالی که اباذر کذاب است. من خودم از او حرف دروغ شنیدم. پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «از او چه شنیدی که این صفت را به او نسبت میدهی؟ عمر گفت: در راه که به مسجد می آمدم، از او سؤال کردم چه کسی در مسجد در کنار شما نشسته است؟ گفت جوانی نشسته بود من او را نشناختم. پیامبر

اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در جواب فرمودند اباذر راست گفته است. انبیاء علیهم السلام علی را نشناختند، اوصیاء علی را نشناختند مردم علی را نشناختند، حال، چگونه اباذر علی را بشناسد به آن خدا قسم من پیغمبر که به حق مبعوث به رسالتش شدم علی را تنها خدای شناسد و من پیغمبر خاتم

### علی (علیه السلام)، تمامیت ایمان

علی (علیه السلام) همان شخصیتی است که در جنگ خندق وقتی عمرو ابن عبدود که از شجاعان لشکر کفار بود و یک تنه با چندین جنگجوی عرب مقابله می کرد و به شهادت تاریخ در یکی از جنگها، وقتی نیزه و سپر او شکست کره شتری را سپر خود قرار داد و با دست دیگرش شمشیر می زد این عمرو وقتی از دهانه خندق پرید فریاد برآورد: «هَلْ مِنْ مُبَارِزٍ؟ طبق نقل، تاریخ رنگ از چهره مسلمانان پریده و وحشت کرده بودند و بعضاً صدای برهم خوردن دندانهای آنان به گوش می رسید؛ گویی عقابی با چنگالهای تیز بر سر آنان نشسته باشد.

صل الله عمرو در این حالت به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بی ادبی کرد و گفت: پسر عبدالله! مگر نمیگویی اگر اینان مبارزه کنند و کشته شوند به بهشت می روند. بیایند با من بجنگند تا همه آنان را به بهشت بفرستم. همه ساکت شدند و تنها کسی که جرأت نمود به جنگ عمرو ابن عبدود برود، علی (علیه السلام) بود. وقتی حضرت علی (علیه السلام) آماده جنگیدن با او شد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) عمامه خود را بر سر علی (علیه السلام) گذاشتند و جمله ای بیان فرمودند که برای تاریخ درس است. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «خدایا تو شاهد باش من تمامی ایمان را به صحنه جنگ میفرستم (1)

ص: 278

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرماید: علی (علیه السلام)، تمامیت ایمان است؛ لذا می فرماید: آلا) وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي))؛ «هر کس علی را دوست داشته باشد، من پیامبر را دوست دارد وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»؛ (1) «و هر کس من پیامبر را دوست داشته باشد خدا را دوست دارد. آیا می خواهید پیش خدا محبوب شوید و خداوند نگاه ویژه به شما داشته باشد؟ آیا می خواهید در هنگام موت و سكرات، مرگ مشکلی نداشته باشید و در بهشت، همنشین صالحین و اولیای خدا باشید؟ سر آن در یک کلمه است و آن علی (علیه السلام) است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي وَ مَنْ أَنْكَرَ نُبُوتِي فَقَدْ كَفَرَ»؛ (2) «هر کس امامت علی (علیه السلام) را انکار کند، نبوت من پیغمبر را انکار کرده است و هر کس من پیامبر را انکار کند، کافر است.»

### حکایت حام ابن، حیم یکی از فرزندان ابلیس

علی را خدا و پیامبر او میشناسد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد نشسته بودند. دیدند موجودی عجیب الخلقه و عظیم الجثه و بدهیبت وارد مسجد شد؛ به طوری که همه ترسیدند فرمودند نترسید این موجود با من کار دارد آمد نزد پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و خودش را معرفی کرد گفت یا رسول الله من حام ابن حیم ابن لأمس ابن ابلیس و از از طایفه اجنه و از فرزندان شیطان هستم. از روز هبوط آدم تا کنون بوده ام. از شمای پیامبر سؤالی دارم. جواب آن را به من بدهید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند سؤالت را بپرس گفت: آقا جان! وقتی

ص: 279

1- بحار الانوار، ج 7، ص 221

2- ذخائر العقبی، ص 68

شیطان از فرمان خدا سرپیچی کرد و به آدم سجده نکرد، ما از طرف شیطان مأموریت پیدا کردیم اولاد آدم را الی یوم القیامه گمراه کنیم. ما در انجام مأموریت خود، آدم و بچه های او را اذیت میکردیم. آقای با هیبت و جلال میآمد و از این کار ممانعت میکرد و نمی گذاشت ما به آنان آزاری برسانیم. با خود گفتم این آقا پیامبر بعدی است؛ اما دیدم حضرت نوح آمد حضرت ابراهیم آمد، حضرت موسی آمد، حضرت عیسی آمد با خود گفتم او پیغمبر بعد از آنهاست؛ اما این آقا پیغمبر نبود ما یقین داریم پیامبر خاتم شما هستید و بعد از شما پیغمبری نخواهد آمد. آیا میشود این شخص را که حامی انبیاء، بود به ما معرفی کنید. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند اگر او را بینی می شناسی؟ او در جواب گفت بله یا رسول الله در این لحظه امیرالمؤمنین (علیه السلام) سرشان پایین بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند یا علی سر خود را بالا بیاور. فرزند شیطان نگاهی به چهره علی انداخت چهره اش دگرگون شد و گفت: یا رسول الله حامی انبیاء همین شخص بود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «این آقا وصی من است، اسدالله، است عین الله، است وجه الله است. او علی ابن ابی طالب است.

### علی (علیه السلام) از زبان خودش

خود حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «جَعَلَ اللَّهُ لِي مَا لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَا لِنَبِيِّ مُرْسَلٍ وَلَا لِمَلَكٍ مُّقْرَّبٍ...» (1) «خداوند به من مقامی داده است که به هیچ یک از گذشتگان و آیندگان چنین مقامی نداده است؛ چه پیامبر مرسل و چه فرشته مقرب.» سپس فرمودند:

ص: 280



«أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ بِأَمْرِ رَبِّي...»؛ «من بودم که نوح را به امر پروردگار سوار بر کشتی کردم أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي»؛ «من حضرت یونس را با اجازه خداوند از شکم نهنگ نجات دادم.» «أَنَا الَّذِي جَاوَزْتُ بِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ الْبَحْرَ بِأَمْرِ رَبِّي»؛ «من بودم که حضرت موسی بن عمران را به امر خدا از دریا عبور دادم أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ رَبِّي»؛ (1) «من حضرت ابراهیم را به اذن پروردگار از آتش نجات دادم.»

### شیعه بودن عملی نه زبانی

حال، با چنین مقام و منزلتی، آیا ممکن است ک-ه در شب شهادت علی (علیه السلام) در مسجدی که به نام اوست به احیاء بنشینیم و کلمه «یا علی» زبان جاری کنیم و خدای مهربان به ما توجه نداشته باشد و نظر رحمت به مجلس ما نکند؟ البته شرط آن این است: حال که خداوند بر سر ما منت نهاده و توفیق دریافت چنین مدالی را یافته ایم با اعمال و کردار و رفتارمان آبروریز علی (علیه السلام) نباشیم و توجه کنیم مولای ما امیر المؤمنین علی (علیه السلام) از ما چه انتظاری دارد؛ همان را انجام دهیم تا رحمت الهی شامل حال ما شود.

### صفات شیعیان علی (علیه السلام) در بیان خود حضرت

حضرت در حکمت 289 نهج البلاغه ما را راهنمایی کرده اند. شیعه علی بودن تنها به اسم نیست در شناسنامه شیعه بودن حضرت علی (علیه السلام) این

ص: 281

صفات را از ما میخوانند در این، حکمت حضرت (علیه السلام) بیاناتی زیبا دارند که باید آنها را به صورت تابلو در مراکز شیعه نصب نمود تا مردم دنیا بدانند فقط یک چنین فردی میتواند ادعای شیعه بودن کند.

حضرت (علیه السلام) در این حکمت میفرمایند: «فَعَلَيْكُمْ بِهَذِهِ الْخَلَائِقِ»؛ «پس شما باد روی آوردن به این گونه ارزشهای اخلاقی.» «فَالزُّمُوهَا وَتَنَافَسُوا فِيهَا»؛ پس با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید.

بشتابید و این صفات را که من بیان میکنم در به دست آوردن آن از یکدیگر سبقت بگیرید و در کسب مکارم اخلاق با هم مسابقه بگذارید. تنافس یعنی مسابقه قرآن میفرماید: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ (1) در کارهای خیر با یکدیگر مسابقه بگذارید. متأسفانه در جامعه مشاهده می کنیم عده ای در بی دینی مسابقه گذاشته اند در بالا کشیدن مال مردم مسابقه گذاشته اند و فراموش کرده اند که در، آخرت حساب و کتابی هست و شب اول قبری هست.

حضرت (علیه السلام) به ما تخفیف هم داده اند و فرموده اند: «فَإِنْ لَمْ تَسَّ تَطِيعُوهَا»؛ «اگر نمیتوانید همه این صفات را کسب کنید»، «فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخْذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ»؛ سعی کنید برخی از این ارزشهای اخلاقی را به دست آورید که بهتر از رها کردن همه است.»

آب دریا را اگر نتوان کشید \*\*\* هم به قدر تشنگی باید چشید (2)

پس اول برای کسب این صفات مسابقه بگذارید و برای به دست آوردن آن تلاش کنید اگر نتوانستید دست کم مقداری از آن را کسب

ص: 282

---

1- بقره، آیه 148.

2- مولوی، مثنوی معنوی.

کنید که بهتر از ترک آن است.

سپس حضرت (علیه السلام) می فرماید: «كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ وَكَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي»؛ (1) پیش از این برادری دینی داشتم که این ویژگیها را داشت و به خاطر این صفات در نگاه من علی (علیه السلام) بزرگ مقدار بود.»

این یعنی هر کس دارای این ویژگیها، باشد با علی (علیه السلام) برادر می شود و به واسطه آن نزد مولا علی (علیه السلام) بزرگ می شود. در خانه اگر کس است، همین حکمت نهج البلاغه بس است. آن صفات از این قرار است

1. صَغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ «دنیا در پیش چشم او کوچک بود.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَحَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (2). علت غصب شدن حق علی (علیه السلام) به خاطر حب دنیا بود و به خاطر جاه طلبی و دنیا پرستی بود بیشتر حق الناسها که امروزه در جامعه ما اشاعه پیدا کرده، است به خاطر حب دنیا است.

بزرگان در دنیا زندگی میکنند؛ اما دنیا را از بالا نگاه می کنند وقتی دنیا را از بالا نگاه کردی دنیا نزد شما کوچک و بی ارزش خواهد شد. وقتی با هوایما پرواز میکنیم از پنجره هواپیما که به زمین نگاه میکنیم یک آپارتمان ده طبقه به اندازه یک قوطی کبریت به نظر میرسد وقتی روح از جسم ما جدا شد، از بالا نگاه میکنیم و افسوس می خوریم که ما برای یک جعبه کبریت یک عمر مال این و آن را جمع و حق و ناحق و حلال و حرام میکردیم برای یک وجب زمین چندین سال با خواهر و

ص: 283

---

1- بحار الانوار، ج 64، ص 314

2- اصول کافی، ج 2، ص 130

برادرمان قهر بودیم و حق آنان را پایمال می‌کردیم. جالب این که ادعا میکنیم با این رفتار و کردار شیعه علی (علیه السلام) هستیم.

این جهان همچون درخت است ای گرام\*\*\* سخت گیرد خام‌ها مر شاخ را

ما برو چون میوه‌های نیم خام\*\*\* زانکه در خامی نشاید کاخ را

چون بیخت و گشت شیرین لب گزان\*\*\* سست گیرد شاخها را بعد از آن (1)

شاعر چه تشبیه زیبایی در این اشعار کرده. است میوه تا وقتی نرسیده وابستگی آن به درخت زیاد است اگر بخواهی میوه نارس را از درخت جدا کنی، شاخه درخت هم با آن گنده میشود؛ اما وقتی پخته شد و رسید، با یک نسیم ملایم هم از درخت جدا میشود عده ای هستند که هرچه سن آنها بالا میرود به جای این که وابستگی خود را به دنیا کم کنند بیشتر می‌کنند گیرم ده سال قبل در سن جوانی و خامی با برادر خود کدورت پیدا کرده ای و قهر، نمودهای آیا الآن وقت آن نرسیده است که رفتار زشت خود را اصلاح کنی؟ آیا تا به حال نشسته ایم و تجدیدنظری در اعمال و کردار خود بکنیم؟ حضرت علی (علیه السلام) چه شیعه ای را تایید میکند؟ شیعه ای که صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ «دنیا پیش چشم او کوچک باشد.»

2. «كَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ»؛ (2) از سلطان شکم خارج بوده و شکم پرور نباشد.

ص: 284

1- مولوی، مثنوی معنوی.

2- بحار الانوار، ج 64، ص 314

اگر کسی شکم پرور بود، دنبال معصیت و مال حرام می‌رود. علی (علیه السلام) که امشب عزادار او هستیم فرمودند: «وَيْلٌ لِّمَنْ أَدْخَلَ فِي بَطْنِهِ نَارًا»؛ «وای بر آن کس که داخل شکم خود آتش وارد کند مال مردم همچون آتش است. لقمه حرام، آتش است.»

داد درویشی از سر تمهید سر تمهید \*\*\* سرقلیان خویش را به مرید

گفت از دوزخ ای نکو کردار \*\*\* قدری آتش به روی آن بگذار

بگرفت و ببرد و باز آورد \*\*\* عقد گوهر ز درج راز آورد

گفت که در دوزخ هر چه گردیدم \*\*\* درکات جحیم را دیدم

آتش و هیزم و زغال نبود \*\*\* اخگری بهر اشتعال نبود

کس آتشی نمی افروخت \*\*\* ز آتش خویش هر کسی میسوخت (1)

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: اگر کسی با مالی که از راه حرام به دست آورده است عازم حج شود هنگامی که لبیک میگوید جواب رد به او می دهند: لَا لَبِيْكَ وَ لَا سَعْدِيْكَ، این نشان از مردودی عمل اوست؛ اما اگر مال او از راه حلال کسب شده، باشد پاسخ مثبت به او داده می شود «لَبِيْكَ وَ سَعْدِيْكَ» و این نشانی از قبول عمل او خواهد بود.

شب قدر و شب احیاء، فلسفه اش این است که در چنین شبهایی در اعمال و کردار، خود تجدید نظر کنیم.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در وصیت خود به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرمایند: «لَا يَرِدُ عَلَيَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ مَنْ أَكَلَ مَالًا حَرَامًا لَا وَاللّٰهِ لَا وَاللّٰهِ لَا وَاللّٰهِ»؛ به خدا سوگند به خدا سوگند به خدا سوگند اگر کسی ذره ای از مال حرام بخورد و در زندگی او وارد شود در قیامت به شفاعت پیغمبر نخواهد رسید. «وَلَا يَشْرَبُ مِنْ حَوْضِهِ»؛ از حوض کوثر نمی نوشد. «وَلَا

ص: 285

يَنَالُ شَفَاعَتَهُ»؛ (1) «و مشمول شفاعت آن حضرت نمی گردد. لقمه حرام اثر وضعی دارد این سفارش حضرت (علیه السلام) است و این هم متأسفانه وضعیت جامعه ما که به راحتی خوردن یک لیوان، آب مال مردم را بالا میکشند و بعد هم منکر آن میشوند: «أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟»؛ «به کجا می روید؟».

3. «فَلَا يَسْتَهَيِّ مَا لَا يَجِدُ»؛ (2) به آنچه خدا برای او روزی می کند، قانع است؛ اهل حرص نیست.

4. «لَا يُكْتَبُ إِذَا وَجَدَ»؛ (3) آنچه را مییابد در آن زیاده روی نمی کند.»

اگر پست و مقامی، دارد خود را تافته جدا بافته از مردم نمیداند اگر وضع مالی او خوب شد و خداوند ثروتی در اختیار او قرار داد، مغرور نمیشود و به اصطلاح عوام خودش را گم نمی کند. پروین اعتصامی این شاعر توانا که سرآمد زنان سخنور پارسی زبان در روزگار خود بود، عاقبت زندگی را در اشعاری که خود برای سنگ مزارش سروده است چه زیبا بیان کرده است:

این که خاک سیهش بالین است \*\*\* اختر چرخ ادب پروین است

گرچه جز تلخی از ایام ندید \*\*\* هر چه خواهی سخش شیرین است

صاحب آن همه گفتار امروز \*\*\* سائل فاتحه و یاسین است

دوستان به که زوی یاد کنند \*\*\* دل بی دوست دلی غمگین است

خاک در دیده بسی جانفرساست \*\*\* سنگ بر سینه بسی سنگین است

بیند این بستر و عبرت گیرد \*\*\* هر که را چشم حقیقت بین است

هر که باشی و زهر جا برسی \*\*\* آخرین منزل هستی این است

ص: 286

1- مستدرک الوسائل، ج 17، ص 59

2- بحار الانوار، ج 64، ص 314.

3- همان.

آدمی هر چه توانگر باشد \*\*\* چو بدین نقطه رسد مسکین است

اندر آنجا که قضا حمله کند \*\*\* چاره تسلیم و ادب تمکین است

زادن و کشتن و پنهان کردن \*\*\* دهر را رسم و ره دیرین است

خرم آن کس که در این محنتگاه \*\*\* خاطری را سبب تسکین است (1)

5. «وَ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتًا»؛ (2) «و غالباً ساکت است.»

انسان هر چه بیشتر صحبت، کند لغزشهای او بیشتر میشود.

6. «كَانَ لَا يُلُومُ أَحَدًا»؛ (3) هیچ گاه کسی را سرزنش نمی کند.»

شیعه علی (علیه السلام) کسی را به اصطلاح دست نمی اندازد و مسخره نمیکند

7. «عَلَى مَا لَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِدَارَهُ»؛ (4) «عذر پذیر است و کینه به دل نمی گیرد.»

اگر کسی از در عذرخواهی درآمد عذر او را می پذیرد. شب قدر است و باید دلها را خانه تکانی کرد و اگر چنانچه از کسی کینه ای به دل دارید آن را از دل پاک کنید و ببخشید تا خدا گناهانتان را ببخشد. رحم کنید تا در قیامت به شما کنند

8 «كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعًا»؛ وقتی بیمار میشود گله و شکایت ندارد.

بعضیها مثل این که از خدا طلبکار هستند با کوچک ترین ناگواری آنان حادث می شود دست به شکوه و شکایت از خداوند بر می دارند.

ص: 287

---

1- پروین اعتصامی دیوان پروین اعتصامی نشر انتشارات ایران، زمین تهران، 1370 شمسی.

2- بحار الانوار، ج 64، ص 314

3- همان.

4- همان.

9. وَ كَانَ يَقُولُ مَا يَفْعَلُ وَلَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ؛ (1) «و سخنی می گوید که انجام میدهد؛ چیزی را که انجام نمیدهد نمی گوید»

هر کاری که میخواهد انجام بدهد ابتدا بررسی می کند، اگر توان انجام آن کار را دارد، قول انجام آن را میدهد. به قول معروف، لاف نمی آید که من فلان و بهمان میکنم و بعد هم از انجام آن کار سر باز زند. اگر توان انجام کاری را دارید قول انجام آن را بدهید؛ وگرنه بیجا قول ندهید.

10. «وَ كَانَ إِذَا غَلِبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يَغْلِبْ عَلَى الشُّكُوتِ»؛ «اگر در سخن گفتن بر او پیشی گرفتند در سکوت مغلوب نمی گردد».

11. «وَ كَانَ عَلَى مَا يَسْمَعُ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ»؛ «و بر شنیدن، بیشتر از سخن گفتن حریص است.»

12 وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَهُ أَمْرَانِ يُنْظَرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهَوَىٰ فَيَخَالِفُهُ؛ «اگر بر سر دوراهی دو کار قرار گرفت میاندیشد که کدام یک با خواسته نفس، نزدیکتر است با آن خواسته مخالفت میکند»

با هوا و هوس نفسانی کاری را انجام نمیدهد و با فکر و اندیشه عمل میکند.

نفس از درهاست او کی مرده است \*\*\* از غم بی آلتی افسرده است (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ

جَنْبَيْكَ» (3) بزرگترین دشمن دشمنی بیرونی نیست بلکه دشمنی

ص: 288

---

1- بحار الانوار، ج 64، ص 314

2- مولانا، مثنوی معنوی.

3- بحار الانوار، ج 67، ص 64



درونی است که همان نفس اماره است شیعه علی (علیه السلام) از روی هوی و هوس، عمل نمی کند.

در ادامه حضرت (علیه السلام) سفارش میکند «فَعَلَيْكُمْ بِهَذِهِ الْخَلَائِقِ فَالزُّمُوهَا وَتَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَسَّ تَطِيعُوهَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخْذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ»؛ (1) پس بر شماست روی آوردن به این گونه ارزشهای اخلاقی با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید و اگر نتوانستید تمام آنها را به دست آورید به دست آوردن برخی از آنها بهتر از رهاکردن همه است.»

ان شاء الله خداوند در این شب عزیز به همه ما توفیق عمل به این دستورات الهی را عنایت فرماید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 289

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

### لیل و لیالی در قرآن

با مروری اجمالی در قرآن مجید خواهیم یافت یکی از واژه هایی که خداوند متعال بر روی آن توجه ویژه داشته، است، کلمه «لیل» و جمع آن، لیالی است. این دو، کلمه حدود صد بار در قرآن آمده است؛ مانند و

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (1)، وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (2) وَ وَعَدْنَا مُوسَىٰ تَلَاثِينَ لَيْلَةً.... (3)

از این موضوع به چند نکته پی میبریم یکی از ویژگی های شب تاریکی آن است انسان برای حرکت در، شب نیاز به نور دارد؛ زیرا سرعت حرکت در تاریکی کم می.شود اگر در مسیر اتوبان که معمولاً عریض است، با ماشین بدون چراغ بخواهید رانندگی کنید، خ-ارج شدن از مسیر امری حتمی است و قطعاً تصادف خواهید کرد و اشتباهاتتان زیاد خواهد بود.

ص: 290

1- شمس، آیه 4

2- فجر، آیه 2.

3- اعراف، آیه 142.

در روایات دنیا را به شب تشبیه نموده‌اند و حتی روز دنیا را هم تصور کرده‌اند؛ به این دلیل که اشتباهات در آن زیاد است. این، در حالی است که تمام تعابیر به کار برده شده برای، قیامت با تعبیر روز آمده است. از نامهای قیامت یکی **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** است و دیگری، **«يَوْمَ الْحَسْرَةِ»**.

ما کاری را با نیت خیر و به خیال آن که کاری صحیح است انجام داده ایم در صورتی که بعداً متوجه شده ایم که انجام این کار اشتباه بوده است، این دلیلی است بر تاریکی دنیا حافظ رحمه الله نیز در این بیت شعر دنیا را با تعبیر شب یاد کرده است

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل \*\*\* کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها (1)

خداوند در قرآن مجید قصه آدمها را چنین بیان فرموده است: مثال آدم‌ها مانند کسی است که شب تاریک در هوای ابری، در دل دریا گرفتار شده باشد: **أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (2)**؛ «همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که آن را پوشانده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است. ظلمتهایی است؛ یکی بر فراز دیگری آن گونه که هرگاه دست خود را خارج کند و جلوی چشم بیاورد ممکن نیست آن را ببیند؛ و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده نوری برای او نیست.

ص: 291

---

1- حافظ، غزلیات غزل شماره 1.

2- نور آیه 40

در این، آیه خداوند کسانی که از راه راست و صراط مستقیم دور شده اند، به کسی تشبیه کرده است که در دریایی پهناور و ظلمانی در حال سیروسفر است؛ دریایی که با وجود ابرهای متراکم و موج های سهمگین چنان تاریک شده که مسافر آن به هیچ وجه به خورشید و ماه و ستارگان دسترسی ندارد و در تاریکی محض به سر میبرد و هیچ نوری ندارد تا با آن خود را به ساحل نجات برساند، آری پرده های گوناگون جهل و گناه چنان بر دل های آنان افتاده که آنها را از نور معرفت تهی کرده و راهی برای ورود نور به آن باقی نگذاشته است. (1)

### تاریکی دنیا و نیاز انسان به نور

امشب، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. خداوند در این آیه به ما هشدار میدهد در این دنیای تاریک برای تشخیص دادن سیر صحیح از نادرست و رسیدن به منزل مقصود که همانا بهشت و نعمت های بهشتی است انسان نیاز به چراغ و نور هدایت دارد و این نور نور الهی است *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ*.... در آیه 35 از سوره نور، ذات پاک خداوند هستی بخش به نور تشبیه شده است؛ نوری که روشنی بخش عالم آفرینش است و هر موجودی به هر نسبت که با او ارتباط برقرار کند به همان اندازه روشنائی کسب می کند. قرآن نور است؛ چون کلام اوست و پیامبران نورند؛ چون فرستادگان اویند.

ص: 292

## تشبیه زیبای قرآن درباره نور الهی

قرآن در آیه یاد شده با ذکر این مثال، زیبا چگونگی نور الهی را تشریح می‌کند نور ایمان که در قلب مؤمنان قرار می‌گیرد دارای عواملی است که در نور یک چراغ مصباح) پرفروغ موجود است. مصباح (چراغ) همان شعله های ایمان است که در قلب مؤمن آشکار می‌گردد و فروغ هدایت از آن منتشر می‌شود زجاجه» (حباب) که روی شعله چراغ قرار می‌گیرد تا از خاموش شدن آن جلوگیری، شود همان قلب مؤمن است که ایمان را در وجودش تنظیم می‌کند مشکات چراغدان)، سینه مؤمن با مجموعه شخصیت و آگاهی اوست که ایمان وی را از گزند توفان حوادث مصون می‌دارد... شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٍ... (درخت مبارک زیتون) همان وحی الهی است که عصاره آن در نهایت پاکی است و ایمان مؤمنان با آن شعله ور می‌گردد خدا همان نوری است که آسمانها و زمین را روشن می‌کند و از کانون قلب مؤمنان سر برمی‌آورد و تمام وجود آنها را نورانی میکند.

### نور امام معصوم (علیه السلام)

نور دیگر، نور امام و رهبر است «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى». گاندى، مصلح بزرگ هند میگوید من برای مردم هند چیز تازه ای نیاوردم فقط نتیجه ای را که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی (علیه السلام) پیمود. (1)

ص: 293

ماربین آلمانی در همین باره میگوید اگر در کلمات و گفتار حسین (علیه السلام) درست دقت شود، معلوم خواهد شد هدف و ایده آل حسین (علیه السلام)، جلوگیری از ظلم و ستم بود که این همه قوت قلب و از خودگذشتگی را در راه مقصود عالی خویش به خرج داد و حتی در آخرین دقائق زندگی طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقیقت نمود و با این عمل، اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت (1) اینها تنها گوشه ای از صدها گفتار متفکرین غیر مسلمان درباره یکی از ائمه معصومین علیهم السلام ما درباره راهنمایی و هدایت مردم دنیاست به صراط مستقیم که همانا نور الهی است. به گفته یکی از کشیشان مسیحی ای، مسلمانان، اگر ما فقط حسین شما را داشتیم، می توانستیم عالم را زیر پرچم او درآوریم و در هر جا پرچمی به نام حسین (علیه السلام) می افراشتیم و مردم را اطراف آن جمع نموده، برنامه های دینی خود را منتشر میکردیم (2)

به همان اندازه که انسان خود را به این منابع نوری نزدیک کند، زندگی او نورانی می شود و به هر اندازه از این منبع نور فاصله بگیرد، زندگی او تاریک خواهد شد. زندگی منهای اهل بیت علیهم السلام، ظلمتکده است. بهترین زندگی دنیایی را برای خود و خانواده اش فراهم کرده است؛ ولی به خاطر فاصله گرفتن از قرآن و اهل بیت علیهم السلام، آرامش ندارد. ادب و حیا و حرمت بزرگ ترها را رعایت نمی کند؛ چون نور دین و معنویت در خانه او وجود ندارد. اگر در دنیا نور معرفت به قرآن و احادیث و اهل بیت علیهم السلام را کسب کردیم در آخرت نیز به کارمان خواهد آمد.

ص: 294

1- همان، ص 39

2- درسی از مکتب حسین (علیه السلام)، ص 27

قرآن می فرماید: **يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛** (1) این پاداش بزرگ در روزی است که مردان و زنان با ایمان را مینگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می کند و به آنها میگویند [بشارت باد بر شما امروز به باغ هایی از بهشت که نهرها زیر درختان آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند؛ و این همان رستگاری بزرگ است.

منظور از نور در این آیه همان نور ایمان است. در آن روز اعمال و عقاید انسانها تجسم می یابد و ایمان که همان نور هدایت است، به صورت روشنایی و نور ظاهری مجسم می شود. تعبیر یسعی «سریع حرکت میکند دلیل بر این است که خود مؤمنان با سرعت راه محشر را به سوی بهشت و کانون سعادت جاویدان می پیمایند؛ چراکه حرکت سریع نور آنها جدا از حرکت سریع خودشان است. این نور همان اعمال خیری است که در دنیا انجام داده ایم و با آن خود را نزد خداوند محبوب کرده ایم در روز قیامت نور در میان مردم، به همان اندازه ایمانشان تقسیم میشود (2) امام صادق (علیه السلام) میفرماید: «مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»؛ (3) کسی که ما را بشناسد و دوست داشته باشد، نزد خداوند محبوب خواهد شد.»

ص: 295

1- حدید، آیه 12.

2- تفسیر نمونه، ج 23، ص 329

3- اصول کافی، ج 8، ص 112.

ای مرد و زن و پیر و جوانی که توفیق نصیب شما شده است تا امشب شب، قدر در این مکان به عبادت و رازونیا با خدا به سر برید اعمال و رفتارتان به نحوی باشد که این توفیق از شما گرفته نشود. شب قدر شبی است که باید من به خود بیایم و قدر و منزلت خودم را پیدا کنم و درک کنم و سفره گناه و معصیت را از زندگی ام جمع کنم اگر چنین تصمیمی گرفتم و متحول شدم حقیقت لیلۃ القدر را درک کرده ام. ملا محسن فیض کاشانی شاعر اهل بیت علیهم السلام در این ابیات از شعر خود میگوید

ای رهنمای گمشدگان اهدنا الصراط

در دوزخ هوا و هوس مانده ایم زار

وی نور چشم راه روان اهدنا الصراط

گم کرده ایم راه جنان، اهدنا الصراط (1)

این شعر شیرازه آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام است.

### شب قدر شب تفکر

یکی از اعمالی که برای شبهای قدر سفارش شده است تفکر است *تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً* (2). اگر یک ساعت تفکر سازنده و مثبت داشته باشیم ثواب عبادت هفتاد ساله در نامه اعمال ما ثبت خواهد شد. فکر در اعمال و رفتار و کردارمان که آیا مورد رضای خداوند قرار دارد نماز من کارهای خیر من مطابق دستورات دین اسلام انجام میشود؟ نماز من مورد قبول درگاه احدیت قرار گرفته است؟ من

ص: 296

---

1- فیض کاشانی، دیوان اشعار

2- مجمع البحرين، ج 3، ص 444.



مسلمان که مدعی شیعه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هستم، آیا حجاب و عفاف خانواده من مورد تأیید علی (علیه السلام) هست؟ من مدعی پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آیا اخلاق و، کردارم، اخلاق و رفتار نبوی هست؟ آیا من که ادعای تدین، دارم نمازم را در اول وقتم میخوانم؟ آیا اخلاقم در خانه با زن و فرزندانم و نزدیکانم خوب است یا خشن و ناپسند است؟

«صحیفة المؤمن حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَ حَسَنُ الْخُلُقِ»؛ (1) «سرلوحه پرونده مؤمن فردای، قیامت حب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حُسن خُلُق است. مُهر گذرنامه اخلاق مؤمن این دو چیز است اعجاز پیامبر اکرم تنها شق القمر، نبود بزرگترین اعمال، ایشان حُسن خُلُق بود. خوش خلقی او هر دل سنگی را آب می. کرد هر کس یکبار با ایشان برخورد میکرد شیفته اخلاق و مرام او می شد.

بگذشت عمر در لَعِب و لهو و بیخودی \*\*\* شاید تدارکی بتوان اهدنا الصراط (2)

عمر ما در گذر است و بازگشت ندارد و هیچ کس نمی تواند اطمینان دهد که سال دیگر هم زنده باشد و بتواند از فیوضات شب های قدر بهره مند شود. ما برای یک مسافت، کوتاه مثلاً به مشهد مقدس یا شمال از روزها و هفته های قبل تدارک سفر میبینیم، این، یعنی آینده نگری. ما راهی میخواهیم برویم که علی (علیه السلام) میفرماید «أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ!» (3) راه طولانی است و زاد و توشه کم در کارنامه

ص: 297

---

1- بحار الانوار، ج 75، ص 53

2- فیض کاشانی کلیات اشعار

3- نهج البلاغه، حکمت 74.

اعمال خود نگاه کنیم و ببینیم برای این مسافرت طولانی، چه ثبت کرده و آماده نموده ایم. سعدی می گوید:

عمر گرنامه‌ی در این صرف شد \*\*\* تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا (1)

و پروین اعتصامی میگوید

عمر عزیز ماست که چون کشتی ای بر آب \*\*\* آهسته مینماید و چون باد می رود

و در استفاده بهینه از این عمر که چون باد میگذرد، می گوید:

جهد را بسیار کن عمر اندکی است \*\*\* کار را نیکو گزین فرصت یکی است

کاردانان چون رفو آموختند \*\*\* پاره های وقت بر هم دوختند

عمر را باید رفو با کار کرد \*\*\* وقت کم را با هنر بسیار کرد

کار را از وقت چون کردی جدا \*\*\* این یکی گردد تبا آن یک هبا (2)

و خلاصه

ره دور وقت دیر و شب تار و صد خطر \*\*\* مرکب ضعیف و جاده نهان اهدنا الصراط (3)

ص: 298

---

1- سعدی گلستان

2- پروین اعتصامی دیوان اشعار

3- فیض کاشانی، دیوان اشعار

راهمان خیلی دور است و مسافت زیادی را در پیش داریم حالت احتضار شب اول، قبر سوالات، قبر، برزخ، قیامت دادگاه های قیامت معطلی قیامت روایت است که فردای قیامت خداوند بعضی را آنقدر معطل می کند که میگویند، خدایا ما را جهنمی کن و از این بلا تکلیفی نجات بده هر چقدر تعجیل، کنیم باز عقب افتاده ایم. هر چقدر کار خیر انجام دهیم، باز کم انجام داده ایم عمر من با مثلاً عمر مرحوم علامه مجلسی، قابل مقایسه نیست. او بیش از هفتاد سال عمر کرد؛ ولی به اندازه عمر هفتصد ساله به مذهب خدمت کرد. یکی از کارهای، ایشان نوشتن یکصدوده جلد کتاب بحار الانوار است که این کتاب یکی از بزرگترین دایره المعارفهای روایی شیعه است. این، برکتی است که خداوند به عمر این مرد بزرگ عطا نموده است.

ره دور وقت دیر و شب تار و صد خطر دنیا شب است. در شب نمی توان سرعت داشت و صد خطر در پیش روی ماست. خیلی ها که ایمانشان سست بوده است با کوچک ترین و اندک چیزی از مسیر مستقیم منحرف شده اند خداوند در این راه ما را از شر شیاطین مصون بدارد. مرکب ضعیف و جاده نهان شب است و تاریک است و مسیر روشن نیست و خطر انحراف از مسیر هر لحظه ما را تهدید می کند. بلعم باعورای صاحب اسم اعظم و مستجاب الدعوه هم از جاده خارج شد. قرآن می فرماید... فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (1)؛ از گمراهان شد. خیلی ها شروع خوبی داشتند؛ ولی خوب به پایان نرسانند

ص: 299

ره، دور وقت دیر و شب تار و صد خطر \*\*\* مرکب ضعیف و جاده نهان اهدنا الصراط (1)

خدایا به حق حضرت زهرا علیها السلام تو را قسم میدهم که عاقبت ما را ختم به خیر بگردان و به برکت این، شب همه ما را ببخش و  
بیامرز

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 300

---

1- فیض کاشانی، دیوان اشعار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

### شب قدر شب برکت

بر اساس آیات و روایات متواتر و اجماع، معنوی، شب قدر یکی از شبهای ماه رمضان است خداوند در آیه نخست سوره قدر می فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**؛ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. در آیه سوره دخان نیز می فرماید: **(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ ...)**؛ «ما قرآن سوم را در شبی مبارک و پربرکت نازل کردیم این تعبیر نیز بیانگر عظمت نزول قرآن در شب قدر است حال این کدام شب است که مبدأ خیرات و سرچشمه خوبیهای پایدار است؟ غالب مفسران این شب پربرکت را همان شب قدر دانسته اند؛ شب پربرکتی که سرنوشت خلایق و مقدرات یک سال در آن رقم زده میشود.

البته این مطلب که مقدرات یک سال انسان در یک شب تعیین شود با آزادی انسان و اختیار او هیچ گونه تضادی ندارد؛ چراکه تقدیر الهی بر طبق شایستگی ها و لیاقتهای افراد و میزان ایمان و تقوا و پاکی نیت و اعمال آنهاست برای هر کس چیزی را مقدر میکنند که لایق آن است.

به تعبیر دیگر زمینه هایش از ناحیه خود انسان فراهم شده و بنابراین این امر، نه تنها منافاتی با اختیار ندارد تأکیدی بر آن است. (1)

## نزول قرآن و رابطه آن با سرنوشت انسان

قرآن در شبی سرنوشت ساز بر قلب پاک پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شد. شایان توجه این که در این آیات به طور اشاره و در آیات سوره قدر با صراحت گفته شده است که قرآن در شب قدر نازل شده است؛ یعنی همان شبی که مقدرات بندگان و مواهب و روزیهای آنها در آن تقدیر می‌شود آیا این سخن بدان معنا نیست که مقدرات و سرنوشت ما با محتوای این کتاب پیوند و رابطه ای نزدیک دارد؟ آیا مفهوم این کلام این نیست که نه تنها حیات معنوی ما که حیات مادی ما نیز با آن رابطه ای ناگسستی دارد؟ پیروزی ما بر دشمنان سربلندی و آزادی و استقلال آبادی و عمران شهرهای ما همه به پیروی از قرآن کریم گره خورده است، آری در این شبی که مقدرات تعیین میشود قرآن نیز در آن شب نازل گردیده است. (2)

خداوند در قرآن میفرماید: *شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ...* (3) ماه رمضان، همان ماه است که قرآن برای راهنمایی و هدایت مردم فرو فرستاده شده است؛ کتابی که مردم را راهبر و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است.»

ص: 302

---

1- با استفاده از تفسیر نمونه، ج 21، ص 187 و تفسیر المیزان، ج 20، ص 379

2- تفسیر نمونه، ج 21، ص 147 و 156 .

3- بقره، آیه 185

ماه، رمضان ماه نزول قرآن و میهمانی الهی. است ماه رمضان نهمین ماه از ماههای قمری و تنها ماهی است که نام آن در قرآن ذکر شده است. از مهم ترین فضائل ماه رمضان این است که کتابهای آسمانی تورات، انجیل زبور و قرآن در این ماه نازل شده است.

### استقبال پیامبر صلی الله علیه وسلم از ماه مبارک رمضان

نقل شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در آخرین جمعه ماه شعبان در یکی از سالها به منظور آماده کردن اصحاب خود برای استقبال از ماه رمضان، خطبه ای خواندند و اهمیت این ماه را چنین بیان کردند: «ای مردم! ماه خدا همراه با برکت آمرزش و رحمت به سوی شما روی آورده است. این ماه نزد خدا بهترین ماه هاست. روزهای، آن بهترین روزها و شب های آن، بهترین شبهاست و ساعات این، ماه بهترین ساعات است. ماهی است که به میهمانی خدا دعوت شده اید و از کسانی هستید که مورد اکرام خدا. هستند نفسهای شما در این ماه ثواب تسبیح حق دارد و خوابتان ثواب عبادت اعمالتان در آن مقبول و دعاهایتان مستجاب است. بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد.» (1)

### شب قدر کدام شب است؟

از مجموعه آیات و روایات این طور به دست میآید که شب قدر که شب مبارکی است در ماه رمضان قرار دارد؛ همان ماهی که قرآن در آن نازل شده است این شب عظیم و مبارک، قدر چنان که از روایات برمی آید

ص: 303

بی گمان در دهه سوم، آن یعنی شبهای بیست و یکم بیست و سوم بیست و پنجم و بیست و هفتم قرار دارد.

## اختصاص برخی از زمانها به امر الهی

شب قدر از زمان پیدایش و آفرینش دنیا وجود داشته است؛ زیرا زمان همانند طول و عرض و عمق جزء ذاتی اجسام است و وقتی جسم آفریده میشود به طور طبیعی زمان نیز آفریده میشود از آنجا که امر الهی در زمان و مکان جاری میشود برخی از زمانها و مکانها ارزش و اعتباری بیشتر مییابد بر اساس آیات، قرآن برخی از زمانها و مکانها اختصاص به امر الهی دارد؛ به عنوان، نمونه امری الهی در آسمان مادی و جسمانی جاری میشود ولی در زمین مادی نیست

## تفسیر آیه دوازدهم سوره فصلت

خداوند در قرآن مجید می فرماید: فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ؛ (1) در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار آن [آسمان] را وحی و مقرر فرمود و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم و با شهابها از رخنه شیاطین حفظ کردیم این است تقدیر خداوند توانا و دانا.»

در تفسیر این آیه چند نکته وجود دارد

1. جمله در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز

ص: 304

1- فصلت، آیه 12.



آفرید»، (1) اشاره به وجود دوران آفرینش آسمانهاست که هر دورانی از آن میلیونها یا میلیاردها سال به طول انجامیده و هر دوران به نوبه خود به ادوار دیگری تقسیم میشود این دوران ممکن است دوران تبدیل گازهای فشرده به مایع و مواد مذاب و دوران تبدیل مواد مذاب به جامد بوده باشد. (2)

2. وحی در اینجا به معنای تقدیر است و جمله «در هر آسمان، کار آن را وحی فرمود اشاره به این است که تنها با آفرینش آسمانها کار تمام نشد بلکه در هر کدام از آنها موجودات و مخلوقات و نظام و تدبیر خاصی را مقرر فرمود که هر یک به تنهایی نشانه ای از عظمت و علم و قدرت اوست (3)

پس امر الهی در همه آسمانها و در همه زمانها جاری و ساری است با این، همه برخی از زمانها و مکانها از ارزش برتر و موقعیت بهتری برخوردار است؛ از جمله این زمانها شب قدر است که از آغاز خلقت از جایگاهی خاص برخوردار بوده است علت مبارکی شب قدر، تنها اختصاص به نزول قرآن در آن، ندارد بلکه به دلایلی دیگر، از جمله شب تقدیرات هستی، بودن ارزش و اعتبار ویژه ای یافته است. بر برخی از روایات، پس از نزول حضرت آدم (علیه السلام) به زمین، فرشتگان، امر الهی را به این خلیفه در شب قدر می‌رساندند.

ص: 305

---

1- از آیات قرآن چنین استفاده میشود که تمام ستارگان و سیاره هایی که ما میبینیم، همه جزو آسمان اول است و در ماورای آسمان شش عالم دیگر وجود دارد که از محدوده دید ما و ابزار علمی ما بیرون است و در مجموع، هفت عالم میشوند (تفسیر نمونه، ج 1، ص 167).

2- تفسیر نمونه، ج 2، ص 239

3- تفسیر موضوعی، ج 3، ص 76

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هرکسی شب قدر را احیاء کند عذاب از او تا سال آینده دور میشود. در ادامه آمده که آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند حضرت موسی (علیه السلام) به خداوند عرضه داشت: خدایا! قُرب تو و نزدیکی تو را میخواهم. خداوند فرمود: تقرب به من در بیداری شب قدر است. حضرت موسی (علیه السلام) گفت خدایا رحمت تو را می خواهم خداوند فرمود رحمت من در رحم به مسکینان در شب قدر است. حضرت موسی (علیه السلام) گفت خدایا مجوز عبور از صراط را میخواهم خداوند فرمود برات عبور برای کسی است که در شب قدر گفت! خدایا درختان بهشت و میوه هایش را می. خواهم خداوند فرمود از آن کسی است که در شب قدر تسبیح گوید. حضرت موسی (علیه السلام) گفت خدایا نجات از آتش را میخواهم خداوند فرمود برای کسی است که در شب قدر استغفار کند. حضرت موسی (علیه السلام) گفت! خدایا رضایت و خشنودی تو را میخواهم خداوند فرمود برای کسی است که دو رکعت نماز در شب قدر به جای آورد (1).

## دلایل مبارکی شب قدر

از حدیث پیش گفته معلوم میشود که ارزش و اعتبار و مبارکی شب قدر تنها به سبب نزول قرآن در آن نبوده است بلکه به اسباب دیگری نیز هست. از آیات سوره قدر به دست می آید که یکی از علل و اسباب ارزشمندی شب، قدر همان نزول فرشتگان به همراه روح اعظم برای

ص: 306

تقدیرات عالم هستی است بنابراین شب قدر با رحلت حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) پایان نمی یابد و این شب به دلیل نزول مقدرات بر حجت الهی، استمرار دارد.

از امام صادق (علیه السلام) درباره شب قدر سؤال شد: آیا شب قدر زمانی بود و دیگر نیست یا هر سال تکرار میشود؟ آن حضرت پاسخ داد: اگر شب قدر برداشته شود قرآن هم با آن برداشته میشود (1) در روایات از شب قدر با عنوان قلب ماه رمضان یاد شده است که خود بر ارزش این شب تأکید دارد (2)

بر اساس آموزه های وحیانی قرآن و تفاسیر و روایات معتبره مذکوره، نزول امر الهی به دست روح اعظم و همراهی فرشتگان بر حجت و خلیفه الهی است. این امر از زمانی که حضرت آدم (علیه السلام) به عنوان خلیفه در زمین انتخاب شده تا آخر زمان و جمع شدن آسمان و زمین استمرار خواهد یافت. خداوند در آیه چهارم سوره دخان با آوردن فعل مضارع یَفْرُقُ (3) و در آیه چهارم سوره قدر با فعل مضارع تَنْزَلُ، از استمرار نزول روح و فرشتگان به زمین برای ابلاغ امر الهی سخن به میان آورده و می فرماید: تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ؛ (4) «در آن شب، فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای [تقدیر] هر کاری که مقرر شده است فرود می آیند.

ص: 307

---

1- علل الشرایع، ج 2، ص 75؛ بحار الانوار، ج 98، ص 17.

2- بحار الانوار، ج 97 ص 326

3- «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ ترجمه در آن شب هر امری بر اساس حکمت الهی، تدبیر و جدا می گردد.»

4- قدر، آیه 4

این فرود نمیتواند بر هر کس، باشد بلکه محل نزول میبایست کسی باشد که خلیفه و حجت خداوند است و چون زمین خالی از حجت و خلیفه الهی، نیست پس باید گفت این نزول و محل نزول، جز امام زمان هر دوره ای پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه وسلم نخواهد بود. امروز امام زمان، همان قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

امام جواد (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت میکند که ایشان به عبدالله ابن عباس فرمود: «شب قدر در هر سالی است و در آن شب، ه-ر-ام-ر آن سال نزول مییابد و برای این امر پس از رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و رحلت ایشان نیز اولیایی است. ابن عباس: گفت آنان کیانند؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «من و یازده تن از صلب من که آنان امامانی مُحدّث هستند که فرشتگان با آنان حدیث میگویند.» (1)

شب قدر در دهه سوم ماه رمضان نهان است و از همین رو در روایت، این دهه به عنوان لیالی قدر معرفی می.شود البته برخی از شبها به عنوان این که شب قدر، باشد قوی تر و روشن تر است که از جمله آنها شبهای بیست و یکم بیست و سوم و بیست و هفتم ماه رمضان است. این پرسش مطرح شده که ایشان چگونه از شب قدر اطلاع می یابند و میفهمند که امشب شب قدر است امام باقر (علیه السلام) در این باره به یکی از اصحاب خویش این گونه می فرماید: «ای ابامهاجر! شب قدر ما پوشیده و نهان نیست؛ زیرا فرشتگان در این شب به طواف ما می آیند و دور ما می گردند.» (2)

ص: 308

---

1- بحار الانوار، ج 97، ص 15.

2- تفسیر القمی، ص 630، فی سورة الدخان؛ بحار الانوار، ج 7، ص 13.

## فضیلت سوره قدر

محتوای کلی سوره، قدر چنان که از نامش نیز پیداست، بیان نزول قرآن مجید در شب قدر و سپس اهمیت شب قدر و برکات و آثار آن است. در فضیلت تلاوت این، سوره روایات بسیاری نقل شده است؛ از جمله پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر کس آن را تلاوت، کند پاداش او مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیاء داشته باشد. «(1) مستحب است در تمام نمازها در رکعت، اول سوره قدر خوانده شود. (2)

## تفسیر سوره قدر

درباره تفسیر آیات مبارک این سوره نیز مطالبی را به ترتیب آیات آن خدمتتان تقدیم میکنم

1. *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ*؛ اما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

در آیه نخست این سوره میفرماید ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. گرچه نام قرآن صراحتاً ذکر نشده است؛ ولی مسلم است که ضمیر *أَنْزَلْنَاهُ* به قرآن باز میگردد شهر *رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ* ..... (3) جمع این دو آیه مشخص میکند که قرآن در ماه رمضان نازل شده است.

سؤال این است که قرآن در طول بیست و سه سال نازل شده، چگونه این آیه میفرماید در یک شب نازل شده است جواب قرآن دارای دو نزول بوده است، یکی دفعی و دیگری، تدریجی:

ص: 309

---

1- تفسیر نمونه، ج 27، ص 178

2- امام خمینی رساله توضیح المسائل، مسئله 1018

3- بقره، آیه 185.

الف نزول دفعی که در شب، قدر تمام آن بر قلب پاک پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل گردیده است. «أُنزِلَ» اشاره به نزول دفعی است.

ب نزول تدریجی که در طول بیست و سه سال لابه لای حوادث گوناگون در دوران نبوت انجام گرفته است تنزیل» به معنای نزول تدریجی است.

2. وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ تو چه میدانی شب قدر چیست؟»

صل الله این تعبیر عظمت این شب را مشخص میکند که پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم با آن علم وسیع قبل از نزول این آیات، به آن واقف نبودند.

3. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ شب قدر شبی است که از هزار ماه برتر است.»

هزار ماه یعنی یک، عمر یعنی بیش از هشتاد سال به راستی چه شب با عظمتی است که به اندازه یک عمر با برکت ارزش دارد بهتر بودن این شب از هزار ماه به خاطر ارزش عبادت و احیای آن است روایات فضیلت شب قدر و فضیلت عبادت آن که در کتب شیعه و اهل سنت فراوان است، این معنا را کاملاً تأیید می‌کند علاوه بر این نزول قرآن در این شب و برکات و رحمت الهی در آن سبب شده که از هزار ماه برتر و بالاتر باشد. در بعضی از روایات در این باره میخوانیم که شب قدر از مواهب مخصوص الهی بر این امت است و امتهای گذشته از این موهبت برخوردار نبوده اند (1)

صلی الله پیامبر از چهار نفر از بنی اسرائیل که هشتاد سال عبادت خدا را کرده بودند - بدون گناه سخن گفتند اصحاب آرزو کردند که ای کاش آنها هم چنین توفیقی پیدا میکردند آیه فوق نازل شد.

ص: 310

4. تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ؛ «فرشتگان و روح در آن شب به اذن خداوند برای تقدیر هر کار نازل میشوند.»

«تَنْزَلُ» فعل مضارع است و بر استمرار دلالت دارد. روشن می شود که شب قدر مخصوص زمان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نبوده است، بلکه امری است مستمر؛ یعنی شب قدر مدام در هر سال تکرار میشود.

روح کیست؟ بعضی گفته اند جبرئیل امین است و بعضی گفته اند روح مخلوق عظیمی است مافوق. فرشتگان امام (علیه السلام) فرموده است جَبْرَائِيلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، إِنَّ الرُّوحَ أَعْظَمُ مِنَ جَبْرَائِيلَ.

منظور از «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» چیست؟ منظور این است که فرشتگان در این شب برای تعیین سرنوشتها بر زمین نازل میشوند

5. سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ «شبی آکنده از سلامت و خیر و رحمت تا طلوع فجر.

تعبیر سلام به چه معناست؟ چند معنا برای آن ذکر شده است از این قرار. 1 سلام به معنای سلامت است؛ چون طبق بعضی از روایات شیطان در این شب در زنجیر است؛ 2 بعضی گفته اند اطلاق سلام برای فرشتگان است که در این شب پیوسته به یکدیگر سلام می کنند یا به مؤمن سلام میکنند یا به حضور پیامبر کنند یا به حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت علیهم السلام سلام عرضه می دارند.

چرا سرشار از خیر و برکت نباشد شبی که قرآن در آن نازل شده است؛ شبی که عبادت در آن معادل هزار ماه است؛ شبی که خیرات و برکات الهی نازل میشود؛ شبی که فرشتگان و روح در زمین هستند و شبی که از آغاز تا پایان سرتاسر سلامت است؟

شب های قدر اعمالی مشترک و اختصاصی نیز دارند. شب نوزدهم اولین شب از شبهای قدر است. شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمیرسد و عمل در آن شب تقدیر امور سال شود و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است، در آن شب به اذن پرودگار به زمین نازل میشوند و به خدمت امام زمان (علیه السلام) مشرف میشوند و آنچه برای هر کس مقدر شده است را به ایشان عرضه میکنند.

اعمال شبهای قدر بر دو نوع است:

الف اعمالی که در هر سه شب باید انجام داد.

ب اعمالی که مخصوص هر یک از شبهای قدر است.

اعمال مشترک شبهای قدر عبارتند از:

اول غسل کردن

علامه مجلسی رحمه الله فرموده است که غسل کردن در این شب ها اگر مقارن غروب آفتاب باشد بهتر است تا نماز شام را با غسل به جای آورد.

دوم دو رکعت نماز

در هر رکعت بعد از قرائت سوره حمد هفت مرتبه سوره توحید خوانده شود و بعد از فراغت از نماز هفتاد مرتبه جمله «اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» گفته شود. در روایت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است که از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را پیامزد

سوم بازکردن قرآن.

بازکردن قرآن در مقابل خود و گفتن این جملات: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَاسْمُ مَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يَخَافُ وَ



يُرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عُمَّتَيْكَ مِنَ النَّارِ»؛ (1) «خدایا! من از تو درخواست میکنم به کتاب نازل شده تو به آنچه در آن است و در آن نام بزرگ و نامهای نیکوی توست و آنچه بیم و امید است که مرا از آزادشدگان خود از آتش قرار دهی.» چهارم: قرآن به سر گذاشتن.

قرآن را بر سر گذارد و بگوید: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرَسَ لُتَّهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ...»؛ «خدایا! به حق این قرآن و به حق کسی که بر او فرستادی آن را و به حق هر مؤمنی که در آن او را ستودی و به حق تو بر آنها که احدی شناساتر به حق تو از

خودت نیست و... سپس خدا را به حق چهارده معصوم علیهم السلام پاکش قسم میدهی و در آخر هر حاجتی که داری از خداوند طلب میکنی

پنجم خواندن زیارت امام حسین (علیه السلام).

در روایت است که چون شب قدر می، شود منادی از آسمان هفتم ندا میکند از بطنان عرش که حق تعالی آمرزیده هر که را که به زیارت قبر حسین (علیه السلام) آمده است.

ششم برپاداشتن احیاء.

روایت شده که هر که احیاء کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود؛ هر چند به عدد ستارگان آسمان و سنگینی کوه و وزن دریاها باشد.

هفتم صد رکعت نماز

صد رکعت نماز بخواند که فضیلت بسیار دارد و افضل آن است که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید را بخواند.

ص: 313

هشتم دعا و ذکر

علامه مجلسی فرموده که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان است بهترین اذکار صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آنچه مقدور شود (1)

نهم خواندن دعای جوشن کبیر.

دعای جوشن کبیر در یکی از غزوات صدر اسلام از جانب جبرئیل برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) آورده شده است. این دعا صد بند دارد و هر بند حاوی ده اسم از اسماء خداست. در بند پنجاه و پنج یازده اسم باری تعالی آمده است؛ بنابراین در مجموع این دعا حاوی هزار و یک اسم خدای متعال است.

در باب فضیلت خواندن این دعا چنین آمده است هر که این دعا را، بخواند، خدای تعالی عمل او را به عملهای نیکو لاحق می سازد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هیچ بنده ای از امت من نیست که این دعا را در ماه مبارک رمضان سه مرتبه یا یک مرتبه بخواند مگر آن که خدای تعالی بدن او را بر آتش حرام کند و بهشت بر او واجب شود. خدای تعالی در آسمان چهارم خانه ای بنا کرده که نامش بیت المعمور است. هر روز هفتاد هزار فرشته داخل آن خانه می شوند و از آن بیرون می روند و دیگر تا روز قیامت به سوی آن بر نمی گردند و خدای عزوجل به صاحب این دعا ثواب این فرشتگان را میبخشد. هر کس دعای جوشن کبیر را بخواند مثل مردن شهدا می میرد. خدای تعالی برای او

ص: 314

ثواب هفتصد هزار شهید از شهیدان صحرای کربلا مینویسد.

اعمال مخصوص شب نوزدهم چند چیز است که عبارتند از:

اول: صد مرتبه گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»

دوم صد مرتبه گفتن «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»

سوم این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْنُومِ وَ فِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدُلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَبُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا (به جای کذا و کذا، بی حاجات خود را ذکر کند؛) (1) خدایا! مقرر فرما در قضا و قدرت از امر حتمی در آنچه جدا کنی از امور حکیمانه در شب قدر و در قضایی که تغییر نمی کند و رد و بدل نمی شود آنکه بنویسی مرا از حاجیان بیت الحرامت؛ آنان که حجشان قبول و کوششان قدردانی شود و آمرزنده گردد گناهانشان و جبران شود به کردارهایشان و مقرر فرما در آنچه قضا و قدر داری که دراز باشد عمرم و فراخ کنی بر من روزیم را و بفرمایی با من چنین و چنان.

شبهای دیگر نیز هر کدام اعمال مخصوص خود را دارند که در کتاب شریف مفاتیح الجنان ذکر شده است.

دعا و اعمال عبادی برای این شبهها زیاد وارد شده است که از حوصله جلسات ما خارج است و دوستداران و عبّاد شبههای قدر میتوانند به کتب ادعیه ها، از جمله کتاب شریف مفاتیح الجنان مراجعه کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 315

1- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.



- 1 قرآن مجید
- 2 شیخ حر عاملی، اثنا عشریه نشر، قم، دار الکتب علمیه، 1359 ش.
- 3 حسن بن محمد دیلمی، ارشاد، القلوب مؤسسه علمی، بیروت - لبنان 1357 ش.
- 4 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول، کافی ترجمه محمدی اشتهاردی، انتشارات روحانی، قم، 1379 ش.
5. شیخ صدوق، امالی صدوق، انتشارات کتابچی، تهران، 1370 ش.
- 6؛ امام خمینی، آداب الصلاة، مؤسسه نشر امام تهران، 1392 ش.
7. جعفر، پژوم با راست قامتان پهنه اندرز یادنامه، راشد انتشارات سخن، چاپ اول، 1387 ش.
8. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، نشر دارالکتب علمیه، بیروت.
9. ابن شعبه حرانی، تحف العقول نشر فرزانه، روز تهران 1376 ش.
10. کاشفی فاضل، تحفه الشاهی
11. فیض، کاشانی تفسیر الصافی نشر مکتب الصدر، تهران، 1374 ش.
- 12 علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، نشر بنی الزهراء، قم، 1388 ش.
- 13 طباطبایی، محمد حسین تفسیر المیزان ترجمه موسوی همدانی، 20 جلدی قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374 ش.
14. فضل الله بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، انتشارات فراهانی، تهران.

- 15 معرفت، هادی تفسیر موضوعی، انتشارات نبوغ، قم، نبوغ، قم، 1374 ش. 16. بابایی، احمد رضا محمدی زیر نظر آیت الله شیرازی، تفسیر نمونه
- مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، 27 جلدی، قم، خیابان شهیدان، چاپ 12 ام، تابستان 1376 ش.
- 17 شیخ صدوق، ثواب الاعمال، انتشارات فکر آوران، قم، 1386 ش.
- 18، پیشوای حسین انسانها انتشارات در راه حق، قم، 1359 ش.
19. شیخ صدوق، خصال صدوق، انتشارات کتابخانه اسلامی، تهران، 1373 ش.
20. شمس الدین سید، مهدی داستانه‌ها و حکایت‌ها انتشارات محمد و آل محمد، قم، 1383 ش.
- 21 واسعی، علیرضا درآمدی بر روشهای تبلیغی، ائمه، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ، قم، 1386 ش.
22. راضی فرخ، الدین درجه العالیه، انتشارات دارالکتب عربی، بیروت، 1365 ش.
23. هریسی، هاشم درسی از مکتب حسین انتشارات نشر تعالیم اسلامی قم، 1352 ش.
24. امام خمینی رساله توضیح المسائل.
- 25، قمی، شیخ عباس سفینه البحار، نشر نوید اسلامی، تهران 1392 ش.
26. شیخ، اسلامی حسین شرح غرر الحکم، انتشارات انصاریان، قم، 1377 ش.
27. زمردیان، احمد شرحی بر دعای کمیل: تهران: امیرکبیر، 1360 ش.
28. محمدی ری شهری، محمد الصلاه فی الكتاب و السنه، انتشارات دار الحدیث، قم، 1376 ش.
29. شیخ صدوق، علل الشرایع انتشارات، مؤمنین، قم، 1380 ش.
30. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، انتشارات دارالکتب اسلامی، تهران، 1380 ش.



- 31، آمدی عبد الواحد غرر الحکم، دار الکتب اسلامی، تهران، 1371 ش.
- 32 روضاتی، محمد، جعفر قره العین انتشارات محمد جعفر، روضاتی تهران 1378 ش.
- 33 متقی هندی کنز العمال، انتشارات موسسه الرساله بیر، 1372 ش.
- 34 تویسرکانی، محمد نبی لثالی الاخبار انتشارات جهان، تهران، 1371 ش.
- 35، طریحی، مجمع البحرین، انتشارات مرتضوی، تهران، 1367 ش.
36. ورام بن فراس مجموعه ورام انتشارات دار الکتب، اسلامی تهران 1368 ش.
37. شیخ طوسی مختصر الکلام نشر اسلامی، تهران، 1383 ش.
38. طبرسی، مستدرک الوسائل، نشر موسسه آل البيت، قم، 1370 ش.
39. عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، نشر پیام، حق، تهران 1377 ش.
40. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
41. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، انتشارات دارالمعارف، بیروت، 1373 ش.
- 42 خوارزمی، احمد، المناقب الموفق، انتشارات اسلامی، قم، 1369 ش.
43. محمدی ری، شهری، محمد میزان الحکمه، انتشارات دار الحدیث، تهران 1377 ش.
- 44 قائمی علی نظام حیات خانواده در اسلام تهران انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی، ایران 1368 ش.
45. عزیزی، عباس، نماز و عبادت امام زمان، قم: صلاة، 1380 ش.
46. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات موسسه آل البيت، قم، 1368 ش.
47. دشتی، محمد، نهج البلاغه، دفتر نشر الهادی، قم، 1379 ش.







(30) إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... 18

(132) وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ... 42

(148) فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ... 282

(156) إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ... 176

(180) كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ... 63

(185) شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... 309

(185) شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ... 302

(197) فَإِنَّ خَيْرَ الرَّادِ التَّقْوَىٰ... 187

(201) وَقَفْنَا عَذَابَ النَّارِ... 48

(201) وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ... 47

253 مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ... 180

(253) وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ... 184

(253) جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ... 182

(253) وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا... 182

(256) فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ... 186

(257) أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ... 53

(257) وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ... 52

52.... (257) يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

ص: 321

(257) اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... 52

(263) وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ... 160

(275) الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ... 57

(30) إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... 18

آل عمران

102 وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ... 39

(102) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ... 38

(133) وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ... 126

(135) وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ اللَّهُ لَن يَكُنِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ظَالِمًا وَلَا يَكُونُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ظَالِمًا... 157

(61) وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ... 182

(7) وَالرَّاسِحُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ... 44

(8) رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ... 45

(8) رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا... 178

نساء

(10) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا... 55

(17) إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ... 211 217

(17) ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ... 211

(17) فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... 211

(19) فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ... 196

19 وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.. 196

(19) ... وَيَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا 196

(21) ... وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. 195

انعام

(54) أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ. 218

(54) ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.. 219

(54) وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ 218

(82) الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ... 173

ص: 322

103) ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ.. 254

142) و واعدنا موسى ثلاثين ليلة... 290

175 فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ... 299

175) فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ... 178

175) وَ أَنْتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ 241

176) وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ..... 243

27) يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.. 190

96) وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ..... 191

توبه

114) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ... 160

75) وَ مِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لِنُنَّ آثَانًا مِّن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ..... 89

76) فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ... 91

ابراهيم

27) يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ. 30

7) وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ 247

حجر

39)40) قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. 222

نحل

(125) أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ..... 19

ص: 323



18) وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...215-134

(28) الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ.....29

(32) الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ 290

اسراء

7) إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...162

7) وَمِنَّا نَبِيُّ آدَمَ.. 118

(70) وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ.188-189

مريم

(25) وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا حَلِيمًا...235

انبيا

(87) وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.. 47

نور

(35) شَجْرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ 293

(35) اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. 51

(35) اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ 292

(40) أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لَجِيٍّ يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ..... 291

فرقان

27 - 28) وَيَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. 255

نمل

(14) ... فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ.. 245

(14) وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عَلَوْا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ..236

(62) أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ...129

ص: 324

قصص

(83) وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. 217,204,187 .

(83) تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ... 191

روم

(10) ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ..... 253

10 ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَافٌ ..... 253

(42) فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ..... 245,230

(42) قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ... 232

ص

(72) وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي ... 239

زمر

(10) إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ... 128

(53) قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ... 218

(53) يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ..... 218

(8) قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ... 27

غافر

(60) أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ... 129

فصلت

(12) فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ... 304

زخرف

3837) وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ \* حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ... 256

ص: 325

(3) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ... 301

محمد

(24) أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا... 48

حجرات

(12) ... إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... 249

(12) ... وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا... 249

(13) يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ... 193

الرحمن

3-4 خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ... 17

واقعه

(25) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِنَّ... 200

(26) إِلا قِيلاً سَلاماً سلاماً ..... 200

(8483) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ \* وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ... 221

حديد

(12) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ... 295

(16) أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ..... 212

(25) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ..... 58

منافقون

9) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالَكُمُ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ..114

ملك

10) وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ...27

ص: 326

قلم

(4) وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ.. 165

نازعات

(37-41) فَأَمَّا مَنْ طَغَى . وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى \* وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ..... 205

مطففين

(1) وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ... 58

فجر

(14) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ... 137

(2) وَ لَيَالٍ عَشْرٍ... 290

(24) يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي... 27

27 - 30 يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي . 79

شمس

(4) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا... 290

ضحى

(8) وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى . 112

علق

(14) أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى . 209

قدر

1 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ 301-309

(2) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ 310

3) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.. 310

4) تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ... 307-311

5) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.. 311

ص: 327



(8-7) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ... 139-167

عصر

(3-1) وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... 39

(3-1) وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... 173

2 إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ... 26

(3) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ... 26

همزه

(1) وَيَلِّ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لُحْمَةً... 250

توحيد

(2) اللَّهُ الصَّمَدُ..... 160

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ..... 76

ص: 328

## نمايه روايات

... وَبِالتَّقْوَى تَقْطَعُ حُمَةَ الْخَطَايَا...193

... إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ.....197

أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟. 252

أَتْرُكُكُمْ بِقَرَابِيهِ. 165

اتَّقُوا اللَّهَ فِيالصَّغِيرِينَ الْيَتِيمِ وَالنِّسَاءِ 97

احْذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةً . 258

أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا.. 164

اخرج من حقوق تلزمك من جحة المخلوقين يا و اخرج من حقوق تلزمك من جهة المخلوقين .. 151

أَخْلِصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ . 223

إِذَا أَدْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَا . 238

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ... 140

إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَلَبَّرْ عَاقِبَتَهُ. 120

أَرْبَعُ يُمِشْنَ الْقَلْبَ، الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ. 157

أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتِ السَّاعَةِ الَّتِي يَعَايُنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ..70

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ. 215

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ ..... 288

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ..... 202

اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ ! أَنَّ التَّقْوَى دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ ...193

أَفَلَا يُبَيِّنُ لَيْلَةَ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ.....66

إقرأ كتابك. 238

أَقْلِلْ مِنَ الشَّهَوَاتِ يُقَلِّدُ عَلَيْكَ الْفَقْرُ... 97

أَقْلِلْ مِنَ الشَّهَوَاتِ يُقَلِّدُ عَلَيْكَ الْفَقْرُ... 107

الا أخبركم بأشبهكم بي خلقاً؟. 164

ص: 329

الا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي 279

الإستجابة مِنِّي وَ الدُّعَاءُ مِنْكُمْ. 128

البلاءُ مِنِّي وَ الصَّبْرُ مِنْكُمْ 128

التَّقْوَى غَايَةٌ لَا يَهْلِكُ مَنْ اتَّبَعَهَا. 187

الْجَنَّةُ مِنِّي وَ الْإِطَاعَةُ مِنْكُمْ 126

الْحَقُّ وَقُوعِ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ الَّذِي هُوَ لَهُ. 124

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. 266

الْخَائِنَ وَالظُّلُومَ وَالتَّمَا .. 258

الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ. 68

الدُّعَاءُ مَخِ الْعِبَادَةِ ..... 68

الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. 68

الدُّنْيَا دَارُ الْفَنَاءِ ..... 50

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ .. 155

الرِّزْقُ مِنِّي وَ الشُّكْرُ مِنْكُمْ 127

الرِّفْقُ عِنْدَ الْمَوْتِ. 269

الرِّيَاءُ شَرِكٌ. 233

الْغُلَامُ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ. 141

الْقَضَاءُ مِنِّي وَ الرِّضَاءُ مِنْكُمْ ..... 127

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فِيمَا تَقْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يَبْدُلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.. 315

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ..... 71,70

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. 69

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. 69

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ.. 246

اللَّهُمَّ اَعْنُ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. 315

لِللَّهُمَّ أَمْتَهُ عَطَشَانَا ..... 177

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يَخَافُ وَيَرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ. 313

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلُّكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ. 79

ص: 330

اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان والسلامة. 33

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ.. 313

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ. 185

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ. 185

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ.. 185

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا. 243

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ ابدا 47

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا... 67

الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا. 270

الْمُتَرَاوِرُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا.. 270

الْمُسْتَعَاثَ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ. 94

الْمَشَاوِرُونَ بِالنَّمِيمَةِ. 252

الْمَغْفِرَةُ مِنِّي وَالتَّوْبَةُ مِنْكُمْ 126

إِلَهِي لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا.. 260

الهي، بحق على الذي لم يُشرك بالله طَرْفَةَ عَيْنٍ. 276

الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.. 63

إِمْتَحِنُوا شِعْتِنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ... 66

أَمْشَى مَسْرُورًا..... 120-122

آمَنُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. 217

إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَخْتَمَ بِخَيْرٍ. 124-133

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى... 293

إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَعَلَى مَوَالِينَا وَمَا نَبْدَلُهُ وَنَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزُوهُ عَنَّا وَلَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ  
دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَتَمْحِيطُ ذُنُوبِكُمْ وَمَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ 147

إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ. 246

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ. 264

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ . 117

ان اهل الجنة لا يتحسرون على شيء فاتهم من الدنيا كتحسروهم على ساعه مرت بغير ذكر الله ..... 76

أن تبذل نعماته في معاصيه. 152-155-156

ص: 331

إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ جَلَّ تَنَاوُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَقُومَ بِهَا الْعِبَادُ 125-133

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ عَلَى صُبْرَةِ طَعَامٍ.. 259

إِنَّ رِضْوَانَ لَمْ يُسْرِفُوا 272

إِنَّ مِنَ الْبَيَانَ لِسِحْرًا. 18

أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ رَبِّي 281

أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي 281

أَنَا الَّذِي جَاوَزْتُ بِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ الْبَحْرَ بِأَمْرِ رَبِّي. 281

أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ بِأَمْرِ رَبِّي.... 281

أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ، وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ. 265

انْتَفَخَتِ الْأَهْلَةُ تَارَهُ. 61

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. 29

إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. 43

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي. 181

أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَطُولِ الطَّرِيقِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ.... 297

أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَبُعْدِ السَّفَرِ! 297

أَوْ يُخَالِفُهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ 153

أَوْصِيكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةِ حَمْدِهِ عَلَى آلَانِهِ إِلَيْكُمْ وَنِعْمَانِهِ عَلَيْكُمْ. 194

أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ..... 66

إِيَّاكَ وَالْإِصْرَارَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ وَأَعْظَمِ الْجَرَائِمِ. 157

بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ..... 223-224-234

بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرُودِ لَا صَحْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ.. 117



بِرَكَّةٍ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا... 273

بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ . 153

بَطَلَ عَمَلُكَ.. 233

تَغَيَّرَ لَوْنُ رَسُولِ اللَّهِ . 31

تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً . 296

تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحْبَبُهَا. 270

ثُمَّ قُبِضَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ. 221

ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةِ. 107

ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةِ. 104

جِبْرِئِيلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، إِنَّ الرُّوحَ أَعْظَمُ مِنْ جِبْرِئِيلَ. 311

ص: 332

جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ 149,144,134....

جَعَلَ اللَّهُ لِي مَا لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَا لِنَبِيِّ مُرْسَلٍ وَلَا لِمَلِكٍ مُقَرَّبٍ... 280

جمال الرجل حلمه ..... 160

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.. 246-283

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ.... 239

حُبُّ الدُّنْيَا يَفْسُدُ الْعَقْلَ. 112

تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ..... 238

حَتَّى يَكُونَ وَقْتُ نَزْعِ رُوحِهِ وَ ظُهُورِ مَلِكِ الْمَوْتِ لَهُ. 216

حَتَّى يَكُونَ وَقْتُ نَزْعِ رُوحِهِ وَ ظُهُورِ مَلِكِ الْمَوْتِ لَهُ.... 88

حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لِيَصْبِحُ سَالِمًا... 62

حَتَّى يَرَى هَلَالَ لَيْلَتَيْنِ وَ حَفِيئُ تَارَةً حَتَّى يَطْفُرَ شَهْرُ رَمَضَانَ فِي أَوَّلِهِ.. 61

حَسَنَاتُ الدُّنْيَا وَسَعُهُ فِي الْمَعَاشِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا. 49

خَدِيجَةٌ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ. 117

خَشْيَةُ فَوْتِهَا فِي آخِرِ وَقْتِهَا.... 66

خَمْسٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّأِ الْعَيْشُ 108

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ. 258

ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةً. 275

ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ . 65

رَبُّكَ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ.... 198

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا 271

رِضْوَانُ اللَّهِ وَ الْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ 49

سبحان الله ! ماذا تُستقبلون؟ 30

سِلْمٌ لِمَنْ خَالَطُو. 273

سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا. 228

شِعْتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَا يَتَنَا. 269

صَحِيفَةُ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. 297

صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ. 117

صَغُرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ..... 284-283

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ . 71

ضَرْبَةُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ. 234

صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي. 186

ص: 333

عَلَى مَا لَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِدَارَهُ. 287

عَمَلُكَ حَتَّى تُقْبِضَ وَأَنْتَ فِي أَفْضَلِ الْأَعْمَالِي. 124

عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ..... 66

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ. 61

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ .... 62

فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخَذَ الْقَلِيلَ خَيْرٌ مِنْ تَرَكِ الْكَثِيرِ . 282

فَالزُّمُوهَا وَتَنَافَسُوا فِيهَا. 282

فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ.... 238

فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهَا. 282

فَإِنَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ مَوْتٌ ذَرِيعٌ يَخْتِطِفُ النَّاسَ اخْتِطَافًا ..... 62

فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُبَّتْكَ.. 186

فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ 185

فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسَكَ. 185

فُرْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ..... 179

فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ..... 246

قَصِيرَهَا فِي حَوْرِهِ خَشْنَاءً.. 20

فَعَظَّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ 124

فَعَظَّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ. 133 - 134 - 143 - 152 - 156

فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَائِقِ . 282

فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَائِقِ فَالزُّمُوهَا وَتَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخَذَ الْقَلِيلَ خَيْرٌ مِنْ تَرَكَ الْكَثِيرِ . 289

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ، فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟ .. 225

فَلَا يُشْتَهَىٰ مَا لَا يَجْدُ... 286

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ..... 246

فَلْيَطِيبْ كَسْبَهُ.... 140

فَمَنْ قَامَ بِحَقِّهِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحَقِّهِ اللَّهُ .. 135

فَمَنْ يَمُتْ يَرْنِي... 28

فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟. 225

فَهَنْ بَلَغَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الزَّمَانُ. 66

فَيُفْسِدَ دِينَكَ ..... 207

قال الله تبارك و تعالیٰ یا عبادى! سِتَّةٌ مِنِّى وَ سِتَّةٌ مِنْكُمْ. 126

ص: 334

قال فأذهب فبره. 225

قال فلما ولي قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لو كانت أمة. 226

قال قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) جعلت فداك يا ابن رسول الله، هل يكره المؤمن على قبض روحه؟ قال لا والله، إنه إذا أتاه ملك الموت لقبض روحه، جزع عند ذلك، فيقول له ملك الموت يا ولي الله، لا تجزع فوالذي بعث محمدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) لأننا أبر بك وأشد فق عليك من والدي رحيم لو حصه رك افتح عينك فانظر قال ويمثل له رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين والأئمة.. 72

قال هذا حبيبي جبرئيل يخبرني عن الله جل جلاله أنه قد أعطى محبتك وشيعتك سبع خصالي.... 268

قال يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل ويشكر اليسير 103

قد اختلفوا من بعده فمنهم من آمن ومنهم من كفر.. 181

قراءة القرآن في المصحف تخفف العذاب عن الوالدين ولو كانا كافرين 228

قل لهم، إن رحمتي سبقت غصي فلا يقنطوا من رحمتي . 218

قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة. 137

كان خارجاً من سلطان بطنه. 284

كان لا يشكو وجعاً. 287

كان لا يلوم أحداً.... 287

كان لي فيما مضى أخ في الله وكان يعظمه في عيني. 283

كل ذنب يكفره القتل في سبيل الله عز وجل إلا الدين. 142

كان رسول الله إذا اهل شهر رمضان... 33

كيف محافظتهم عليها .. 66

لا ترخص لنفسك في مطاوعة الهوى وإيثار لذات الدنيا 20

لا يتيقن الوصول إلى رضوان الله.... 216

لَا يَرُدُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مَنْ أَكَلَ مَالًا حَرَامًا لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهُ..... 285

لَا يَمِيزُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ. 88-216

لَا يَصْغُرُ مَا يَضُرُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. 100

لَا يُكْثِرُ إِذَا وَجَدَ..... 286

لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا.. 258

لَأَنَّ بِالْتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ.. 187

لَأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ. 258

لَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَرْزَاقَهُمْ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ جَعَلُوا لِرَبِّهِمْ وَاحِدًا وَ أَكَلُوا أَرْبَعَةَ أَجْلَاءَ

ص: 335

ثُمَّ قَالَ هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَلَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُمْتَحَنٌ قَلْبُهُ

لِلْإِيمَانِ. 145

لِكُلِّ شَيْءٍ عَاقِبَةٌ. 41-50

لِكُلِّ شَيْءٍ عَاقِبَةٌ... 37

لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي بِلَادِهِ خُمْسٌ حُرْمٌ. 248

لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ... 185

لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. 185

لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ وَ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهُ. 259

لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا..... 181

ما تفسير القناعة. 103

مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى ثَوَابِكِ وَلَا أَرْضَى لَكَ

بُدُونِ الْجَنَّةِ... 166

مَا مِنْ عَمَلٍ قَبِيحٍ إِلَّا قَدْ عَمِلْتَهُ. 255

مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ... 246

ما ينبغي لامرئ مسلم أن يبيت ليلةً إلا وصيته تحت رأسه... 63

مات يهودياً، مات نصرانياً. 37

مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ . 263

مَنْ أَشْفَقَ عَلَى نَفْسِهِ لَمْ يَظْلَمْ غَيْرَهُ... 150

مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي وَ مَنْ أَنْكَرَ نُبُوتِي فَقَدْ كَفَرَ 279

مَنْ بَاعَ عَيْبًا لَمْ يُبَيِّنْهُ. 259

مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ... 295



مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا.. 206

مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ.. 259

مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ 260

مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا..... 260

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ . 262

مَنْ لَمْ يَصْحَبِ الْإِخْلَاصَ عَمَلُهُ لَمْ يَقْبَلْ . 224

مَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيُنَّمُ عَلَيْكَ . 258

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْآجَالِي . 245

نحن الذين من بعدهم وقال فنحن الذين آمنوا وهم الذين كفروا..... 184

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةً أَعْمَالِنَا . 77

ص: 336

وَاجْعَلْ لِي إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا.. 122

وَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا.. 122

وَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمِّتْنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا.. 119

وَاجْتَمِ لِي بِالسَّعَادَةِ. 119

وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا .....76

وَازْرَتْنِي عَلَىٰ دِينِ اللَّهِ. 117

وَاسْعَ لِمَلِكٍ لَا زَوَالَ لَهُ فِي مَنْزِلٍ لَا انْتِقَالَ عَنْهُ 116

وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ انصافًا. 165

وَاعَانَتْنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا. 117

وَاعْظُمُكُمْ حِلْمًا. 165

وَاقْلِلْ مِنَ الذُّنُوبِ يُخَفِّفْ عَلَيْكَ الْحِسَابُ 107

وَاقْلِلْ مِنَ الذُّنُوبِ يُخَفِّفْ عَلَيْكَ الْحِسَابُ.. 99

وَاقْنَعْ بِمَا أُوتِيْتَهُ يَسْهُلْ عَلَيْكَ الْمَوْتُ 103

وَاقْنَعْ بِمَا أُوتِيْتَهُ يَسْهُلْ عَلَيْكَ الْمَوْتُ.. 107

أَكْرِمُ كُلِّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَذْكُرُنَا أَوْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا ثُمَّ لَيْسَ عَلَيْكَ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا إِنَّمَا

لَكَ نَيْتُكَ وَعَلَيْهِ كَذِبُهُ. 162

وَالْأَمْنُ عِنْدَ الْفَزَعِ. 269

وَالْأَنْسُ عِنْدَ الْوَحْشَةِ. 269

وَالْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْعَيْبِ. 252

وَالْجَوَازُ عَلَى الصِّرَاطِ. 269

وَالَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا. 271

وَ الرَّشْوَةُ بِالْهَدْيَةِ... 60

وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ... 269

وَ اللَّهُ، اللَّهُ أَشَدُّ حُبًّا لَهُ مَتَى.. 264

وَ الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ. 252

وَ الثُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ..... 269

وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءَ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ..... 141

وَ أَنْ تَغْتَرَّ بِجُلْمِهِ عَنْكَ. 159

وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ..... 238

وَ إِنْ قَدَرَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِلَّا طَاهِرًا. 66

وَ أَنْ لَا يَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ. 153

ص: 337

وَإِنْ نَعَمَ اللَّهُ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعِبَادُ... 125-133

وَ انْظُرِ الْعَمَلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يَأْتِيكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَيْهِ فَاعْمَلْهُ. 113

وَ تَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً. 94

وَ تَصَرَّمْتُ مُدَدُ أَعْمَارِنَا. 74

وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. 79

وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبُرْزَخِ. 122

وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. 264

وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ مِنَ الْأُمَّمِ. 269

وَ قَدَّمَ مَالِكَ أَمَامَكَ يَشْرِكُ التَّحَاقُّ 109

وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَهُ أَمْرَانِ يَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَيَّ الْهُوَى فَيَخَالِفُ ..... 288

وَ كَانَ إِذَا غُلِبَ عَلَيَّ الْكَلَامَ لَمْ يَغْلِبْ عَلَيَّ السُّكُوتِ 288

وَ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتًا.. 287

وَ كَانَ عَلَيَّ مَا يَسْمَعُ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَيَّ أَنْ يَتَكَلَّمَ. 288

وَ كَانَ يَقُولُ مَا يَفْعَلُ وَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ. 288

وَ لَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ..... 166

وَ لَا تَسْتَأْغِلْ عَمَّا فُرِضَ عَلَيْكَ بِمَا ضَمِنَ لَكَ 114

وَ لَا يَتَيَقَّنُ الْوَصُولَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ. 88

لَا يَشْرَبُ مِنْ حَوْضِهِ... 285

وَ لَا يَبَالُ شَفَاعَتَهُ. 286

وَ لَا يَنْدَمُ مِنْ عَمَلٍ بِهَا... 187

وَ لِيُخْرِجُ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ. 141

وَمَا مِنْ نِكَبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا يَذُنُّ... 132

وَمَنْ أَحْتَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ. 179

وَمَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا. 206

وَمَنْ ظَلَمَ لَكَ سَيَظْلِمُكَ.. 258

وَنَذَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ. 258

وَوَجَبَ تَقْدِيمُ الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا. 66

وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ. 259

وَيَحُجُّ فِيهِ لِغَيْرِ اللَّهِ. 61

وَيَسْتَحِلُّ فِيهِ أَمْوَالِ الْيَتَامَى. 55

وَيَصُمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ... 112

ص: 338

وَيَطْفَأُ فِي الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينِ.. 58

وَيُعْلَنُ فِيهِ الرَّيَا 55

وَيَمْسَى حَيًّا وَيُصْبِحُ مَيْتًا 62

وَيُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ..... 112

وَيُؤْكَلُ فِيهِ الرَّيَا.. 57

والخيانة بالامانه 61

،والله تخوف عليكم في البرزخ. 123

وان هذا المثل من اشد الامثال انطباقا على الممثلين و نسال الله تعالى البصيره و الهدايه و نعوذ به من الغفله و الضلاله 75

وَبِأَلَا وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ..... 246

وَجَبَّ التَّقَدُّمُ فِيهِ الْوَصِيَّةَ قَبْلَ نُزُولِ الْبَلِيَّةِ..... 62

وَضَرْبُهُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ. 272

وَلَا تَوَقُّفْنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبِ اجْتِرَاحِنَا، وَلَا مَعْصِيَةِ افْتَرَقْنَاهَا ... 77

وَلْتَصْنَعْ وَيَنْتَهَكْ فِيهِ .المحارم. 55

وَيَتَشَبَّهُ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ. 61

وَيَسْتَحِلُّ الْخَمْرُ.. 60

وَيَسْتَحْفَفُ بِحُدُودِ الصَّلَاةِ.. 61

وَيَلُّ لِمَنْ أَدْخَلَ فِي بَطْنِهِ نَارًا. 285

يَا أَبَا بَصِيرٍ! قَدْ وَفَى صَاحِبُكَ لَنَا.. 221

يَا اِبَادِر! لَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ، وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ... 99

يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ! إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي أَعْطَيْتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي 218

يا رسول الله و ذلك في سلامة من ديني؟ 96

يا رسول الله! أتحبُّ هذا؟ 264

يا رسول الله وحيُّ نَزَلَ أَوْ عَدُوَّ حَضَرَ؟ .. 30

يا على!... وإذا رأيتَ الناسَ يشتغلونَ بكثرةِ العملِ فاشتغلِ أنتَ بصفوةِ العملِ 224

يا فضيلُ، تجلسونَ وتُحدِّثونَ؟. 270

يا محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا (صلى الله عليه وآله وسلم) إِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لَأَشَدُّ مَعْرِفَةً لَهُ مِنْ أَهْلِ  
الأرضِ. 264

ص: 339

يا ولى العافيه، استلك العافيه، عافيه الدنيا والآخره. 34

يا يا أبا بصير! قد وفينا لصاحبك. 221

يأتي على الناس زمان .....55

يرتفع فيه الفاحشه. 55

يعني قوماً آخرين زرعوا الفجور. 237

ص: 340



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

